

بسم الله الرحمن الرحيم





# الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله العالی  
رهبر معظم انقلاب اسلامی

## نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری حوزه نمایندگی ولی فقیه  
در امور حج و زیارت

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی

# نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری حوزه نمایندگی ولی فقیه  
در امور حج و زیارت



و ترجمه و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خاتمی‌نژاد



برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای  
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: مرکز پژوهشهای علوم انسانی اسلامی صدرا  
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه عطارد، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۵ - ۶۶۴۸۳۶۹۵

صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵ سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۲۰۱۲۰

Book@khamenei.ir

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۹
بخش اوّل: نقد رویکردهای نظری در مورد الگوهای پیشرفت .....	۱۵
انواع رویکردها نسبت به پیشرفت در ایران .....	۱۷
نقد رویکرد تقلیدی .....	۱۸
نواقص فرهنگ غرب .....	۲۲
چند نمونه از ناکامی‌های مدل غربی پیشرفت .....	۲۵
نقاط اشتراک اسلام و غرب .....	۳۳
بخش دوّم: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت .....	۳۷
فصل اوّل: اهمّیت و اهداف پیشرفت .....	۳۹
اهمّیت پیشرفت در اسلام .....	۴۲
اهداف پیشرفت .....	۴۳
فصل دوّم: مبانی الگوی پیشرفت اسلامی .....	۵۱
اهمّیت مبانی .....	۵۳
نقش مبانی معرفتی در تعیین الگوی پیشرفت .....	۵۳
نقش مبانی انسان‌شناختی در پیشرفت .....	۵۶
رابطه‌ی ارزشها و پیشرفت .....	۵۸
اهمّیت ارزشها در الگوی اسلامی پیشرفت .....	۵۸
تصوّر باطل تعارض ارزشها و پیشرفت .....	۵۹
ثبوت همیشگی ارزشها .....	۶۲

۶۲	عدم تفاوت نیازهای اصولی بشر در طول زمان.....
۶۵	مهمترین ارزشهای انقلاب اسلامی.....
۶۷	ارزشهای ثابت و روشهای متغیر.....
۶۸	منابع و مبادی اخذ الگو.....
۷۳	جایگاه و ویژگی های نهایی الگو.....
۷۷	بخش سوّم: مفهوم، ابعاد، شاخصها و حدود پیشرفت .....
۷۹	مفهوم پیشرفت.....
۸۰	دلیل انتخاب مفهوم پیشرفت به جای مفهوم توسعه.....
۸۶	عرصه های پیشرفت.....
۸۹	مؤلفه ها و شاخصهای پیشرفت.....
۸۹	برخی ملاحظات.....
۱۱۹	محتوای اسلامی پیشرفت.....
۱۲۰	قضیه ی معاد.....
۱۲۱	عدم تفکیک دنیا و آخرت.....
۱۲۲	مسئله ی انسان.....
۱۲۳	مسئله ی حکومت.....
۱۲۵	حدّ پیشرفت.....
۱۳۱	بخش چهارم: شرایط و مقدمات پیشرفت .....
۱۳۳	فصل اوّل: شرایط و مقدمات موجود .....
۱۳۵	مقدمه.....
۱۳۵	دلیل انتخاب این مقطع زمانی برای تدوین الگو.....
۱۵۳	فصل دوّم: شرایط و مقدمات پیشرفت در وضع موعود .....
۱۵۵	مقدمه.....
۱۵۶	الف) الزامات و شرایط علمی پیشرفت .....

ب) الزامات و شرایط فرهنگی و اجتماعی پیشرفت.....	۱۶۳
ج) الزامات و شرایط اقتصادی پیشرفت .....	۲۱۳
د) الزامات و شرایط سیاسی پیشرفت .....	۲۱۷
ه) الزامات و شرایط معنوی و رفتاری .....	۲۳۷
و) اقامه‌ی دین؛ شرط اصلی و نهائی پیشرفت .....	۲۵۴
نکاتی در مورد الزامات روش شناختی پیشرفت .....	۲۵۹
ضرورت استفاده از راههای میانبر.....	۲۵۹
هشدار در خصوص بیراهه‌ها.....	۲۵۹
نفی تقلید.....	۲۶۱
تأکید بر استفاده از شیوه‌های علمی.....	۲۶۳
نقش و اهمیت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در پیشرفت .....	۲۶۴
اهمیت برنامه‌ریزی.....	۲۶۵
الزامات برنامه.....	۲۶۶
شاخصهایی در زمینه‌ی چشم انداز و سیاستهای کلی .....	۲۷۱
فصل سوّم: آفات و موانع پیشرفت .....	۲۷۷
مقدمه .....	۲۷۹
ضرورت پیش‌بینی راه و آفات.....	۲۷۹
گلوگاه‌های فساد.....	۲۸۶
اهمیت مبارزه با فساد مالی و اقتصادی.....	۲۸۷
ب) موانع و آفات بیرونی پیشرفت .....	۲۹۴
چالش‌ها؛ عاملی برای پیشرفت.....	۳۰۱
بخش پنجم: جایگاه عدالت در مدل اسلامی پیشرفت .....	۳۰۳
اهمیت عدالت.....	۳۰۵
عدالت و پیشرفت توأمان.....	۳۱۹

۳۱۹.....	ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور.....
۳۲۳.....	بخش ششم: ارزیابی وضعیت پیشرفت در کشور.....
۳۲۵.....	ضرورت و اهمیت ارزیابی.....
۳۲۷.....	بررسی اجمالی وضعیت پیشرفت کشور در دوران قاجار و پهلوی....
۳۳۰.....	وضعیت کنونی در مقایسه با قبل از انقلاب.....
۳۳۴.....	پیشرفت سیاسی.....
۳۳۶.....	پیشرفت علمی.....
۳۳۹.....	پیشرفت فرهنگی.....
۳۴۰.....	پیشرفت اقتصادی.....
۳۴۵.....	وضعیت ما در مقایسه با همسایگان.....
۳۴۶.....	وضعیت ما در مقایسه با کشورهای صنعتی.....
۳۴۹.....	مقایسه با آرمانها، توقعات و ظرفیت ملت.....
۳۵۶.....	ارزیابی و توقع پیشرفت در عرصه های علمی.....
۳۶۱.....	فصل، فصل جهش است.....
۳۶۲.....	پیشرفتهای ناقص یا ضعیف.....
۳۶۶.....	شرایط کلی پیشرفت کشور.....

## مقدمه

توسعه یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مقوله‌های رایج در جامعه‌ی علمی و افواه عمومی است. مقوله‌ی توسعه و پیشرفت هم در شکل‌دهی به بنیانها، هم در تعیین اهداف و هم در تشخیص و تعریف ارزشهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه معاصر نقشی اساسی ایفا می‌کند. اگر از اندیشمندان عرصه‌های مختلف علمی سؤال بشود هدف و مقصود آنها در تحقیق و تعلیم چیست، به احتمال بسیار زیاد، یکی از عمومی‌ترین پاسخها، تلاش برای نیل به توسعه خواهد بود. همینطور است نگاه عموم افراد در جوامع مختلف به این موضوع. شاید نتوان جامعه یا گروهی پیدا کرد که ارزشی برای مقوله‌ی پیشرفت و توسعه قائل نباشد.

حال سؤال اصلی این است که اساساً جامعه‌ی علمی و مردم چه تعریفی از این مفهوم ارائه میکنند؟ شاخصها و ابعاد پیشرفت کدامند و معیار ارزیابی پیشرفت یا عدم آن چیست؟ چه مدلهای و الگوهای برای نیل به این آرمان تدوین و تصویب شده است؟ و محاسن و معایب الگوهای مختلف توسعه کدامند؟

دانشمندان و محققان حوزه‌های گوناگون علمی، پاسخهای متفاوتی برای هر کدام از پرسشهای مذکور فراهم دیده‌اند. بحث و جدل در این خصوص بسیار و مکتوبات و مشروحات نیز پر شمار است. آنچه در این میان نمود بیشتر و برجسته‌تری یافته است، رویکرد و نگاه غربی به توسعه می‌باشد. علت این برجستگی نیز در دو چیز است: اول، توفیقات شگرف و شیرین در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی. دوم، شکستها و آثار فاجعه بار در این عرصه‌ها، خاصه در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی

و اجتماعی است. این مدل و نگاه به توسعه دارای چه ویژگی‌ها و امکاناتی بوده که بشر را در ابعادی پیش برده است؟ چه معایب و نقاط خلایبی در آن وجود داشته که نه تنها نتوانسته بشر را به کمال مطلوب برساند بلکه موجبات سقوط و انحطاط روزافزون آن را نیز فراهم ساخته تا جایی که همان دستاوردهای شگرف و شیرین نیز تلخ‌ترین حوادث تاریخ بشر را رقم زده است. «گیدنز» جامعه‌شناس برجسته‌ی انگلیسی، مدرنیته را همچون گردونه‌ای خردکننده می‌داند که مهار آن از دست بشر خارج است:

«لوکوموتیو بسیار قدرتمند و سرکشی که تمامی نوع بشر تا اندازه‌ای می‌توانند از آن سواری گیرند اما هر آن ممکن است مهارش از دست ما بیرون رود و سر خود به راهش ادامه دهد. این گردونه‌ی خردکننده آنهایی را که در برابرش مقاومت میکنند، در هم میکوبد و هر چند که گاه به نظر میرسد راه مطمئنی در پیش گرفته است اما بارها پیش می‌آید که یکباره در جهاتی منحرف میشود که برای ما قابل پیش‌بینی نیست؛ این گردونه‌ی ماشینی، غالباً شوق برانگیز و سرشار از بشارتهای امیدوارکننده است. اما تا زمانی که نهادهای نوگرایی پا بر جای‌اند ما هرگز نخواهیم توانست مسیر یا سرعت این گردونه را تحت نظارت خود در آوریم. همچنین تا این گردونه در حرکت است، هرگز احساس ایمنی نخواهیم کرد؛ زیرا مسیر این گردونه سرشار از بیم پیامدهای سهمناک است»<sup>۱</sup>.

از نظر «باومن» کشتار جمعی به عنوان یک عملکرد پیچیده و هدفمند، میتواند انگاره‌ای از عقلانیت دیوانسالار جدید را به نمایش بگذارد.<sup>۲</sup> عقلانیتی که یکی از نقاط فخر و عجب غربیان است. به نظر باومن، کشتار جمعی فرآورده‌ی نوگرایی است و نه نتیجه‌ی از هم گسیختگی آن.

۱. ریتز، جورج، نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات

علمی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ص ۷۶۵

۲. همان، ص ۷۸۸



«بودریلار» جامعه‌شناس معاصر نیز در یکی از کارهای اخیرش با عنوان «آمریکا» میگوید که در دیدار از این کشور «صورت کامل شده‌ی مصیبت آینده» را پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

اما چرا اینگونه شد و این نتایج و مصائب ناشی از کدام خطا یا اشتباه در الگوی توسعه‌ی غربی است؟ گیدنز در این زمینه چند دلیل را مطرح میکند: دلیل نخست، خطاهای طراحی است. از نظر ایشان آنهایی که عناصر جهان نوین را طراحی کردند، اشتباه کردند. ایشان همچنین اشتباه اجراکنندگان، پیامدهای پیش‌بینی نشده و توانایی بازاندیشی را از دیگر عوامل ایجاد این مخاطره میدانند.<sup>۲</sup>

آنچه در اینجا مهم است همان خطای در طراحی است که سایر عوامل و دلایل را نیز تابع خود میسازد. در اینجا مجالی برای بررسی دقیق این موضوع نیست. اما به اجمال باید گفت بشر مدرن متکبرانه ادعای تدوین الگوهای نیل به تعالی و توسعه در همه‌ی ابعاد را با ابتنا بر عقلانیت فردی و اتکا بر خرد بریده از وحی مطرح کرد، در حالی که خود محصوریت بشر را در حدود زمانی و مکانی به خوبی میدانست. همین تفرعن، وی را به تدوین الگوهای نفس‌مدار و شهوت‌محور کشاند که نتایجی چنین فاجعه‌آمیز به بار آورده است.

«آندره گوندر فرانک» یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان توسعه است که مفاهیم نو و بدیعی در خصوص مدلها و الگوهای توسعه عرضه نموده است. وی ابتدا در قالب نظریه‌ی وابستگی، رویکردی تقابلی با الگوی توسعه‌ی سرمایه‌داری در پیش گرفته بود اما در دهه‌ی نود مایوسانه ایده‌های خود را مشکوک دانست. از نظر وی، روزبه‌روز بیشتر آشکار میشود که مطالعات توسعه راه حل مشکلات توسعه نیستند. نکته‌ی مهم در اینجا این است که فرانک همین مطالعات را خود بخشی از مشکل میدانند؛ زیرا هم مشکل واقعی و هم راه‌حل واقعی را انکار و

۱. همان، ۸۱۹ ص

۲. همان، ۷۶۹ ص

پنهان میکنند.<sup>۱</sup>

از نظر ایشان، در حقیقت طراحان مدلهای توسعه، خود مشکل و معضل اصلی در مدار پیشرفت بشر هستند. با انقلاب اسلامی، تردید در کفایت نگاه غربی به توسعه بیشتر و در عین حال پنجره‌ای جدید رو به انسان سرگشته‌ی معاصر باز شد. امام خمینی (ره) با ایمان کامل به مبانی مستحکم توحیدی، انقلاب اسلامی را راهبری نموده و با مدد الهی و مشارکت مردم به فرجام رساند. در طی زمان، ایده‌ها و اندیشه‌های نورانی امام، عمق و صلاحیت عملی خود را روزبه‌روز بیشتر نمایان کرد. در مقابل، نقاط کور و معیوب اندیشه‌ی غربی بیش از پیش سر باز کرده و ناتوانی خود را در حلّ معضلات جامعه‌ی انسانی نمایان ساخت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأسی از اندیشه‌های ناب امام راحل، وظیفه‌ی راهبری جامعه‌ی اسلامی ایران را بر عهده گرفت و در این مسیر بر استقامت بر اصول اسلامی تأکید نمود.

به طور کلی، بعد از وقوع انقلاب اسلامی، برنامه‌ها و مدلهای مختلفی برای پیشرفت نظام اسلامی طراحی و اجرا شد. بدیهی بود که جامعه نمی‌توانست منتظر تدوین یک الگوی عملیاتی دقیق مبتنی بر تفکر توحیدی بماند، بلکه باید پیش میرفت. در طول سالیان گذشته، خطوط کلی اندیشه‌ی امام و انقلاب، همواره پایه‌ی برنامه‌های توسعه بوده و تلاش شده دچار انحراف نشود. اما در این مسیر، فراز و نشیبها و کمی‌ها و کاستی‌ها کم نبوده است. افراط و تفریط در برخی موارد با تقلید رویکردی خاص و تغلیب آن بر سایر ابعاد زندگی، موجبات ایجاد اشکال و گاه انحراف را فراهم ساخته است. در مقطع کنونی با رشد علمی و فرهنگی جامعه از جهات مختلف، شرایط برای تدوین یک الگوی جامع و کامل مبتنی بر اندیشه‌ی دینی فراهم آمده است. رهبر معظم انقلاب نیز با تکیه بر تجارب گرانسنگ قبلی و توجه به پیشرفتهای

۱. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه، چاپ سوم، ۱۳۸۰

علمی به وجود آمده، ضرورت تدوین این الگو را مطرح نموده‌اند. نکته‌ی مهم در اینجا این است که به جرأت میتوان گفت هیچکس به اندازه‌ی رهبری در تدوین این الگو تلاش نظری و فکری نداشته است. در دیدگاه ایشان، همه‌ی ابعاد و عناصر مطرح برای تدوین یک الگوی مناسب، مورد توجه قرار گرفته است.

در این مجال تلاش شده همه‌ی مطالبی که رهبری در خصوص پیشرفت عرضه داشته‌اند، گردآوری و در چارچوبی مناسب به بازار علم و تحقیق ارائه گردد. در تدوین چارچوب، علاوه بر اینکه به قالبهای علمی مرسوم و متداول در جامعه‌ی علمی توجه شده، منطق و نوع دسته‌بندی مورد اعتنای رهبری، مبنای کار قرار گرفته است.

این تحقیق در حقیقت میتواند دستمایه‌ی کار محققان و متفکران برای تعمیق بیشتر در اندیشه‌های ایشان قرار بگیرد تا بر پایه‌ی آن و با تبیین و تحلیل دقیق و موشکافانه مطالب، گامهای بلندتری به سوی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برداشته شود، ان شاء الله.

امیر سیاه‌پوش



بخش اول: نقد رویکردهای نظری در مورد الگوهای  
پیشرفت



### انواع رویکردها نسبت به پیشرفت در ایران

به واقعیت که نگاه میکنیم، با جوانها که برخورد میکنیم، گزارشها را که مشاهده میکنیم، می بینیم با وجودی که آرمانگرایی در جوانهای ما موج میزند و بدون تردید وجود دارد اما درعین حال، مجموعه‌ی جوان کشور ما - که مجموعه‌ی بزرگی هم هست - همه در برابر احساس آرمانگرایی یکطور نیستند و یکطور فکر نمیکنند:

#### ۱- غافلان

بعضی دچار غفلتند، دچار روزمرگی اند، سرشان گرم مسائل روزمره است و یادشان نمی آید که آرمانی هم وجود دارد - از این قبیل جوانها شما دیده اید؛ بنده هم با اینکه پیرم، اینگونه جوانها را سراغ دارم و میشناسم و دیده ام؛ نه فقط از صفحه‌ی تلویزیون، بلکه در واقعیت هم مشاهده کرده ام.

#### ۲- وادادگان مأیوس

یک دسته هم کسانی هستند که دغدغه دارند اما مأیوس و غمگین و افسرده اند؛ نگاهشان بدینانه است؛ میگویند نمیشود کاری کرد؛ لذا از خیر حیات طَیبه میگذرنند؛ اینها هم با اینکه دغدغه دارند و غافل نیستند، در نهایت به دام غفلت و روزمرگی می افتند. از این قبیل هم شما دیده اید، بنده هم دیده ام. در جلسات جوانها و دانشجویها - که شما

میدانید بنده از این جلسات دارم و کم هم نیست - انسان گاهی نشانه‌های یأس و بدبینی و نگاه منفی را می‌بیند: آقا! چه فایده‌ای دارد؟ نمیشود، فایده‌ای ندارد. البته در بعضی‌ها این احساس سطحی است، در بعضی‌ها هم این احساس عمیق است و تغییر دادن آن مشکل است.

### ۳- مقلدان

یک دسته کسانی هستند که توسعه و رشد و پیشرفت علم و میدان رقابت و آزاداندیشی و امثال اینها را میخواهند اما راه آن را در تقلید مطلق از الگوهای غرب جستجو میکنند؛ فکر میکنند «ره چنان رو که رهروان رفتند». رهروان چه کسانی هستند؟ فعلاً اقلیتی در دنیای امروز، که عبارتند از کشورهای غربی؛ شامل اروپا و کشور ایالات متحده‌ی امریکا و بعضی از کشورهای پیشرفته‌ی دیگر.

### ۴- خودباوران

یک عده هم کسانی هستند که خویش را در خویش میجویند. به قول آن شاعر:

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس<sup>۱</sup>  
اینها فکر میکنند که در مجموعه‌ی اندیشه و معرفت و دستورالعمل موجود در اختیار ملت ایران و یک جوان آگاه و بیدار ایرانی به‌قدر کفایت برای رسیدن به آن الگو به شکل کامل راه وجود دارد. اینها هم کم نیستند. بنده با این مجموعه‌ها هم بسیار برخورد داشته‌ام و آشنا شده‌ام.<sup>۲</sup>

### نقد رویکرد تقلیدی

ما دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته‌ی اساسی، در بحثهای اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی

۱. شعر از میرزا حبیب خراسانی (۸۷-۱۲۲۸ ه. ش.).

۲. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹



را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریت و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدلهای تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد میشود، از دیگران گرفته شده - فلان متفکر فرنگی اینطوری گفته، فلان متفکر کجایی اینطوری گفته - مثل اینکه به آیات قرآن استناد میشود! خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده‌اند؛ ولی ما الان میخواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی استفاده کنیم؛ نه این درست نیست. از تجربه‌ها و دانشها باید استفاده کرد اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.<sup>۱</sup>

روزی که غرب در دوره‌ی رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، میخواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده میدهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده؛ خودشان هم این را میگویند. یک روز اینها با دین مخالفت کردند. البته دینی که روشنفکری اروپا با آن مخالفت کرد، لایق زندگی بشری نبود؛ دین پُر از خرافات بود؛ همان دینی که گالیله را به اعدام محکوم میکند و یکی دیگر را زیر شکنجه می‌کشد؛ به‌خاطر اینکه یک کشف علمی کرده! دین مسیحیت تحریف شده، نه مسیحیت واقعی. ایرادی به جدا شدن از آن دین نیست؛ ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم

۱. در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۲۷

و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی است. علم و عقل را مطلق کردند و گفتند دین کنار برود و علم و عقل بیاید. قرن نوزدهم و بیستم اینطوری گذشته. حدود چهل پنجاه سال است که در عقل هم دارند خدشه میکنند؛ با صدای بلند محکومات عقلی را انکار میکنند و به نسبی‌گرایی و شکاکیت در همه‌ی اصول - اصول اخلاقی، اصول عقلانی و حتی اصول علمی - کشانده شده‌اند. این تجربه، تجربه‌ای نیست که کسی از آن تقلید کند. خطاست که ما راه طی شده‌ی به منزل نرسیده‌ی غرب را دنبال کنیم.

یک‌روز در آغاز گشایش دروازه‌ی زندگی غربی به روی ایران - که پیشرفت بود، علم بود، ماشین بود و ایرانی‌ها هیچ چیز نداشتند - سیاستمداران و متفکران و نخبگان آن روز ما به جای اینکه وقتی آن پیشرفت‌ها را دیدند، به فکر جوشش از درون باشند - کاری که امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه کرد و میخواست بکند - شصت سال، هفتاد سال بعد از زمان امیرکبیر، آقایی در دوره‌ی مشروطه پیدا شد که گفت راه نجات کشور ایران این است که جسماً، روحاً، ظاهراً و باطناً فرنگی شود! به جای اینکه برای جبران عقب‌افتادگی‌ها به درون مراجعه کنند و گوهر خویش را جستجو کنند، به جای اینکه خویش را در خویش پیدا کنند، رفتند سراغ اینکه خود را در راه طی شده‌ی اروپا پیدا کنند! آنها این اشتباه را کردند. بعد هم رژیم پهلوی به وسیله‌ی خود انگلیسی‌ها روی کار آمد و پس از آن، امریکایی‌ها جای انگلیسی‌ها را گرفتند. بهترین انتخاب برای امریکا و انگلیس، رضاخان و محمدرضا بودند؛ چون همان نقشه‌ها، همان فرهنگ، همان وابستگی، همان عقب‌افتادگی و همان سرپوش گذاشتن بر روی استعدادهای درونی که غرب مایل بود، در کشور به دست کسانی اجرا میشد که بظاهر ایرانی بودند. امروز خطاست که جوان ما بخواهد آن راه را طی کند. آن راه، راه خطایی است. ما علم را از همه کس میگیریم؛ حرفی نداریم. اسلام به ما گفته:

«اطلبوا العلم ولو بالصَّين»<sup>۱</sup>. صین یعنی چین. چین آن روز وارث یک تمدن کهن و پیشرفته بود، با آن فاصله؛ و مطلقاً هم بویی از اسلام به مشامشان نرسیده بود؛ درعین حال پیغمبر فرمود علم و دانش و تجربه و - به زبان امروزی ما - فناوری را هر جا بود، بروید طلب کنید؛ یعنی شاگرد عالم بشوید، در مقابل عالم زانوی ادب بنزید و از او یاد بگیرید.

من یک وقت در جمع دانشجویی دیگری گفتم هیچ ننگمان نمیکند که علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم؛ اما ننگمان میکند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی میکنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم. ما نمیخواهیم مثل استخری باشیم که آبی را در ما سرازیر کنند و هر وقت هم خواستند، آب را بکشند یا اجازه ندهند بیاید، یا هرگونه آب آلوده‌ای را در این استخر بریزند. ما میخواهیم مثل چشمه‌ی جوشان باشیم؛ میخواهیم از خودمان بجوشیم؛ میخواهیم استعدادهای خود را به کار بگیریم.

پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدلهای پیشرفت، اثر میگذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد؛ بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمیخورد؛ چه نسخه‌ی پیشرفت

۱. بحارالانوار، ج ۱ ص ۱۸۰.

امریکایی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکاندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند - هیچکدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمیتواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. من این بحث را در محیط دانشگاه دارم میکنم؛ معنایش این است که این تحقیق و این پیگیری و این تفحص را شما دانشجوی، شما استاد و شما عنصر دانشگاهی، با جدیت باید انجام بدهید؛ و ان شاء الله خواهید توانست.<sup>۱</sup>

### نواقص فرهنگ غرب

#### ۱- نگاه تک بعدی به توسعه

این فرهنگ، عوامل حفظ رشد حقیقی انسان را در خود نداشت. آنها غافل بودند و متوجه این نکته نشدند. مثلاً - فرض بفرمایید - شما حوضچه یا منبع آبی برای شرب مردم، در محلی ایجاد کنید. در و دیوارش را محکم سازید، تمام منافذش را ببندید، دریچه‌ی ورود و خروج آب منبع را تعبیه کنید و دیگر هیچ نگرانی‌ای از این بابت که آب وارد محفظه خواهد شد و در آنجا باقی خواهد ماند، نداشته باشید. اما در مجاورت قرار گرفتن منبع آب را، با فلان ماده‌ی مسموم‌کننده، پیش‌بینی نکنید. مسلماً این آب، زلال و خنک هم خواهد بود و انسان وقتی بنوشد، لذت هم خواهد برد؛ اما در این آب، به سبب مجاورت با ماده‌ی مسموم‌کننده، میکرب و آلودگی وجود خواهد داشت. شما که منبع آب را تهیه کرده بودید، همه‌ی نکات سلامت آب را در نظر داشتید؛ اما اینجایش را دیگر نخوانده بودید. یک طرف را دیده بودید؛ اما طرف نامشهود قضیه را ندیده بودید.

اغلب مکاتب بشری، از جمله مکتب سرمایه‌داری غرب هم

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

همین طور است. یک طرفش را دیده‌اند. آن طرفی که انسانها را به کار و تلاش و پیشرفت و رشد مادی و ثروت و علم میکشانند، دیده‌اند و درست هم بوده است. اما طرف دیگرش را ندیده‌اند، که در این جامعه‌ای که آسمانخراشها وجود دارد و ثروتها و تجمّلات هست، فقر و بیچارگی افراد زیادی از انسانها هم هست. از گرسنگی مردن هم هست. ظلم هم هست. بدتر از همه، فساد همه‌گیری هست که به داخل خانه‌ی همه‌ی کسانی که از این وضع لذّت میبرند، نفوذ میکند و زندگی را بر آنها تلخ خواهد کرد. خب؛ این معضل، گریبانگیر شد و کار را خراب کرد. هنر یک مجموعه و یک مکتب، این است که همه‌ی عوامل در آن جمع باشد و الا اگر یک مکتب، فقط جهانگیری‌اش خوب باشد، میتواند فتوحات کند؛ اما نمیتواند نگه‌دارد. منابع طبیعی را خوب میتواند حفظ کند؛ ولی از حفظ منابع انسانی، ناتوان است. رشد مادی میتواند بدهد؛ اما در دادن رشد معنوی میماند. بالاخره، مساوات را در بین آحاد مردم، میتواند برقرار کند؛ ولی نهایتاً المثنای مکتب کمونیسم میشود! کمونیستها همه چیز را دولتی کردند؛ همه چیز را کوپنی کردند و برای اینکه مردم، مساوی شوند، سرمایه‌های شخصی را بکلی از آنها گرفتند. بسیار خب! کسی که ثروتمند بود، ثروتش را از دست داد و همه مساوی - یعنی تقریباً فقیر - شدند! فرضاً یک جا اغنیا را هم به دم تیغ دادند تا فقرا سودی ببرند. ادعایشان این بود که در طبقات پایین جامعه، به‌هرحال، مساواتی به وجود آورند. اما در طبقات بالا، تبعیض و اختلاف طبقاتی‌ای که در کشورهای دیگر بود، اینجا چند برابر شد! ما کشورهای کمونیستی را دیده بودیم. بنده در زمان مسئولیت دولتی خود، در مسافرتها‌یی که به کشورهای کمونیستی کردم، وضع فقیر و غنی‌شان را از نزدیک دیدم. در طبقات پایین جامعه، مردم نان برای خوردن نداشتند. اما در رأس حکومتها‌یشان، چنان جاه و جلال و فرعونیت و امپراتوری‌ای به وجود آمده بود، که شانه به شانه‌ی سرمایه‌داری بزرگ جهانی میسایید! انگار نه انگار که به گفته‌ی خودشان سوسیالیست هستند!

آری؛ وقتی یک مکتب ناقص باشد، وضعیّت، بهتر از این نمیشود.

یک طرف را درست میکند، طرف دیگر خراب میشود!<sup>۱</sup>

■ در نظامهای مادی آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفتهای مادی خوب است؛ اما در مورد همان پیشرفتهای مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما الان مثلاً می‌بینید که در کشور ثروتمندی مثل امریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما می‌میرد، از گرما می‌میرد، از گرسنگی می‌میرد. طبقه‌ی متوسطی در آنجا زندگی میکنند که اگر شبانه‌روز، تمام‌وقت، با همه‌ی توان کار نکنند، نمیتوانند شکمشان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست. بله تولید ناخالص داخلی‌اش را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ اینکه دلیل نشد. یعنی حتی در برخورداری‌های مادی هم عدالت نیست، همه‌گیری نیست؛ یعنی همه برخورددار نیستند؛ چه برسد به برخورداری معنوی؛ آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزکاری نیست، پاکدامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست؛ و نیست و نیست و نیست.

این، آن پیشرفتی نیست که کشور اسلامی و جامعه‌ی اسلامی دنبال آن است. آن خوشبختی‌ای که ما برای جامعه‌ی اسلامی، برخورداری‌ای که برای جامعه‌ی اسلامی قائلیم، فقط این نیست که شما اینجا نگاه میکنید؛ بلکه برخورداری مادی و معنوی. یعنی فقر نباید باشد، عدالت باید باشد، تقوا و اخلاق و معنویت و پرهیزکاری هم باید باشد. این، آن هدفی است که باید دنبال او برویم.<sup>۲</sup>

## ۲- بی‌توجهی غرب به معنویات

آنچه مهم است، این است که در یک جامعه‌ی روبه‌رشد و دارای آرمانهای والای علمی و اجتماعی و دنیایی، اگر یک جریان متنفذ

۱. در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۵/۲/۲۶

۲. در دیدار دانشجویان سراسر کشور، ۱۳۸۷/۷/۷

فرهنگی وجود داشته باشد که تلاشها و حرکت این جامعه را هدایت کند، این جامعه به خیر و صلاح و فلاح خواهد رسید؛ اما اگر یک چنین جریان فرهنگی دینی الهی و معنوی در جامعه‌ی در حال رشد و توسعه‌ی علمی وجود نداشته باشد، نتیجه همان چیزی می‌شود که شما امروز در جوامع پیشرفته‌ی غربی دارید مشاهده می‌کنید. هرچه پیشرفت بیشتر است، دوری از صلاح و انسانیت و عدالت هم بیشتر است. اوج تمدن مادی از لحاظ علم و ثروت و قدرت نظامی و تلاش سیاسی و دیپلماسی را امروز شما در امریکا می‌بینید. امریکا کشوری است دارای ثروت و قدرت افسانه‌ای نظامی و تحرک سیاسی فوق‌العاده؛ اما اوج دوری از انسانیت و معنویت و اخلاق و فضیلت را هم شما در همین جامعه‌ی امریکایی می‌بینید، که قبل از این در هیچ جامعه‌ی دیگری دیده نشده است. امروز مستنکرترین کارهای بشری، اخلاقی، جنسی و اجتماعی در همین جامعه‌ی پیشرفته و جوامع نظیر آن به شکل قانون و عرف مقبول درآمده است. گناه در همه‌ی جوامع بشری هست؛ اما گناهی که عرف و قانون بشود و برای آن سرمایه‌گذاری و از آن دفاع شود، انحرافی بی‌نظیر است. امروز این انحراف، در جامعه‌ی امریکایی به عنوان پیشرفته‌ترین جامعه‌ی علمی، صنعتی، مالی، اقتصادی و سیاسی به روشنی و وضوح مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

### چند نمونه از ناکامی‌های مدل غربی پیشرفت

#### ۱- شیوع جنایت و جنگ

محصول تجربه‌ی غرب در نظامهای اجتماعی، یکی فاشیسم است؛ حکومت نازی، یکی کمونیسم است؛ حکومت بلوک شرق سابق، یکی هم لیبرالیسم است؛ حاکمیت مطلق‌العنان امروز دنیا، که مظهرش امریکا است و نور چشمی و عزیزکرده‌اش هم اسرائیل است. همه‌ی جنایتهایی که تقریباً در طول صدوپنجاه سال اخیر صورت گرفته - از

۱. در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۲/۱۸

آغاز روشنفکری غربی در عرصه‌ی عمل - محصول تجربه‌ی غرب است؛ یک قلم آن، دو جنگ جهانی است که میلیون‌ها کشته بر ملت‌ها تحمیل کرد؛ بدون اینکه خودشان بخواهند. گروه‌های سیاسی در اروپا، در فرانسه و در سایر کشورها چقدر تلاش کردند که از جنگ جهانی اول پیشگیری کنند - با مقالات آتشین، با نطق‌های مهیج، با اجتماعات گوناگون - اما نشد که نشد. نمونه‌ی دیگرش را بعد از گذشت تقریباً نود سال از وقوع جنگ جهانی اول، در تهاجم امریکا به عراق ملاحظه کردید. دیدید که در دنیا چقدر راهپیمایی شد؛ دیدید که ملت‌های اروپایی تظاهرات میلیونی راه انداختند؛ اینکه دیگر در روزنامه‌ها منعکس شد و از تلویزیون‌ها پخش گردید. در همین کشورهای اروپایی تظاهرات میلیونی راه انداختند برای اینکه از تهاجم امریکا و انگلیس به عراق جلوگیری کنند؛ اما نشد. تمام تلاش‌های مخلصانه‌ای که در طول این مدت از سوی بعضی از گروه‌ها انجام گرفت - که البته مخلصانه بود، منتها غلط بود؛ چون بر پایه‌ی نادرستی استوار شده بود، که عرض خواهم کرد - بیهوده شد.

چند سال قبل، از یک نویسنده‌ی قوی فرانسوی رمانی خواندم به نام «خانواده‌ی تیبو»<sup>۱</sup>. البته آن نویسنده، معروف نیست؛ اما این رمان خیلی قوی است. معمولاً رمان‌های بزرگ و قوی فرانسوی‌ها و روس‌ها و دیگر کشورهای که رمان‌های بزرگ از آنجاها منتشر شده، تصویر هنرمندانه‌ی واقعیت‌های زندگی است. شما کتاب‌های بالزاک یا ویکتور هوگو یا نویسندگان روسی را ببینید؛ اینها تصویر هنرمندانه‌ای است از واقعیت‌هایی که در متن جامعه جریان دارد. این کتاب هم همین‌طور است. در آنجا، مجموعه‌های چپ و سوسیالیست در فرانسه و آلمان و اتریش و سوئیس چقدر تلاش کردند برای اینکه بتوانند جلوی جنگ جهانی اول را - که استشمام میکردند جنگی دارد راه می‌افتد - بگیرند؛ اما نتوانستند و همه‌ی این تلاش‌ها هدر رفت. تلاش آنها برای ایجاد حاکمیت سوسیالیستی بود.

<sup>۱</sup> نوشته‌ی روزه مارتن دوگار (۱۹۵۸ - ۱۸۸۱ م).



بعد از اندکی، این حاکمیت در روسیه‌ی تزاری به وجود آمد؛ آن هم شد یک تجربه‌ی ناموفق دیگر برای این حرکت غربی. تجربه‌ی شوروی هم تجربه‌ی غربی‌هاست؛ متعلق به شرق نیست. درست است که در بلوک‌بندی می‌گفتند شرق و غرب، اما آن هم متعلق به اروپاست؛ آن هم برآمده‌ی از افکار اروپایی‌ها و از تفکر مارکس و انگلس است؛ یعنی یک تجربه‌ی ناموفق.

## ۲- مسئله‌ی استعمار

یک نمونه‌ی دیگر از ناکامی‌های تجربه‌ی غربی در اداره‌ی بشر و تأمین خوشبختی انسان، مسئله‌ی استعمار است. شما ببینید پدیده‌ی استعمار چه بر سر دنیا آورد. اگر شما به آفریقا مسافرت کنید، یک نمونه‌ی بارز پدیده‌ی استعمار را در آنجا می‌بینید. آفریقا قاره‌ای است که هم استعداد انسانی در آنجا هست، هم استعداد عجیب طبیعی. اروپایی‌ها به آنجا رفتند و با کشتار و قتل و غارت، از بی‌خبری مردم استفاده کردند و حتی مجسمه‌های خودشان را به عنوان آزادکننده‌ی این کشورها در آنجا نصب کردند؛ یک نمونه‌اش کشور زیمبابوه بود. من وقتی به آنجا رفتم، دیدم مجسمه‌ای را در وسط جنگلی - که از تماشاگاه‌های معروف زیمبابوه است - نصب کرده‌اند. گفتم این کیست؟ گفتند مجسمه‌ی سردار انگلیسی است که اوّل بار زیمبابوه را فتح کرد و به انگلیسی‌ها داد! اسم او «رودز» یا «رودز» بود، که کشور زیمبابوه سالهای متمادی به نام او «رودزیا» نامیده میشد! شماها یادتان نیست؛ قبل از انقلاب، زمان جوانی ما، اسم کشور زیمبابوه به رودزیا تغییر داده شد. آمدند کشور را گرفتند، روی منابع دست گذاشتند، انسانها را تحقیر کردند، برده گرفتند و ده‌ها بلا بر سر مردم آوردند؛ آخر هم اسم خودشان را روی آن کشور گذاشتند؛ یعنی این کشور متعلق به ماست! هند یک نمونه‌ی دیگر آن است. اگر کتاب «نهضت آزادی هند» را - که حدود سی و پنج سال پیش بنده آن را ترجمه کردم - ببینید، نشان می‌دهد که در شبه‌قاره‌ی هند چه شده است؛ بنابراین مسئله‌ی استعمار، یک نمونه از تجربه‌ی غربی است.

### ۳- فاشیسم

یک نمونه‌ی دیگر، فاشیسم است. ممکن است کوره‌های آدم‌سوزی‌ای که یهودی‌ها ادعا میکنند، دروغ باشد؛ اما جنایات هیتلر دروغ نیست. فاشیسم یک نمونه از تجربه‌ی غربی است. کمونیسم و اردوگاه‌های کار اجباری و به سبیری فرستادن و بقیه‌ی چیزها از همین قبیل است. لیبرالیسم را هم امروز شما دارید مشاهده میکنید؛ زندان ابوغریب و زندان گوانتانامو و زندانهای دیگر. من در گزارشی خواندم که امریکایی‌ها ده‌ها زندان شبیه ابوغریب و گوانتانامو در سرتاسر دنیا دارند؛ اما هیچکس از آنها خبر ندارد و اجازه‌ی افشا نمیدهند. در افغانستان امریکایی‌ها زندان دارند و خدا میداند در بسیاری جاهای دیگر هم دارند. در گزارشهای موثق این را خوانده‌ایم، امریکایی‌ها هم این را انکار نکرده‌اند. استعمار نوینی که ده‌ها سال بر کشورها حاکم بود و استعمار فرانونی که امروز حاکم است و طرح‌های بلندپروازانه و جاه‌طلبانه و ظالمانه‌ای که نسبت به کشورها دارند، نمونه‌هایی از این جنایتهاست.

### ۴- ساخت بمبهای اتمی و شیمیایی

یک نمونه‌ی دیگر از محصول تجربه‌ی غربی، ساخت بمبهای اتمی و شیمیایی است. تجربه‌ی غربی، تجربه‌ی ناموفقی بود؛ هم برای بشریت ناموفق بود، هم برای مردم خودشان. تصور نشود که اروپا و امریکا برای کشورهای دیگر بدبختی آوردند، اما مردم خودشان را خوشبخت کردند؛ اینطور نیست. البته آنها دنیا را به انسانهای درجه‌ی یک و درجه‌ی دو تقسیم میکنند. آنها معتقدند که انسان به قول خودشان سفید - یعنی انسان اروپایی - انسان درجه‌ی یک است و انسانهای دیگر، درجه‌ی دو هستند. اگر به نفع انسان درجه‌ی یک، هرگونه جفایی به انسان درجه‌ی دو شود، از نظر منطق تمدن غربی و فرهنگ حاکم بر تجربه‌ی غربی ایرادی ندارد! اما اینها حتی برای مردم خودشان هم مفید نبودند. امروز در امریکا و کشورهای غربی علم و ثروت و قدرت نظامی و همه چیز وجود دارد، جز خوشبختی. در آنجا خوشبختی نیست؛ خانواده نابود

شده است؛ آمار جنایت و قتل و انواع و اقسام فسادها حیران‌کننده است؛ احساس امنیت نیست؛ احساس آرامش نیست؛ لذا اغلب جریانهای پوچگرایی از اروپا برخاسته‌اند. زمان جوانی ما هیپی‌ها بودند؛ الان هم انواع و اقسامی از اینها هستند که شماها اسم‌هایشان را شنیده‌اید یا خوانده‌اید یا در تلویزیون فیلم‌هایشان را دیده‌اید.

#### ۵- نبود دموکراسی واقعی

در تجربه‌ی غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست. شما ببینید امروز در کشورهای پیشرفته‌ی غربی - به قول خودشان - اپوزیسیون به معنای واقعی کلمه وجود ندارد؛ اختلاف بر سر این است که به عراق حمله کنیم یا نکنیم؛ حزب کارگر در انگلیس معتقد به حمله است، حزب محافظه‌کار معتقد است که نه حمله نکنیم. در فرانسه، فلان آقا معتقد است که با اسرائیل اینطوری برخورد کنیم؛ دیگری معتقد است که نخیر، اینطوری برخورد کنیم. در اتریش و جاهای دیگر هم همین‌طور است. دعوا بر سر این نیست که اصول پذیرفته شده‌ی آن کشورها مورد خدشه قرار بگیرد و خدشه‌کننده اجازه داشته باشد در صحنه‌ی انتخابات یا تبلیغات وارد شود یا به او اعتنایی بشود؛ این‌طوری نیست. در دوره‌ی قبل ریاست‌جمهوری امریکا شخصی که جزو دو حزب معروف امریکا نبود، آمد وارد صحنه شد؛ ثروت زیادی هم داشت و پول زیادی هم خرج کرد؛ اما مطلقاً نگذاشتند به مراحل مقدماتی و ابتدایی انتخاب هم برسد؛ با شیوه‌های گوناگون و روشهای خاص، او را از صحنه خارج کردند.

#### ۶- نبود آزادی واقعی در غرب

در آنجا رسانه‌ها آزاد است؛ اما رسانه‌ها متعلق به چه کسانی است؟ رسانه‌ها متعلق به سرمایه‌داران بزرگ است. در امریکا، معنای آزادی رسانه‌ها، آزادی سخن گفتن بزرگ سرمایه‌داران است. عمده‌ترین مطبوعات، متعلق به آنهاست. مهم‌ترین چاپخانه‌ها و ناشران کتاب متعلق به سرمایه‌داران است. یکی از مسئولان کنونی درباره‌ی تسخیر

لانه‌ی جاسوسی کتابی به زبان انگلیسی نوشته بود. این مسئول محترم خودش به من میگفت: به هر ناشری در امریکا مراجعه کردیم، حاضر نشدند این کتاب را چاپ کنند؛ چون ناشران عمده، وابسته به دستگاه‌های سرمایه‌داری‌اند؛ بنابراین مجبور شدیم به کانادا برویم. در آنجا با زحمت توانستیم یک ناشر پیدا کنیم که این کتاب را چاپ کند. ایشان میگفت آن ناشر بعداً با من تماس گرفت و گفت از وقتی من تعهد کرده‌ام این کتاب را چاپ کنم و آنها این را فهمیده‌اند، به من تلفنهای تهدیدآمیز میشود و جان من را تهدید میکنند! آزادی واقعی بیان و آزادی انتخاب هم به معنایی که آنها شعارش را میدهند، در آنجا نیست.

دو سال قبل همه‌ی مطبوعات نوشتند که یک مأمور عالی‌رتبه‌ی امنیتی در امریکا معلوم شده جاسوس شوروی سابق بوده؛ بعد هم برای روسیه‌ی کنونی جاسوسی میکرده. او را گرفتند و با او مصاحبه کردند. بنده این مصاحبه را در یکی از مجلات امریکایی دیدم؛ یا تایم بود یا نیوزویک. از او پرسیدند تو که مأمور عالی‌رتبه‌ی امنیتی بودی، چرا برای بیگانه‌ها جاسوسی میکردی؟ گفت من در آرزوی ساختن یک ویلای کوچک و یک زندگی راحت بودم؛ و این آرزو از این طریق برای من حاصل نمیشد! این، زندگی یک مأمور عالی‌رتبه است که برای اینکه ویلای کوچکی برای خودش بسازد، ناچار است جاسوسی کند؛ آن هم در موقعیت شغلی حساس و خطیری که دارد!

#### ۷- زوال عاطفه

در آنجا شب و روز باید کار کنند و خانواده‌ها از دیدار خانوادگی مهربانانه و سرشار از عاطفه محروم باشند. در مطبوعات امریکا نوشته بودند که اغلب خانواده‌های امریکایی چون نمیتوانند یکدیگر را در خانه ببینند، ناچارند سر ساعتی با هم در بیرون از خانه قرار بگذارند و مثلاً یک استکان چای بخورند! بعد هم خانم یا آقا مرتب به ساعت خود نگاه میکند تا وقت شغل دوّمش نگذرد! خانواده به این شکل درآمده؛ این

## ۸- بی عدالتی

در نظامها و کشورهایی که زندگی را با ابزارهای پیشرفته و با علم مادی میگذرانند، آسایش زندگی متعلق به همه‌ی مردم نیست؛ به یک‌عده از مردم اختصاص دارد. امروز در کشور امریکا، در کشورهای پیشرفته‌ی اروپا، گرسنگی، فقر، مردن از کمبود مواد غذایی، نداشتن سرپناه و مسکن، ناامنی حتی برای یک زندگی حیوانی، فراوان است. آن کسانی که از تکنولوژی و دانش جدید در این کشورها استفاده میکنند، طبقه‌ی خاصی از مردمند. آنهایی که برای یک شکم غذا مجبورند شرف و ناموس و شخصیت خودشان را بفروشند و انواع اهانتها را تحمل کنند، توده‌ی عظیمی از مردمند. این، واقعیت قضیه است. ظواهر، پُرزرق و برق و پُر جلوه است. دوربین تلویزیونها و خبر خبرگزاریها چیزهایی را به عنوان تبلیغات به مردم دنیا ارائه میدهد که پُرزرق و برق و چشمگیر است. اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، با پیمودن فضا، با ثروتهای عظیم مادی‌ای که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوّم و فقیر دزدی و غارت کرده است، ادّعا بکند که فقر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمیتواند به همه‌ی انسانها بدهد.<sup>۲</sup>

نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهايشان رفتند؛ بدون اینکه به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملّتی، چنانچه به‌طور

۱. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۲. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۰/۱/۲۹

جدّی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که به طور جدّی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی شان، سعادتمند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاری‌ها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاری‌ها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاری‌های آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش اینطور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاری‌های زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.<sup>۱</sup>

#### ۹- رواج فساد و فحشا

علم پیش‌رفته است. یک عده می‌نشینند به پیشرفتهای علمی امریکا و بقیه‌ی جاها نگاه میکنند و حسرت می‌خورند. پیشرفت علمی، مسلماً ستایش دارد. عقب‌ماندگی علمی کشورهای عقب افتاده، مسلماً یک نکبت است و خدا کسانی را که این نکبت‌ها را بر سر ملت‌های مسلمان آوردند، مورد عذاب متزاید خودش قرار دهد و لعنت خدا بر دودمان مشنوم و ننگین پهلوی و قاجار که این بدبختی را اینها بر سر ملت ما در طول دویست سال گذشته آوردند. والا ما از لحاظ علمی، از امریکا بسیار جلوتر بودیم؛ ما از لحاظ علمی، در روزگاری از اروپا بسیار جلوتر بودیم. همین سلاطین، همین حکومت‌های جائر، همین فرعون‌ها و طاغوت‌ها؛

۱. در دیدار کارگزاران، در روز عید مبعث ۱۳۷۴/۹/۲۹

همینهایی که حالا پس مانده‌ها و تفاله‌هایشان در اینجا و آنجا مجله و روزنامه منتشر میکنند و دم از همه چیز میزنند، نگذاشتند این ملت پا به پای ملل عالم، بلکه جلوتر از آنها، پیش برود. بله؛ عقب‌ماندگی علمی تأسف دارد. راهش هم این است که جوانان، بزرگها، پیرها، دانشمندان و مسئولین، همه و همه بکوشند و این خلأ را پر کنند. اما اینکه فلان کشور پیشرفت علمی دارد، دلیل رستگاری آن کشور و آن ملت نیست. این را بدانید. ای بسا ملتهایی که از لحاظ علمی، امروز در اوجند، اما تا خرخره در لجن و فساد غوطه میخورند. همین الان در دنیا، با نامهای بزرگ و زیر چتر ابرقدرتی، چنین ملتهایی زندگی میکنند. این را بدانید. در آن کشورها، زن، سیه‌روز است؛ مرد، بیچاره است؛ جوان، نابود شده است. دستهای فساد و فحشا و اعتیاد و جنایت و همه‌ی فنون بدبختی بشر، در آنجا قتل عام و بیداد میکند. متتها پوشش تبلیغاتی نمیگذارد این فجایع و مفسد بر ملا شود. وقتی یک بلندگوی قوی دست یک جاهل و یک ظالم باشد، در بین هزاران نفری که بلندگو ندارند ولو میان آن هزاران نفر، از علما و فضلا و آدمهای حسابی باشند صدای این، بر صدای همه‌ی آنها غالب خواهد شد. امروز، دنیا اینگونه است.<sup>۱</sup>

### نقاط اشتراک اسلام و غرب

ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی کاملاً وجود داشته؛ **روح خطرپذیری** - که انصافاً جزو خلقیات و خصال خوب اروپایی‌هاست - **روح ابتکار، اقدام و انضباط**، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم میگیریم؛

۱. در دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (علیه‌السلام) ۱۳۷۲/۶/۱۴

اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم.<sup>۱</sup>

### برخی نقاط مثبت فرهنگ غرب

خصوصیت دین مقدس اسلام، بخصوص مجموعه‌ی فکری و عقیدتی شیعه - که امتیازاتی دارد - این است که همه‌ی عوامل لازم برای رشد فردی و اجتماعی انسان را در خودش جمع دارد. این، نکته‌ی خیلی مهمی است. ملاحظه کنید: یک وقت فرهنگی، تمدنی، عقیده‌ای یا مکتبی بر بشر عرضه می‌شود که ممکن است جهات خیلی خوبی هم در آن باشد. مثلاً - فرض بفرمایید - مجموعه‌ی تفکرات مکتب عرضه شده، موجب گردد که نیروهای درونی افراد بشر به کار بیفتد؛ استعدادهایشان شکوفا شود؛ کار کنند، ابتکار کنند، سازندگی کنند، تولید ثروت کنند و دنیا را نوسازی کنند. این خصوصیات هم ممکن است در مکتب عرضه شده باشد. اما همین مکتب، عیبی هم در درون خود داشته باشد، که موجب شود همین مردمی که این بهره‌ها را از قبیل این مکتب می‌برند، زیانهای سختی تحمل کنند که گاهی آن زیانها، از این منافع هم بیشتر می‌گردد. مثال واضحش، تفکر غرب و فرهنگ سرمایه‌داری و آزادی فردی و لیبرالی رایج در غرب است. شما که مبلغ دینی و روحانی هستید، لازم است در این نکات، خیلی مذاقه کنید. ما که می‌گوییم «فرهنگ غرب»، نمی‌خواهیم بگوییم که این فرهنگ، همه‌اش از بای بسم‌الله تا تای تَمَّت، بدی و زشتی و خرابی است. شما دیده‌اید که بنده مکرر راجع به غرب و تهاجم فرهنگ غربی حرف می‌زنم. معنای صحبت‌های بنده، صرفاً این نیست که فرهنگ غرب از بای بسم‌الله تا تای تَمَّت، همه‌اش خراب و خرابی و بدی است. اگر اینگونه بود، شهروندان ممالک غربی، از اوّل آن را نمی‌پذیرفتند و اصلاً تحمل نمی‌کردند؛ بنابراین فرهنگ مذکور، نقاط مثبتی دارد که آن نقاط مثبت، چشم مردم را گرفت و جوامع را به خود جذب کرد.

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷



فرض بفرمایید مظهر این جوامع مجذوب، جامعه‌ی امریکایی است. خوب؛ در آنجا، برای این فرهنگ، اسم داشتند. دیگر به طور کامل، این فرهنگ، مشهود است و خصوصیات خوبی هم دارد. یعنی این فرهنگ و تمدن - به قول خودشان این ایدئولوژی - مردم را به کار و تلاش دعوت میکند و به وقت‌شناسی و رعایت دقایق و ذره‌های سرمایه‌های انسانی فرا میخواند. نتیجه‌ی این فرهنگ، با همه خصوصیات که دارد چیست؟ این است که جامعه‌ای دارای ثروت و پیشرفت و علم و فناوری به وجود می‌آید. همین جاذبه‌ها، چشم آحاد مردم و متفکرین غرب را در دو، سه قرن پیش، که این افکار در امریکا و اروپا مطرح بود، گرفت و همه از این روش زندگی و از این مکتب و فرهنگ و مجموعه خوششان آمد و آن را پذیرفتند.<sup>۱</sup>

---

۱. در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۵/۲/۲۶



بخش دوم: الگوی اسلام - ایران پیشرفت



## فصل اول: اہمیت و اہداف پیشرفت



من از همه‌ی آقایان، به خصوص کسانی که صاحب فکر نو و ابتکاری و جرأت اقدام در گشودن راههای ناگشوده هستند، خواهش میکنم که سعیمان بر این باشد که به طور دایم و روزبه‌روز، این مجموعه‌ی سراسری کشور را تکامل ببخشیم. اگر ما قانع باشیم که همانطوری که ده سال پیش نمازهای ما برگزار میشد، حالا هم برگزار بشود، غبن است؛ «من استوی یوماه فهو مغبون»<sup>۱</sup>. قاعده‌ی هر کار مستمر، به‌خصوص وقتی وظیفه‌ی بزرگی بر عهده دارد، این است که به طور دایم در حال تحول و پیشرفت باشد.

بالاخره مجموعه‌ای انسانی، با ذخیره‌ی باارزشی از علم و معرفت و فرهنگ و تجربه و دانش، در مسئولیتی والا قرار گرفته است، که چون درباره‌ی این مسئولیت زیاد بحث شده، قصد ندارم تکرار مطلب بکنم. این مجموعه با این مسئولیت، باید در حال پیشرفت و تحول باشد؛ راهش را پیدا کنید. چگونه تحول ایجاد خواهد شد؟ ابزارش چیست؟ ما چه کار باید بکنیم؟ شما باید چه کار بکنید؟ باید اینها را فکر کنید. این جلسات قاعدتاً برای اینگونه مقاصد تشکیل میشود.<sup>۲</sup>

---

۱. بحار، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

۲. در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

### اهمیت پیشرفت در اسلام

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه میکنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قلّه‌ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمیگوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه‌ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزّت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مسئله‌ی اقتصاد است؛ بنابراین تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است.<sup>۱</sup>

من به کارگران سفارش میکنم که در هر بخشی و در هر جایی مشغول کار هستند - کارگاه‌های بزرگ، کارگاه‌های کوچک، کارهای دستی، کارهای ماشینی عظیم، کارهای کشاورزی و روستایی - این روزها را روز کار بدانند، این دوران را دوران کار جدّی تلقی کنند و کار را هم عبادت بدانند. این کاری که شما برای توسعه و پیشرفت کشور میکنید، یک عبادت قطعی است. به مسئولان هم سفارش میکنم که پاس طبقات کارگر و محروم و مستضعف و این مردم مؤمن را بدانند؛ آنها را در قوانین، در مراجعات اداری و در سایر مراجعات گوناگونی که با دستگاه‌های دولتی دارند، مورد توجه قرار بدهند.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی ۱۳۸۳/۶/۲۵

۲. در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به



■  
امروز هر حرکت علمی و فرهنگی و کاری که در خدمت نظام و کشور جمهوری اسلامی و برای نوسازی و پیشرفت و آبادانی این کشور انجام میگیرد، یک عبادت است. فرقی هم بین این کارخانه و آن کارخانه و این مدرسه و آن مدرسه نیست. اگر امروز در ایران اسلامی، یک معلم یک کلمه درس بدهد و قصدش این باشد که برای خدمت به این کشور - که امروز سرزمین اسلام و عرصه‌ی عظمت و درخشش احکام اسلامی است - شاگردی تربیت کند؛ این یک کلمه، یک حسنه است که اگر صد کلمه شد، صد حسنه میشود. اگر او را شب و روز فرا گرفت، شب و روز او سرشار از حسنه است.

آن کارگری که در کارخانه‌ای کار میکند، یا طراح و مدیریت یا هرگونه تلاشی میکند، برای اینکه ایران اسلامی - که امروز عرصه‌ی جلوه‌های معنوی و الهی است - رشد و پیشرفت پیدا کند و آباد شود و از بیگانه‌ها بی‌نیاز گردد و نگران تحریم اقتصادی این قدرت و آن قدرت نباشد و استغناء پیدا کند، هر لحظه‌ای کار این کارگر یک حسنه انجام میدهد و یک عبادت میکند. هر کسی به این کار کمک کند، در این عبادت سهیم است و از سهم آن کارگر هم کم نمیشود. آن کسی که به او کمک کرده است، او نیز سهیم میشود. دستگاه خدا اینگونه است. گاهی یک عمل انجام میگیرد، ده نفر سهیمند و ده حسنه انجام میگیرد. نه اینکه یک حسنه تقسیم شود؛ بلکه هر کدام پیش خدای متعال ثواب جداگانه دارند. امروز، اینگونه است. امروز، کشور شما این خصوصیت را دارد.<sup>۱</sup>

### اهداف پیشرفت

#### ۱- ایجاد یک تمدن الگو

امروز، خوشبختانه کارها در حال پیشرفت است. من این را با اطلاع و آگاهی از مسائل کشور، به شما عرض میکنم. البته، بسیاری از مردم ما

مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر ۱۳۶۹/۲/۱۲

۱. در دیدار با جمع کثیری از کارگران، معلمان و فرهنگیان کشور ۱۳۷۵/۲/۱۲

هم به‌ویژه کسانی که در مسائل جاری، قرار و حضور دارند، این پیشرفت را احساس میکنند. فشارها به سمت ما از طرف قدرتهای قلدر - که دشمن ملت و استقلال ما هستند - زیاد است. اما خوشبختانه، این فشارها را این کشور با عظمت، این ملت بزرگ و این دولتمردان مخلص و صمیمی و دلسوز، با کمال قدرت، از سر خودشان دفع میکنند و در درازمدت هیچگونه تأثیری بر زندگی واقعی آنها نمیگذارد؛ اگر چه ممکن است بعضی از مشکلات را، در کوتاه مدت، به وجود آورد. همه‌ی اینها را میتوان به خوبی از سرگذراند. ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را میخواهم به شما بگویم: مسئله‌ی ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه‌ی اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم میکند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.<sup>۱</sup>

## ۲- کسب قدرت

فرض کنید شما یک انسان فرزانه‌ی عاقل و عالم با تقوای پرهیزکار را مقابل یک دزد سبیل از بناگوش دررفته‌ی گردن کلفت قلدر بگذارید. مرد دانشمند پرهیزکار، جسماً از طرف مقابل ضعیفتر است؛ اما قوت و زور طرف مقابل، به معنای کامل بودن او نیست. غلط است اگر کسی خیال کند «ما باید تلاش کنیم تا به آنجا برسیم که مثلاً امروز ملتهای غربی رسیده‌اند!» البته علم آنها را باید به دست آوریم. علم شکوفا و پیشرفته اگر در اختیار یک ملت سالم و کامل باشد، مایه‌ی خیر و برکت است.

۱. به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی ۱۳۷۳/۱/۱

سلاح مدرن اگر در اختیار یک ملت عاقل و کامل باشد، بی خطر است. انرژی اتمی اگر در اختیار فرزنانگان عالم و انسانهای سالم دنیا باشد، مایه‌ی رشد انسانهاست؛ اما اتم، در دست ملّتی که از کمال برخوردار نیست، تهدیدکننده‌ی حیات بشری است. موشکهای قاره پیما، کلاهکهای اتمی، زرادخانه‌های پیشرفته، فنّاوری فضایی و ارتباطات شگفت‌آور، وقتی در اختیار قدرتهای امروز مستکبر دنیا باشد، نتیجه‌اش چه میشود؟ نتیجه‌اش ظلمی میشود که امروز امریکا یا قدرتهای دیگر - و دیروز شوروی سابق - در حق ملّتها و میلیونها انسان روا میداشتند و میدارند. وقتی سلاح و قدرت و پول و سیاست و مطبوعات و تبلیغات در اختیار قدرتهای تربیت نشده‌ی عالم باشد، نتیجه این میشود که امریکا از آن طرف دنیا به خلیج فارس می‌آید و ناوگان خود را در این‌جا مستقر میکند تا کشوری را بمباران و کشورهایی را تهدید کند؛ خلیج فارس را از حالت سالم زیستی خارج کند و به تهدید دنیا و آخرت مردم منطقه بپردازد. چرا این کار را میکند؟ چون به قول خودش، میخواهد منافعش را در این نقطه‌ی عالم تأمین کند! یعنی همان حالتی که یک انسان استثمارگر و ظالم، نسبت به زیردستان خود دارد.

البته یک ملت هم ممکن است به ملّتی دیگر ظلم کند. در دوران استعمار، ملّتهایی از آن سوی عالم و از آن طرف اقیانوسها حرکت کردند و به این سوی دنیا آمدند تا هندوستان، شبه قاره‌ی هند، کشور بزرگ چین، کشورهای آسیا و کشور عزیز خود ما را زیر لگدهایشان بکوبند. آمدند تا انسانها، شرفشان، حیثیتشان، منافعشان و دین و فرهنگشان را به خاطر منافع خود، لگدمال کنند. امکاناتی که آنها دارند، علم است، قدرت است، سلاح است؛ اما کمال نیست. نشانه‌ی کمال این نیست که انسانی، انسان دیگری را بدرد! می‌بینید که قدرتها، با سلاح و پولی که در اختیار دارند، ملّتهای ضعیف را میدرنند. در داخل کشورهای خودشان هم وضعیّت بهتر از این نیست؛ یعنی در داخل جامعه‌ی ثروتمند و پیشرفته و برخوردار از ترقی و تکامل مادی امریکا، اختلاف طبقاتی، بسیار زیاد است. آنجا به سیاهان، فقرا و کارگران ظلم میشود. انسانهای بسیاری در

آن مرکز علم و ثروت و فناوری، شب، کنار سگهای ولگرد در خیابانها میخوانند. انسانهایی، انسانهای دیگر را به ناحق، میکشند. آمار قتل و آدمکشی و جنایت در امریکا - به نسبت - از همه جای دنیا بیشتر است؛ با اینکه آنها علم، فناوری، ثروت و پیشرفتهای مادی دارند.<sup>۱</sup>

هر کس هر کاری برای پیشرفت این کشور میکند، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور میکند، که مشتی بر دهان امریکا و همه‌ی زورگویان عالم است. خداوند به کسانی که در راه او حرکت میکنند، وعده‌ی کمک فرموده است و تا به حال - بحمدالله - به این وعده هم عمل کرده است، که همه‌ی ما آن را مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم؛ بعد از این هم خواهد بود.<sup>۲</sup>

### ۳- انجام رسالت جهانی

مسئله‌ی کشور ما و انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی در دنیای امروز این نیست که یک کشوری است، یک ملّتی است، در بین چند صد ملّت یا کشور دیگر. البته یک وقتی من در یک جمعی عرض کردم که خاک ما، سرزمین ما یکصدم مجموعه‌ی کشورهای دنیاست، جمعیتمان هم تقریباً یکصدم جمعیت بشریت در دنیاست؛ امّا مسئله‌ی ما قناعت به یکصدم در مسائل گوناگون نیست. ما رسالت داریم. ایران اسلامی، ایران مسلمان، رسالتی بیش از این حرفها دارد. نه اینکه قصد جهانگشایی و تصرف داشته باشیم - ابداً و اصلاً - اصلاً در ذهن آن کسی که مسلمان باشد، وارد نمیشود که بخواهد جهانگشایی کند؛ بلکه مسئله، مسئله‌ی رسالت در مقابل بشریت است. بشریت، هم امروز و هم در دورانهای گذشته، دچار ابتلائات بزرگی بوده. همچنان که من و شما نسبت به

۱. در اجتماع مردم مشهد مقدّس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

۲. در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم‌الله

سیزده آبان ۱۳۷۶/۸/۱۴

خانواده‌ی خودمان، نسبت به شهر خودمان، نسبت به میهن خودمان مسئولیتهای مشترکی داریم و اگر بتوانیم برای کشورمان کاری بکنیم و نکنیم، گناه کردیم؛ بتوانیم گرد غمی را از چهره‌ی ملتمان پاک کنیم و نکنیم، گناه کردیم، عین همین قضیه در مورد بشریت وجود دارد. اگر ما دیدیم که مردم در دنیا، در یک نظام سیاسی باطل و پر از فشار دارند زندگی میکنند و توانستیم یک قدم آنها را به نجات از این نظام نزدیک کنیم و نکنیم، گناه کردیم. اگر ما دیدیم که بخش مهمی از مردم دنیا دچار گرسنگی‌اند، دچار فقر بدبخت‌کننده و تیره‌روز‌کننده هستند و توانستیم اقدامی بکنیم و نکنیم، گناه کردیم. با این نگاه باید به مسائل بشریت و مسائل جهان نگریم. اگر این است، پس باید کشور توانایی داشته باشد؛ باید ملت و دولت، مجموعه‌ی نظام و کشور قوی باشد و اقتدار داشته باشد. اگر مقتدر نباشیم، مقتدران عالم بر روی ما اثر می‌گذارند؛ مجالی باقی نمی‌ماند تا ما بخواهیم حتی روی همسایگان خودمان یا همکیشان خودمان تأثیر بگذاریم، چه برسد بر روی کل بشریت. پس باید قدرت پیدا کرد. این قدرت بلاشک در ابزارهای نظامی نیست؛ حتی در قدرت تولید و پیشرفت فناوری هم.<sup>۱</sup>

#### ۴- ترویج اسلام

ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملتها قرار بگیرد. می‌بینید که در این کشورهای مسلمان، که جبهه‌های اسلامی و جناحهای اسلامی، احساسات خودشان را بروز می‌دهند، دشمنان اسلام چه حساسیتی نشان می‌دهند و چطور از همه‌ی وسایل برای سرکوب این احساسات استفاده می‌کنند. طرفداران اسلام بایستی بتوانند اسلام را در چشم آنها آنچنان شیرین و پرجاذبه نشان بدهند که احساسات آنها هرگز به سردی نگراید و این امید در دل آنها باقی بماند؛ و این نمیشود، مگر

۱. در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳/۱۱/۱۳۸۸

اینکه جامعه‌ی ما از لحاظ مادی، از لحاظ معنوی، از لحاظ نظم، از لحاظ امنیت، از لحاظ تلاشهای اجتماعی و از لحاظ همه‌ی اندازه‌ها و میزانهایی که در یک جامعه‌ی پیشرفته مورد نظر است، پیشگام باشد.<sup>۱</sup>

#### ۵- هدف نهایی؛ نیل به حیات طیبه

هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاشهایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود. اسلام برای انسان، روش زندگی مناسب و لایقی قایل است. اگر تنها این شرایط محقق شد، انسان میتواند به سعادت و کمال برسد. تلاش همه‌ی دلسوزان بشر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیای عظام و اولیا و مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ، این بوده است که این حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند. از طرف دیگر، سعی همه‌ی دشمنان انسان و شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طیبه دور کنند. لذا عنصر ایمان و دشمنی با شیطانها و طاغوتها، از اجزای اصلی دعوت همه‌ی پیامبران بوده و عمل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هم بر این نکته قرار داشته است.<sup>۲</sup>

هدف ما ملت مسلمان ایران که پشت سر امام بزرگوارمان حرکت و انقلاب کردیم و مردم جان و خون دادند و متحمل رنجها و مصایب شدند، چه بود؟ هدف از همه‌ی این جریانات عظیم که به هدایت الهی، از روز اول تا امروز پیش رفته است، عبارت بود از اینکه در این کشور و در این خانه‌ی اسلام، حیات طیبه‌ی اسلامی تحقق پیدا کند.

۱. در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور ۱۳۷۰/۱۱/۲

۲. در دیدار با گروه‌های مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۱۲

ما خواسته‌ایم که در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسلهای بشر، از مکتبهای گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیاتبخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبیه‌ی اسلامی است. تقریباً در طول این یازده سال، هرچه و در هر قسمتی که ما در راه اسلام پیش رفتیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت بکنیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلخ باقی مانده است.<sup>۱</sup>

من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اوّل به دنبال این بودیم که حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول دولت، وزیر دولت، وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه. اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هر کدام از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - همه‌اش «هباءً منثوراً»<sup>۲</sup> است؛ بی‌ارزش است؛ پیش خدای متعال اجری ندارد؛ با زوال عمر زائل میشود، بلکه با زوال مدت مسئولیت زائل میشود. ما فرقدمان با بقیه‌ی گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیم را تغییر میدهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست میگیرند، این است که ما آمدیم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبیه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم؛ و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیعتر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبیه‌ی اسلامی در کشور ما میتواند و میتواند و میتواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیبیه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز

۱. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به‌مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه

(سالروز قیام مردم قم) ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۲۳

این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.<sup>۱</sup>

---

۱. در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹



فصل دوم: مبانی الگوی پیشرفت اسلام



## اهمیت مبانی

### نقش مبانی معرفتی در تعیین الگوی پیشرفت

مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملّتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما میگوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سرتاپا فرنگی بشویم و اروپایی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آنها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه‌ی تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او میخواهد انتخاب کند، یک **تأثیر فوق‌العاده** است. مبانی معرفتی ما به ما میگوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه. فرض بفرمایید در یک جامعه‌ای تفکر سودمحور مطرح است؛ یعنی همه‌ی پدیده‌های عالم با پول محک زده میشوند و اندازه‌گیری میشوند: هر چیزی قیمت پولی‌اش و سود مادی‌اش چقدر است. امروز در یک

بخش بزرگی از دنیا مسئله این است: همه چیز با پول سنجیده میشود! در این جامعه ممکن است برخی از کارها ارزشی باشد - برای خاطر اینکه آنها را به پول می‌رساند - اما در یک جامعه‌ای که در آن پول و سود، محور قضاوت نیست، همان کار ممکن است ضداً ارزش محسوب بشود. یا در یک جامعه‌ای اصالت لذت حاکم است. آقا شما چرا این عمل را مباح میدانید؟ چرا همجنس‌گرایی و همجنس بازی را مباح میدانید؟ می‌گوید: لذت است؛ انسان از او لذت می‌برد! این شد اصالت لذت؛ وقتی اصالت لذت بر یک جامعه و بر یک ذهنیت عمومی حاکم بود، یک چیزهایی مباح میشود. اما وقتی شما در یک فلسفه‌ای، در یک ایدئولوژی‌ای و در یک نظام اخلاقی‌ای دارید تنفس میکنید که اصالت لذت در او وجود ندارد، یک کارهایی لذت هم دارد، اما نامشروع است، ممنوع است. لذت مجوز اقدام نیست، مجوز تصمیم‌گیری نیست، مجوز مشروعیت نیست. اینجا دیگر شما نمیتوانید مانند همان جامعه‌ای که در آن اصالت لذت حاکم است، تصمیم‌گیری کنید؛ مبانی معرفتی فرق میکند.

یا در یک جامعه و در یک نظام اخلاقی‌ای، پول احترام مطلق دارد؛ از کجا آمده؟ مهم نیست. ممکن است از راه استثمار به‌دست آمده باشد، ممکن است از راه استثمار به‌دست آمده باشد، ممکن است از راه غارت به‌دست آمده باشد؛ فرقی نمیکند، پول است. البته امروز این چیزها اگر صریحاً گفته بشود - در آن جوامعی که به آنها مبتلایند - ممکن است انکار بشود؛ اما تاریخشان را که نگاه میکنید قضیه روشن میشود. در امریکا، ریشه‌ی این مسئله‌ی آزادی فردی و این لیبرالیسمی که به آن افتخار میکردند و میکنند و یکی از ارزشهای امریکائی به حساب می‌آورند، عبارت است از حفظ ثروت شخصی. یعنی محیطی که امریکا در آن محیط به‌وجود آمد و با آن مردمی که آن روز در امریکا جمع شده بودند، حفظ فعالیت و تلاش مادی، نیاز به این داشت که به ثروت شخصی افراد یک ارزش مطلق داد بشود. البته این از نگاه جامعه شناختی و با نگاه واقعی - متنی به جامعه‌ی امریکائی، داستان خیلی

مفصلی دارد. آن روزی که منطقه‌ی امریکا - نه نظام سیاسی امریکا - به عنوان محلی برای کسب درآمد با آن زمینه‌ی طبیعی پرسود تبدیل شد، آن کسانی که در امریکا جمع شده بودند، بیشتر ماجراجویانی بودند که از اروپا راه افتاده بودند، توانسته بودند عرض اقیانوس متلاطم اطلس را بپیمایند و خودشان را به سرزمین اتازونی برسانند؛ هر کسی نمی‌آمد. آن کسی که در اروپا زندگی داشت، کار داشت، خانواده داشت، اصالت داشت، او که نمی‌آمد؛ افرادی می‌آمدند که یا از لحاظ مالی استیصال داشتند، یا تحت تعقیب جزائی بودند، یا ماجراجو بودند. میدانید، اقیانوس اطلس، متلاطم‌ترین دریاهاى دنیاست؛ از عرض این اقیانوس عبور کردن و خود را از اروپا به سرزمین امریکا رساندن، خودش یک ماجراجویی میخواست. مجموعه‌ای از این ماجراها، عمدتاً - نمیگویم عموماً - مردم اوّلّیه‌ی امریکا را تشکیل دادند. اگر بنا بود اینها بتوانند با هم و در کنار هم زندگی بکنند و ثروت تولید بکنند، باید به ثروت شخصی یک ارزش مطلق داده میشد؛ و داده شد. توی این فیلم‌های کابوئی - البته اینها نه اینکه صددرصد واقعیت داشته باشد، به هر حال فیلم است، داستان است؛ اما نشانه‌های واقعیت کاملاً در آنها وجود دارد - شما می‌بینید برای خاطر یک گاوی که کسی از گله‌ی یک گله‌دار دزدیده، قاضی مینشیند قضاوت میکند، حکم اعدام به او میدهد، بعد هم به دارش میزنند! این بخاطر این است که ثروت شخصی و مالکیت خصوصی، یک ارزش مطلق پیدا میکند. خب، در یک چنین جامعه‌ای دیگر مهم نیست این پول از کجا آمده باشد.

در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه **استعمار** آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به‌دست آورد و توانست به وسیله‌ی آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کلّ اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، بخاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره‌ی هند به‌دست آورده بودند؛ شبه قاره‌ی هند و کشور سیام سابق و بقیه‌ی کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو

کلمه نمیشود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه‌ی بسیار پرثروتی بود - مثل یک انار آبلیمویی فشردند و همه رفت توی خزانهای دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمیشود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا میکند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام میداند، استثمار را گناه میداند، غارت را ممنوع میداند، غصب را حرام میداند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع میداند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد؛ بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین‌کننده است.<sup>۱</sup>

### نقش مبانی انسان‌شناختی در پیشرفت

اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی میداند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را **تک‌ساحتی** دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی میداند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول‌عنه واقع بشود به توهّم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول‌عنه واقع بشود بخاطر دنبالگیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، اینچنین پیشرفتی است.

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

چند جور انحراف ممکن است در اینجا به وجود بیاید: یکی این است که کسانی دنیا را اصل بدانند و از آخرت فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیایی آباد کنند: مردم پول داشته باشند، ثروت داشته باشند، راحت باشند، مشکل مسکن نداشته باشند، مشکل ازدواج نداشته باشند، مشکل بیکاری نداشته باشند؛ فقط همین! اما از لحاظ معنوی در چه وضعی باشند، مطلقاً مورد توجه قرار نگیرد. این یک انحراف است.

یک انحراف دیگر این است که از دنیا غفلت کنند؛ از دنیا غفلت کردن یعنی از مواهب حیات و مواهب زندگی غفلت کردن و به آن بی‌اعتنایی کردن؛ این هم یک انحراف دیگر است. مثل بسیاری از گرفتاری‌هایی که در مجموعه‌ی دینداران در گذشته اتفاق افتاده: اقبال به مسائل اخروی و دینی و بی‌توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ این هم یکی از انحرافهاست. «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ خدا شما را مأمور کرده است به آبادی زمین. آبادی یعنی چه؟ یعنی استعدادهای بی‌پایانی که در عالم ماده وجود دارد را یکی یکی کشف کردن، آنها را در معرض استفاده‌ی انسان قرار دادن و انسان را به این وسیله به جلو بردن. این مسئله‌ی علم و تولید علم و این مسائلی که ما می‌گوییم، ناظر به این است.

یک انحراف دیگر هم این است که انسان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنایی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتُهُ لِدُنْيَاهُ».<sup>۱</sup> اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است.

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶۱

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۲۱

امیرالمؤمنین به کسی برخورد کرد که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «يَا غَدِيَّ نَفْسِهِ»<sup>۱</sup>، ای دشمن کوچک خویشتن! با خودت داری دشمنی میکنی؛ خدا این را از تو نخواسته. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»<sup>۲</sup>. این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت - هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور - لازم است. این هم یک شاخص عمده‌ی پیشرفت است.<sup>۳</sup>

### رابطه‌ی ارزشها و پیشرفت

#### اهمیت ارزشها در الگوی اسلامی پیشرفت

انقلاب، یک تحوّل بنیادین براساس یک سلسله ارزشهاست و یک حرکت به جلو محسوب میشود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحوّل عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملت بود. البته در نظامی که براساس انقلاب به وجود آمد، ما از شرق و غرب الگو نگرفتیم. این نقطه‌ی بسیار مهمی است. ما نمیتوانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظامهای آنها را غلط و برخلاف مصالح بشریت میدانستیم. بحث تعصّب مذهبی و دینی و جغرافیایی مطرح نبود؛ بحث این بود که پایه‌هایی که نظامهای شرقی کمونیستی آن روز بر آنها بنا شده بود - که امروز در دنیا دیگر چنین هویتی وجود ندارد - همچنین پایه‌هایی که نظامهای غربی بر آنها بنا شده بود، پایه‌های غلطی بود؛ لذا ما نمیتوانستیم و نمیخواستیم از آنها الگو بگیریم. الگوی ما ارزشهای دیگری بود که به مقداری از آن ارزشها اشاره کردم.<sup>۴</sup>

ایران با این خصوصیات، مطلوب انقلاب بود. شما برسید که از

۱. نهج البلاغه، ص ۳۲۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۷۶

۳. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

۴. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳



کجای انقلاب، این خصوصیات در می‌آمد؟ کجا تدوین شد؟ من عرض میکنم از کلمه‌ی اسلامی. اسلام اصلاً همینهاست. آن کسی که غیر از این در مورد اسلام تصوّر میکند، اسلام را نشناخته. آن کسی که تصوّر میکند اسلام فقط به جنبه‌های معنوی، آن هم با برداشت و تلقی خاص از جنبه‌های معنوی - عبادت و زهد و ذکر و امثال اینها - می‌پردازد، به دنیای مردم، به لذات مردم، به خواسته‌های بشری مردم نمی‌پردازد، او اسلام را درست نشناخته؛ اسلام اینجوری نیست. همه‌ی این چیزهایی که گفتیم؛ هم آن چیزی که مربوط به مسائل دنیایی جامعه است - مثل عدالت، مثل امنیت، مثل رفاه، برخورداری از ثروت، برخورداری از آزادی و استقلال - هم آنچه مربوط به مسائل اخروی است؛ مثل رستگاری، تقوا، پرهیزکاری، رشد اخلاقی، تکامل معنوی انسان، در کلمه‌ی اسلامی مندرج است.

آیه‌ی قرآن به ما می‌فرماید که: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»؛ ایمان و تقوا که باشد، برکات آسمان و زمین جاری خواهد شد. برکات آسمان، همان فتوح معنوی است، همان رحمت الهی است، همان تقرب الی‌الله است، همان استغفار ملائکه‌ی آسمان و حمله‌ی عرش برای بندگان خدا در روی زمین است. برکات ارض، یعنی همه‌ی آنچه به زندگی زمینی انسان ارتباط پیدا میکند؛ یعنی آزادی، یعنی رفاه، یعنی استقلال، یعنی امنیت، یعنی سعه‌ی رزق، سلامت بدن و از این قبیل. اگر ایمان و تقوا باشد، هم آن برکات و هم این برکات برای بشر وجود دارد. این، اسلام است. پس وقتی که گفتیم انقلاب اسلامی، معنایش این است که عرض شد.<sup>۲</sup>

### تصوّر باطل تعارض ارزشها و پیشرفت

یک توهّم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهّم وجود داشته باشد - و آن عبارت

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۶

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه یافتگی از یک طرف و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته. دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد.

آنچه ما می‌خواهیم بر آن پا بفشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم.

اسلام که دین معنویت است، دین علم هم هست. جامعه‌ی اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم هجری پیشرفته‌ترین جوامع بشری در زمان خودشان بودند. مفاخر علمی ما در آن دوران، همچنان مثل ستاره در آسمان دانش بعد از گذشت هزار سال میدرخشند؛ اما به دلایل خاص خود، ما رکود داشتیم؛ تنزل داشتیم.<sup>۱</sup>

■ شاید یکی از عوارض دوران سازندگی در نظامهای ارزشی آن است که برخی افراد ساده‌اندیش و ظاهرین را از نقش عامل ایمان و عقیده و اصول پایه‌ای نظام غافل می‌سازد و این پندار غلط را بر آنان مسلط میکند که گویا با ورود به مراحل پیشرفت سازندگی کشور، دوران شعارهای مقدس و ارزشهای اصیل به سرآمده است. این تصور باطل همراه با

۱. در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۱/۹

برخی انگیزه‌های مادی و شخصی موجب آن می‌شود که اینگونه اشخاص ارزشها را مورد بی‌اعتنایی قرار داده، رابطه‌ی تنه و شاخه را با ریشه، انکار کنند. برای پیشگیری از این پدیده‌ی خطرناک، بر زبندگان ملت است که در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها به نقش بنیانی ارزشهای اسلام و انقلاب تکیه‌ای حقیقی - و نه زبانی و ظاهری - نشان دهند.

بدیهی است که هر ملتی برای تأمین سعادت و عزت خود نیازمند به حرکت سازندگی در کشور خود می‌باشد. مشکل ملتهایی که نمیتوانند با تلاش سازنده، کشور خود را از حسیض فقر و وابستگی و تبعیض و فساد سیاسی و اخلاقی نجات دهند آن است که: سازندگی را با فراموش کردن اصول ارزشی و اخلاقی و دینی صحیح، طلب میکنند و به دنبال سراب سازندگی، خود را در دام بیگانگان یا در ورطه‌ی فساد مالی و سیاسی و اخلاقی می‌افکنند. نتیجه آن است که به نام پیشرفت ظاهری کشور، انسانیت و شرف و استقلال خود را از دست میدهند و غالباً حتی به سازندگی پایه‌های مادی کشور خود هم توفیق نمی‌یابند و دنیا و آخرت و ماده و معنی را یکجا فدای غفلت خود میکنند.

جمهوری اسلامی مدّعی سازندگی کشور و نجات ایران از عقب‌ماندگی‌های دوران ستمشاهی است و امروز هر گامی در راه پیشرفت علمی و صنعتی و اقتصادی و هر اقدامی در وادی نوسازی کشور، دلیلی بر حقانیت نظام مقدّس جمهوری اسلامی و شاهی بر درستی آن مدّعاست. ولی هر اقدامی در راه توسعه‌ی اقتصادی و آباد سازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمانها و ارزشها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکتی حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی، در ورطه‌ی وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید.<sup>۱</sup>

۱. پیام به مناسبت افتتاح دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۵/۳/۱۱

### ثبوت همیشگی ارزشها

امروز بشریت به همین خصلتهایی که امیرالمؤمنین پرچمدارش بود، احتیاج دارد. این خصلتها، با پیشرفت علم، با پیشرفت فناوری، با پدیدآمدن روش جدید زندگی در دنیا کهنه نمیشود. عدالت کهنه نمیشود؛ انصاف و حق طلبی کهنه نمیشود؛ دشمنی با زورگو کهنه نمیشود؛ پیوند دل با خدا کهنه نمیشود. اینها رنگ ثابت وجود انسان در همه‌ی تاریخ است. امیرالمؤمنین این پرچمها را در دست داشت. امروز بشر تشنه‌ی این حرفها و تشنه‌ی این حقایق است. راه چیست؟ راه، نزدیک شدن است. مبدا اگر من و شما در جایی حرفی برای حق زدیم، این به نظرمان زیاد و بزرگ بیاید؛ نه. علی این است. مبدا اگر ساعتی از شبی، روزی، نیمه‌شب، توانستیم عبادتی کنیم، به چشمان بزرگ بیاید و ما را عجب بگیرد؛ نه. علی این است. مبدا اگر در صحنه‌ی خطری وارد شدیم، خودمان را خیلی بزرگ ببینیم؛ نه. علی این است. هرچه میتوانید، نزدیک شوید. ای روزه‌داران، ای نمازگزاران، ای نافله‌گزاران، ای مجاهدان فی سبیل الله، ای حاضر شوندگان در میدانهای خطر، ای زاهدان در دنیا، ای شیران روز، ای عبادت کنندگان شب! خوشا به حالتان؛ شما به علی نزدیک‌ترید؛ اما شما هم میتوانید باز نزدیک‌تر شوید.<sup>۱</sup>

### عدم تفاوت نیازهای اصولی بشر در طول زمان

امروز بشر عیناً همان نیازهایی را دارد که پنج‌هزار سال پیش، این نیازها را داشت؛ نیازهای اصولی بشر، هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم بشر از نفوذ قدرتهای ستمگر رنج میبرد؛ امروز هم شما - شماها چشمتان باز است - اگر دنیا را از نفوذ قدرتهای ستمگر و ویرانگر نگاه کنید، خواهید دید که بشر دارد رنج میبرد. آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و برترین رنج او بی‌عدالتی؛ امروز هم شما نگاه کنید، در دنیا بزرگ‌ترین مشکل بشر، بی‌عدالتی است. خطاست اگر خیال کنیم که این آزادی فردی - که لیبرال‌دموکراسی غرب به بشر هدیه داده - این نیاز

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

بشر بوده که قبلاً نبوده؛ چرا؛ به این شکلهایی که امروز آزادی‌های فردی هست، در بسیاری از دوره‌های تاریخ و در بسیاری از مناطق تاریخ وجود داشته است. همین محدودیتهایی که امروز به شکل پنهان اراده‌ی انسانها را به زنجیر میکشند، اینها یک روز به صورت آشکار بوده است. این تور احاطه‌کننده‌ی بر اراده، حرکت و حیات انسان، امروز ریزتر بافته شده، از خیوط و نخهای باریکتری استفاده شده و با مهارت بیشتری به آب انداخته میشود. آن روز این مهارتها نبود؛ اما آشکارتر و قلدرمآبانه‌تر بود. پس نیازهای بشر تفاوتی نکرده است. اگر آن دست به دست شدن امانت نبوی و گسترش کمی و کیفی متناسب و درست، انجام میگرفت، امروز بشر این نیازها را گذرانده بود - نیازهای فراوان دیگری ممکن بود برای بشر پیش بیاید که امروز ما آن نیازها را حتی نمیشناسیم - آن نیازها ممکن بود باشد؛ اما دیگر اینقدر ابتدایی نبود. امروز ما و جامعه‌ی بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم. در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست؛ بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد؛ بلکه همه جا هست - زورگویی هست، ولایت نابحق انسانها بر انسانها هست؛ همان چیزهایی که چهار هزار سال پیش، دو هزار سال پیش به شکلهای دیگری وجود داشته است. امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگها عوض شده است. «غدير» شروع آن روندی بود که میتواند بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله‌ی دیگری وارد کند. آن وقت نیازهای لطیفتر و برتری و خواهشها و عشقهای به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل میداد. راه پیشرفت بشر که بسته نیست! ممکن است هزارها سال یا میلیونها سال دیگر بشریت عمر کند؛ هر چه عمر کند، پیوسته پیشرفت خواهد داشت. منتها امروز پایه‌های اصلی خراب است؛ این پایه‌ها را پیغمبر اسلام بنیانگذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسئله‌ی وصایت و نیابت را قرار داد؛ اما تخلف شد. اگر تخلف نمیشد، چیز دیگری پیش می‌آمد. «غدير» این است. در طول دوران دویست و پنجاه ساله‌ی زندگی ائمه (علیهم‌السلام) - که عمر دوران ظهور ائمه از بعد از رحلت پیغمبر تا

زمان وفات حضرت عسکری، دویست و پنجاه سال است - هر وقت ائمه توانسته‌اند و خودشان را آماده کرده‌اند تا اینکه به همان مسیری که پیغمبر پیش‌بینی کرده بود، برگردند؛ اما خوب، نشده است دیگر. حالا ماها در این برهه‌ی از زمان، به میدان آمده‌ایم و هم‌تی هست به فضل و توفیق الهی و ان‌شاءالله که به بهترین وجهی ادامه پیدا کند.<sup>۱</sup>

هر چه ما ارزشها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعه‌ی اسلامی، عزیزتر خواهد شد؛ ملت اسلام قویتر خواهد شد و در همه‌ی مراحل حیات، پیشرفت ما بیشتر خواهد شد. امروز، آن روز حساس و مهم است. بعد از انقلاب، اگر ما چند مقطع مهم داشته‌ایم، یکی همین روزگار است که روزگار ترمیم ویرانی‌های گذشته است؛ ویرانی‌هایی که یکی دو مورد هم نیست. اگر ملت ایران نتواند ویرانی‌ها را ترمیم کند و کشور را بسازد، در نظر افکار عمومی دنیا، داعیه‌ی اسلام او - العیاذ بالله - دروغ از آب در خواهد آمد. اینکه می‌بینید مسئولین، کارگزاران و خدمتگزاران کشور و قوای سه‌گانه، این همه دم از سازندگی کشور می‌زنند، برای این است. امروز، مقطع سازندگی است. امروز، روزی است که ملت، این فراغت را بعد از یک جنگ طولانی پیدا کرده است و هم به دلیل همین حساسیت است که می‌بینید دنیا چطور از همه طرف، سیاستهای سازنده‌ی ملت ایران را مورد تهاجم تیرهای زهرآگین خود قرار داده است. تبلیغات به نوعی، سیاست به نوعی، تحریکات امنیتی به نوعی و خرابکاری‌های اقتصادی به نوعی. دشمن، هر کار میتواند میکند و بحمدالله اغلب هم ناموفق است. آنچه شما از توطئه‌های دشمن می‌بینید که در جامعه توفیق پیدا میکند، در حقیقت بخش کوچکی از توطئه‌های اوست. شاید بشود گفت: «ده برابر آن، توطئه میکند، ولی بحمدالله بیشترش به نتیجه نمیرسد و فقط بخش کمی از آنها به نتیجه میرسد.» در چنین زمانی، آنچه میتواند شما را موفق کند، کشور را آباد کند، ملت ایران را در صحنه نگه دارد و همه‌ی نیروها را در راه این سازندگی

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

مقدس بسیج کند، دو دستی چسبیدن به ارزشهای اسلامی است. البته خدای متعال هم باید توفیق بدهد.<sup>۱</sup>

### مهمترین ارزشهای انقلاب اسلامی

#### ۱- ایمان

ارزش اول، ایمان است. مردم از هر هری مسلکی و بی‌بندوباری و بی‌ایمانی بیزار و ناراضی بودند و میخواستند دلشان به ایمانی قرص باشد.

#### ۲- عدالت

ارزش بعدی، عدالت است. مردم میدیدند که جامعه، جامعه‌ی غیرعادلانه‌ای است. بی‌دریغ از بالا تا پایین ظلم میکردند؛ خودشان هم به خودشان ظلم میکردند. در داخل رژیم طاغوت، آنجا هم نسبت به همدیگر ظلم و بی‌عدالتی روا میداشتند؛ به مردم هم بینهایت ظلم میشد. در قضاوت ظلم میشد، در تقسیم ثروت ظلم میشد، در کار ظلم میشد، به شهرهای دور دست ظلم میشد، به آدمهای ضعیف ظلم میشد. همه جا ظلم محسوس بود و انسان با پوست و گوشت خودش ظلم را حس میکرد. مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزشهایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله‌ی دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عده‌ی دیگر از اولیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشمئن میشود و آن را نمیپسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیستها ادعا نمیکردیم که همه بیابند نانخور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه. اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آنها قابل قبول نبود.

رژیم طاغوت و رژیمهای قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم

۱. در دیدار کارگزاران نظام، در روز عید غدیر ۱۳۷۳/۳/۸

هیچکاره بودند. یک نفر به کمک انگلیسها آمده بود، در تهران کودتا کرده بود و خودش را پادشاه نامیده بود. بعد هم که خواست از ایران برود - یعنی خواستند او را ببرند؛ چون پیر شده بود و به دردشان نمیخورد - پسرش را جانشین خودش کرد! آخر این پسر کیست و چیست؟! پس مردم چه کاره‌اند و رأی آنها چیست؟! اینها اصلاً مطرح نبود. قبل از آنها هم قاجاریه بودند. یک فاسد میمرد، یک فاسد دیگر به جای خودش می گذاشت. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچکاری محض بودند. مردم این را نمیپسندیدند. مردم میخواستند که حکومت متعلق به آنها باشد؛ برخاسته‌ای از آنها باشد؛ رأی آنها در آن اثر داشته باشد.

### ۳- دینداری

ارزش بعدی، دینداری است. مردم میخواستند متدین باشند. آن رژیم گذشته در همه جا - در محیط جامعه، در سربازخانه، در دانشگاه و در مدرسه - سعی میکرد مردم را به بی‌دینی سوق دهد؛ اما مردم نمیخواستند. مردم متدین بودند. مردم نشان دادند که ایمان و اعتقاد به اسلام تا اعماق جان آنها نفوذ دارد.

### ۴- دوری از اسراف و تجمل

ارزش دیگر، دوری از اسراف و تجمل در سطح زمامداران است. البته تجمل و اسراف در همه جا بد است؛ اما آن چیزی که مردم را وادار میکرد که نسبت به این قضیه حساسیت نشان دهند، رفتارهای مسرفانه و متجملانه و ولخرجی‌ها با مال مردم در سطح حکومت بود. این از آن چیزهایی بود که مردم نمیخواستند. نظام اسلامی بر اساس این ارزش به وجود آمد که چنین چیزی نباشد.

### ۵- سلامت دینی و اخلاقی زمامداران

ارزش دیگر، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران است. مردم میخواستند کسانی که در رأس جامعه‌اند، متدین باشند؛ فاسد نباشند؛



اخلاقشان فاسد نباشد؛ رفتارشان فاسد نباشد؛ خودشان فاسد نباشند؛ دوروبری‌هایشان فاسد نباشند، که آن روز بودند!

### ۶- رواج اخلاق فاضله

رواج اخلاق فاضله، یکی دیگر از ارزشها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نیک و خلقیات اسلامی پسندیده در بین آنها شیوع پیدا کند و برادری، محبت، همکاری، صبر، اغماض، بخشش، دستگیری از ضعفا و کمک به ضعفا و گفتن حق بین آنها رایج شود.

### ۷- آزادی فکر و بیان

آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزشهای انقلاب بود. مردم میخواستند آزادانه فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیمگیری هم نبود. مردم این را نمیخواستند؛ میخواستند این آزادی‌ها باشد.

### ۸- استقلال

یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم میخواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته‌ی به کمپانی‌های جهانی نباشد که هر کاری میخواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد.

### ارزشهای ثابت و روشهای متغیر

ارزشها که میگوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها. ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟ روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مؤمن. آن چیزی که توانست این بنای رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرن‌ها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از اینکه ارزشهایی از این قبیل - که عرض کردیم - پایه‌ی

بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه از عالم براساس این ارزشها به وجود آید. برای اینها مردم فداکاری کردند و جان خود و فرزندان شان را در معرض جهاد فی سبیل الله و شهادت قرار دادند و بسیاری هم شهید شدند. مردم میدانستند چه میخواهند؛ مردم دنبال این ارزشها بودند. من بعداً عرض خواهم کرد که همه‌ی این ارزشها در جامعه قابل تحقق است و آنچه به وسیله‌ی نظام اسلامی به وجود آمد، آن مقداری بود که هیچکس گمان آن را هم نداشت و تصور آن را هم نمیکرد.<sup>۱</sup>

### منابع و مبادی اخذ الگو

#### ۱- اسلام

آنچه امروز در درجه‌ی اول برای ملت ایران مطرح است، تمسک به اسلام است. همه‌ی خیرات و برکاتی که یک ملت آرزومند داشتن آنهاست، به برکت اسلام برای یک ملت حاصل میشود. ما برای اینکه آزادی به دست بیاوریم، استقلال به دست بیاوریم، رفاه عمومی به دست بیاوریم، پیشرفت علمی به دست بیاوریم، پیشرو بودن در میدانهای گوناگون بشری را به دست بیاوریم، اوج عزت را برای خودمان - به عنوان ملت ایران - فراهم بکنیم، راه منحصر بفرد امروز ما عبارت است از تمسک به اسلام. اسلام همه‌ی اینها را در تعالیم خود، در بطن خود، برای یک ملت به ارمغان می‌آورد. تمسک به اسلام، امروز بزرگ‌ترین راه است برای ملت ایران.<sup>۲</sup>

#### ۲- قرآن

امروز جوامع بشری در اقصی نقاط عالم، به خاطر دوری از معنویت، دوری از حقیقت انسانیت، دوری از اخلاق و دوری از خدا، وضعی پیدا کرده‌اند که این همه پیشرفت مادی هم نمیتواند آنها را خوشبخت کند.

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

۲. در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

چرا؟ مگر امروز بشر از همیشه ثروتمندتر و عالمتر نیست؟ مگر امروز بشر، بیش از همیشه با ابزارهای آسان‌کننده‌ی زندگی مواجه نیست؟ پس چرا زندگی این قدر تلخ است؟! چرا این همه اختلاف در عالم هست؟ چرا این همه جنگ هست؟ چرا این همه نامردمی هست؟ چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمیکنند؟ آیا بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، یک کلمه است: بشر، پیام انبیا را کم دارد؛ بشر، نسخه‌ی آرامش بخش و آسایش بخش انبیا را در دست ندارد، یا به آن عمل نمیکند. بدبختی‌ها اینجاست. این قرآن، کاملترین نسخه‌ها را در اختیار دارد.<sup>۱</sup>

### ۳- قانون اساسی

وظیفه‌ی همه‌ی ما اقامه‌ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن کشور و نجات آن از محرومیتی است که در طول ده‌ها سال حکومت طواغیت و خارجی‌ها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه‌هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده می‌کنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طواغیت و ظلمه، مستبدان و مستأثران بر این ملت، به وجود آورده‌اند، که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت بیست و پنج سال، با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه‌روز اعتقاد به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفته‌ی رو به رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده، میتوان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسئولانمان را در همه‌ی انتخابها، در همه‌ی گزینشها و در همه‌ی انتصابها حفظ کنیم.<sup>۲</sup>

۱. در مراسم اختتامیه‌ی پانزدهمین دوره‌ی مسابقات قرآن ۱۳۷۷/۹/۱

۲. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱

■  
 قانون اساسی ما بسیار خوب و پیشرفته است. قانون اساسی از جمله‌ی همان چیزهایی است که دشمنان ما آن را آماج حملات خود قرار داده‌اند؛ چون این قانون اساسی با این خصوصیات و با این تقسیم قدرت می‌تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش ببرد. این قانون اساسی می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. این قانون اساسی می‌تواند ذهنها را اشباع و اقناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. بر اساس این قانون اساسی، امروز کشور در حال حرکت و پیشرفت است. نه اینکه نقص و ضعف وجود ندارد - بلاشک ضعفها وجود دارد - منتها شما اگر وضعیت کشور و موقعیت استثنایی نظام جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید، خواهید دید که از اول انقلاب پیشرفت ما در همه‌ی زمینه‌ها، پیشرفت خوب، در بعضی جاها عالی و در برخی از بخشها قابل قبول بوده است.<sup>۱</sup>

#### ۴- راه امام خمینی (ره)

امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخصهایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می‌توانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملت خودمان دور کنیم؛ می‌توانیم آرزوی دیرین بشر - یعنی عدالت - را تحقق ببخشیم؛ می‌توانیم به تحقیر شدن ملت‌های مسلمان خاتمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه - نه با تملق و اظهار ذلت - از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به‌دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و

۱. در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را به روی ما باز کرد و این هدفها را برای ما تعریف کرد. او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسی‌ترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود. مردان خدا اینطورند؛ علی‌رغم بی‌اعتنایی به زخارف دنیا میتوانند دنیایی را متحول کنند. عامل اصلی قدرت آنها، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا است. مردان خدا نظرشان به همه چیز و همه کس، تابع نظرشان به خداست. مردان خدا به تاریخ روح میبخشند و روح بخشیده‌اند. تاریخ حقیقی و معنوی بشر را مردان خدا نوشته‌اند. شما نگاه کنید؛ امروز با اینکه هزاران سال از دوران ابراهیم و موسی و عیسی میگذرد، مفاهیمی که هدیه‌ی آنها به بشریت است، امروز برترین مفاهیم رایج بشری است. امروز اگر سخن از آزادی و کرامت بشر می‌رود، اگر حقوق انسان در جوامع مطرح میشود، اگر عدالت و رفع تبعیض همچنان در دنیا یک شعار جذاب است، اگر مبارزه‌ی با فساد و مفسدان و مبارزه‌ی با ظلم و توجه به ایثار و فداکاری در راه حق در چشم بشریت جذاب و شیرین است، به خاطر این است که این مفاهیم را پیغمبران - این مردان خدا - به تاریخ عرضه کردند و آنها را در اختیار بشریت قرار دادند. بنابراین مردان خدا تاریخ را متحول میکنند. آنها با امید به خدا و با خشیت از پروردگار، ناممکن‌ها را ممکن میکنند. با خوف و رجاء مادی و حیوانی نمیشود انسان و انسانیت را متحول کرد. بیم و امید مردان خدا از قبیل بیم و امید اهل دنیا نیست؛ دلبستگی آنها به خداست؛ توکلشان به خداست؛ خشیت آنها از نافرمانی خداست؛ آنها همه‌ی قوانین طبیعت را - که دست قدرتمند الهی سرشته‌دار آنهاست - در خدمت هدفهای خود می‌بینند و با توکل به خدا حرکت میکنند؛ لذا

دنیایی را متحوّل میکنند. امام بزرگوار ما از زمره‌ی چنین مردانی بود.<sup>۱</sup>

تصوّر میکردند که مبانی امام و مبانی انقلاب به فراموشی سپرده شد و نسلهای جدیدی که روی کار آمده‌اند، از آن مبانی روگردان شده‌اند و حتّیّ مسئولان و رجال این نظام هم تجدیدنظر کرده‌اند؛ اما اینها همه به هم خورد و روشن شد که نه نظام اسلامی اگر پیشرفت علمی داشته، اگر در میدان فناوری پیشرفت داشته، اگر بروز استعدادها در طول این دو دهه به شکل حیرت‌آوری در همهی صحنه‌ها چشم همه را به خود متوجّه و خیره کرده، اگر این همه ساخت و ساز و نوسازی کشور در همهی زمینه‌ها انجام گرفته، همهی اینها در بستر تفکّر نظام اسلامی صورت گرفته و دست هدایتگر انقلاب و نام امام و یاد امام و راه امام پیشوای همهی این حرکات بوده و انگیزه‌های ایمانی این حوادث را به وجود آورده؛ این را همه حس کردند و فهمیدند؛ تصوّر غلطی که در ذهنها بود، تصحیح شد و اعتبار نظام جمهوری اسلامی بالا رفت. امروز با این وضعیّت جدید، احساس بنده این است که وظایف سنگین‌تری بر دوش همه است.<sup>۲</sup>

امروز قوای ثلاثه و مسئولان گوناگون کشور - اعم از نظامی و غیر نظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی - باید دستورالعمل کار خود را همین وصیتنامه‌ی امام و راهنماییهای امام قرار بدهند. عزّت ملّت ایران، امنیّت پایدار ملّت ایران، رشد و توسعه‌ی مادی ملّت ایران، اعتلای معنوی و اخلاقی ملّت ایران، در گرو عمل کردن به این توصیه‌هاست.<sup>۳</sup>

۱. در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۴/۳/۱۴

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۴/۶/۱۷

۳. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

## جایگاه و ویژگی‌های نهایی الگو

### ۱- سندی بالادستی و منعطف

اگر ما توانستیم به حول و قوه‌ی الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاستگذاری‌های کشور. یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود؛ سیاستگذاری‌هایی که خواهد شد - سیاستهای کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد. البته این الگو، یک الگوی غیر قابل انعطاف نیست. آنچه به دست خواهد آمد، حرف آخر نیست؛ یقیناً شرایط نوبه‌نوی روزگار، ایجاد تغییراتی را ایجاب میکند؛ این تغییرات باید انجام بگیرد. بنابراین الگو، یک الگوی منعطف است؛ یعنی قابل انعطاف است. هدفها مشخص است؛ راهبردها ممکن است به حسب شرایط گوناگون تغییر پیدا کند و حک و اصلاح شود؛ بنابراین ما در این قضیه هیچ دچار شتابزدگی نخواهیم شد. البته شتاب معقول باید وجود داشته باشد؛ لیکن شتابزده نخواهیم شد و ان شاء الله با حرکت صحیح و متینی پیش خواهیم رفت.

### ۲- ایرائیت

#### منظور از ایرانی بودن در الگو

در خصوص ایرانی بودن الگو، علاوه بر آنچه دوستان گفتند؛ که خب، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر میگذارد - که قطعاً اینها درست است - این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمیخواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما میخواهیم آنچه را خودمان لازم

میدانیم، مصلحت کشورمان میدانیم، آینده‌مان را میتوانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم.

### ۳- اسلامیّت

#### منظور از اسلامی بودن در الگو

بنابراین، این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است؛ به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزشها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه‌ی ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه‌ی اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که میتوانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه‌ی ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد؛ بنابراین «اسلامی» هم به این مناسبت است.

### ۴- جامعیت

الگو هم نقشه‌ی جامع است. وقتی میگوییم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکتهای هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما میگوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت میکنیم. طبعاً همین‌طور که دوستان گفتند، وضعیّت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. یقیناً سؤالات زیادی مطرح خواهد شد؛ این سؤالات بایستی دانسته شود. یکی از آقایان اینجا گفتند چهار هزار سؤال وجود دارد؛ این خیلی خوب است. این سؤالاها شناخته شود، دانسته شود. این حرکت بایست در مجموعه‌ی



نخبگانی ما به وجود بیاید. سؤالها مطرح شود، به این سؤالها پاسخ داده شود؛ این حرکت طولانی مدت است.

البته اینکه ما میگوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه در دنیای معرفت وجود دارد و میشود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

۱. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱۳۸۹/۹/۱۰



بخش سوم: مفهوم، ایجاد، شاخصها و حدود پیشرفت



### مفهوم پیشرفت

ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه‌ی تبلیغاتی را در طول سالهای متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خب، در وهله‌ی اول انسان خیال میکند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه‌ی ارزشگذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهتگیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی

کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. اینجوری میخواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله در مجموعه‌ی رفتار و کارها و شکل و قواره‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما اینها را یاد هم بگیریم، یاد میگیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی میکنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه‌ی غربی شدن، یا توسعه‌یافته‌ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمیکنیم. پیشرفتی که ما میخواهیم چیز دیگری است.<sup>۱</sup>

### دلیل انتخاب مفهوم پیشرفت به جای مفهوم توسعه

اولاً کلمه‌ی «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که گاهی ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمیخواهیم یک اصطلاح جاف‌انده‌ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن میفهمند، بیاوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه میکنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را میدانیم؛ میدانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحتی است، به چه سمتی است. ما این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه‌ی «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه‌ی «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه‌ی «استکبار» به دست می‌آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست.<sup>۱</sup>

### الف) پیشرفت در معنای مصطلح و عام

#### ۱- پیشرفت یعنی حرکت به سمت اهداف

نباید دو روزمان یکسان باشد؛ روزه‌روز باید بهتر بشویم؛ دولتهای ما هم باید روزه‌روز بهتر بشوند؛ مسئولان و مأموران ما هم باید بهتر بشوند. هر فردی از افراد ما، در هر کاری که داریم، باید توقع بهتر شدن را از خودمان و دیگران داشته باشیم. ما باید پیش برویم. معنای پیشرفت، پیشرفت ظاهری و مادی که نیست؛ پیشرفت به سمت هدفهاست؛ یعنی یک امر معنوی، که با بهتر شدن ماها ممکن است. با بدتر شدن ما، روزه‌روز از هدف دور می‌شویم. پس مجلس هم محکوم به همین حکم است؛ انتخابات هم محکوم به همین حکم است.<sup>۲</sup>

#### ۲- پیشرفت یعنی تکامل

تکاملی که از آن یاد می‌کنیم به چه معناست؟ اینکه انسان کامل شود، یعنی چه؟ آیا وقتی که انسان با اختراعات و دانشها و پیشرفتهای علمی گوناگون مجهز شد کامل است؟ آیا یک ملت، وقتی ثروتمند شد کامل است؟ آیا وقتی زندگی یک ملت با رایانه و موشکهای فضایی و ارتباطات از راه دور مجهز شد، میتوان گفت آن ملت کامل شده است؟ نه. کمال در منطق ادیان الهی و دید انسانهای فرزانه، اینها نیست. امکاناتی که امروز کشورهای پیشرفته‌ی عالم از آن برخوردارند، مایه‌ی

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران ۱۳۷۰/۹/۲۷

قدرت آنهاست؛ اما لزوماً باعث کمالشان نیست. درست است که پول و سلاح و اختراعات و دانش و فناوری و پیشرفت علمی، برای یک ملت قدرت می‌آورد؛ اما هر قدرتمندی کامل نیست.<sup>۱</sup>

### ۳- پیشرفت یعنی پر کردن نقاط خلأ به بهترین وجه

تجدد چیست؟ تجدّد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پر شدن است؛ ذهن خلّاق خودتان را به کار بیندازید و آن خلأ را پر کنید؛ این میشود پیشرفت.<sup>۲</sup>

### ب) پیشرفت در معنای خاص و اسلامی

#### حیات طیّبه، مفهومی محوری

#### ۱- حیات طیّبه یعنی نیل به آرامش و آسایش

حیات اسلامی، حیات طیّبه است. حیات طیّبه، یعنی زندگی‌ای که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی، احساس آرامش و آسایش نماید. ما در تشکیل نظام اسلامی و دولت و حاکمیت اسلامی، به اسلام نزدیک شده‌ایم و ارزشها را - تا آن حدّی که برای ما مقدور بود - در حکام و زمامداران رعایت کرده‌ایم. در این بخش، به همین اندازه زندگی شیرین شد.<sup>۳</sup>

#### ۲- حیات طیّبه یعنی زندگی گوارا

نظام اسلامی به وعده‌ی قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طیّبه حرکت میدهد. آیه‌ی قرآن میفرماید: «من عمل صالحاً من ذکرٍ أو انثی و هو

۱. در اجتماع مردم مشهد مقدّس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی‌بن موسی الرضا (علیه‌السلام)

در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

۲. در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵

۳. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه سالروز

قیام مردم قم ۱۳۶۸/۱۰/۱۹



**مؤمنٌ فلنحييه حياةً طيبةً.** حیات طیبه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدفهای او حرکت میکند؛ این زندگی گواراست؛ فقط «دنیا» نیست، فقط هم «آخرت» نیست. آن ملتهایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌ای از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند. از طرف دیگر، حیات طیبه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست. اسلام نمیگوید من می‌خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیای آنها هرچور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض ریشه‌کن میشود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه‌کن میشود؛ جنگها و برادرکشی‌ها از بین میرود؛ ناامنی‌ها در زندگی بشر به صفر میرسد. انبیاء برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند.<sup>۱</sup>

### ۳- حیات طیبه یعنی تأمین همه خیرات مورد علاقه‌ی انسان

به خاطر داشته باشید که اهداف مشخص ما، در اسلام خلاصه میشود. اسلام فقط یک اعتقاد نیست؛ اسلام زندگی طیبه‌ی انسانهاست. وقتی از حیات و نظام اسلامی صحبت میکنیم، منظور ما نظام و حیات طیبه‌ای است که همه‌ی خیرات مورد علاقه‌ی انسان در آن وجود دارد؛ هم رفاه مادی و امنیت اجتماعی و روحی تأمین میشود و هم صفای معنوی و دانش و بینش و تحقیق و تعبد و خلوص و توجه به خدا

۱. در صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۱۳۸۳/۱/۲

مشاهده می‌گردد. اسلام این مواهب را به ما می‌دهد. اسلام نشان داده است که میتواند از مردمی که به او اعتقاد دارند و براساس تعالیم او زندگی میکنند، دفاع کند.<sup>۱</sup>

#### ۴- حیات طیبه یعنی سعادت دنیا و آخرت

زندگی و حیات طیبه‌ی اسلامی، یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادی و تعالی معنوی. انقلاب ما این حرکت را در کشور به وجود آورد و دست قدرتمند الهی رهبر و امام بزرگوار آن را به پیش برد و از این جهت امروز بحمدالله در دنیا ملتی نمونه هستیم.<sup>۲</sup>

اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادتمند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید. حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور میکند. اسلام دنیای مردم را آباد میکند؛ متنها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسانها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت‌خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مسئله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت میکند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. در اسلام، عدالت مسئله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در

۱. در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار

مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۸/۴/۱۱

۲. در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استانهای ایلام و فارس و گروهی از طلاب پاکستانی

۱۳۶۸/۴/۱۲

سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند.<sup>۱</sup>

پس حیات طیّبه معنایش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مادیّات نباشند؛ نه حیات طیّبه، یعنی دنیا و آخرت را با هم داشتن. حیات طیّبه، یعنی مآذّه و معنا را با هم داشتن. حیات طیّبه، یعنی آن ملّتی که تلاش میکند، سازندگی میکند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج میرساند، قدرت علمی و تکنیکی پیدا میکند، پیشرفتهای گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد؛ اما در همه‌ی این حالات، دل او هم با خداست و روزه‌روز هم با خدا آشناتر میشود. این، هدف نظام اسلامی است. این، آن هدفی است که پیامبران اعلام کردند، مصلحان عالم گفتند و در این صدوپنجاه تا دویست سال گذشته، شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی آن را اعلام کردند.<sup>۲</sup>

جوان چه میخواهد؟ جوان ما مایل است در کشوری که خانه‌ی اوست، فقر و عقب‌افتادگی و بدبختی نباشد؛ امنیت و عزّت و افتخار وجود داشته باشد؛ صفا و محبّت و روشن‌بینی بر فضای زندگی حاکم باشد؛ میدان کار و تلاش و پیشرفت در برابر او باز باشد؛ احساس پوچی نکند؛ هدف روحی و معنوی و والایی که در دل هر انسانی هست، بتواند آن را اشباع کند. این یک ترسیم کلی از آرمانهایی است که قاعدتاً یک جوان ایرانی دارد.

این چیزهایی که عرض کردم، مجموعاً در اصطلاح قرآنی حیات طیّبه است؛ «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».<sup>۳</sup> حیات طیّبه یعنی زندگی در رویه‌ی مادی و نیازهای جسمانی و همچنین در لایه‌ی نیازهای معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - پاسخگو باشد.<sup>۴</sup>

۱. در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۲/۱۸

۲. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زایران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۰/۱/۲۹

۳. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

۴. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً». حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن میگوید: «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً»، یعنی همه‌ی اینها؛ یعنی آن زندگی ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با اینها فاصله داریم؛ باید به اینها برسیم.<sup>۱</sup>

حیات طیبه ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است - «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً» - یعنی این؛ یعنی همین‌طور روزبه‌روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همین‌طور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست.<sup>۲</sup>

### عرصه‌های پیشرفت

عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. چهار عرصه‌ی اساسی وجود دارد، که عرصه‌ی زندگی - که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها میشود - یکی از این چهار عرصه است.

### عرصه‌ی اول، پیشرفت در عرصه‌ی فکر

در درجه‌ی اول، پیشرفت در عرصه‌ی فکر است. ما بایستی جامعه را

۱. در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۴/۲۴

۲. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

به سمت یک جامعه‌ی متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لَقَوْمٌ يَنْفَكُرُونَ»<sup>۱</sup>، «لَقَوْمٌ يَغْفُلُونَ»<sup>۲</sup>، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ»<sup>۳</sup> داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه‌ی خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم. البته این از مجموعه‌ی نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهایی دارد، الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست؛ که باید در برنامه‌ریزی‌ها اینها همه لحاظ شود و بیاید.

### ■ عرصه‌ی دوّم، عرصه‌ی علم

عرصه‌ی دوّم - که اهمّیتش کمتر از عرصه‌ی اوّل است - عرصه‌ی علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید. خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم اینجوری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوری‌ها و اینها خودش را نشان میدهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسئله‌ی مورد بحث ما از چیزهای بلندمدت نیست؛ نزدیکتر و ثمره‌ی آن دم‌دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم یک عرصه‌ی پیشرفت است.

### ■ عرصه‌ی سوّم، عرصه‌ی زندگی

عرصه‌ی سوّم، عرصه‌ی زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط

۱. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۴

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۴

۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۶۸

۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۲

اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه‌ی زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملّی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.

#### ■ عرصه‌ی چهارم، پیشرفت در عرصه‌ی معنویّت

عرصه‌ی چهارم - که از همه‌ی اینها مهمتر است و روح همه‌ی اینهاست - پیشرفت در عرصه‌ی معنویّت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه‌ی آن این باشد که جامعه‌ی ایرانی ما به سمت معنویّت بیشتر پیش برود.

■ باید برای همه روشن شود که معنویّت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویّت روح همه‌ی اینهاست. میتوان با معنویّت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویّت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویّت، تمدّن همراه باشد با معنویّت، ثروت همراه باشد با معنویّت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیّة‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا - من این را اینجا عرض بکنم - دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه‌های مقدّماتی عالم انسانی داریم حرکت میکنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خمهای کوه‌ها و تپه‌ها و راه‌های دشوار داریم حرکت میکنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والاست. بشریّت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره‌راه‌ها حرکت میکند تا به بزرگراه برسد. وقتی به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیّة‌الله است - آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد

شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

### مؤلفه‌ها و شاخصهای پیشرفت اهمیت شاخصها

اگر بخواهیم که این مسائل انجام گیرد بایستی - همین طور که عرض کردم - یک برنامه‌ی بلندمدت، یک راهبرد کلی و یک استراتژی تدوین شده وجود داشته باشد تا شما بتوانید در هر برهه‌ای از زمان پیشرفت خودتان را با آن بسنجید. معمولاً برای سنجش، وضعیتها را کمی میکنند. به نظر بنده، اهمیت سنجش کیفی بیشتر است؛ منتها باید این را انسانهای امین و هوشمند و زیرک بسنجند. بینیم در این خط مشی و راهبردی که برای خودمان معین کرده‌ایم که مثلاً راهبرد ده ساله است، چقدر پیش رفته‌ایم، یا چقدر عقبیم. به نظر من، همه‌ی این راهبردهای کمی و کیفی را بایستی قابل تشخیص و قابل ارزیابی کرد.<sup>۲</sup>

### برخی ملاحظات

#### تأکید بر ابعاد ملی و معنوی

با وجود همه‌ی اینها، اساس تحوّل باید بر «ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمانهای اساسی و اصولی مهمترین آنهاست. من این را عرض میکنم که صنعتی شدن، فرا صنعتی شدن، پیشرفت علمی، پیشرفت خدماتی و پیشرفتهای بهداشتی و درمانی باشد؛ اما اساس اینها باید حفظ هویت ملی باشد. اگر یک کشوری همه‌ی اینها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود، فرهنگش وابسته‌ی به دیگران بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا اگر گذشته‌ای داشت، آن گذشته را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.

آنچه ما در تحول، تحولی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است - که جا دارد که این جزو آرمانهای ما باشد - مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی.

مدیریتها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقا دادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی است؛ همه‌ی اینها در این تحول و پیشرفت، به معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی میدانیم.

در کنار اینها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین میکند؛ اگر این نشد، همه‌ی آنچه دستاوردهای به معنای عرفی و رایج جهان پیشرفته محسوب میشود، ممکن است در راههای غلطی مصرف شود. یعنی ممکن است یک کشور از لحاظ رفتارهای اجتماعی‌اش منضبط، مؤدب و با اخلاق باشد، ثروت و علم را هم به دست بیاورد، اما در عین حال همین ثروت و علم و همین انضباط مردمی خودش را برای نابود کردن یک ملت دیگر به کار گیرد. این غلط است؛ این در منطق ما درست نیست. علم خودش را به کار بگیرد برای ایجاد سلاحی مثل بمب اتم که وقتی یک جایی فرود افتاد، دیگر با گناه و بی‌گناه و مسلح و بچه‌ی کوچک و شیرخوار و انسانهای مظلوم را نگاه نمیکند و فرقی نمیگذارد و همه را نابود میکند. علمی که در این راه به کار بیفتد و کشوری که این را داشته باشد و تحولی که بخواهد به اینجا منتهی شود، مورد تأیید ما نیست و ما چنین تحولی را دوست نمی‌داریم. خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه‌ی انسانی در هر تحولی و عواطف و محبت در انسانها باید تقویت بشود و در این جهت باید راه برویم. آن تحول اجتماعی یا اقتصادی‌ای که انسانها را نسبت به هم بی‌تفاوت و بی‌محبت میکند، ممدوح نیست؛ مذموم است. اگر شما میشنوید که در برخی از کشورهای



غربی، فرزند و پدر در یک شهر زندگی میکنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمیپرسد، خانواده‌ها دور هم جمع نمی‌شوند، کودکان از عطفه‌های پدرانه و مادرانه برخوردار نمیشوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت - یک قرارداد قانونی بسته شده است - کنار هم نمی‌نشینند؛ زن یک جا کار دارد، مرد یک جا کار دارد، آخر کار این، ساعت هشت شب است، آخر کار آن، ساعت ده شب است، بعد یک قرار این با یک دوستی دارد، او قرار با یک همکاری دارد؛ اگر اینها را شما میشنوید که در جایی هست و اگر اینها واقعیت دارد، اینها دیگر نشانه‌های پسرفت است. آن تحوّل که به این چیزها بینجامد، مورد تأیید ما نیست. ما تحوّل می‌خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ تا چهل خانه آن طرفتر را شما همسایه‌ی خود بدانید؛ این خوب است. محیط، محیط تراحم و تعاطف باشد.

همه‌ی افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند: «عَنِ النَّبِيِّ ص: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ همه‌ی شما راعی هستید؛ یعنی رعایت‌کننده. همه‌ی شما مسئول از رعیت‌تان هستید؛ یعنی آن کسی که مورد رعایت شما باید قرار بگیرد. آن تحوّل که در پیوندها و نظامات اجتماعی به یک چنین حقایقی منتهی بشود، آن پیشرفت است؛ پیشرفت مورد نظر اسلام و جمهوری اسلامی، این است.

پیشرفتی که بر فردمحوری و اباحه‌ی لذّاتی که انسان به طور مطلق دوست میدارد، مبتنی باشد، پیشرفت نیست. دنیای صنعتی غرب امروز بر این پایه استوار است: اباحه‌ی لذّات؛ هر لذّتی که شرطش فقط این است که تعدی به دیگری نباشد. هر چیزی که دوست میداری، مباح است؛ لذّت‌جویی کن. برای همین هم است که می‌بینید دیگر این تعبیرات شرم‌آوری که امروز وجود دارد، حتّی به سطح کلیساهای آنها هم کشیده شده است! همجنس‌بازی‌ها و کارهای زشتی که اینها میکنند، ارتباط و

اختلاطهای نامشروع و مستهجن جنسی که بین اینها رایج است، یک روز مخفی بود، همین‌طور بتدریج طوری شده که امروز یک چیز رایج شده است. دو، سه سال پیش از این، کشیش یک کلیسایی در امریکا اعلام کرد که من حاضرم دو تا همجنس را که میخواهند با هم زندگی کنند، عقدشان را بخوانم! این همان لذت‌گرایی است. می‌گویید از این خوشم می‌آید، پس باید انجام بدهم. این ممنوع و مطرود است. ما این را پیشرفت نمیدانیم.

اقتداری که مبتنی بر ظلم به ملت‌های دیگر و به بهای پسرفت ملت‌های دیگر باشد، پیشرفت و تحولی که در خدمت یک طبقه‌ی خاص - طبقه‌ی سرمایه‌دار - باشد، که امروز در کشورهای غربی اینطور است، مورد نظر ما نیست. ثروت این کشورهایی که زیاد است، یعنی درآمد عمومی‌شان زیاد است - به تعبیر رایج، درآمد ناخالص ملی - چگونه توزیع میشود؟ به هر کس چقدر و در مقابل چه مقدار کار، میرسد؟ معمولاً اینها را نگفته می‌گذارند. برای کسب معاش، زن و شوهر روز و شب کار کنند و توان نداشته باشند تا بتوانند زندگی خودشان را بگذارند، اما در مقابل سرمایه‌داران بزرگ - راکفلرها و فورد‌ها و آنهایی که حالا جدیداً در این میدان وارد شده‌اند - کوه‌هایی از ثروت داشته باشند که نتوانند محاسبه کنند؛ اینها مورد نظر ما نیست. پیشرفتی که در خدمت طبقه‌ی سرمایه‌دارها باشد، پسرفت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست.

تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمیدانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته‌ام؛ نخیر، ترجمه هم خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم

خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه‌ی دیگران بمانیم. یک حرفی را در زمینه‌ی مسائل اجتماعی پنجاه، شصت سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرهنگی گفته، حالا آقای بیاید در دانشگاه، دهش را با غرور پُر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان و ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌بازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمیدانیم.

آنچه پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه‌ی دانشهای مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله‌ی عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه‌ی علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی آموزشهای مدیریتی از پیشرفتهای دنیا فرا بگیریم، آن را بین خودمان بر طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم.<sup>۱</sup>

### تأکید بر رشد همزمان ابعاد مادی و معنوی

دنیا و آخرت، رفاه و آرمان، با هم و در کنار هم قابل پیشرفت است. تصوّر اینکه جامعه‌ی آرمانگرا به حل مشکلات مادی و رفاهی نخواهد رسید، به معنای این است که بگوییم ادیان و مقدّسات و معنویات و آرمانها، به فکر دنیا و زندگی مردم نیستند! این، خلاف صریح اسلام و همه‌ی ادیان است. مطمئناً حرکت به سمت گشودن گرههای مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفه و سالم و خوب، که مردم از فراوانی

۱. در دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۸/۱۸

و ارزانی و دیگر امکانات استفاده کنند، یک وظیفه‌ی اسلامی است که بر دوش همه - بخصوص بر دوش شما که مسئولان و مدیران کشور هستید - است. این کار، عملی است و قطعاً جزو آرمانهای اسلامی و امام عزیزمان میباشد.<sup>۱</sup>

■ امروز، در نظامهای ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ غرب، چه در خود منطقه‌ی جغرافیایی غرب، چه در جاهای دیگر دنیا در بخش ابزار و وسایل زندگی تا آنجا پیشرفت کرده‌اند که به کرات آسمانی رسیده‌اند. این از لحاظ علمی، انصافاً فوق‌العاده است. این را که دیگر نمیشود منکر شد. فرض بفرمایید به آسمانها بروند و دوربینهای تلسکوپ را در آنجا تعمیر کنند. این، پیشرفت عظیمی برای بشر است. اما اگر از نظر جهتگیری زندگی، بینشی که انسان به آن احتیاج دارد، نباشد، اصلاً این ابزار برای بشر هم لازم نیست؛ بلکه مضر است. انسان امروز، از این نظر عقب مانده است. دستش خالی است. معنویت در دنیا نیست. جهتگیری درست، نیست. برای همین است که دنیا پر از ظلم و جور است. افسوس که بعضی، مطلبی به این وضوح را نمیفهمند! مگر این دنیا مال بشر نیست؟! مگر این علم و پیشرفت برای این نیست که انسان از آنها استفاده کند؟! وقتی ما می‌بینیم در دنیا وضعی است که اکثر انسانها، روزبه‌روز بدبخت‌تر میشوند و عده‌ای با همان ابزار پیشرفته‌ی علمی که مال انسان است، بر انسانیت اینگونه فشار می‌آورند، این کافی نیست که کسی بفهمد یک بال انسانیت شکسته و افتاده است؟!

این، بال معنویت است. اگر ما هم در جامعه‌ی خودمان، جنبه‌ی معنوی را ندیده بگیریم؛ آن را حذف نماییم، یا کوشش کنیم از صحنه خارجش کنیم، همین خواهد شد. از وقتی که ترشحات و نشانه‌ها و طلیعه‌های فرهنگ غرب، به صورت قصه و نقشه نه به صورت طبیعی و

۱. در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، به مناسبت آغاز فعالیت کابینه

آنچه لازمه‌ی زندگی عمومی بشر باشد به کشور ما سرازیر شد از اواخر سلطنت ناصرالدّین شاه، مبارزه با دین و تلاش برای منزوی کردن دین هم شروع شد. البتّه عده‌ای، اینها را از زمان رضاخان میدانند و مربوط به سلاطین قاجار نمیدانند. اما این، یک واقعیت است. منزوی کردن علمای دین؛ منزوی کردن دین؛ سعی در استخدام نیروهایی برای مقاصد خبیث که شروع شود، جامعه، جامعه‌ای خواهد شد که از لحاظ وسایل و ابزار زندگی که ما به آن می‌گوییم: دنیا؛ یعنی همان که در علوم امروز، علوم دانشگاهی نامیده میشود پیشرفت میکند. اما آن جامعه، یک جهش ناقص است و آن، جنبه‌ی معنوی است.

حالا یک وقت است که جامعه‌ای در جنبه‌ی علوم مربوط به ابزار زندگی پیشرفتی دارد. مثل جوامع غربی. اما یک وقت در همان هم پیشرفت ندارد. مثل بسیاری از جوامع تابع غرب که معنویت را حذف کردند، مادّیت را هم نتوانستند جلب کنند! مثل وضع زندگی خود ما در دوران حکومت پهلوی‌ها: معنویت را طرد کردیم، مادّیت را هم نتوانستیم به شکل مدرن و جدید و علمی و واقعی‌اش به داخل کشور بیاوریم. یعنی «خسر الدّینا و الاخرّة» شدیم!

آن طرف قضیه هم همین‌طور است. یعنی اگر جامعه‌ای، فقط به جنبه‌های معنوی بپردازد و از علوم غافل بماند؛ از پیشرفت علمی، از کشفیات علمی، از نوآوری‌های علمی، از تحصیل علم میان فرزندان میهن، از ساختن انسانهایی که بتوانند زندگی را به شکل متناسب با نیازهای بشر درآورند، با سهولت و سرعتی که امروز دنیا طلب میکند و نیازمند آن است غافل بماند، باز یک بال دیگرش شکسته است. خیال نکنید که اسلام طرفدار این است که همه چیز منحصر بشود در مسائل روحی و معنوی و نظر به مادّیات نباشد! نه! این انحراف، همان اندازه بزرگ است که آن انحراف اوّل. اسلام، انزوا از دنیا و زندگی را، به‌صورتی بسیار روشن رد کرده است.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار دانشجویان، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ۱۳۷۲/۹/۲۴

علم باید در کنار اخلاق و پیشرفت صنعتی و علمی و مادی در کنار رشد اخلاقی باشد. توجه به خدا هم مایه‌ی اصلی رشد اخلاقی به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته‌ی انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسانها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان میکنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته‌ی تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادیگری، انسانها مثل گرگها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه‌ی مادی و هم از جنبه‌ی معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، یک مبارزه‌ی طولانی و بلند مدت است.

آنهایی که میکوشند اینطور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز میدارد. امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که میتواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است.<sup>۲</sup>

الان کشورهای بزرگ دنیا رشد مادی دارند؛ محصول زیاد، علم پیشرفته، تکنولوژی پیچیده، مصنوعات فراوان؛ هر روز چیزی از پیشرفتهای علمی در دنیا به بشریت نشان میدهند؛ اما آیا اینها

۱. در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهداد کرمان، قم، و مسئولان و دانشجویان دانشگاه هنر ۱۳۷۰/۸/۱

۲. در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳

خوشبختند؟ آیا زندگی آنها زندگی انسانی است؟ اینطور نیست؛ نه خودشان خوشبختی انسانی را حس میکنند، نه اجازه میدهند که ملت‌ها خوشبختی انسانی را درک کنند. در میان خودشان، اضطرابها، نگرانی‌ها، قتلها، جنایتها، افسردگی‌ها، وازدگی از زندگی مادی و معنوی، دوری از معنویت و فضیلت، پاشیده شدن اساس خانواده و از بین رفتن پیوند فرزندان با والدین وجود دارد. اینها گرفتاری‌های آنهاست؛ برای دنیا هم که می‌بینید چه به ارمغان آورده‌اند! برای ملت‌های دیگر هم جنگ و فقر و بی‌سوادی و اختلاف و بدبختی و تیره‌روزی را آورده‌اند. آنها رشد مادی دارند، اما رشد معنوی ندارند. وقتی رشد مادی بدون رشد معنوی شد، نتیجه این است که مشاهده میکنید. باید رشد معنوی را در کنار رشد مادی گذاشت.<sup>۱</sup>

### الف) برخی مؤلفه‌ها و شاخصهای مادی پیشرفت

#### پذیرش غالب شاخصهای متداول

حالا میخواهیم مشخص کنیم که پیشرفت چیست؟ تعریفهایی برای پیشرفت و کشور پیشرفته در دنیا معمول است؛ ما اغلب اینها را قبول داریم و رد نمیکنیم؛ مثلاً صنعتی شدن و فرا صنعتی شدن کشور؛ اینها دلیل پیشرفت است. خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این.

وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح سواد، ارتقای سطح معلومات عمومی مردم، ارتقای خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد نرخ عمر متوسط - به قول تعبیرات اخیر، امید

۱. در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهداد کرمان، قم، و مسئولان و دانشجویان دانشگاه هنر ۱۳۷۰/۸/۱

به زندگی - اینها جزو نشانه‌های پیشرفت است و درست است. کاهش مرگ و میر کودکان، ریشه‌کنی بیماری‌های گوناگون در کشور، رشد ارتباطات و امثال اینها، شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر میکنند و ما این شاخصها را رد نمیکنیم و قبول داریم. منتها توجه داشته باشید این شاخصها را وقتی که به ما تحویل میدهند - به ما که تشکیل‌دهنده‌ی این شاخصها نیستیم - در لابه‌لای آن، چیزهایی است که دیگر آنها جزو شاخصهای پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند که این صادر کردن فرهنگ مخالف با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست. آن کسانی که این شاخصها را تهیه و ارائه میکنند، اگر غالباً چه دانشمندانند، اما بسیاری از آنان آدمهای مستقلی نیستند؛ یعنی همان شبکه و همان ناتوی فرهنگی در مجموعه‌ی خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال اینها را هم دارد.<sup>۱</sup>

■ مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اوّل انقلاب سعی

۱. در دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۸/۱۸



کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوء استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملّتها جلوترند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملّی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرّک و برنامه‌ریزی لازم دارد، که بعد اشاره‌ای عرض خواهم کرد.<sup>۱</sup>

این پیشرفتها در کجاست؟ این تحوّل که می‌گوییم باید به وجود بیاید و این حرکت به جلو در کجاست؟ در همه‌ی مناطق مربوط به زندگی جامعه. قوانین، تحوّل پیدا میکند و باید روزبه‌روز بهتر و کاملتر شود. در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روزبه‌روز بایستی تحوّل صورت گیرد و پیشرفت حاصل گردد. در نظام علمی و آموزشی کشور، در فعالیتهای اقتصادی، در هنر، در امور حکومت و اداره‌ی کشور، حتّی در حوزه‌های علمیّه، بایستی انسانهای با فکر و شجاع و روشن‌بین، روزبه‌روز روشهای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و آرمانهای جدید را دنبال کنند. اساس، همان ارزشهاست. در چارچوب همان ارزشها پیش بروند و تحولات را به وجود آورند. آن وقت انقلاب، یک انقلاب کامل و روزبه‌روز میشود و تمام شدنی هم نیست. این تکامل، تمام شدنی هم نیست؛ یعنی هر ده سال، بیست سال یک‌بار، اگر انسان به کشور نگاه کند، خواهد دید که در بخشهای مختلف، پیشرفت و ترقّی ایجاد شده

۱. دراجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

است.<sup>۱</sup>

### ۱- توسعه‌ی زیرساختهای اقتصادی

وقتی که در یک کشور، توسعه‌ی سازندگی و زیرساختهای اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا میشود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می‌آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار میشود. یعنی اگر شما امروز می‌بینید که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران و کشور ما، هم در سطح جهان، از یک آبروی سیاسی برخوردار است و هم در داخل، زبان بدخواهان و بدگویان و عیب‌گیران و کسانی که عیبهای کوچک را بزرگ میکنند و محسنات بزرگ را ندیده میگیرند تا حدود زیادی بسته است - اگرچه هیچ وقت زبان بدگویان بکلی بسته نخواهد شد؛ چون به طور کلی انگیزه‌های بدخواهی هرگز از بین نمیرود، لیکن تا حدود زیادی این معنا هست - به خاطر این است که حرفی برای گفتن ندارند و خیلی از حرفهایی را که میتوانند بگویند و میتوانند به عنوان بهانه ذکر کنند، دیگر ندارند. یعنی استحکام سیاسی تا حدود زیادی، ناشی از استحکام فعالیتهای سازندگی در کشور است، که خوشبختانه این کار انجام گرفته است. در زمینه‌های فرهنگی هم کار شده است. اگرچه نه به اندازه‌ی کارهای زیر بنایی اقتصادی و آنچه مربوط به توسعه‌ی اقتصادی است، لیکن به هر حال در آن زمینه هم انصافاً کارهای باارزشی انجام گرفته است.<sup>۲</sup>

### ۲- توسعه‌ی کشاورزی

مسئولان با این نگاه، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره‌ی کشور است؛ و

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

۲. در دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران، به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۷۵/۶/۸

باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند. البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه میکنیم، صنعت را نفی نمیکنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخشهای دیگر، مبدا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا میکند؛ چون اینجا مسئله‌ی غذا و مسئله‌ی امنیت غذایی و مسئله‌ی استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته‌ی اول، که مسئولان با این چشم به مسئله‌ی کشاورزی نگاه کنند. این نگاه - همانطور که گفتیم - در دانشگاه، در بخش‌های دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم درسها، در گرفتن دانشجوی، در پرداختن به استاد، اثر میگذارد تا بقیه‌ی خدمات گوناگونی که دولت میتواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه مربوط به بانک‌هاست، آنچه مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، آنچه مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است.

■  
امروز کشور شما، کشوری است در حال حرکت به جلو. این حرفها مربوط به کشاورزی است؛ ولی ما در قضیه‌ی صنعت، در قضیه‌ی تحقیقات، در امر سیاست، در رشته‌های گوناگون علوم، در پدید آوردن مسائل نو، در همه جا، حرکتهایی را به برکت انقلاب و به برکت نظام جمهوری اسلامی مشاهده میکنیم، که کشور به برکت آنها خواهد توانست این فاصله‌ی ژرفی را که دشمنان میان این کشور و میان کشورهای پیشرفته به وجود آورده‌اند، پر کند. حرکت امروز کشور، حرکت مبارکی است؛ حرکت سرشار از امید و نگاه به آینده. کاری که امروز دستگاه‌های مختلف میکنند، چه در این بخش - بخش کشاورزی - چه در بخشهای دیگر، باید یک قاعده‌ی محکمی باشد که بتواند بعد

از بیست سال - وقتی دوران سند چشم‌انداز بیست ساله تمام شد - احساس افتخار کنند و بگویند ما بودیم که این تدابیر را اندیشیدیم و امروز کشور بعد از گذشت بیست سال، به این رشد و اعتلا رسیده است؛ که می‌رسیم ان‌شاءالله. جوانهای ما - شماها - خواهید دید ان‌شاءالله آن روز را؛ و دشمنان مستکبر نظام جمهوری اسلامی از همین می‌ترسند و علت دشمنی‌ها، همین است. آنها از اینکه یک کشوری، یک ملتی، با تمسک به اسلام بتواند به این قلعه‌ی عظیم زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود برسد، نگرانند؛ چون میدانند این بهترین مروج اسلام و بهترین مروج معنویت است؛ میدانند که اگر این راه را این ملت طی کرد، جلوی زیاده‌خواهی‌ها و زیاده‌خواری‌های آنها گرفته خواهد شد. کمپانی‌های غاصب صهیونیستها و دیگران، می‌خواهند دنیا را بچاپند؛ سختشان است که ببینند یک ملتی در مقابل داعیه‌های آنها اینطور در همه‌ی بخشها جلو میرود؛ اما علی‌رغم آنها ملت ایران به پیش خواهد رفت و اسلام عزیز سربلندتر از آنچه هست، خواهد شد و ان‌شاءالله پرچم عزت اسلامی بر بلندای این ملت و همه‌ی دنیای اسلام به اهتزاز در خواهد آمد.<sup>۱</sup>

دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پرجمعیت و دارای هدفهای بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پر معنا و پرمضمونی درباره‌ی کشاورزان نقل شده است: «هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ»؛<sup>۲</sup> یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را میدروند و استخراج میکنند. مهمترین گنجینه‌ی خدا در زمین و خاک عبارت است از موادی که مایه‌ی ادامه‌ی حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و

۱. در دیدار کشاورزان ۱۳۸۴/۱۰/۱۴

۲. وسائل الشیعة ج: ۱۷ ص: ۴۱

نفت مهمتر است. طلا و نفت وسیله‌ی به‌دست آوردن مایحتاج زندگی است؛ اما محصول غذایی، مهمترین مایحتاج زندگی است. این را برای این عرض میکنیم که همه‌ی دست‌اندرکاران کشور و بخصوص مسئولان وزارت جهاد کشاورزی توجه کنند - همانطور که از اوّل انقلاب بارها تکرار شده است - که کشاورزی یکی از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشور ماست؛ یک امر حاشیه‌ای نیست. توجه به صنعت - که لازم است - نباید موجب عطف توجه از کشاورزی شود. کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس است. این کار، مقدماتی دارد؛ باید این مقدمات را طی و اجرا کرد. مسئولان در این زمینه تلاشهای خوبی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳- پیشرفت نظامی

امیدواریم که از همه‌ی این جهات، بخصوص در زمینه‌ی آموزش، به دست آوردن دانش نظامی، حفظ اندوخته‌های تجربی که سپاه از این جهت، خزانه‌ی ذی‌قیمت و ذخیره‌ی بزرگی را در اختیار دارد، همچنین حفظ آنچه در کلاسها و دوره‌های گوناگون چه در زمینه‌ی مسائل عملیاتی، چه در زمینه‌ی مسائل ستادی فرا میگیرید، روزبه‌روز کارایی و اقتدار سپاه و توانایی‌های آن و همچنین تبادل اندوخته‌ها و تجربیاتش با ارتش که تکیه‌ی نظام جمهوری اسلامی به اینهاست، به عنوان یک سازمان رزمی مورد امید و اعتماد، پیشرفت بیشتری بکند.<sup>۲</sup>

نیروی دریایی امروز در بسیاری از نقاط عالم و در کشور ما یک نیروی راهبردی است؛ به چشم یک نیروی راهبردی به نیروی دریایی باید نگریسته شود. سواحل جنوب شرقی کشور که در اختیار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است، مناطق بسیار مهمی است و ظرفیتهای بسیار خوبی برای پیشرفت است؛ به آنجاها اهتمام کنید و اهمیت بدهید. دریانوردی‌ها را که امروز بحمدالله شکل پیشرفته‌ای نسبت

۱. در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

۲. در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای سپاه در پادگان انصارالحسین ۱۳۷۲/۷/۷

به گذشته گرفته است، ادامه بدهید، به زیرسطحی‌ها اهمیّت بدهید و توجّه کنید، امکانات و تجهیزات پدافندی شناورهای سطحی را در همه جا، بخصوص در دریاهاى جنوب مورد توجّه قرار بدهید. نیروی دریایی امروز بحمدالله ظرفیتهای خوبی دارد؛ بحمدالله فرماندهی خوبی هم دارد. امروز تلاش شما میتواند ثمرات زیادی را به بار بیاورد و شکوفایی‌هایی را برای شما، برای نیروی دریایی، برای کلّ ارتش جمهوری اسلامی ایران و برای نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی ان‌شاءالله به بار بیاورد.<sup>۱</sup>

#### ۴- پیشرفت صنعتی

خب، ما در قضیه‌ی صنعت قانع نیستیم به آنچه تا امروز به دست آمده. اگرچه آنچه تا امروز به دست آمده، بسیار ارزشمند است؛ نه اینکه ارزش اینها را ندانیم، قدر اینها را شناسیم، کوشش ارزشمندی که در راه آن انجام گرفته، ندیده بگیریم؛ نه اینها همه به جای خود محفوظ، اما این آغاز کار است، آغاز راه است.

ما در خصوص صنعت خودرو یک عقب‌افتادگی طولانی‌ای را آزمودیم و تحمّل کردیم. هنر بزرگ شماها این است که توانسته اید این عقب‌ماندگی طولانی را با همّت خودتان قطع کنید؛ یعنی این حال چُرت و خواب و خواب آلودگی را که تقریباً از بعد از ورود صنعت خودرو به کشور، حدود سی سال طول کشیده، به هم بزنید. ما از سالهای دهه‌ی ۴۰ که صنعت خودروسازی وارد کشور شده - در حدود سی سال تقریباً - همین‌طور درجا زدیم. در مرحله‌ی تقلید محض و تقلید صرف باقی ماندیم. نمیتوان مسئولین کشور را در دهه‌ی ۶۰ مؤاخذه کرد؛ زیرا دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی انقلاب است، دهه‌ی دفاع مقدّس است؛ به قول مسئول محترم، این سالن، سالن تسلیح رزمندگان است؛ همه‌ی خانه‌های ملّت ایران در واقع به یک نحوی عقبه‌ی میدان جنگ بوده. دهه‌ی ۶۰ را نمیشود مؤاخذه کرد؛ اما قبل از دهه‌ی ۶۰ را، قبل از دوران انقلاب را،

۱. در دانشکده‌ی علوم دریایی نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۴

چرا؛ باید محاسبه کرد، باید مؤاخذه کرد. دوران حرکت تقلیدی برای خودروسازی در کشورهایی که خواستند خودروساز بشوند، چهار پنج سال است. چرا باید در اینجا اینقدر طول بکشد؟ این گناه آن کسانی است که به منافع کشور فکر نمی‌کردند؛ برای عزّت کشور دل نمیسوزاندند؛ برای ضایع شدن و دور ریخته شدن سرمایه‌های مادی کشور اهمّیتی قائل نبودند. امّا در نظام جمهوری اسلامی از دهه‌ی ۷۰ شما شروع کردید؛ خب، پیشرفت هم خوب بوده. امروز این موتور مَلّی که از ایده و طراحی تا آخرین اجزایش را هنر ایرانی و سرانگشت ایرانی و فکر ایرانی و تلاش ایرانی ساخته، یک نماد عزّت برای کشور است؛ این خیلی چیز پرمعنایی است. مسئله فقط این نیست که ما توانسته ایم یک موتور خودرو تولید بکنیم؛ مسئله فراتر از اینهاست. امروز دنیا میدان مسابقه‌ی وسایل انواع موتورهاست و موتور خودرو به عنوان یک وسیله‌ی متعارف زندگی و جلو چشم و مورد استفاده‌ی همه، یکی از برجسته‌ترین اقلام است. توی این دنیای پر کشمکش، شما توانستید هنر سرانگشت هنرمند ایرانی را اینجا نشان بدهید؛ این خیلی باارزش است. دل انسان خون میشود وقتی به یاد می‌آورد که ما در طول سالهای متمادی در خودروهای کشورمان - چه آنهایی که از خارج می‌آمده، چه آنهایی که به ظاهر در داخل تولید میشده - موتورهایی کار میکرده که یکسره بیگانه بوده؛ دیگران ساخته بودند؛ کارگر دیگری این را ساخته. ما به جای اینکه کارگر خودمان را به کار مشغول کنیم، از هنر او استفاده کنیم، به او سود برسانیم و کشور را پیش ببریم، در واقع به دیگران کمک کردیم. امروز بحمدالله این زمینه را شما فراهم کردید، این امکان را به وجود آوردید؛ این خیلی باارزش است. من از این کار خوب تقدیر میکنم؛ منتها همانطور که عرض کردم، این گام اوّل است. یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ توانایی‌های خودمان را به کار بگیریم. البتّه دنیا، دنیای تبادل است؛ امّا تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما

میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را میخواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنی مان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیاییم و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد - حالا من بعد در زمینه‌ی مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست، اشاره میکنم - و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود، با توانایی‌های خود، توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد. ■

کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست. یعنی من که روی صنعت تکیه میکنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست. اصرار دارم بر اینکه بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمدالله در شما جوانان عزیز هست و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان‌پذیر است.<sup>۱</sup>

### توسعه‌ی صنعت نفت

شما نسبت به این کشور مدیونید. کشور متعلق به شماست؛ بایستی خانه‌ی خودتان را آباد کنید. این ظرفیت را بایستی در راه آبادی کشور به کار بیندازید و این صنعت عظیم را که امروز تقریباً رگ حیات کشور هم به آن بسته است، یا لااقل بخش مهمی از آن اینطور است، هرچه میتوانید، پیش ببرید، توسعه بدهید، مدرن کنید و از این برای پیشبرد کلّ

۱. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۱/۹



صنعت و فن کشور استفاده نمایند.<sup>۱</sup>

### توسعه‌ی صنعت هسته‌ای

روحیه‌ی ملت خود ما هم یک روحیه‌ی امیدوارانه و بالاست. همین شعاری که شما دادید و همه جای این کشور این شعار را راجع به انرژی هسته‌ای می‌دهند، یک چیز ساده و عادی نیست؛ خیلی از ملتها نه میدانند انرژی هسته‌ای چیست، نه میدانند حق مسلم آنهاست؛ و نه اگر بدانند، میتوانند در این زمینه قدم از قدم بردارند؛ اما ملت ما هم میدانند که انرژی هسته‌ای یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت به تناسب پیشرفتهای امروز علمی دنیاست که اگر ملتی نداشت، کلاش پس معرکه است؛ و میدانند که این حق مسلم آنهاست و این را شعار میدهند و از ته دل از مسئولینشان میخواهند؛ و هم میدانند که کشورشان قادر است بدون اعتنای به دیگران، بدون دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران، این حق مسلم خودش را بگیرد و به دست آورد. این، خیلی چیز مهمی است. این، روحیه‌ی ملت ماست؛ این، امید ملت ماست. عزیزان من! همین امید و نگاه امیدوارانه، باید بتواند شما را در راه‌های دشوار رسیدن به قله کمک کند و به پیش برد؛ و به پیش خواهد برد.<sup>۲</sup>

انرژی هسته‌ای یک فناوری باارزش و محصول یک دانش پیشرفته است و برای زندگی مردم لازم است. بسیاری از نیروگاه‌های دنیا در کشورهای پیشرفته، نیروگاه‌های هسته‌ای است. تولید برق، یکی از کارهای دانش و فناوری هسته‌ای است و برای یک کشور امتیاز است؛ اینها میخواهند ملت ایران این امتیاز را نداشته باشد؛ دعوا سر این است؛ منتها به دروغ میگویند ما میترسیم ایران بمب اتمی درست کند. آنها میدانند که ساخت بمب اتمی در برنامه‌ی ما نیست؛ ملت ایران این را

۱. در دیدار با وزیر و جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و کارگران

اطفای حریق چاه‌های نفت کویت ۱۳۷۰/۹/۱۲

۲. در دیدار با مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷

بدانند؛ جوانهای ما توجه داشته باشند.<sup>۱</sup>

#### ۵- معماری اسلامی

شوراهای شهری در فعالیتهای خود به مختصات «شهر اسلامی» توجه کرده و خدمات شهری را در جهت تأمین این مقصود به کار گیرند و به خصوص به معماری و شهرسازی متناسب با حیات طیبه‌ی اسلامی بطور کامل توجه کنند. در شهر اسلامی، عدالت در تقسیم خدمات شهری، تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی، عمران و آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و صفای طبیعی، همه با هم باید مورد توجه قرار گیرد.<sup>۲</sup>

#### ۶- سازندگی انسان

از همه‌ی سازندگی‌ها بالاتر، سازندگی انسانی است؛ یعنی سازندگی انسانها، سازمانهای انسانی و تشکیلات بشری، مثل نیروهای مسلح.<sup>۳</sup>

۱. در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا ۱۳۷۸/۲/۸

۳. در مانور بزرگ ولایت ۱۳۷۵/۳/۳

## ب) برخی مؤلفه‌ها و شاخصهای معنوی پیشرفت

### ۱- قرب و رضای خدا

پیروزی را دوست میداریم، هیچ کس نیست که از پیروزی بدش بیاید، هیچکس نیست که برای پیروزی کار نکند؛ اما هدف نهایی چیزی است که حتی از پیروزی هم بالاتر می‌باشد و آن جلب رضای خدا و ادای تکلیف است. اگر من پیروز شدم، اما از خدا دور گشتم، مغلوب شده‌ام. اگر من - خدای نکرده - به هدفم دست نیافتم، اما تکلیفم را انجام دادم، این پیروزی و پیشرفت است.<sup>۱</sup>

اسلام میخواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه‌ی اسلام است؛ «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»<sup>۲، ۳</sup>.

مطلبی که امروز عرض خواهم کرد، یک مسئله‌ی اساسی اسلامی است که در آیات کریمه‌ی قرآن از آن یاد شده است و ما ملت ایران باید به آن توجه دائمی داشته باشیم و آن عبارت از حرکت به سمت حیات طیبه‌ی الهی و اسلامی است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۴</sup>. خدا و پیامبر، شما را به زندگی و مایه‌ی حیات طیب و پاکیزه دعوت میکنند. حیات پاکیزه، فقط خوردن و لذت بردن و

۱. در دیدار با فرماندهان یگانهای عمده‌ی عملیاتی نیروی زمینی و هواییروز ۱۳۶۸/۱۲/۵

۲. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

۳. در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲

۴. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۴

شهوترانی نیست؛ اینکه دعوت خدا و رسول را نمیخواست. نفس هر انسانی، او را به زندگی حیوانی دعوت میکند. همه‌ی حیوانات دنبال غذا و اطفای شهوت حرکت میکنند و برای شکم و ساعتی بیشتر زنده ماندن، مبارزه میکنند. حیات طیبه، عبارت از این است که این زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدفهای عالی باشد. هدف عالی انسان فقط این نیست که شکمی را به هر شکلی پُر کند؛ این کمترین چیزی است که یک حیوان میتواند به عنوان هدف خود انتخاب کند. برای انسان، هدف اعلی عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلّق به اخلاق الهی است. انسان برای رسیدن به آن چنان هدفی، ابزارهای مادی و معنوی را لازم دارد. غذا لازم است، اما برای اینکه انسان به سمت هدف حرکت کند.

زندگی راحت برای بشر لازم و ضروری است و اسلام با قوانین و مقررات خود، انسانها را به سمت رفاه و آسایش زندگی میبرد؛ اما این آسایش زندگی، به خودی خود هدف نیست. ای بسا انسانهایی که زندگی راحت دارند، دغدغهی معاش و شکم و آسایش ندارند، اما از انسانیت هم بویی نبرده‌اند. تمدنهای مادی، بشر را به آن زندگی دعوت میکنند؛ البته دروغ هم میگویند.

در نظامها و کشورهایی که زندگی را با ابزارهای پیشرفته و با علم مادی میگذرانند، آسایش زندگی متعلّق به همه‌ی مردم نیست؛ به یک‌عده از مردم اختصاص دارد. امروز در کشور آمریکا، در کشورهای پیشرفته‌ی اروپا، گرسنگی، فقر، مردن از کمبود مواد غذایی، نداشتن سرپناه و مسکن، ناامنی حتی برای یک زندگی حیوانی، فراوان است. آن کسانی که از تکنولوژی و دانش جدید در این کشورها استفاده میکنند، طبقه‌ی خاصی از مردمند. آنهایی که برای یک شکم غذا مجبورند شرف و ناموس و شخصیت خودشان را بفروشند و انواع اهانتها را تحمل کنند، توده‌ی عظیمی از مردمند. این، واقعیت قضیه است. ظواهر، پُرزرق و برق و پُر جلوه است. دوربین تلویزیونها و خبر خبرگزاری‌ها چیزهایی را به عنوان تبلیغات به مردم دنیا ارائه میدهد که پُرزرق و برق و چشمگیر است.

اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، با پیمودن فضا، با ثروتهای عظیم مادی ای که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوم و فقیر دزدی و غارت کرده است، ادعا بکند که فقر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمیتواند به همه ی انسانها بدهد. نظام اسلامی، علاوه بر اینکه هدفهایی بالاتر از هدفهای مادی دارد - یعنی در نظام اسلامی، یک انسان فقط با پُر شدن شکم خوشبخت نیست؛ باید زندگی مادی و رفاه و امنیت او تأمین باشد - همچنین اصرار دارد که روح و دل انسان می باید از یک صفا و تألؤ و نورانیت و برادری و فداکاری نسبت به انسانهای دیگر و عبودیت و بندگی و اخلاص نسبت به خدای متعال برخوردار باشد. اسلام و سایر ادیان الهی، این را برای مردم میخواهند.

پس هدف بالاتر از مادیات است؛ اما مادیات را هم که اسلام تأمین میکند، برای عموم مردم تأمین میکند. یعنی در جامعه ی اسلامی، همه ی انسانها باید از رفاه، آسایش، امنیت و زندگی کافی برای آسایش خیال برخوردار باشند؛ که نه در تمدن مادی غرب چنین چیزی وجود دارد و هرگز وجود نخواهد داشت و نه در تمدن و نظام سوسیالیستی و کمونیستی، که دیدید به چه سرنوشتی دچار شد. نمونه هم صدر اسلام است و برای رسیدن به آن، احکام الهی و اسلامی کافی است.

## ۲- دستیابی به لذات معنوی

اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم، اگر جامعه ی اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب بکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است. یعنی چه؟ یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی. بشر حیوان نیست که علف جلوی او بریزند و برایش کافی باشد. انسان میخواهد با صفا و نورانی باشد. انسان از نورانیت و صفا و بندگی خدا احساس لذت روحی میکند.

شما وقتی عبادت میکنید، دعایی را با حال میخوانید، نمازی را با توجه اقامه میکنید، انفاقی به یک مستحق میکنید، می بینید چه لذتی میبرید و چه حالت احتفاظی به شما دست میدهد. این لذت را با خوردن نمیشود به دست آورد. انسانهایی که طعم بندگی خدا را چشیده اند - که هر انسان مؤمنی در طول زندگی، کم و بیش حالات اینطوری برایش پیش می آید؛ بعضی کم، بعضی زیاد - در آن لحظه ی توجه به خدا، عبادت خدا، مناجات، گریه برای خدا و در مقابل خدا، لذتی احساس میکنند که حاضرند دنیا و مافیها را بدهند، برای آن که این لذت برای آنها بماند.

البته مادیات انسان را از آن حالت بیرون می آورد؛ آن حالت گاهگاهی دست میدهد. لذت معنوی، یعنی آن حالات. آدمهایی که با خدا و هدفهای معنوی آشنا نیستند، طعم این لذت را نمیچشند. ای بسا انسانهایی که در سایه ی نامبارک نظامهای مادی عمری را گذرانده اند، اما یک لحظه آن حالت توجه به خدا و آن لذت معنوی برایشان پیش نیامده است. آنها نمیفهمند من و شما چه میگوییم.

اسلام میخواهد انسانها را آنچنان بالا ببرد، دلها را آنچنان نورانی کند، بدیها را آنچنان از سینه ی من و شما بیرون بکند و دور بیندازد، که ما آن حالت لذت معنوی را در همه ی آنات زندگیمان، نه فقط در محراب عبادت، بلکه حتی در محیط کار، در حال درس، در میدان جنگ، در هنگام تعلیم و تعلم و در زمان سازندگی احساس کنیم. «خوشا آنان که دائم در نمازند»، یعنی این. در حال کسب و کار هم با خدا، در حال خوردن و آشامیدن هم باز به یاد خدا. اینگونه انسانی است که در محیط زندگی و در محیط عالم، از او نور پراکنده میشود. اگر دنیا بتواند اینطور انسانهایی را تربیت کند، ریشه ی این جنگها و ظلمها و نابرابریها و پلیدیها و رجسها کنده خواهد شد. این، حیات طیبه است.<sup>۱</sup>

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (علیه السلام) ۱۳۷۰/۱/۲۹

## ۳- رشد حجاب

می‌بینید که زنان و مسلمانان در کشورهای گوناگون - چه کشورهای اسلامی که در آنها خبری از حجاب نبود و در تعلیمات غربی غرق شده بودند و چه حتی کشورهای اروپایی - به سمت حجاب رو میکنند. البته، اول مسلمانان گرایش خود را نشان دادند و ما بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که کشورهای دوردستی که تحت تأثیر و مجذوب فرهنگ غربی و اروپایی بودند، حجاب به سبک حجاب شما زنان ایران را در بین خود آزمایش میکردند و به آن رو آورده بودند و آوردند. این، پیشرفت شماس<sup>۱</sup>.

## ۴- پیشرفت تقوا

همه‌ی سعی دولت محترم و خدمتگزار، این باشد که ارزشهای اسلامی را هر چه بیشتر در جامعه زنده کند. بالاترین ارزش هم ارزش تقواست. تقوا عاملی است که ما را در راه اسلام حفظ میکند. تقوا یعنی اینکه مواظب خود باشیم. این امر به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر فردی را در هر جا که هست و هر عضوی از اجزای دولت را - از اجزای عالی رتبه تا کارمندان معمولی - در بر میگیرد. هر فردی از آحاد مردم، در هر جای کشور که زندگی میکند، مراقب باشد که از جاده‌ی اسلام تخطی نکند. اسلام وعده‌ی نصرت داده است. قرآن وعده‌ی پیشرفت و موفقیت در همه‌ی ابعاد زندگی داده است و دنیا و آخرت ملت را آباد میکند. همچنان که به فضل پروردگار، در همین مدت کوتاه که اسلام در این کشور حاکم شده است، کارهایی برای زندگی مردم انجام شده که قابل مقایسه با دوران گذشته نیست. خدماتی که در این مدت به طبقات محروم شده است، با آنچه قبل از پیروزی انقلاب انجام گرفته، قابل مقایسه نیست و این همه، با وجود همه‌ی مشکلاتی صورت

۱. در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استانهای چهارمحال و بختیاری و مازندران ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

گرفته است که علیه این کشور به وجود آورده‌اند. راه اسلام، راه سعادت است و ملاک پایبندی به اسلام، رعایت تقواست. این امر را هر کسی در عمل شخصی خود میتواند بفهمد و مواظب خود باشد. تقوا این است. برادران و خواهرانی که در گوشه و کنار این کشور هستید! مراقب باشید که از آنچه رضای خدا در آن است، تخطی نکنید. تابع شهوات نفس نشوید تا راه خدا را گم نکنید. مسئولین کشور هم این مسئله را رعایت کنند. قوای محترم مقننه، قضائیه و مجریه که بحمدالله در این راه هستند، به رعایت تقوا بکوشند. شما در هیچ جای دنیا نمیتوانید دولتمردان، رجال و مسئولینی با این تقوا و طهارت و پاکیزگی که در جمهوری اسلامی هستند، پیدا کنید. همه همین راه را بایستی ادامه دهند. این راه، راه پیروزی است. دشمن در همه‌ی آزمایشهای خود علیه اسلام و مسلمین، ناکام شده است و باز هم ناکام خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۳/۶/۴



### ج) برخی شاخصهای توسعه‌ی اجتماعی

#### اهمیت اجتماع مردم

جمع بسیجیان عزیز، دل‌های گرم، بامعرفت، اراده‌های استوار و عزم‌های راسخ در این مرکز مقدّس، در حضور روح مطهر بانوی بزرگوار و معصوم - دختر موسی بن جعفر - خود یک شاخص، یک علامت و یک پرچم برای نشان دادن عظمت و رو به پیشرفت بودن نظام اسلامی است.

اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بااراده بودن، هدف دار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نداشتیم، جز حضور میلیون‌ها جوان پرشور مؤمن صادق بابسیرت در سراسر کشور زیر عنوان بسیج، همین کافی بود برای اینکه نشان بدهد این نظام و این حرکت عظیم ملّت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناک‌ترین حرکتهای دشمن آسیب‌ناپذیر است. البته این شعار نیست؛ یک حرف متکی به استدلال منطقی است.<sup>۱</sup>

اگر در کشور، تولید در زمینه‌ی اقتصادی زیاد شده باشد؛ اگر کارهای اجتماعی و اداری و اقتصادی، روان‌تر و آسان‌تر شده باشد؛ اگر اجناس مورد استفاده‌ی مردم فراوان‌تر و در دسترس قرار گرفته باشد و اگر کارهایی از این قبیل انجام گرفته باشد، این نشانه‌ی آن است که وجدان کاری در جامعه‌ی ما به طور کامل بیدار شده است. یعنی در این کشور

۱. در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲

انجام‌دهندگان میلیون‌ها کار، دارای احساس وجدان کاری هستند و کار را یک عمل صالح، یک وظیفه‌ی حقیقی، یک عبادت و یک مسئولیت اجتماعی و سیاسی تلقی کرده‌اند و معنای وجدان کاری نیز همین نکاتی است که عرض کردم. هر مقدار آن کارها انجام شده باشد، وجدان کاری پیشرفت کرده است. اگر در آن زمینه‌ها، کم پیش رفته باشیم، پیداست وجدان کاری مقداری تحقق پیدا کرده و بیدار شده است. اگر خدای ناکرده در این زمینه‌ها هیچ پیش نرفته باشیم - که البته اینطور نیست - در آن صورت دلیل این است که وجدان کاری تحرّکی پیدا نکرده است. در سال گذشته اگر چه بحمدالله پیشرفتهایی در کارها داشتیم، ولی باید عرض کنم کافی نیست. در مورد انضباط اجتماعی، اگر تخلفات اجتماعی و قانون‌شکنی کم شده باشد؛ اگر مردم با عادات و آداب صحیح اجتماعی حقیقتاً خو گرفته باشند؛ اگر جرم و جنایت کاهش چشمگیر یافته باشد، آنگاه ما احساس میکنیم که انضباط اجتماعی به معنای واقعی تحقق پیدا کرده است. البته مقداری پیشرفت داشتیم و تلاش شده است؛ اما نه آن مقدار که مورد نظر این حقیر بود و برای جامعه‌ی ما لازم بود و هست.<sup>۱</sup>

در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خلیقات اسلامی - همان چیزهایی که در اسلام برای یک انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است - رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت و پاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل میشود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این

۱. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید ۱۳۷۴/۱/۱

چیزهاست. تهیدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است.<sup>۱</sup>

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفت. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت، گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.

در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دلهای مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان میدهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم.

تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روشهای پیچیده‌ی مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه‌ی معنوی روزبه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زوددسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز

۱. پیام به مناسبت آغاز سال جدید ۱۳۷۶/۱/۱

نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد.

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را میخواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر؛ این خصوصیات نظام اسلامی است. ما اینها را با صدای بلند از اول انقلاب در سطح عالم مطرح کردیم و دلهای فراوانی از مسلمان و غیر مسلمان هم به اینها جلب شده است. پشتوانه‌ی عزت ملت ایران اینهاست. یعنی متفکر مسیحی و سیاستمدار غیر مسلمان - احیاناً ملحد - در مجامع جهانی، در برخورد با تفکرات نظام جمهوری اسلامی تحت تأثیر قرار میگیرد. این، بارها و بارها مشاهده و دیده شده است. ما میخواهیم در کشورمان این تفکرات والا را پیاده کنیم. برادران و خواهران عزیز! این، کار و تلاش لازم دارد؛ این، مردان مؤمن و فداکار و شجاع لازم دارد؛ این، پیوند روزبه‌روز افزاینده‌ی میان ملت و دولت را لازم دارد. دشمنان این کشور و ملت و دشمنان رسیدن به آن اهداف، این نقاط را هدف میگیرند. برای اینکه پیوند میان مسئولان و مردم را ضعیف کنند، برنامه‌ها طراحی میکنند؛ برای اینکه اراده‌ی مسئولان کشور را سست کنند، برنامه‌ها طراحی میکنند. در چند سال گذشته، صریحاً دستگاه‌های تبلیغاتی غرب گفتند و تکرار کردند که درصدد اینند که در مجموعه‌ی مدیریت نظام جمهوری اسلامی اختلاف بیندازند؛ دودستگی و دو جریانی درست کنند؛ خودشان این را اعتراف کردند و بحمدالله موفق نشدند. جوان ما را از فکر آینده و همت گماشتن برای بنای آینده، به سمت شهوات سوق بدهند؛ برای این برنامه‌ریزی میکنند. دلهای مردم ما را که در سایه‌ی امید میتوانند این راه طولانی و دشوار، اما شوق‌برانگیز را طی کنند، ناامید کنند؛ دلهایشان را از امید خالی کنند. اینها جزو برنامه‌هایی است که دشمن طراحی میکند.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰

### محتوای اسلامی پیشرفت مسئله‌ی مبدأ، مسئله‌ی توحید

در باب محتوای اسلامی، دوستان اشارات خیلی خوبی داشتند. اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ است، مسئله‌ی توحید است؛ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۱</sup>. مهمترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره میکنیم، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد، لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله‌ی مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup>، «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»<sup>۳</sup>. وقتی انسان به این مسئله معتقد شد، این عزت الهی، این توحیدی که این معنا را به ما نشان میدهد، یک نیروی عظیم و تمام نشدنی را در اختیار بشر میگذارد. «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۴</sup>. وقتی انسان اینجور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه‌ی زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد.



۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۶؛ ترجمه: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم».
۲. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۴؛ ترجمه: «آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می‌گویند».
۳. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴؛ ترجمه: «و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است».
۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۳؛ ترجمه: «اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّی خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند».

### قضیه‌ی معاد

مسئله‌ی دومی که مسئله‌ی اساسی است، قضیه‌ی معاد، قضیه‌ی محاسبه، قضیه‌ی تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ». ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی عملی‌اش این معنا باشد که «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»<sup>۱</sup>، در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد. اعتقاد به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا میبخشد و منطقی میکند. یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله‌ی جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و آلا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی میکند، عقلانی میکند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه‌ی اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»<sup>۲</sup> - این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمیکنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند. بنابراین مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی توحید و مسئله‌ی معاد است.<sup>۳</sup>

در نظام و حیات طبیعی اسلامی، هر حرکتی که مؤمن انجام میدهد، باید با همین فکر باشد که این حرکت و این گفتار، پیش خدا محفوظ است و به سراغ ما خواهد آمد. هیچکدام از این گفته‌ها و کرده‌ها و

۱. سوره‌ی زلزله، آیه‌ی ۷-۸؛ ترجمه: «س هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (۷) و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.»

۲. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۴؛ ترجمه: «و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است.»

۳. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

حرفها و سکوتها و حرکتها و سکونها و رفتن و نرفتنها و فداکاری کردن و فداکاری نکردنها و هوای نفس را زیر پا گذاشتن و زیر پا نگذاشتنها، فانی و زایل نشده، بلکه همه موجود است. روز قیامت، وقتی این صفحه‌ی اعمال را باز میکنند و انسان نوار را در مقابل خود میبینند و مشاهده میکنند که همه چیز در او هست، آن وقت کسی که در دنیا این حقیقت را نفهمیده، به آن ایمان نیاورده و از آن غفلت ورزیده است، تعجب میکند و میگوید: «ما لهذا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»<sup>۱</sup>. عجب پرونده‌ای است! عجب نوار زنده‌ای است! کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را احصا کرده است.<sup>۲</sup>

### عدم تفکیک دنیا و آخرت

بعد مسئله‌ی عدم تفکیک دنیا و آخرت است؛ «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»<sup>۳</sup>، که به نظرم بعضی از دوستان هم اشاره کردند؛ این خیلی مهم است. دنیا و آخرت از هم جدا نیستند. آخرت ما آن روی سکه‌ی دنیای ماست. «إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»<sup>۴</sup>؛ کافر همین حالا توی جهنم است، منتها جهنمی که او نمیفهمد که الان توی جهنم است؛ بعد که این تجسم پیدا کرد، میفهمد. «ای دریده پوستین یوسفان / گرگ برخیزی از این خواب گران». الان او گرگ است، منتها احساس گرگی نمیکند. ما هم که چشممان بسته است، او را گرگ نمی‌بینیم؛ اما وقتی که از خواب بیدار شدیم، می‌بینیم این گرگ است. پس پیوستگی دنیا و آخرت به این معناست. اینجور نیست که حالا مثلاً فکر کنیم دنیا مثل بلیتهای بخت‌آزمایی است؛

۱. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۴۹؛ ترجمه: «ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است.»

۲. در دیدار با گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، کتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۸/۲

۳. مجموعه‌ی ورام ج: ۱ ص: ۸۳

۴. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۴۹

نه اصلاً آخرت آن روی این دنیاست، آن روی این سگه است.

### مسئله‌ی انسان

مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی انسان است؛ نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. خب، پیداست انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، بکلی متفاوت است؛ این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است؛ اصلاً تعریف این دو انسان یکی نیست. لذا محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی بکلی متفاوت است. انسان، محور است. همه‌ی این مسائلی که ما داریم بحث میکنیم: مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی رفاه، مسئله‌ی عبادت، برای این است که فرد انسان سعادتمند شود. اینجا مسئله‌ی سعادت و مسئله‌ی عقبی متعلق به فرد است؛ نه به این معنا که انسان از حال دیگران غافل باشد، برای آنها کار نکند؛ نه «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup>. در روایت هست که معنای این جمله را از امام پرسیدند، فرمود: تأویل اعظم آن این است که تو کسی را هدایت کنی. معلوم است که هدایت وظیفه‌ی همه است؛ لیکن در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، نجات خودش است. ما باید خودمان را نجات دهیم. نجات ما به این است که به وظایفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظایف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه‌ی با ظلم، مبارزه‌ی با فساد، اینها همه جزو مقدمات همان نجات است؛ بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه‌ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»<sup>۲</sup> - که به عنوان هدف انبیاء ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری

۱. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵؛ ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند.»

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۲؛ ترجمه: «و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.»



انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی - «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ (۹) وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)»<sup>۱</sup> - میتواند هدایت را انتخاب کند، میتواند ضلالت را انتخاب کند. انسان موجودی است متعهد، برای خود، برای جامعه، برای اهل. آن وقت با این نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه برای مردم یک حق است، یک تکلیف هم میشود؛ یعنی همه‌ی مردم در امر حکومت جامعه مسئولند. نمیشود گفت که آقا به من مربوط نیست؛ نه صلاح و فساد کشور، حکومت، اینها به یکایک انسانها مرتبط است؛ یعنی انسان در مقابل آن متعهد است. این هم یکی از آن عناصر اصلی است که بایستی در دیدگاه اسلام مورد ملاحظه قرار بگیرد و در این الگو رعایت شود.

### مسئله‌ی حکومت

مسئله‌ی بعد، مسئله‌ی حکومت است؛ که باز در این باب هم اسلام نظرات ویژه‌ای دارد. صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، یک امر بسیار مهم و اساسی است. هر کسی به هر اندازه‌ای از مدیریت که میخواهد مباشرت کند، بایستی صلاحیت آن را در خودش به وجود بیاورد یا در خودش ببیند و بپذیرد؛ بدون این، عمل نامشروعی انجام داده. عدم علو، عدم اسراف، عدم استثثار، مسئله‌ی مهمی در امر حکومت است. خداوند درباره‌ی فرعون میفرماید: «كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲</sup>؛ یعنی گناه فرعون این است: عالی است؛ بنابراین برای حاکم، علو و استعلاء یک نقطه‌ی منفی است؛ نه خود او حق دارد استعلاء کند، نه اگر اهل استعلاء است، حق دارد قدرت را قبول کند، نه مردم اجازه دارند که او را به عنوان حاکم و امام جامعه بپذیرند. استثثار یعنی همه چیز را برای خود خواستن؛ در مقابل ایثار است. ایثار یعنی همه چیز را به نفع دیگران از

۱. سوره‌ی بلد، آیات ۸-۱۰؛ ترجمه: «آیا دو چشمش نداده‌ایم؟» (۸) و زبانی و دو لب. (۹)

و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم.»

۲. سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۳۱

خود جدا کردن، استثنای یعنی همه چیز را به نفع خود از دیگران جدا کردن. علو و استعلاء و استثنای جزو نقاط منفی حکومت است. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه درباره‌ی بنی‌امیه فرمودند: «فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ خَوَلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا»<sup>۱</sup>. یعنی دلیل بر اینکه اینها برای حکومت صلاحیت ندارند، این است که این خصوصیت را دارند: «يَأْخُذُونَ مَالَ اللَّهِ دُولًا»؛ یعنی اموال عمومی دست به دست بین خودشان می‌گردد، با اینکه مال عامه‌ی مردم است. «و عباد الله خَوَلًا»؛ مردم را مثل بردگان خود به حساب می‌آورند و استخدام میکنند. «و دین الله دخلاً بینهم»؛ دین خدا را هم هر جوری که دوست میدارند، دستکاری میکنند؛ بنابراین در حکومت، اسلام نظر دارد. این بایستی در الگوی زندگی ما برای بلندمدت حتماً گنجانده و ملاحظه شود.

#### مسئله‌ی عدالت

در خصوص مسئله‌ی اقتصاد، آقایان بحثهای خوبی کردید. «کَیْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup> یک معیار مهمی است. مسئله‌ی عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله‌ی عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتهاست؛ یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است.

#### مسئله‌ی نگاه غیرمادی به اقتصاد

مسئله‌ی دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی پول و مسئله‌ی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحرافهای غرب و مشکلات فراوان و مسئله‌ی استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه

۱. نهج البلاغه ص: ۴۵۲

۲. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷؛ ترجمه: «تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.»

وجود داشته. میتوان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمّیت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد و بقیه‌ی مسائل فراوانی که وجود دارد.<sup>۱</sup>

### حدّ پیشرفت

نیروی هوایی به احتمال قوی، نقش آینده‌اش از نقش گذشته‌اش هم اهمّیت بیشتری خواهد داشت. نیروی هوایی، وضع تعیین‌کننده‌ای در بسیاری از جاها دارد؛ هم نقش اصلی او که حراست از آسمان کشور و پشتیبانی است و هم نقشهایی که احياناً در مواردی برای نیروی هوایی پیش می‌آید و آن، تهاجم و برعهده گرفتن نقش اصلی در یک مبارزه و یک جنگ است؛ چه نقش هجومی و چه نقش دفاعی؛ بنابراین در جهت پیشرفت نیروی هوایی، باید برای این نیرو به شکل بی‌نهایت برنامه‌ریزی کنید. هیچ وقت نگویید که ما این کارها را کردیم و این خوب است و احساس کنید که کافی است و شما را راضی کند. نخیر؛ اگر اینطور می‌خواستیم حرکت کنیم، نیروی هوایی ما به اینجا که شما هستید، نمیرسید.<sup>۲</sup>

امروز بحمدالله در کشور ما جوانان با همان سرمایه‌ی معنویّت و نورانیّت و صفایی که در آنها هست، گامهای بلندی را برداشته اند. امروز قرآن یک امر مهجور در جامعه‌ی ما نیست. جوانان و نوجوانان با قرآن آشنا میشوند؛ طبقات مردم با قرآن انس میگیرند، ارتباط پیدا میکنند و معارف قرآن را مورد استفاده قرار میدهند؛ بسیاری از احکام اسلام هم در

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. در دیدار با فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در آستانه‌ی

۱۹ بهمن سالروز نیروی هوایی ۱۳۷۵/۱۱/۱۸

کشور اجرا میشود. البتّه ما به قدر ظرفیت و توان و به قدر آنچه همّت خود ما بود، پیش رفته‌ایم؛ امّا این پایان راه نیست؛ این، همه‌ی ظرفیت اسلام نیست. اگر ملّتی همّت کند و دلسوزان این ملّت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملّت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه که به دست آنها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه‌ی اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزّت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه‌ی اسلام، هیچ حجاب و حدّی برای انسان وجود ندارد. بی همّتی و کم همّتی ماست، کوتاهی انسانهاست که نمیگذارد آنها از اسلام استفاده کنند. در محیط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشنفکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن پردازند، خواهند توانست بهره‌های زیادی ببرند.<sup>۱</sup>

برداشت من از مجموعه‌ی مسئولان عالی رتبه‌ی کشور این نیست. برداشت من این است که آنها حقیقتاً مایلند عدالت اجتماعی در جامعه اجرا شود. همچنان که بارها هم گفته‌ام - البتّه این نگاه عام و یک قاعده است؛ هر قاعده‌ای ممکن است استثناهایی هم داشته باشد - آنها میخواهند کار کنند؛ امّا در تشخیص راههای کار، ممکن است نظرات، مختلف باشد. ارزیابی کار مسئولان همچنان که باید برای همه‌ی مردم تبیین شده نیست. در هر سه قوه و در همه‌ی بخشها، کارهای مثبت خوب، بسیار انجام گرفته است؛ کارهایی که حقیقتاً به عدالت اجتماعی کمک میکند. البتّه اگر از من بپرسند که به این حدّ راضی هستید، یقیناً جوابم منفی است و اصرارم بر این است که همه‌ی وقت و تلاش و همّت و امکانات مسئولان در راه اجرای عدالت اجتماعی باشد، که یکی

۱. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۷/۸/۲۶

از بزرگ‌ترین هدفهای انقلاب و از آرزوهای بزرگ ملت ماست. باید به این سمت برویم. ان شاءالله در این جهت، حرکت، تندتر و سریعتر هم خواهد شد. در این راه نباید توقّف کرد. ما به هر حدی هم پیشرفت کرده باشیم تا رسیدن به آرزوهای بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی فاصله وجود دارد؛ لذا باید تلاش ادامه پیدا کند.

■ اگر از من بپرسید که چقدر پیش رفته‌ایم، خواهم گفت ما زیاد پیش رفته ایم. همانطور که گفتم، اگر کسی با گذشته‌ی این کشور آشنا باشد، خواهد دید که ما بسیار پیشرفت کرده ایم. در این کشور مردم به حساب نمی‌آمدند، اما امروز مردم محور تصمیم‌گیری‌هایند. معنویّت در این کشور به شدّت مورد تهاجم بود؛ سعی میشد معنویّت ازاله شود؛ اما امروز چراغ معنویّت در بین مردم روشن و پرفروغ است. آن روزها جوانها عمداً به فساد کشانده میشدند. شاید شما شنیده‌اید که رؤسای کشور و خانواده‌هایشان، مهمترین شرکای باندهای مواد مخدر در این کشور بودند! اوّل بار آنها هروئین را به این کشور آوردند و پخش کردند. فساد و اعتیاد و بدبختی را به دست خودشان ترویج میکردند. امروز شما می‌بینید که نظام، با همه‌ی وجود و با تلاش فراوان، در مقابل این مشکلات ایستاده - که همه‌ی دنیا هم کار او را تصدیق میکنند - اما آن روز برای مسئولان کشور کارهای نمایشی در درجه‌ی اوّل بود. به روستاها، به جاده‌های روستایی، به برق‌رسانی روستایی، به بقیه‌ی چیزهایی که در شهرهای دور بود، مطلقاً اعتنایی نمیشد. اسم می‌آوردند که ما میخواهیم زبده پرورش بدهیم؛ اما در طول پنجاه سال، آنها توانسته بودند حدود صدوپنجاه هزار دانشجو در این کشور داشته باشند. من در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم - آن روز دقیقاً آمارش را میدانستم، اما الان درست یادم نیست - گمانم در همه‌ی استان که آن روزها حدود ششصد، هفتصد هزار نفر جمعیت داشت، سه نفر لیسانسیه بودند! تعداد دیپلمه‌های آن استان بسیار کم بود؛ مثلاً بیست نفر بودند! امروز شما می‌بینید که تمام شهرهای کشور دانشگاه دارند. حتّی در

بسیاری از شهرها، دانشگاه‌های متعدد و دانشجویان فراوان و رشته‌های متنوع و پیشرفتهای علمی فراوانی دارند.<sup>۱</sup>

توقف در نظام نبوی وجود ندارد؛ به طور مرتب، حرکت، کار و پیشرفت است. اتفاق نمی‌افتد که یک زمان بگویند: دیگر تمام شد؛ حال بنشینیم استراحت کنیم! این وجود ندارد. البته این کار، کار لذت‌آور و شادی‌بخشی است؛ کار خستگی‌آور و کسل‌کننده و ملول‌کننده و به تعبیر آورنده‌ای نیست؛ کاری است که به انسان نشاط و نیرو و شوق میدهد.<sup>۲</sup>

در این میدان کار و تلاش، جمعی می‌آیند و در فرصت معینی زحمتشان را میکشند، عرق میریزند و شب و روز تلاش میکنند؛ بعد اینها از صحنه خارج میشوند و کسان دیگری جای آنها می‌آیند؛ کار را از آنها تحویل میگیرند و بر اساس پیشرفتهای و توفیقات آنها کار را ادامه میدهند. کار و مسئولیت باید بر همین اساس باشد؛ یعنی باید از توفیقات، تجربیات و پیشرفتهای هر مجموعه‌ای که کار و خدمتی را انجام میدهند، بعدی‌ها بهره ببرند و روی بنای آنها ادامه‌ی خدمت دهند. ما حد یقف نداریم؛ یعنی اینطور نیست که اگر فرض کنیم ما توانستیم مسئله‌ی اشتغال را به طور کامل حل کنیم، حرکت ملت ما و کشور ما دیگر به نهایتش رسیده؛ نه تازه شروع میشود. ما در پیشرفت خود حد یقف و منتهی‌الیهی نداریم. ملت ما، ملت بزرگی است. کشور ما، کشور ثروتمندی است. تاریخ ما، تاریخ پرافتخاری است. انتظار از این ملت، از این تاریخ و از این کشور، انتظار زیادی است. بر اثر فشار استبداد و دخالت بیگانگان و ناتوانی و بی‌عرضگی بسیاری از حکومت‌های قبل از انقلاب در این کشور، ما چند قرن عقب‌افتادگی داریم؛ این عقب‌ماندگی‌ها را باید با سرعت جبران کنیم. ما هرگز آن ملتی نبودیم و نباید باشیم که قدرتهای سیاسی‌ای در دنیا به اتکای علم و پیشرفت

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

فناوری‌شان بتوانند در میدانهایی که به آنها مربوط نیست، به ملت ما زور بگویند و ما ناگزیر باشیم زور آنها را بپذیریم. ما باید ملّتی باشیم روی پای خودمان و متکی به قدرت خودمان؛ در جایگاهی که به معنای واقعی کلمه، شایسته‌ی ملّت ایران است. این، کار و تلاش لازم دارد؛ این چیزی نیست که روزی متوقّف شود. هر کدام از ماها که روی صحنه‌ی این کار و آزمون بزرگ خدمت به ملّت می‌آییم، برهه‌ای از عمر خود را کار و تلاش میکنیم؛ به قدر توان و همّت خود خدمت میکنیم و کمکی میرسانیم و این گردونه را به پیش میبریم؛ بعد هم دیگری می‌آید و این راه را ادامه میدهد و دیگرانی خواهند آمد. نسل جوانی که امروز در کشور ما دارد تربیت میشود، قابل مقایسه‌ی با دوره‌ی جوانی ما نیست؛ هوش و توانایی‌ها و امید و همّتش خیلی بالاست؛ اینها مدیران بسیار خوبی برای آینده خواهند بود. ما باید کشور را برسانیم به دست مدیران جوانی که نسل به نسل و پی‌درپی از راه خواهند رسید تا این راه - ان‌شاءالله - ادامه پیدا کند و این در کشور ما متکی است به جابه‌جایی نرم و آرام و همراه با محبّت و برادری در مسئولیّتها و مأموریّتها و در کسانی که این مأموریّتها را بر عهده میگیرند. این روحیه‌ی برادری را هم باید حفظ کنید.<sup>۱</sup>

---

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۵/۱۰





بخش چهارم: شرایط و مقدمات پیشرفت



## فصل اول: شرایط و مقدمات موجود



## مقدمه

### دلیل انتخاب این مقطع زمانی برای تدوین الگو

بعضی سؤال میکنند که این مقطع زمانی به چه مناسبت است؟ بعد از آنکه اصل ضرورتش را قبول میکنند و قبول دارند، سؤال میکنند که چرا قبلاً این کار انجام نگرفته، یا چه ضرورتی وجود دارد که حالا این کار انجام بگیرد؟ خب، فاصله‌ی زیادی نشده است. برای این فرایندی که به منظور ایجاد و تدوین یک چنین الگویی حتماً طی خواهد شد، این سی سال، زمان طولانی‌ای نیست. تجربه‌ها متراکم میشود، معرفتها انباشته میشود، اوضاع و احوال سیاسی اقتضاء میکند؛ بعد به نقاطی میرسیم که مجهول بوده است و اینها را - ان شاء الله - معلوم خواهیم کرد. به نظر من در این مقطع، ظرفیت کشور، یک ظرفیت مناسبی است. البته گفته شد که برای تدوین یک چنین الگویی، ما توانایی فکری نداریم. نمیتوانیم این را قبول کنیم. ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای زیادی است. تا آن حدی که بنده اطلاع پیدا میکنم، به نظرم ظرفیتهای بالفعل شده‌ی بسیار خوبی وجود دارد؛ هم در حوزه‌ی دانشگاهی، هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و بعضی حوزه‌های دیگر. علاوه‌ی بر این، استعدادها و ظرفیتهایی وجود دارد که میشود اینها را با مطالبه بالفعل کرد؛ اینها را وسط میدان آورد. ما اگر امروز این کار را شروع نکنیم و دنبال نکنیم، مطمئناً عقب خواهیم ماند و ضرر خواهیم کرد؛ لذا است که بایستی حتماً این حرکت که اینجور طراحی شده، پیش برود.<sup>۱</sup>

---

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

ده سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌ایم؟ به نظر ما تمایز ده سال آینده با سه دهه‌ی گذشته، در آمادگی‌های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی‌ها به ملت بزرگ و مصمم ما اجازه می‌دهد که در این زمینه یک جهش و یک گام بلند نشان بدهد. ملت، آماده‌ی یک حرکت پرشتاب و بزرگی به سمت پیشرفت و عدالت است؛ چیزی که در دهه‌های قبل، این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود.<sup>۱</sup>

#### ۱- بهتر شدن تصوّرات ما

ما امروز از بیست سال قبل، از سی سال قبل خیلی جلوتریم، تجربه‌مان بیشتر است، مدیریتهایمان قویتر است، توانایی‌های علمی ما به مراتب جلوتر است، قدرت تحرّک اقتصادی‌مان به مراتب از آن روز بیشتر است، تصوّرات ما از پیشرفت نسبت به آن روزها خیلی بهتر است. در دهه‌ی اوّل، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه‌ی شصت، یعنی الگوی گرایش‌مند به سوسیالیسم میدیدند. هر کس هم مخالفت میکرد، یک تهمتی، لکهای، چیزی متوجّهش میکردند. یک عده‌ای از مسئولین، دست‌اندرکاران، فعالین عرصه‌ی کار در جمهوری اسلامی، نگاهشان نگاه حاکمیت دولت و مالکیت دولت بود؛ خب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه‌ی دید تفکّر شرقی سوسیالیستی چپ محسوب میشد؛ این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتّی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند، ناگهان صد و هشتاد درجه برگشتند! آن افراط به یک تفریط حالا تبدیل شد.

یک برهه‌ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند؛ تصوّرشان این بود. خودشان را

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

در حدِ انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمیدیدند؛ در حدِ همین کشورهایی مثل کره‌ی جنوبی میدیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزنانگان، نقشه‌ی پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه‌ی پیشرفت به شیوه‌ی غربی، امروز مخصوص ملت‌های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خودِ اندیشمندان غربی، خودِ فرزنانگان غربی، زبان به انتقاد گشوده‌اند؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های اخلاقی، هم در زمینه‌های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار میکردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است؛ پس این هم نقشه‌ی پیشرفت نیست. امروز ما اینها را میدانیم. البته نقشه‌ی پیشرفت اسلامی - ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه‌ی اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم.

خب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافاده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحرانهایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحرانها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.<sup>۱</sup>

## ۲- توجه به منابع طبیعی سرشار

برخی از خصوصیات، خصوصیات طبیعی کشور ماست که برجستگی دارد. من خواهش میکنم مسئولانی که از مواهب طبیعی الهی در کشور ما آگاهی و آمارهای خوبی دارند و برای ما هم مطرح کرده‌اند،

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

اینها را در اختیار افکار عمومی و به خصوص در اختیار مسئولان قرار دهند. به جای اینکه آیه‌ی یأس بخوانند و هر تلاشی را ناموفق جلوه دهند، این همه امکانات و توانمندی‌ها و موجودی با ارزشی را که در این کشور بزرگ نهفته است، برای مردم بیان کنند. ما تقریباً یکصدم جمعیت دنیا را داریم؛ خاک ما هم تقریباً یکصدم سطح خشکی‌های دنیاست؛ اما سهم ما از منابع طبیعی، بسیار بیشتر از معدل سهم یکصدم ماست. در نفت، ذخایر ما برجسته است و در شمار چند کشور اوّل دنیا هستیم. دوّمین ذخیره‌ی غنی گاز در همه‌ی دنیا را ما داریم، که از سهم معدل ما خیلی بیشتر است. دو درصد معادن آهن دنیا در کشور ماست، که دو برابر سهم ماست. معادن مس ما پنج درصد همه‌ی مس دنیاست؛ یعنی پنج برابر سهم ماست. معادن روی و سرب ما سه و نیم درصد است، که چند برابر سهم طبیعی ما در دنیاست. خیلی از کشورها اینها را ندارند. متخصصین و مطلعین این کار گفته‌اند - به نظر من نکته‌ی بسیار جالبی است - که سرب و روی و مس، فلزهای پایه نام دارند. هر کشوری این معادن را داشته باشد، مشخص میشود که اغلب معادن کانی دیگر را هم دارد. ممکن است ما معادن فلزی کشف نشده‌ی دیگری هم داشته باشیم که وجود این سه عنصر - یعنی مس و روی و سرب - در کشور ما، آن‌هم به میزان زیاد، نشان‌دهنده‌ی وجود آن معادن هم هست.

از بیست و چهار نوع ماده‌ی معدنی فلزی، دوازده نوع آن در ایران وجود دارد که تا الان شناخته شده؛ ممکن است بیشتر هم باشد که بعدها شناخته شود. از پنجاه نوع ماده‌ی معدنی غیرفلزی که در دنیا شناخته شده، سی و شش نوع آن در ایران وجود دارد؛ یعنی تنوع معادن فلزی و غیرفلزی. اینها امکانات طبیعی باارزشی است که ما در کشور داریم.

### ۳- تنوع اقلیمی و آب و هوایی

تنوع اقلیمی و آب و هوای مختلف در کشور ما خودش یک فرصت بزرگ است. دریاها در جنوب و شمال، از فرصتهای بسیار باارزش است. موقعیت مهم جغرافیایی و ارتباطی در اتصال شرق و



غرب عالم، از لحاظ بازرگانی و بسیاری فعالیت‌های دیگر، از موقعیتهای باارزش است.<sup>۱</sup>

#### ۴- جمعیت جوان تحصیلکرده

اگر بخواهیم عوامل اصلی و عناصر اصلی این آمادگی را مشخص کنیم، من عرض میکنم چند عنصر تأثیر زیادی دارد: یکی حضور نسل جوان تحصیلکرده‌ی ماست. امروز میلیونها جوان پرنشاط و تحصیلکرده، در میدان علم، در میدان تحقیق، در میدان فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی حضور دارند. حضور این همه جوان دانا و تحصیلکرده و آماده در کشور ما یک پدیده‌ی بسیار بزرگ و قابل توجه و اهمی است.<sup>۲</sup>

یکی از امکانات بزرگ نظام، این نسل جوان تحصیل کرده‌ی پرانرژی پرانگیزه‌ای است که در کشور ما وجود دارد. اینها تحصیلکرده‌اند، درس خوانده‌اند، بالانگیزه‌اند، در راه فهم و درک مسائل گوناگون در بخشهای مختلف تلاش میکنند، دارای اعتماد به نفس‌اند. ما امروز در جوانهایمان احساس میکنیم یک اعتماد به نفسی وجود دارد که در گذشته وجود نداشته است و در کمتر ملتی هم این را مشاهده میکنیم. هر کدام از این مسائل گوناگون اقتصادی و فنی و سیاسی و اجتماعی و مسائلی که احتیاج به دانش و تخصص دارد، اینها را وقتی انسان با مجموعه‌های جوان و اهل تحقیق مطرح میکند، میبیند اینها با اعتماد به نفس، میگویند میتوانیم. احساس نمیکند که عاجزند، ناتوانند؛ احساس میکنند میتوانند. این اعتماد به نفس خیلی ارزش دارد برای یک ملت که احساس کند میتواند؛ چون سالهای متمادی به ما تلقین میشد که شما نمیتوانید. به ملت ما گفته میشد شما غرضه ندارید. سیاستمداران کشور، حکام جائری که بر کشور ما مسلط بودند و غالباً با دشمنان این ملت دستشان در یک جیب و در یک کیسه بود، اینها غالباً به کشور ما، به مردم ما، به جوانهای

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

ما تلقین میکردند که نمیتوانید؛ زحمت بیهوده نکشید. یعنی باید ما بنشینیم، دیگران تحقیق کنند، پیشرفت پیدا کنند، ما برویم از آنها دریوزگی کنیم، گدایی کنیم، از آنها بگیریم؛ خودمان نمیتوانیم از درون خود بجوشیم. این به ملت ما و جوانهای ما و نسل ما تلقین میشد و جزو باورهای این ملت بود.

در دوران جوانی ما، آنطوری که در جامعه واضح بود، این احساس وجود داشت که ایرانی نمیتواند؛ فرنگی ها، اروپایی ها، امریکایی ها باید پیش بروند، ما باید دنبال آنها حرکت کنیم و از آنها یاد بگیریم. اینکه ما هم میتوانیم یک راهی را باز کنیم، یک حرکتی را شروع کنیم، یک قلمرویی را از قلمروهای مهم زندگی فتح کنیم، این برای ملت ما یک امر باور نکردنی بود. امروز درست بعکس شده است. جوان ایرانی، هیچ مقوله ای از مقوله های مهم نیست که برایش مطرح بشود و احساس کند که نمیتواند. عرض کردم؛ در مسائل علمی، در مسائل فنی، در مسائل سیاسی، آنچه برای مجامع اهل تحقیق و پژوهش ما - که عمده تاً هم جوانهای کشورمان هستند - مطرح میشود، کارها و پیشرفتهای گوناگونی که مطرح میشود، جوان ایرانی احساس میکند که میتواند. این اعتماد به نفس، چیز بسیار مهمی است. این اعتماد به نفس در مجامع علمی پشتوانه ای دارد از اعتماد به نفس ملی؛ آن چیزی که من در چند سال قبل از این مطرح کردم که باید ملت به اعتماد به نفس ملی برسد؛ یعنی احساس کند که همه ی کارهای بزرگ را میشود با اراده، با خواست، با حرکت انجام داد. در هیچ کاری ما عاجز نیستیم. اینها زمینه های پیشرفت است.<sup>۱</sup>

جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه ی تأسف است که بعضی ها از کثرت افراد جوان در کشور ما به عنوان یک نعمت یاد نمیکنند؛ در حالی که این بزرگترین سرمایه است. این همه جوان تشنه ی کار و فعالیت، چیز بسیار باارزشی است.<sup>۲</sup>

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

### ۵- شرایط سیاسی مطلوب

این استعداد جوشان، این سرزمین غنی، این موقعیت جغرافیایی حسّاس، این تاریخ پرشکوه - که پشتمانی فرهنگی و پشتمانی افتخارات ماست - و بالاتر از همه، نور ایمانی که امروز در دل‌های جوانان ما میدرخشد و دنیا را متوجه خود میکند، همه نوید دهندگان به نسل جوان و نوجوان ما برای آینده است. تلاش شما باید این باشد که آن آینده را هرچه بهتر بسازید. ما همین جوان، همین موقعیت و همین گذشته‌ی تاریخی را قبل از انقلاب هم داشتیم؛ اما این درخشندگی و پیشرفت را نداشتیم. چرا؟ چون آن روز دستگاه سیاسی و قدرتی که بر این کشور و بر همه‌ی مراکز تلاش و توان در این کشور حاکم بود، اولاً از دین و ایمان و اعتقادات ارزشی بی‌بهره‌ی محض بود - یک مشت افراد پوک بدون اینکه در درون خود ارزش والایی داشته باشند، بر مردم حکومت میکردند - ثانیاً همینها موجب شده بود که خود آنها وابسته‌ی به دشمنان باشند. ایران عزیز ما بهشت غارتگران و چپاولگران بود. چرا؟ چون کدخدا را دیده بودند، ده را میچاپیدند! مسئولان نظام را در چپاولگری‌های خودشان شریک کرده بودند و این ملت را میچاپیدند. انقلاب آمد و بزرگ‌ترین مانع را در مقابل نفوذ خائنان‌های بیگانگان و همچنین سلطه‌ی غیرمشروع و غیرمنطقی افراد فاسد ایجاد کرد. آن مانع چه بود؟ اسلام بود. تا وقتی اسلام در جایگاه خود قرار داشته باشد، تبلیغاتچی‌های استکبار جهانی و بین‌المللی از اسلام به‌شدت بیمناکند. بله؛ اگر اسلام از سیاست و زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص کنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند. اگر یک عده در خلوت، خود را به عبادت مشغول کنند، در حالی که عرصه‌ی جامعه، اداره‌ی جامعه، مدیریت کشور و سررشته‌داری امور، دست افکار و اهواء و مکتبهای گوناگون باشد، آنها از این اسلام ابایی ندارند و به آن اهمیتی نمیدهند؛ اما اگر اسلام آنچنان که خدا خواسته و قرآن تشریع کرده، به معنای برنامه‌ی زندگی تلقی شد و مورد پذیرش قرار گرفت، از آن میترسند. چرا؟ چون این اسلام، در وهله‌ی اول دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان و دوم جلوگیری

از نفوذ غارتگران و طاغوتها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه‌ی توحید، اینها وجود دارد؛ «لا اله الا الله». یکی از مصرعهای برجسته و مهم قصیده‌ی «لا اله الا الله» این است که با طاغوتها، طغیانگرهای جهانی، قدرتهای ظالم بین‌المللی و ستمگرانی که امروز شما می‌بینید در دنیا چگونه تاخت و تاز میکنند و با ملت‌ها چه میکنند، نمیشود کنار آمد. توحید اجازه نمیدهد مسلمان در مقابل قدرتهای بدون مهار که با فلسطین و عراق و افغانستان آنطور رفتار کردند و قبلاً با بوسنی و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی و سایر نقاط دنیا طور دیگر رفتار کردند، کرنش کند. همین کرنشها از سوی برخی از ملت‌های ضعیف شده است که اینطور این خون‌آشام‌ها را قدرتمند کرده است. اگر ملت‌ها حق خود را بشناسند و بخواهند زیر بار زورگویی‌های بین‌المللی نروند و شعارهای دروغین این ریاکاران بین‌المللی را قبول نکنند، اینها اینطور قدرتمند نمیشوند.<sup>۱</sup>

در کنار همه‌ی اینها و یکی از مهمترین اقلام، مردم‌سالاری دینی است؛ مردم‌سالاری برخاسته از اسلام که مایه‌ی افتخار مسلمانان است. این کشور هرگز طعم بروز و تجسم اراده‌های مردمی را در طول تاریخش نچشیده بود؛ جز در یک دوره‌ی کوتاه در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت، آن هم با آن همه محدودیتهای که داستان آن مفصل است. زمان بسیار کوتاهی بود؛ بعد هم طاقت نیاوردند و زدند خرابش کردند و نتوانست خود را نگه‌دارد. ما توانسته‌ایم مردم‌سالاری، حضور مردم در انتخابات، در تعیین رئیس‌جمهور، در تعیین نمایندگان مجلس و حضور در عرصه‌های سیاسی و تصمیمگیری را در کشورمان شاهد باشیم؛ این هنر بزرگ نظام اسلامی است. عزیزان! من و شما در چنین نظامی خدمت میکنیم؛ به این خدمت افتخار کنیم. این افتخار را به جوانانتان هم منتقل کنید؛ بگذارید نسل جوان احساس افتخار کند که در ایران اسلامی زندگی میکند. دشمن عکس این را میخواهد؛ میخواهد کاری کند که نسل جوان و غیر جوان ما احساس سرشکستگی کنند. نقاط ضعفی را که داریم - که یقیناً از نقاط ضعف خالی نیستیم؛ همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی کشورها هم نقاط

۱. در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۲/۶/۲۶

ضعف دارند - چند برابر بزرگ میکرده؛ روی آن تبلیغ میکنند و بارها و بارها آن را تکرار مینمایند. آنقدر یک دروغ را تکرار میکنند که خود دست‌اندرکاران هم که میدانند دروغ است، بتدریج باورش‌شان میشود! دشمن اینگونه عمل میکند، برای اینکه احساس افتخار را از ما بگیرد. عکسش عمل کنید؛ احساس افتخار را در خود، در جوانانتان و در این نسل نوساخته‌ی رو به بالندگی ترویج کنید. بحمدالله این امکانات ماست.<sup>۱</sup>

### ۶- اعتبار سیاسی و بین‌المللی

در زمینه‌ی اعتبار و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی، امروز نظام جمهوری اسلامی و دستگاه اسلامی در کشور ما، آنچنان از ابهت و اهمیت در چشم کشورهای برخوردار است که دشمنان ما هم اعتراف میکنند که اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی جزو برترین کشورهای همسطح خود و کشورهایی است که میتوانند اثرگذار باشند. میتوان گفت جمهوری اسلامی از لحاظ اعتبار بین‌المللی و سیاسی در منطقه، در درجه‌ی اوّل قرار دارد. افرادی که بهترین تعبیر درباره‌ی آنها این است که انسان بگوید کوتاه بینند و دقت نظر ندارند، میشنوید از آنها که گاهی از اینکه فلان رئیس کشور مستکبر غربی یا فلان وزیر خارجه یا فلان مأمور بین‌المللی درباره‌ی ایران بدگویی‌ای کرده است، این را دلیل بی‌اعتباری نظام جمهوری اسلامی میشمارند؛ این خطاست. جمهوری اسلامی امروز در چشم ملّتها، در چشم دولتها، حتّی در چشم دشمنان خودش دارای اعتبار و اقتدار است؛ یک دولت اثرگذار است. در مسائل جهانی، حضور نظام جمهوری اسلامی، یک حضور محسوس است؛ قابل مقایسه نیست با یک کشوری که از لحاظ وضع اقتصادی و وضع ثروت عمومی، در حدّ ایران است. یعنی ایران از همه‌ی کشورهایی که از لحاظ اوضاع اقتصادی از او جلوترند یا در سطح او هستند، از لحاظ تأثیر در سیاستهای منطقه‌ای، بالاتر است. ■

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

اینها همه زمینه‌هاست؛ سی سال تجربه‌ی خدمتگزاری و مدیریت هم امروز متراکم، در اختیار مسئولان نظام جمهوری اسلامی است. استمرار حرکت این نظام و استقرار و ثبات نظام جمهوری اسلامی، این اهمیت را داشته است، این اثر بزرگ را گذاشته است که یک تجربه‌ی متراکم ذی‌قیمتی در برخورد با مسائل جهانی و منطقه‌ای و مسائل داخلی در کشور جمع شده است؛ این خودش یک زمینه‌ی بسیار مهمی است، یک زیرساخت قابل توجّهی است.<sup>۱</sup>

### ۷- روحیه و ایمان مردم

ما در نظام جمهوری اسلامی، با روحیه و ایمان مردم پیش می‌رویم و حرکت می‌کنیم. اگرچه استعداد و امکانات و منابع ما به عنوان یک کشور و ملت، خیلی زیاد است و بحمدالله تجربه‌ی انقلابی کشورداری سطح عالی هم در اختیار مسئولان کشور است، اما آنچه نقداً و بالفعل در اختیار ماست و قبل از آنکه منابع استخراج بشوند و صنعت ما شکل لازم را پیدا کند و توسعه‌ی کشور به نحو صحیحی انجام گیرد، آن را در دست داریم، همین مردمی هستند که در همه‌ی آنات، رضایت و قبول و حمایتشان، پشت سر مسئولان کشور بوده است و ضمن اینکه ایمانشان خیلی بالاست، اما در مواردی به خاطر کمبودها و کسری‌ها و یا حتی به خاطر بعضی از واردات ذهنی‌ای که به وسیله‌ی دشمن یا دوست در ذهن مردم جای می‌گیرد، ممکن است روحیه‌ی آنها آسیب‌پذیر هم باشد.<sup>۲</sup>

### ۸- وجود مکتب اسلام

در میان ادیان عالم، آن دینی که ادّعا می‌کند می‌تواند جامعه را به صورت همه‌جانبه بسازد، اسلام است. مسیحیت امروز و بقیه‌ی ادیان به طریق اوّلی، این ادّعا را ندارند؛ لیکن اسلام ادّعا می‌کند که ارکان بنای

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۲. در مراسم بیعت ائمه‌ی سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان ۱۳۶۸/۴/۱۲

یک نظام اجتماعی را در اختیار دارد و میتواند این پایه‌ها و رکنها را بنشانند و بر اساس این پایه‌ها، یک نظام اجتماعی و یک جامعه‌ی سالم و پیشرفته بنا کند. ما بایستی در همه‌ی بخشها، از جمله در مسئله‌ی کسب دانش و همچنین در پیوند با این مسئله، مسئله‌ی زن و دانش، نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است.<sup>۱</sup>

#### ۹- شرایط فرهنگی مناسب

ما زمینه‌ی فرهنگی خوب و مناسبی برای پیشرفت کشور داریم. یک مقدار همت، تدبیر و برنامه‌ریزی لازم است. یک مقدار خود مردم باید اشتیاق نشان دهند. ان شاءالله اگر چنین شود، پیش خواهیم رفت.<sup>۲</sup>

#### ۱۰- کسب تجارب ارزشمند

عنصر دیگر، تجربه است. نخبگان و مسئولان کشور در طول سالهای گذشته در مواجهه‌ی با مشکلات گوناگون، تجربه‌های بسیار ذیقیمتی کسب کرده‌اند. این تجربه‌ها امروز در اختیار مردم است.

در زمینه‌ی این تجربه‌ها اگر بخواهیم نمونه و مثال عرض کنیم، یکی از آثار آن، اجرای سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی است. توجه به این سیاستها، ناشی از تجربه‌ی طولانی چند ده ساله‌ی گذشته بود که نخبگان کشور را به این نقطه رساند.

نمونه‌ی دیگر، همین مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌هاست، که این ناشی از تجربه‌ی بلندمدت نخبگان کشور است که در طول این سالها به این نقطه رسیده‌اند که یارانه‌هایی که از کیسه‌ی بیت‌المال - یعنی از جیب عموم مردم - بیرون میرود و به عموم تعلق میگیرد، بیشتر متوجه به قشرهایی بشود که نیاز آنها بیشتر است؛ یعنی قشرهای محروم و طبقات متوسط به پایین جامعه، از بیت‌المال و از کیسه‌ی عمومی ملت

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

۲. مصاحبه در پایان بازدید از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۳۷۵/۲/۲۲

بیشتر برخوردار شوند تا طبقات بسیار مرفه و کسانی که در حقیقت احتیاجی هم به این یارانه‌ها ندارند. رسیدن به این حقیقت و تصمیم و عزم راسخ بر اجرای آن، ناشی از تجربه‌ی طولانی مدتی است که در طول این سالها متراکم شده است و به مرحله‌ی عمل درآمده است.<sup>۱</sup>

### ۱۱- استعداد بالای ایرانی

یکی از نقاط قوت ملت ایران هوش بالای اوست. نه اینکه صرفاً ما مدعی برخورداری مردم ایران از این نقطه‌ی قوت باشیم؛ بلکه همه‌ی تحصیلکردگان یا مدرّسین دانشگاه‌های دنیا که با چنین مباحثی آشنایی دارند، میدانند متوسط هوش ایرانی از متوسط هوش جهانی بالاتر است. در همه‌ی دنیا، متخصصینی که ضریب هوشی ملّتها را برآورد میکنند و محقّقینی که کارشان سنجش هوش و استعداد است، بر این نقطه‌ی قوت ایرانیان اذعان دارند. بنابراین، ملت ایران، ملّتی باهوش است و نتیجه‌ی بهره‌مندی از این نقطه‌ی قوت آن است که پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی و پیشرفت سیاسی برای او میسر است.<sup>۲</sup>

### ۱۲- پیشرفتهای انجام شده و رشد زیر ساختها

انقلاب و نظام اسلامی، کشوری را که حدود هفتاد و چند درصد بیسواد داشته، تحویل گرفته؛ اما امروز ما به کشوری با درصد بسیار بالای سواد تبدیل شده‌ایم که من درصد آن را تعیین نمیکنم، چون نمیخواهم یکی دو درصد بالا و پایین گفته شود؛ اما درصدش مشخص است. در توسعه‌ی دانشگاه و دانشجو، کشور ما یک کار معجزه‌آسا انجام داده است. بیش از ده برابرِ هنگامی که نظام اسلامی تشکیل شد، ما امروز دانشجو داریم. ما در همه‌ی اقطار کشور دانشگاه داریم. کدام شهر کوچک و بزرگ در اطراف این کشور هست که یکی دو تا یا بیشتر دانشگاه در آن نباشد؟ در عرصه‌ی فناوری - پتروشیمی، نفت، فولاد،

۱. دراجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در دیدار ارتشیان، به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۳/۱/۲۴



تولیدات و صنایع دفاعی - پیشرفته‌ها حیرت‌آور است. سامانه‌های دفاعی‌ای که امروز در کشور تولید می‌شود، یک روز به رؤیا و خواب هم نمی‌آمد که کشور ما بتواند حتی محصولاتش را داشته باشد؛ اما امروز اینها را تولید می‌کنند. در فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد می‌شود، مجبور شدند علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌ها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه‌ی سوخت هسته‌ای تولید کند. این چیز کمی نیست. البته وقتی چنین موفقیتی پیش می‌آید، این جنجال را هم دنبالش راه می‌اندازند که بله اینها می‌خواهند چنین کنند، چنان کنند؛ بمب بسازند. این پیشرفته‌های مهم به برکت نظام اسلامی به وجود آمده است.<sup>۱</sup>

هر کدام از دانشگاه‌های مهم و بزرگ که بنده گاهی از آنها بازدید داشته‌ام - از دور هم اطلاع داشتم، از نزدیک هم که می‌روم می‌بینم - کارهای تحقیقاتی‌شان تحسین‌برانگیز است. این در حالی است که گرفتاری‌های دولت در طول سالهای گذشته کمتر اجازه داده سهم بودجه‌ی تحقیقات، آنچنان که باید و شاید، باشد. در زمینه‌های پزشکی و همچنین توجه به زیر ساختهای کشور - احداث سد، راه، پایانه‌های دریایی برای نفت - و دیگر چیزها پیشرفته‌های چشمگیری داشته‌ایم. اینها واقعاً به فضل پروردگار و در عین استقلال و استغناء به وجود آمده است. همه‌ی درهای اساسی را در دنیا به روی ما بسته بودند؛ شاید این برای ما نعمتی بود: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»<sup>۲</sup>. گاهی اوقات از اینکه درهای دنیا به روی ما بسته باشد، خیلی ناراحت می‌شویم؛ اما همین موجب می‌شود که ما به خودمان بپردازیم و از استعداد خودمان استفاده کنیم و این رشدها و شکوفایی‌ها به وجود آید. کارشناسان، داخلی؛ کنندگان اصلی، داخلی. البته از دانش جهانی تا آنجایی که توانسته‌ایم، استفاده کرده‌ایم؛ چون دانش جهانی متعلق به همه‌ی انسانهاست؛ دانش ما هم متعلق به همه‌ی انسانهاست. یک روز دنیای اسلام به همه‌ی دنیا خدمت کرد؛ امروز هم ما از دانش جهانی استفاده

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۹

میکنیم. در دوران انقلاب، ما با تحریم و جنگ و مشکلات گوناگون و کارشکنی‌ها مواجه بوده‌ایم؛ اما به فضل پروردگار این موفقیتها در نظام اسلامی به دست آمده و جزو افتخارات نظام اسلامی است. ■

عنصر دیگر، زیرساختهای کشور است. امروز کشور ما مثل دهه‌ی اوّل یا دهه‌ی دوّم انقلاب نیست که زیرساختهای علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوانهای ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته‌ای که وارد میشوند، میتوانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه‌ی ارتباطات، در زمینه‌ی مواصلات، در زمینه‌ی تحقیقات علمی، در زمینه‌ی ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راه‌های مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بیسم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم. یک روزی بود که به خاطر کسی خطور هم نمیکرد که عناصر داخلی و متخصصین داخلی بتوانند سد بسازند، سیلو بسازند، بزرگراه بسازند، فرودگاه بسازند، کارخانه‌ی فولاد بسازند؛ در همه‌ی این چیزها چشم ملت ما به بیگانگان بود. بعد هم که بیگانگان دستشان قطع شد، ما از این جهت در کشور فقیر بودیم؛ اما امروز از این جهت توانایی زیادی داریم. جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را میسازند، کارهای پیچیده‌ی علمی و فناوری را انجام میدهند، نیاز کشور را برآورده میکنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علم و فناوری میکنند، کمک می‌رسانند. در این جهت، کشور وضعیّت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست. یک روزی جوانهای ما حتی گلوله‌ی آر. پی. جی را نمیتوانستند پرتاب کنند و نمیشناختند؛ امروز همان جوانها موشک پرتابگر ماهواره میفرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب میکند، همه را متوجّه میکند. یک روزی ما برای استفاده‌ی از نیروگاه‌هایی که در کشور داشتیم، احتیاج به متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آنچنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون

را خودشان میسازند و تولید میکنند. یک روزی در زمینه‌ی مسائل زیست‌شناسی، کشور دچار فقر مطلق بود؛ امروز به پیشرفت در دانشهای زیستی، از جمله همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی که بسیار در دنیا چیز مهمی است، دست پیدا کرده است. امروز این امکانات در کشور وجود دارد. اینها همه زیرساختهایی است که پیشرفتهای آینده براساس این زیرساختها آسان میشود. علاوه‌ی بر اینها - همانطوری که عرض کردم - تجربه‌ی مدیران، یک تجربه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است. کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه‌ای است که میتوانند برای پیشرفت آن برنامه‌ریزی کنند. همین سرکشی کردن مسئولین به گوشه و کنار این کشور، نقاط محروم، استانهای دوردست، در استانها به شهرهای گوناگون رفتن، با مردم تماس گرفتن، اوضاع را از نزدیک دیدن، با چشم مشکلات را مشاهده کردن، یک تجربه‌ی عظیم و گرانبه‌ای برای مأمورین ما و مسئولان کشور به وجود آورده است؛ اینها زمینه‌ی یک جهش است برای اینکه کشور بتواند - ان شاء الله - در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند؛ و این ایجاب میکند که دهه‌ی آینده - یعنی ده سالی که از امسال آغاز میشود - برای کشور ما و برای نظام جمهوری اسلامی، ده سال پیشرفت و عدالت باشد؛ که همه باید در این قسمت تلاش و کار کنند.<sup>۱</sup>

■ آنچه این جرأت را به مسئولان کشور داد تا بتوانند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ای را تنظیم و این آینده را ترسیم کنند، این بود که - بحمدالله - زیربنای پیشرفت کشور آماده شده است. تلاشهایی که دولتها به خصوص در ده دوازده سال اخیر کردند، توانسته است کشور را در وضعیتی قرار دهد که بتواند روی این زیرساختها یک بنای مطلوب را به وجود آورد. منظور از کارهای زیربنایی فقط چیزهایی نیست که به چشم می‌آید - مثل سد و سیلو و کارخانه و جاده و از این قبیل - بلکه مهمتر از اینها عبارت است از بروز استعدادهای جوانان کشور و رسیدن به این معنا که باید برای علم تلاش کنند؛ و تلاش میکنند و به مناطقی دسترسی پیدا میکنند که مزده‌بخش است؛

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

نشان‌دهنده‌ی این است که این ملت در راه علم و فناوری حرکت کرده است و پیش می‌رود. اعتماد به نفسی که امروز در محیط تحقیق و علم در این کشور وجود دارد، بسیار باارزش است. این را نباید به هیچ قیمتی از دست داد و یا دست کم گرفت.

البته نمونه‌های فراوانی وجود دارد که دشمنان جمهوری اسلامی و تبلیغاتچی‌های استکبار و صهیونیسم مایلند این دستاوردها را عمدتاً متوجه به مسائل دفاعی کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این نیست. در چیزهایی که هیچ ربطی به مسائل دفاعی هم ندارد، جمهوری اسلامی و محققان و جوانان دانشمند و با استعداد کشور کارهای برجسته‌ای انجام داده‌اند و پیشرفت کرده‌اند که نمونه‌های آن، مورد اطلاع و در مقابل چشم ماست - بسیاری از آنها در رسانه‌ها اعلام شده است و مردم هم میدانند - اجمالاً، این یک زیربنای بسیار باارزش است.<sup>۱</sup>

کشور آمادگی‌های زیادی دارد. عزیزان من! در این سی سال، ملت و کشور در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت کرده است. زمینه برای یک حرکت عظیم و بنیانی، یک حرکت محسوس که اثر آن را در زندگی مردم بشود ملاحظه کرد، فراهم است. ما هم در زمینه‌ی زیرساختهای اقتصادی پیشرفتهای زیادی کرده ایم. در زمینه‌ی زیرساختهای ارتباطی و مواصلاتی کارهای بزرگی انجام گرفته است. در زمینه‌ی پیشرفت علمی و فناوری، یک روند پرشتابی از چندی قبل تاکنون آغاز شده است. ملاحظه میکنید؛ در زمینه‌های علمی، جوانان ما، دانشگاهیان ما، برجستگان و نخبگان ما به یک مرحله‌ی دست پیدا میکنند که برای یک کشوری که از مرحله‌ی دانش و تحقیق و فناوری و ابتکار علمی بسیار دور بوده است و فاصله داشته است، بسیار چیزهای عجیبی است.

جوانان عزیز! امروز در کشور شما چیزهایی که ایران را در ردیف ده کشور اول دنیا قرار میدهد، یا در ردیف هشت کشور اول دنیا قرار میدهد، کم نیست. در بخشهای مختلف، در بخشهای علوم زیستی، علوم

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳

نانو، علوم فضایی، علوم گوناگون، شما می‌بینید دانشمندان کشور - که عمدتاً هم همین جوانان پرشور و پرشوق و پر نشاط هستند - توانسته‌اند کشور را به اینجا برسانند که بگویند در این مقوله، ایران جزو هشت کشور دنیاست؛ در این مقوله، ایران جزو ده کشور اول دنیاست؛ یعنی این پیشرفت عظیمی است، این یک جایگاه مهمی است برای کشور.<sup>۱</sup>

### ۱۳- تنوعات قومی

اقوام ایرانی یک فرصتند. ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی - چه گُرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر - سعی کند با همان روحیه قومی، در جهت پیشرفت ملی - نه صرفاً پیشرفت قومی - گام‌های بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی‌ای است. آن روز در جمع نخبگان سنج و کردستان - که در یکی از سالنهای اینجا تشکیل شد - یکی از دوستان گُرد، یک حرف خوبی زد؛ گفت همچنانی که شهید مطهری کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» را نوشته، چقدر خوب است که یک نفری بیايد خدمات متقابل گُرد و ایران را بنویسد؛ خدمات گُردها به ایران، خدمات ایران به گُردها. این خیلی خوب است. مشخص کنید که این قوم برای آرمانهای ملی و برای آرمانهای اسلامی، چه گام بلندی میتواند بردارد. آنوقت مسابقه قرار بدهید: مسابقه‌ی بین فارسها، گُردها، ترکها، عربها، لُرها، ترکمنها، بلوچها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آنوقت معلوم میشود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این میشود یک فرصت. البته دشمن میتواند این را تبدیل به تهدید هم بکند که خوشبختانه همه‌تان هوشیارید. دعوای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، بکلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و بازی که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد.<sup>۲</sup>

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۲. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

#### ۱۴- وجود سند چشم‌انداز

چشم‌انداز روشنی تعیین شده است - یعنی سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی - این سند باارزشی است. دولتهایی که پشت سر یکدیگر با انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، میتوانند بر اساس این سند چشم‌انداز، اهداف را مشخص کنند؛ هر کدام بخشی از راه را بروند و دنباله‌ی کار را به دولت بعدی بسپارند. وجود سند چشم‌انداز، یکی از امکانات باارزش نظام جمهوری اسلامی است.<sup>۱</sup>

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

## فصل دوم: شرایط و مقدمات پیشرفت در وضع موجود





## مقدمه

### در اسلام همه چیز مقدمه‌ی حیات طیبه

در اسلام همه چیز مقدمه‌ی خودسازی انسان است. همه‌ی فرائض، احکام، تکالیف، واجبات، اجتناب از گناهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه‌ی حیات طیبه است؛ مقدمه‌ی زنده شدن انسان با روح انسانی است؛ مقدمه‌ی عروج انسان از عالم بهیمیت و حیوانیت و توحش است. اگر بشر تحت تربیت الهی - که با اراده‌ی خود او قابل تحقق است - قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و طاهر خواهد کرد و اگر این تربیت الهی نباشد و عزم و اراده‌ای را که انسان برای پیمودن راه خدا با آن، احتیاج دارد از دست بدهد و خود را در دست هواها و هوسهای بشری رها کند، در حد حیوانیت باقی خواهد ماند و حیوانی خطرناکتر از حیوانهای دیگر خواهد شد. همانطور که در طول تاریخ انسانیت ملاحظه کرده‌اید، چه انسان صورتهایی با سیرت حیوانات پیدا شدند که افراد بشری را از سلوک در راه خدا باز داشتند. فرعونها، قارونها، نمرودها و شیطانهای مجسم هم استعداد تکامل و ترقی داشتند. آنها هم اگر به خود می‌آمدند، فکر میکردند و به یاد جوهر انسانی خود می‌افتادند، میتوانستند پیش بروند. خدای متعال به موسی در مواجهه‌ی با فرعون میفرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»<sup>۱</sup>. فرعون هم این امکان را داشت که

---

۱. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۴

تذکر پیدا کند، به خود آید، یاد خدا را و یاد گوهر انسانی خود را در درون خود زنده کند؛ اما طغیان نگذاشت. طغیان هوای نفس، طغیان دنیا طلبی، طغیان خودخواهی‌ها، کبرها، طغیان روح بهیمیت در انسان، اینها مانع است.<sup>۱</sup>

■ نماز، رکن اصلی دین است و باید اصلیتین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیبیه‌ی انسان در سایه‌ی حاکمیت دین خدا وقتی حاصل خواهد شد که انسانها دل خود را با یاد خدا زنده نگه‌دارند و به کمک آن بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند و همه‌ی بتها را بشکنند و دست تطاول همه‌ی شیطانهای درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دایمی، فقط به برکت نماز حاصل میشود؛ و نماز درحقیقت پشتوانه‌ای مستحکم و ذخیره‌ای تمام‌نشدنی در مبارزه‌ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی میکشد و شیطانهای قدرت که با زر و زور او را وادار به ذلت و تسلیم میکنند، همیشه و در همه حال دارد.<sup>۲</sup>

## الف) الزامات و شرایط علمی پیشرفت

### ۱- جهاد علمی

دانشگاه، موتور پیشرفت کشور است؛ در این هیچ تردیدی نیست. اگر یک ملّتی عزّت میخواهد، اگر استقلال میخواهد، اگر اقتدار میخواهد، اگر ثروت میخواهد، باید دانشگاه خود را تقویت کند. خوشبختانه این نکته در ذهنیت مسئولین کشور جا افتاده است؛ همه این را درک کرده اند که باید به دانشگاه اهمیت بدهند.

امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. البته اینجا که عرض میکنم علم، منظورم معنای عام علم است؛ نه فقط علوم تجربی. ما یک جهاد علمی لازم داریم. من حالا خواهم پرداخت به بعضی از مطالبی که

۱. در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸

۲. پیام به اولین اجلاس سالانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

برادران و خواهران بیان کردند و اگر یک نقطه نظری باشد، در ذیل بیانات دوستان عرض خواهم کرد؛ اما آنچه که به نظر من جمع‌بندی همه‌ی مسائل است - که بنده خود را متعهد میدانم که آن را، هم بگویم، هم دنبال کنم، هم با دقت و وسواس و دلواپسی نگاه کنم بینم به کجا رسید - این است که کشور نیاز دارد به جهاد علمی.

ببینید، جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست. مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه‌ی با یک دشمن است؛ مواجهه‌ی با یک معارض است. امروز ما در زمینه‌ی علم نیاز داریم که اینجور تلاشی در کشور بکنیم؛ احساس کنیم موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی میشود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم؛ در زمینه‌ی عرضه‌ی امکانات علمی، خستهایی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند - که کشورهای پیشرفته‌ی علمی است - وجود دارد، باید در مقابل این خستها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم. امروز دنیا علی‌رغم تظاهر به سخاوت علمی، در نهایت خست علمی است. آن کسانی که بر حسب عوامل گوناگونی توانستند در یک برهه‌ای پیشرفت علمی را صاحب و مالک بشوند و موتور پیشرفت را سوار بشوند و از همه‌ی بشر جلو بزنند - که همین کشورهای پیشرفته‌ی غربی هستند، که تقریباً از دوره‌ی رنسانس به این طرف دست اینها افتاده؛ یک روز هم دست ما بود - اینها انحصارگرند، انحصارطلبند؛ اینها نمیخواهند دایره‌ی این دانش، دایره‌ی این اقتدار توسعه پیدا کند؛ با دانایی ملت‌ها مخالفند؛ به خصوص بعد از آنکه این دانش در دست آنها وسیله‌ای شد برای سیاست. استعمار از علم پدید آمد. علم توانست آنها را قوی کند، مقتدر کند؛ لذا راه افتادند اطراف دنیا، استعمار به وجود آمد؛ والا ملت‌ها داشتند زندگی خودشان را میکردند. بریتانیا کجا، اندونزی کجا؟ اینها با ابزار علم رفتند آن مناطق را صاحب شدند. خب، وقتی که استعمار از علم زاییده

شد و قدرت بین المللی و قدرت سیاسی متکی به علم شد، این علم را در اختیار دیگران نباید بگذارند؛ و الا این قدرت تهدید میشود و تا امروز همینجور عمل کردند.

حالا یک ملّتی اراده میکند و تصمیمی میگیرد که روی پای خود بایستد، از استعداد خود استفاده کند، خوشبختانه این زمینه‌ها هم به یک شکلی برای او فراهم است - ملّت ما اینجوری است - شاید بعضی از ملّتهای دیگر باشند که اگر چنانچه آنها تصمیم میگرفتند در مسئله‌ی علم روی پای خودشان بایستند، نمیتوانستند؛ چون نه آن پیشینه‌ی تاریخی را داشتند، نه آن استعداد بومی و منطقه‌ای و ذاتی خودشان را داشتند. کشور ما - بحمدالله - اینها را دارد. انقلاب هم شد، حرکت عظیمی هم انجام گرفت، بیداری‌ای به وجود آمد، احساس توانایی‌ای به وجود آمد، یک حرکت مهمّی شروع شد، که خب، پیشرفتهای فراوانی هم داشته. ما باید قبول کنیم و اعتراف کنیم که این حرکت در آغاز خود است. ما اول راهیم.

دوستان اشاره کردند به برنامه‌ریزی سیصد ساله. البتّه من اعتقادی به سیصد سال برنامه‌ریزی ندارم؛ اما این فکر را، این روحیه را میپسندم که احساس کنیم سی سال گذشته، ما قدم اولیم؛ ده قدم بخواهیم برداریم، میشود سیصد سال دیگر. باید بدانیم قدمهای اولیم، باید بدانیم میتوانیم قدمهای بلندتری را برداریم؛ این احساس باید به وجود بیاید و من اعتقادم این است که این احساس حتماً به وجود می‌آید؛ کمالینکه این حرکت عظیم علمی، این نوآوری علمی، این تولید علم، این پرداختن به مرزهای دانش، به فکرمان نمیرسید که شدنی باشد؛ خب، مطرح شد، گفته شد، دنبالگیری شد؛ امروز شما ثمراتش را دارید مشاهده میکنید. بنابراین میتوانیم قدمهای بلندتر را برداریم، میتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم.<sup>۱</sup>

پیشرفت مادی کشور در درجه‌ی اوّل، متوقّف بر دو عنصر است: یک

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴

عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه میبیند؛ کشور با علم پیش میرود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحوّل و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا میزند. عیب کار ما در دوران حکومت طواغیت این بود که نه علم داشتیم و چون علم نبود، نه تولید متّکی بر پایه‌ی علم و پیشرونده و رشدیابنده داشتیم. لذا دنیا وقتی وارد میدان صنعت شد، پیش رفت؛ قاره‌ی آسیا که دیرتر از اروپا وارد میدان صنعت شده بود، پیش رفت؛ ولی ما بر اثر حکومت این طواغیت و شرایط گوناگون، عقب ماندیم. اگر میخواستیم جبران کنیم - که میخواستیم و ملّتمان حرکت هم کرده است و به میزان زیادی پیش هم رفته است - باید به علم و تولید اهمّیت بدهیم؛ باید در مراکز علم، در مراکز تحقیق، با شکلهای نو و مدرن پیگیری شود. چند سال است که من روی مسئله‌ی علم تکیه میکنم و الحمدلله چرخهای پیشرفت علمی و تولید علم در کشور به حرکت درآمده است؛ البته باید باز هم سرعت بگیرد، هنوز اوّل راهیم.<sup>۱</sup>

آنچه من امروز به همه‌ی ملّت عزیزمان و به مسئولین محترم - به خصوص که بحمدالله هم قوه‌ی مجریّه، هم قوه‌ی قضائیه، یک دوره‌ی جدید را آغاز کرده‌اند و تازه‌نفس‌اند - توصیه میکنم، این است که برای دهه‌ی پیشرفت و عدالت، همه خودشان را آماده کنند. ما احتیاج داریم به جهش در این راه. ما عقب ماندگی زیاد داریم. با رفتار معمولی نمیشود به نقطه‌ی مطلوب رسید؛ ما به جهش احتیاج داریم. این جهش، ایمان میخواهد، اخلاص میخواهد، هماهنگی میخواهد، همکاری نیروها را با یکدیگر لازم دارد. قوای سه‌گانه با هم همکاری نکنند، همدلی کنند، به هم کمک کنند؛ مردم به مسئولین، به خصوص به قوه‌ی مجریّه که وسط میدان است کمک کنند، همکاری کنند، همراهی کنند، ما بتوانیم راه‌های نرفته را برویم؛ کارهای بزرگی که در انتظار ماست، انجام بدهیم. بر روی یک نقطه‌ی بخصوص هم تأکید میکنم در میان کارهایی که

۱. در دیدار کارگران نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۸۹/۲/۸

باید انجام بدهیم و آن نقطه، علم است. چند سالی است که حرکت علمی در کشور آغاز شده است. نخبگان نگذارند این حرکت کند شود یا خدای ناکرده متوقف شود؛ پیش بروید. حوزه و دانشگاه در این مورد مسئولیت سنگینی دارند. استاد و دانشجو همه مسئولیت دارند. راه علم را باید دنبال کنید. اگر ملتی نتواند در میدان علم و پیشرفت علمی و خزشکنی علمی پیشرفت کند، کلاش پس معرکه خواهد ماند.

اگر می‌بینید کسانی آگاهانه، بی‌پروا در دنیا ظلم آشکار میکنند، این به پشتوانه‌ی علمشان هست. علم است که برای آنها ثروت به وجود آورده است، قدرت سیاسی به وجود آورده است، نفوذ در دنیا و در مناطق گوناگون عالم به وجود آورده است. کلید پیشرفت، علم است. نگذارید حرکت علمی متوقف بشود.<sup>۱</sup>

■ رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق آن هدفگیری دشمن، به هدفی که آنها گرفته اند، اصابت کند. کار علمی را نگذارید متوقف بشود. از همه‌ی این حرفهائی که گفته شد، مهمتر، مسئله‌ی علم و تحقیق و پژوهش است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه‌ی علم است، اقتدارش از ناحیه‌ی علم است، زورگویی‌ای که امروز میکند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی‌آورد. آنی که اقتدار می‌آورد، دانش است. امروز اگر امریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمیداشت، نمیتوانست در دنیا اینجور زورگویی بکند و در همه‌ی مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می‌آید، از ناحیه‌ی علم به دست می‌آید. علم را اهمیت بدهید. اینی که من سالهاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه میکنم، به خاطر این است. بدون

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۸/۶/۲۹

انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد.<sup>۱</sup>

## ۲- اولویت دادن به علم در سرمایه‌گذاری‌ها

در برنامه ریزی توسعه‌ی کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما ببینیم عمده‌ی تمرکز سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه‌ی مادی و سرمایه‌ی معنوی - یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه - نامحدود نیست. اگر می‌خواهیم کشور را به توسعه برسانیم - توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان، نه لزوماً توسعه به معنای رایج غربی - ببینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم.

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند؛ بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد. تکیه‌ی ما بر این اساس است. حالا این علم با چه هدفی است، اگر - ان شاء الله - وقت بود و من هم یادمان ماند، در آخر شاید یک جمله‌ای عرض خواهم کرد که جهتگیری حرکت علمی ما چه باید باشد. بنابراین یکی از بااولویت‌ترین کارها عبارت است از مسئله‌ی علم و فناوری؛ این در کشور لازم است. ما در این زمینه‌ها یک عقب‌افتادگی مزمن تاریخی فاحشی داریم، که گناهش به گردن آن کسانی است که با سیاست خودشان، با رفتار خودشان، با طمع ورزی‌های خودشان، با سهل‌انگاری‌های خودشان، این بیماری مزمن را بر یک چنین ملت بزرگی تحمیل کردند و ما حالا می‌خواهیم خودمان را از زیر این بار، از زیر این بختک سنگین خلاص کنیم؛ بنابراین من، شما، مسئولین ذی ربط، مسئولین بخشهای مختلف کشور و هر انسان باشرف در این کشور که

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

امکانی دارد، باید در این زمینه تلاش کند؛ هر کس به قدر خودش. همه مسئولند؛ از یک دانشجویی که امسال وارد دانشگاه شده تا دانشجوهای برتر و بالاتر تا اساتید تا مسئولین نظام آموزشی و علمی کشور تا بخشهای مختلف، در سلسله مراتب اداری و علمی کشور. همه باید تلاش کنیم، همه باید کار کنیم، همه باید بدویم تا بتوانیم این عقب افتادگی تاریخی تحمیل شده‌ی بر خودمان را جبران کنیم؛ این یک مسئله‌ی جدی<sup>۱</sup> است.

### ۳- ارتقای شأن اجتماعی علم و عالم

در دنیا، نگاه مادی به سرمایه‌ها و ثروت معنوی موجب شده است که ثروتهای معنوی را با محاسبه‌ی امکان تبادل به پول بسنجند؛ این دانش چقدر میتواند تبدیل به پول بشود؛ این هنر چقدر میتواند تبدیل به پول بشود؛ اما در اسلام این معیار وجود ندارد. نه اینکه از تبدیل علم و هنر و سایر سرمایه‌های معنوی به پول، ابایی وجود داشته باشد؛ نه علم وسیله‌ی رفاه زندگی است؛ هنر وسیله‌ی رونق و بهای زندگی است؛ اشکالی ندارد؛ اما با قطع نظر از این نگاه، خود این ثروت معنوی هم یک ارزش والایی از نظر اسلام دارد. یعنی این هنرمند، حتی اگر هنر او را کسی نشناسد و از هنر او هیچکس بهره نبرد، نفس دارا بودن این هنر با نگاه اسلامی و نگاه معنوی، خود یک ارزش است. این عالم ولو مورد انکار قرار بگیرد و علم او را کسی نشناسد، نفس دارا بودن این علم، یک ارزش است. درست است که علم، مقدمه‌ی عمل است؛ درست است که دانایی وسیله‌ی توانایی است؛ اما این توانایی، این عمل، لزوماً همیشه آن چیزی نیست که قابل تبدیل به ثروت مادی باشد؛ باید ما این نگاه را تقویت کنیم. ممکن است در یک جامعه‌ای به خاطر فقر امکانات یا کمبود تجربه، نتوان مابه‌ازای مادی را در مقابل دانش یا تحقیق یا هنر یا اینگونه سرمایه‌های معنوی ارائه کرد. در جامعه‌ی ما هم حتماً اینگونه

۱. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴



است و در بسیاری از نقاط دنیا اینگونه است. این نباید موجب بشود که جوشش چشمه‌های علم و هنر متوقف بشود. من وقتی به تاریخ علم و ادب نگاه میکنم، میبینم اتفاقاً بخشی از مهمترین پیشرفتهای علمی بشر و همچنین پیشرفتهای هنری بشر، آن چیزهایی است که مابه‌ازای مادی که نداشته، هیچ؛ گاه مورد تحقیر و انکار هم قرار گرفته؛ انگیزه‌ی آنها شوق، عشق و انگیزش معنوی بوده است؛ این را نیاستی انکار کرد؛ نیاست جلوی این را گرفت. همه‌جا دانش و تحقیق و هنر با پول مبادله نمیشود؛ با پول سنجیده نمیشود. نخبگان این فرهنگ را بیش از دیگران میتوانند در میان جامعه گسترش بدهند. اینکه یک انسانی با معارف فلسفی یا معارف عرفانی یا با دانشی از دانشهای گوناگون بشر آشناست، یا دارای ذوق هنری است، این را یک ارزش بدانند؛ ولو کسی نداند؛ ولو تبدیل به پول نشود؛ ولو در بازار تنگ‌نظری‌ها مشتری درست و حسابی هم نداشته باشد. این فرهنگ، فرهنگ خیلی خوبی است؛ این چیزی است که میتواند جریان دانش و تحقیق و هنر را در کشور توسعه بدهد؛ و ما به این نیاز داریم. اینجور نباشد که ما تصور کنیم اگر به هنر یا به دانش میپردازیم، برای این است که یک مابه‌ازای مادی دارد، که اگر اینجا به‌دست نیاوردیم، برویم جای دیگر. البته طبیعت انسانها بعضاً کشش به این سمت دارد؛ اما فرهنگ دینی و اسلامی این نیست.<sup>۱</sup>

#### ب) الزامات و شرایط فرهنگی و اجتماعی پیشرفت اهمیت و نقش فرهنگ در توسعه

واقعاً ما برای کار در زمینه‌ی فرهنگ عمومی، میدان بازی داریم. اگر ما بخواهیم توسعه‌ی اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم. مادامی که حتی محقق و جستجوگر علمی ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را،

۱. در دیدار نخبگان استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۴

آنچنان که در یک فرهنگ سالم مطرح است - که مظهر عالیاش هم فرهنگ اسلامی است - نداشته باشد، وجود این محقق، بی‌فایده خواهد بود. گیریم که ما محققان بزرگی تربیت کردیم و مثلاً آزمایشگاه‌های مهمی هم در اختیارشان گذاشتیم؛ این به یک کار شخصی تبدیل خواهد شد.

این محققان بزرگی که ما در دنیا می‌بینیم، اعم از آن کسانی که در قرن‌ها پیش، از میان خود ما برخاستند - مثل ابن‌سیناها، خوارزمی‌ها، خیام‌ها و دیگران - و چه آن کسانی که در قرون اخیر، از بین اروپایی‌ها برخاستند - از قبیل همین دانشمندان بزرگ شیمی و طبیعی و فلکیات و غیره - وقتی به زندگی اینها نگاه میکنیم، می‌بینیم که حقیقتاً خودشان را در زندگی فراموش کردند و زندگی شخصی و راحتی و پول و نفع برای خودشان را اصلاً در درجه‌ی دوم قرار دادند؛ اقلاً محور قرار ندادند، اگر نگوئیم فراموش کردند. بعضیشان واقعاً آن موارد را فراموش کردند و به نفع تحقیق و علم و کار و پیشرفت، در فقر و مسکنت زندگی میکردند. بعضی دیگر هم اقلاً به تحقیق و علم و کار و پیشرفت اهمیّت دادند و زندگی شخصی را محور قرار ندادند؛ بلکه آن را در حاشیه گذاشتند.

ما چگونه میتوانیم این روحیه را در بین محققان کشور و یا در محیط کار اداری زنده کنیم؟ ارتباط مستقیم با توسعه‌ی اقتصادی دارد. اگر شما طرحهای اقتصادی را به دست یک مجموعه‌ی دیوان سالاری غلط و معوج و عاری از وجدان کار و عاری از سواد و آگاهی از کیفیت کار بدهید، آن را ضایع خواهد کرد و این طرح را به ثمر نخواهد رساند. ما چگونه میتوانیم آگاهی و وجدان کار را در این مجموعه‌ی اداری خودمان - که هیکل حجیم دیوانی ما را تشکیل میدهد - تزریق بکنیم؟ یا چگونه میتوانیم در زمینه‌ی تولید و ساخت و ایجاد محیطهای کارگاهی پُرتلاش در کارخانجات، توصیه‌ی اسلام را که گفته: «**رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَمَلَ شَيْئاً فَاتَّقَنَهُ**»<sup>۱</sup>، جامه‌ی عمل بپوشانیم و اتقان و سلامت کار

۱ مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، علی بن جعفر (علیه‌السلام)، ص ۹۳

و استحکام و سنگ تمام گذاشتن برای تولید را به کارگر تزریق کنیم، که وقتی اتومبیل ما از کارخانه بیرون می‌آید، بعد از یک ماه مثلاً در آن لقلق نکند، یا فلان پیچش باز نشود؛ در حالی که تولید فلان نقطه‌ی دیگر دنیا، اینطور نیست؟ یا چه کار کنیم که این فرد از کار در نرود؛ در حالی که دیگران به کار شوق دارند و بیشتر سعی میکنند کار کنند؟ ما چگونه میتوانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرحهای توسعه‌ی اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون اینکه فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس می‌بینید که به فرهنگ برگشت.

اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه‌ی اقتصادی هم خواهیم ماند. این، تازه در صورتی است که ما محور را توسعه‌ی اقتصادی بگیریم. البته در جامعه‌ی اسلامی، محور این نیست؛ توسعه‌ی اقتصادی وسیله است. به هر حال، از هر طرف که حرکت میکنیم، می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راه‌ها واقعاً به فرهنگ ختم میشود. برای فرهنگ باید کار کرد.<sup>۱</sup>

■ فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که میتواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. من به حوادث دوران استعمار که نگاه میکردم - دوران استعمار تقریباً از اواخر قرن هجدهم میلادی شروع شد، در قرن نوزدهم به اوج رسید و تا اواسط قرن بیستم هم ادامه پیدا کرد. حرکت استعمار یعنی حضور قدرتهای مسلط نظامی و سیاسی دنیا در کشورهایی که میتوانند

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۹/۹/۱۹

با استفاده از زور در آنها حضور پیدا کنند و منافع خودشان را از آنجاها تأمین کنند و در واقع از موجودی مادی و معنوی آن کشور سرمایه‌ای برای خودشان بسازند، همان چیزی که آنها اسمش را استعمار گذاشتند و امروز هم اطلاق میشود - میدیدم هر جا که اینها وارد شده‌اند، اگر این توانایی را پیدا کرده‌اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه‌های قدرتشان در آنجا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به‌خاطر کهنسال بودن، ریشه‌دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته، استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته‌اند مدت زیادی از آنجا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند. این در مورد همه‌ی جهانگشایی‌ها و کشورگشایی‌های دورانهای گذشته‌ی تاریخ هم - که ما در تاریخ میخوانیم - صادق است. آن کشورگشاهایی توانسته‌اند در سرزمینهای گشوده شده‌ی با شمشیر، با زور پایدار بمانند و مقاصد و سلطه‌ی خودشان را در آن سرزمینها اعمال کنند، که توانسته باشند فرهنگ آن کشور را در مشّت و در اختیار بگیرند. حالا گاهی یک فرهنگ را ریشه‌کن میکنند؛ مثل اینکه زبان یک کشور را بکل از بین ببرند. شما الان ملاحظه کنید که آفریقا، امریکای لاتین و بسیاری از کشورها، زبان بومی اصلاً ندارند. پرتغالی‌ها و اسپانیول‌ها آنجا آمدند و زبانها را عوض کردند؛ زبانهای بومی و بسیاری از نشانه‌های فرهنگ را از بین بردند؛ البته یک جاهایی هم نتوانستند. فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.<sup>۱</sup>

#### ۱- امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم میفرماید: «الَّذِينَ ان مَكْنَاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۲</sup>. من میخواهم این واجب فراموش شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و

۱. در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱

نهی از منکر. همه‌ی آحاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قائل باشند. این، تضمین‌کننده‌ی حیات طیبیه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم. امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و پا زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لاغیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

روزی بود که اگر کسی کار خلافی مرتکب میشد و دیگری به او اعتراض میکرد، نظام حاکم آن اعتراض را میکوبید. ما دیده بودیم که اگر گناهی انجام میگرفت، گناهکار تشویق میگردد؛ اما معترض به گناه کوبیده میشد! امروز، به عکس است. امروز، نه اینکه گناه در جامعه نیست؛ هست. زمان حکومت امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاه و السّلام) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم این است که نظام و تشکیلات حاکم بر جامعه - آن کسانی که اداره و مدیریت کشور را بر عهده دارند - میل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند.

گفتن گناه به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند - در مواردی که مفسده‌ای به وجود نیاید - گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلاً در هر جایی که هستند، اگر خلافتی را دیدند، به خلافکار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام میدهی؟ گفتن همین یک کلمه مؤثر است. اگر زبانهای گوناگون و نفسهای مختلف گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد.

در سطح جهانی هم همین‌طور است. حتی همین شقاوت‌مندیایی که امروز بر سیاستهای بزرگ جهانی حاکم هستند، اگر ملتها به آنها میگفتند و اعتراض میکردند، قدری از شقاوت خود میکاستند. امروز شما ببینید

که سیاستهای قدرتمند عالم چه میکنند؟ ببینید قدرت امپراتوری مجهز به زر و زور امریکا، با ملت‌ها و دولتها و ارزش‌ها و ثروتهای مردم در سراسر دنیا چه میکند؟<sup>۱</sup>

### انتقاد سازنده؛ مصداق بارزی از امر به معروف

در نظام اسلامی، اگرچه رسم و سنت انتقاد و نصیحت مشفقانه به مسئولین، یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه‌ی رشد و ارتقا و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضه‌ی امر به معروف است و باید در جامعه بماند و توسعه و کیفیت بیابد، ولی مخلوط کردن این کار مستحسن و لازم با اشاعه‌ی روحیه‌ی بدبینی و سوءظن به کارگزاران اصلی کشور و بدگویی از آنان - که به تضعیف روحیه، یا تضعیف جایگاه آنان بینجامد - خطایی بزرگ و خیانت‌آمیز خواهد بود.

اگر کسانی با گفتن و نوشتن یا رفتار متعمدانه‌ی خود، بذر شک و تردید نسبت به مسئولان بلندپایه‌ی کشور را در دل‌ها بیفشانند و فضا و افق را تیره و یأس‌آور جلوه دهند، با هیچ توجیه و بیانی نمیتوان آنها را خدمتگزار و خیرخواه به حساب آورد. این کار در کشور ما که از نظامی اسلامی و انقلابی و مسئولانی کاملاً مردمی و ملّتی با اخلاص و فداکار و صمیمیتی بی‌نظیر میان مردم و مسئولان و استعداد و ظرفیتی درخشان برای کار و پیشرفت و حیثیتی برجسته در جهان و میان ملت‌های عالم برخوردار است، بی‌شک ضربه به آینده‌ی کشور و خیانت به آرمانهای انقلاب محسوب میشود و گناهی نابخشودنی است.<sup>۲</sup>

### ۲- جلوگیری از فساد و فحشا و رواج شادابی و نشاط

جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملّت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و

۱. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه سالروز قیام مردم قم ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲. پیام به مناسبت دوّمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳

دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منحصر کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمی‌های گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اوّل بر عهده‌ی خود آحاد ملت، به خصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزکاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاه‌ها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب نگه‌داشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جدّ و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است<sup>۱</sup>.

### ۳- گسترش فرهنگ آزاد اندیشی

اگر بخواهیم در زمینه‌ی گسترش و توسعه‌ی واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به اینکه از مواهب خدادادی و در

۱. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

درجه‌ی اوّل آزاداندیشی استفاده کنیم. آزاداندیشی در جامعه‌ی ما یک شعار مظلوم است. تا گفته می‌شود آزاداندیشی، عدّه‌ای فوری خیال میکنند که بناست همه‌ی بنیانهای اصیل در هم شکسته شود و آنها چون به آن بنیانها دلبسته‌اند، می‌ترسند. عدّه‌ای دیگر هم تلقی میکنند که با آزاداندیشی باید این بنیانها شکسته شود. هر دو گروه به آزاداندیشی - که شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است - ظلم میکنند. ما به آزاداندیشی احتیاج داریم. متأسفانه گذشته‌ی فرهنگ کشور ما فضا را برای این آزاداندیشی بسیار تنگ کرده بود. همین مطلبی که راجع به ترجمه فرمودند، درست است. منظور از ترجمه، فقط ترجمه‌ی کتاب نیست، بلکه ترجمه‌ی فرهنگ، ترجمه‌ی فکر، ترجمه‌ی نظریات بیگانه، آنها را به شکل وحی منزل تلقی کردن و در یک جایگاه غیرقابل خدشه قرار دادن، بلایی بوده که در جامعه‌ی ما وجود داشته است. همان ترجمه‌ها را تکرار کرده‌ایم؛ هر چه را که دیگران گفته‌اند، تکرار کرده‌ایم و دچار جمود شده‌ایم. اگر بخواهیم رشد کنیم، بایستی بتوانیم در فضای لایتناهی فکر بال و پر بزنیم؛ باید حرکت کنیم. اگر بخواهیم در اقتصاد، فرهنگ، علوم انسانی، فلسفه و در همه‌ی زمینه‌های علمی و فرهنگی در چارچوب آن نظری که فردی در جایی گفته و یک عدّه طرفدار هم پیدا کرده و حالا مترجمی آن را ترجمه کرده یا خود ما آن را یاد گرفته‌ایم؛ یعنی در چارچوب آن فکر به‌عنوان یک شیء مقدّس غیرقابل دست زدن، حرکت کنیم، این آزاداندیشی نیست، بلکه دنباله‌ی «کاغذباد» شدن است. ما در مشهد به این بادبادکها، کاغذباد می‌گوییم. خیال میکنند در هوا پرواز میکنند، امّا دنباله‌ی کاغذباد است، نخ آن هم دست یکی دیگر است. این کار آزاداندیشی نیست. محیط آزاداندیشی، محیط خاصی است که باید آن را ایجاد کرد؛ آن هم کار شماهاست. البته به نظر من، گفتگوی آزاد باید از حوزه و دانشگاه شروع شود. خب؛ برای اینکه انسان به قلّه برسد، راه وجود دارد؛ باید آن راه را شناخت. هیچ مانعی ندارد که ما یک نقشه‌ی راهنما داشته باشیم و بگوییم راههایی که به قلّه می‌رود، اینهاست و این نقشه‌ی راهنما را در جیبمان نگه‌داریم و از آن حفاظت کنیم. این کار به



معنای این نیست که ما متحجریم، بلکه به معنای این است که ما عاقلیم و میدانیم که بدون این نقشه‌ی هدایت، حرکت کردن نااندیشیده ما را به سقوط منتهی خواهد کرد؛ بنابراین، این کارها لازم است. امروز ما احتیاج مبرمی داریم به اینکه تفکر آزاداندیشانه - که با آن فرهنگ و علم تولید خواهد شد و گسترش و توسعه‌ی واقعی پیدا خواهد کرد - در جامعه رشد پیدا کند و بتواند استعدادهای افراد را به سمت خود جذب نماید. امیدواریم که عناصر مستعد، با همت و با توکل - چه در حوزه، چه در دانشگاه و چه در مجموعه‌هایی مثل مجموعه‌ی شما - قدر این کارها را بدانند. شما در مجموعه‌ی خودتان اصلاً شک نکنید که نفس این جمع شدن دور هم یک نعمت بزرگ و یک کار حقیقی است که انجام گرفته است. مبدا بگذارید این کار، باطل و ضایع شود. از آن استفاده کنید و ان شاء الله کارهای بعدی را بر این اساس مترتب نمایید.<sup>۱</sup>

واقعاً انسانها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به‌طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکر است که انسانها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدانهای عظیم پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت. ما در مباحث کلامی و مباحث فلسفی هرچه پیشرفت داشتیم، در سایه‌ی مباحثه و جدل و بحث و وجود معارض داشتیم. اشکالی که ما همواره به بخشهای فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه‌ی کارزار فکری درست عمل نمیکنند. کارزار فکری باید باشد؛ منتها کارزار فکری عملاً به این شکل درنیاید که ما به قول سعدی، سگ را بگشاییم و سنگ را ببندیم؛ حربه را از دست اهل حق و اهل آن فکری که حق میدانیم، بگیریم؛ اما دست اهل باطل را باز بگذاریم که هر بلایی میخواهند، سر جوانهای ما بیاورند؛ نه او حرف بزند، شما هم حرف بزنید و در جامعه فکر تزریق کنید. ما به تجربه

۱. در دیدار اعضای انجمن اهل قلم ۱۳۸۱/۱۱/۷

دریافته‌ایم آنجایی که سخن حق با منطق و آرایش لازم خودش به میدان می‌آید، هیچ سخنی در مقابل آن تاب پهلوی زدن و مقاومت کردن نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

### اهمیت پرهیز از جنجال فکری به جای آزاد اندیشی

فهمیدن این هم ذکاوت می‌خواهد. بعضی‌ها این ذکاوت را ندارند. ما آدمها را تجربه کردیم؛ نمی‌فهمند دارند به ساز کی میرقصند. ولی این واقعیت را عوض نمی‌کند که آنها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند. این توطئه‌ها وجود دارد. در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمیشود، ضعیف نمیشود؛ جامعه‌ی علمی‌اش، جامعه‌ی پیشرفته‌اش - که همین شما جوانها باشید - امروزش از ده سال قبلش به صورت آشکاری جلوتر میرود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقایق است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه‌دار بودن است. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً»<sup>۲</sup>؛ اعتقاد ما این است. ما با اعتقاد، با دل کار میکنیم. من کمبودها را نفی نمی‌کنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها را میدانم؛ منتها راه رفع کمبودها، این چیزهایی که تصور میشود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلان جاء فلان جور چه جوری است؛ نه خیلی چیزها با اعلام درست نمیشود، با کار درست میشود. با حرف درست نمیشود؛ حرف، جنجال‌سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حل مشکلات نمیکند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس میکرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب میکنم، همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضا کنم.

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴

نخیر، از خیلی از برنامه های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرفهائی که زده شد و تظاهراتی که میشد و مجادلاتی که انجام میگرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. بنده گفتم کرسی آزادفکری را در دانشگاه ها به وجود بیاورید. خب، شما جوانها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمیشود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمیشود. ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمیکند. شما تجربه‌ی این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک میکند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی میزنید، ناگهان می بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف میزنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فَيَشْرُ عِبَادِ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>۱</sup>. سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد. والا فضای جنجال درست کردن، همین میشود که دیدید.

۱. سوره‌ی زمر، آیات ۱۷-۱۸

جنگال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش میشود این؛ به خصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر میکنید دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر میکنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر میکنند؟ با چه محاسبه‌ای این کار انجام میگیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴- رشد خود باوری و اعتماد به نفس ملی

راز حرکت و پیشرفت یک ملت به سمت عروج معنوی و مادی همین است. اول باید به خود ایمان بیاورد و خودباختگی را کنار بگذارد. اگر به خود اعتقاد پیدا کرد و احساس نمود که به آقابالاسری از ملتها و دولتهای بیگانه نیاز ندارد و خود را در مقابل آنها کوچک و حقیر و ناچیز نداند، راه پیشرفت در مقابلش باز میشود. اگر ملتی، مثل بچه مکتبی‌های قدیم - که اگر میخواستند یک کلمه حرف بزنند، باید از آخوند مکتبی اجازه می‌گرفتند - چشمش به این باشد که دولتهای دیگر چه می‌گویند و نظام دلخواه امریکایی‌ها چیست؛ تا ابد به جایی نخواهد رسید. روحیه‌ی اسلامی، روحیه‌ی تسلیم را از ملتها گرفته و آنها را بیدار کرده و به خود متکی و معتقد ساخته است. این، آن امید بزرگی است که مشاهده میشود. امروز وقت آن است که دولتهای اسلامی از این روحیه‌ی ملتها استفاده کنند، خودشان را به ملتها متکی نمایند و با دولتهای بزرگ، مثل شرکا یا رقبای همسنگ حرف بزنند؛ نه اینکه برای آنها اولویت قائل شوند.<sup>۲</sup>

■ یک ملت و یک جمعیت، هنگامی که به ارزشهای بنیادی بومی خود واقف بشود، استعدادهای خود را بشناسد، ارزش اخلاقی و انسانی خود را بداند، مغلوب حوادثی که برای او درست میکنند، نمیشود. آینده در

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

۲. در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام در روز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

برابر یک چنین جمعیت و ملّتی، آینده‌ی روشنی است. سالهای متمادی - شاید دهها سال - همت استعمارگران این بود که ملّت ایران را نسبت به خودشان و نسبت به ارزشها و گذشته‌ی خودشان بی‌اعتقاد کنند. گناه بزرگ نسل اوّل روشنفکران این کشور که مروج تفکرات غربی و فرهنگ غربی بودند، همین است. به ملّت ایران تبیین کردند و اصرار و تکرار کردند که تو چیزی نیستی. ارزشهای تو، اعتقادات تو، گذشته‌ی تو، تاریخ تو و بزرگان تو به چیزی نمی‌ارزند. توانستند یک نسل از خود بیگانه‌ای درست کنند که پذیرای یک حکومت ظالم و دست‌نشانده‌ای مثل حکومت رضاخان قلدر باشد. این کاری است که دشمنان ما در طول سالهای طولانی کرده‌اند. نهضت اسلامی، حرکت عظیم روحانیت و مردم در دوران سالهای منتهی به پیروزی انقلاب همین بود که مردم را نسبت به هویت خودشان، نسبت به توانایی‌های خودشان و نسبت به گذشته و تاریخ خودشان خوشبین کنند و پرده‌ی دروغ و توهمی را که دشمنان بر روی باورهای ملّی ما کشیده بودند، آن را ببرد؛ و موفق هم شدند.<sup>۱</sup>

■ یک ملّت اگر احساس عزّت کرد، پیشرفت خواهد کرد و خواهد بالید؛ اما اگر توسری خورد، استعدادها در او خفه خواهد شد. عزّت ملّی و آنچه را که امروز به آن غرور ملّی گفته میشود - البته تعبیر «غرور» با توجه به معنای لغوی‌اش خیلی رسا نیست، اما رایج است - باید در ملّت تقویت کرد تا احساس عزّت و توانایی کند. آنچه مایه‌ی عزّت یک ملّت است، مثل تراث عظیم فکری و فرهنگی و علمی در مقابل چشم آنها قرار میگیرد؛ شخصیت‌های برجسته‌شان، گذشته‌ی روشنان، استعداد والایشان.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

### شاخصهای عزّت ملی

اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوّم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملّت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمّی است. ملّت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خودکم‌بینی احساس میکرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیرد و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملّت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اوّل، زمان محمّدرضا، با حضور امریکایی‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملّت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملّت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملّت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملّت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷ - در طول بیست و چهار سال - بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند. از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتّی کار را به جایی رساندند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملّت باید از استقلال و عزّت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند

خطّ را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپایی‌ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به اینجا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این مَلّت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

این خودباوری و اعتماد به نفس مَلّی، یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک مَلّت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقّی و تعالی نرسد؛ نتواند یک مَلّت عزیز و قدرتمند بشود. خب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذیقیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی بااستعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک مَلّت دست سوّم، گمنام در دنیا، توسری خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متّصل به دشمنان مَلّت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک مَلّت باور کند که میتواند. امام مَلّت ما را به این باور رساند که میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین‌الملل اثر بگذارد، که همین‌جور هم شد. این همان عزّت مَلّی است که من بیست روز قبل از این در سنجندج در بین برادران گُردمان این مسئله را مطرح کردم. عزّت مَلّی خیلی برای یک کشور مهم است. این عزّت مَلّی فقط حرف هم نیست. این ترجمه‌ی عملی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ما دارد.

عزّت مَلّی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک

نظام، به ملت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد. عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خود کفایی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، بگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.

عزت ملی در عرصه‌ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد - همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رساندند، انسانهایی بودند که از لحاظ متوسط استعداد از ما اگر عقب‌تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قرن‌ها سابقه‌ی درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده‌ای داشته باشیم؛ این میشود عزت.

عزت یک ملت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولتها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتواند در هیچ مسئله‌ای اراده‌ی خودشان را بر او تحمیل کنند.

عزت ملی در عرصه‌ی فرهنگ به این است که یک ملت به سنتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود. این چیزی است که متأسفانه کشور ما در قبل از انقلاب، در طول صد سال یا بیشتر در مقابل این طوفان و این موج ویرانگر فرهنگ غرب، غرق شد که آثارش را ما هنوز هم داریم تحمل میکنیم؛ رنجهایش را ما هنوز هم داریم میبریم. عزت ملی به این است که یک ملت به سنتهای خود اهمیت بدهد، احترام بگذارد، افتخار کند و به اینکه دیگران بگویند آقا شما مرتجعید، اعتنا نکند. امروز بعضی از کشورهای اروپایی کارهایی میکنند که اگر آنها را در مقابل یک آدم عاقل متعارف بگذارید، جز خنده‌ی تمسخرآمیز کاری نمیکند. میگوییم: چرا میکنید؟ میگویند: این سنت ماست! به سنتهای خودشان پایبندند؛ سنتهای کهنه‌ی



پوسیده. آن وقت اگر ملت‌های دیگر به سنت‌های خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آنها را طعن و تمسخر میکنند که چرا. نه این خودباختگی مخالف با عزت ملی است. عزت ملی آن وقتی است که یک ملت در مقابل فرهنگ دیگران خودباخته نباشد؛ این عزت ملی است. در همه‌ی عرصه‌های زندگی عزت ملی ترجمه میشود، معنا دارد، مصداق دارد.

در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با انسانها، عزت ملی به این است که تک تک انسانها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند. «إِنَّمَا أَخْلَقْتُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِنَّمَا نَظَرْتُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ اگر هم‌دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم‌دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هرکه انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزت ملی میکند. اینها ابعاد گوناگون عزت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره‌ی امام بود.

نظام اسلامی هم در این سی سال با همین اعتماد به نفس پیش رفت. البته فراز و نشیب داشت، افت و خیز داشت؛ اما توقف نداشت؛ ملت توقف نکردند. این عزت ملت ما امروز در دنیا هم منعکس است. من قبول نمیکنم حرف آن کسانی را که تصور میکنند ملت ما به خاطر پابندی به مبانی و اصول خود، در دنیا خوار شده است، از چشم افتاده است؛ ابداً ما دشمن داریم. دشمنان ما یک جبهه‌ی متحدی هستند متشکل از قدرتهای مداخله‌گر و زورگوی عالم. اینها وقتی ببینند یک کشوری از مدار آنها خارج شد - کشورهایی که اینها به عنوان اقمار خودشان در مدار خود نگه داشته بودند - مثل کشور ایران که با انقلاب اسلامی از مدار آنها خارج شد، سعی میکنند با او مقابله کنند، او را بکوبند؛ تحقیر میکنند؛ وسایل تبلیغاتی‌شان هم زیاد است. این معنایش این نیست که ما عزت خودمان را از دست دادیم. نه در اعماق دل همان کسانی که دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی هستند، احترام امام و ملت ایران رسوخ یافته است.

راه این ملت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلاء و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملّی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملت می‌تواند به اوج اعتلاء برسد، که وقتی یک ملت قوی شد، اعتلای مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمی‌کنند. اگر ملت ما می‌خواهد به امنیت کامل برسد، اگر می‌خواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را می‌خواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزش‌های اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان‌بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند به قدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب بکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در یک دوره بهتر، در یک دوره کمتر، اما این حرکت به طور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز و به توفیق الهی به همت شما مردم، به خصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهایی ادامه پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ۵- رشد فرهنگ کار جهادی

در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه‌ی تلاشها سرعت و کارایی مضاعفی پیدا میکنند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما

۱. در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۳/۱۴

داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه‌ی صحنه‌ها و عرصه‌ها به‌کار می‌آید و در زمینه‌ی کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال اینها هم از اوّل انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب‌نظران درباره‌ی انقلابهای دنیا اینطور اظهار نظر کرده‌اند که انقلابها بعد از آنکه به پیروزی رسیدند، سیال بودن و جوشندگی و تحرّک و پیشرفت آنها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی‌تحرّک تبدیل میشوند. ممکن است در برخی از انقلابها همین‌طور باشد - ما نسبت به آنها قضاوتی نمی‌کنیم - اما در مورد انقلاب ما پدیده‌ای دیده شد که این فرضیه را از کلیت انداخت و در این جا غلط از آب درآمد؛ زیرا خود انقلاب دستگاه‌هایی را به‌وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت. یکی از دستگاه‌ها جهاد سازندگی بود، یکی از دستگاه‌ها سپاه بود، یکی از دستگاه‌ها بسیج بود. اینها دستگاه‌هایی هستند که شکل اداری و ثابت و ایستا و متحرّک و منجمد نداشتند. ولو سازماندهی و تشکیلات و نظم در اینها وجود داشت، اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در اینها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت ساله، بسیج و تحرّک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه‌ی جهادی را دیدید، که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی به بم‌همین روحیه را مشاهده میکنید. این روحیه در همه جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دلسوزی برای مصیبت‌دیدگان - که مربوط به همه‌ی بشر است - یک حرف است؛ اما جوشش و تحرّک و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب آداب، برای خدمت کردن، یک حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود: همه وارد میدان شدند و تحرّک پیدا کردند. بنده در سالهای قبل از انقلاب، حوادثی مثل زلزله و سیل را از نزدیک دیده بودم. خود من رفتم امدادگری و خدمتگزاری کردم. این روحیه‌ی حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه‌ی کار و ابتکار، این

کمک‌رسانی انبوه، مخصوص ملّتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد. این همان روحیه‌ی بسیج دوران دفاع مقدّس است؛ این همان روحیه‌ی سنگرزبان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوزر می‌نشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه‌ی جهادی بهتر میکند.<sup>۱</sup>

■ اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرست وار عرض بکنم؛ اولاً روحیه‌ی جهادی لازم است. ملّت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.<sup>۲</sup>

#### ۶- مبارزه با مصرف‌زدگی و اسراف

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملّت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمّی است. البتّه بار اوّلی نیست که ما این مطلب را مطرح می‌کنیم. من در همین دیدار اوّل سال، در نوبتهای متعدّدی در همین‌جا خطاب به مردم عزیزمان درباره‌ی اسراف، درباره‌ی ولخرجی و تضييع اموال و لزوم

۱. در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

۲. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می‌کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عاداتهای ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی میشود. در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی می‌زند، هم لطمه‌ی فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد؛ بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید می‌کند. من یکی دو تا از این آمارهای تکان‌دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در

قلمهای مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب بررسی میدانی ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته میشود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوّم همه‌ی نانی که در این شهرها تولید میشود، دور ریخته میشود. فکرش را بکنید شما! یک سوّم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود - مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد - دولت از پول عمومی، از بودجه‌ی مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوّم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسف آور است! متأسفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسی‌هایی که کرده‌اند، میگویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه‌جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید میشود، از راه‌های دور آورده میشود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار میرود تا این آب به خانه‌ی ما بیاید؛ بعد در خانه‌ی ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسرافهایی دارد. آنچه بر حسب بررسی‌ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حاملهای انرژی - مصرف میکنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف میشود، با کالائی که تولید میشود؛ که هرچه انرژی‌ای که مصرف میشود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام میگیرد.

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت میگیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم و همچشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف میکنیم. پولی که میتواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف میکنیم به این چیزهای ناشی‌شده‌ی از هوس، چشم و همچشمی، آبروداری‌های خیالی. مسافرت میروند، می‌آیند، میهمانی درست میکنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی میگیرند، عزا میگیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف میکنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمیگوییم پول را بردارید بروید حتماً اتفاق کنید - البته اگر انسان اتفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر اتفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات میشود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست میکنیم، عزا درست میکنیم، هی رخت و بر روزه‌روز دگرگون برای خودمان درست میکنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمیکند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن میفرماید: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۱</sup>، «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید. در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲</sup>. خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمیدارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۴۱

۲. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۴۱

فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه‌السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اینجوری میشود به عدالت رسید؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار میشود، این را کأنه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم.

مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف میشود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف میشود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر میرود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر میرود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر میرود. اینها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجمعات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح احاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همانطور که عرض کردیم، با



حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجرا کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است.

این صرفه‌جویی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته میشود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف میکنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف میکنند؛ خب، اینها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند.

در امر نان، تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست؛ همه‌ی اینها لازم است. این مسئله‌ی اسراف و صرفه‌جویی بود، که لازم بود من عرض کنم.<sup>۱</sup>

## ۷- مشارکت مردم

ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام (رضوان الله تعالی علیه)، مکرر در مکرر، درباره‌ی مشارکت دادن مردم، توصیه میکردند و حرف میزدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدانهای گوناگون دور میکرد. بعد هم

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

بحمدالله همه به این رسیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه‌ها - در مسائل سیاسی که بحمدالله حالا هم دخالت دارند - شرکت و دخالت داشته باشند. امروز هم اینطوری است؛ باید هم باشد.<sup>۱</sup>

سیاست نظام اسلامی این بوده که به مردم تکیه کند. حقیقتاً نظام مردم‌سالار به معنای حقیقی کلمه نظام جمهوری اسلامی است. ما در چارچوب اسلام و با هدایت اسلام و نگاه اسلامی، به مردم تکیه میکنیم و با مردم و برای مردم حرکت میکنیم. تکیه به مردم، تکیه به جوانها، دفاع از حقوق محرومان - در کشور ما انگیزه‌ی دفاع از محرومان عمومی است؛ اگرچه که امیدواریم دایره‌ی محرومان روزبه‌روز کوچکتر شود و کمتر باشند - به‌کارگیری سرمایه‌ها و ابتکارهای صاحبان سرمایه - یکی از بخشهای تکیه به مردم، همین به‌کارگیری سرمایه‌های آنهاست - کلاً سیاست نظام اسلامی است. ما سرمایه‌های مالی و سرمایه‌های فکری و ذهنی مردم را برای پیشرفت کشور به کار میگیریم و - ان شاء الله - ستون موفقیتها را برای این دولت هرچه طولانی‌تر میکنیم.<sup>۲</sup>

#### ۸- ایستادگی مردم

ملت ایران، اگر میخواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر میخواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار بپردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و به خصوص مسئولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت

۱. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۷۵/۶/۸

۲. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۶/۴

عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله‌ی انقلاب به این مکتب داده شده است - مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس‌جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل - و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیر مستقیم به این مکتب داده شده است - مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله‌ی عناصر انقلابی، در دولت و بخشهای مختلف انجام گرفته است. دستاوردهایی چنین را مکتب ایران و مسئولین، باید خردمندانه و حکیمانه حفظ کنند.<sup>۱</sup>

■  
من به عنوان انسانی که در جریان مسائل کشور از اوّل انقلاب تا حالا از نزدیک بوده‌ام، عرض میکنم که پیشرفتهای ما در همه‌جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه‌ی ارزشها بوده است؛ هر جا که استقامت کردیم و بر مبانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آنجا پیشرفت کرده‌ایم. این ایستادگی و پایداری، مهمترین چیزی است که ما میتوانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهدافمان و البته باید شجاعت انقلابی را هم حفظ کنیم. آن انقلابی که در مقابل تهدید دشمنان انقلاب خود را عقب میکشد و پس میزند و میترسد، نه مورد احترام دوست قرار میگیرد، نه مورد احترام دشمن؛ هیچکس به یک مکتب بزدل و ضعیف رحم نمیکند. آن انقلاب و حرکتی که در مقابل دشمنان خودش ضعف نشان بدهد، اوّل، آبرویش را می‌برد؛ حرمتش را می‌شکنند، بعد خودش را هم نابود و جارو میکنند و از بین می‌برند.<sup>۲</sup>

■  
میخواهید زنده بمانید؟ میخواهید عزیز باشید؟ میخواهید در علم و عمل پیشرفته باشید؟ میخواهید جوانانتان سرافراز باشند؟ میخواهید فردایتان فردای روشنی باشد؟ باید استقامت داشته باشید. فعال، کرار،

۱. در اجتماع پرشکوه زائران مرقده امام خمینی (ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

۲. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱

خستگی‌ناپذیر و دنبال‌کننده‌ی اهداف خود؛ آینده‌ی چنین ملّتی روشن است. ملّت ما خوشبختانه این راه را شروع کرد و تا امروز ادامه داده؛ منتها این راه استمرار لازم دارد.<sup>۱</sup>

بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسر بین‌المللی، میخواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمیشود؛ این نمیشود. این نشانه‌ی بی‌صبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده‌اند - به مردم نسبت میدهند: مردم خسته شده‌اند! نه خیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام میکنند، خوشوقت میشوند؛ خوشحال میشوند. این مردم، مسلمانند. حرکت مردم هم به خاطر همین بود. این مردم مگر همان مردمی نیستند که انقلاب کردند؟ شعارهای انقلاب چه بود؟ این مردم مگر همان مردمی نیستند که هشت سال این جنگ مظلومانه را اداره کردند؟ همین مردم اداره کردند. مگر مردم دیگری هستند؟ غیر از آن مردمی که توی این کشور این کارهای بزرگ را انجام دادند، کدام مردم این کارها را کردند؟ پریشب تلویزیون فرمایش امام را راجع به مرحوم آیت‌الله طالقانی نقل میکرد، که دیدم واقعاً سر تا پای بیانات امام، اوّل تا آخر، کلمه کلمه‌اش، نکته و حکمت است - رحمت و رضوان خدا بر او باد - ایشان در سخنرانی به مردم مطلبی به این مضمون میفرمود که نگاه کنید ببینید مردم در تشییع جنازه‌ی آقای طالقانی چه گفتند؟ گفتند ای نائب پیغمبر ما، جای تو خالی. عزاداری آنها برای نائب پیغمبر است. مسئله‌ی نیابت پیغمبر مطرح است؛ عالم دین. این نکته را امام از حرف مردم استفاده میکند و به ما تحویل میدهد. این درست است. مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردم‌داری، در کنار مردمی بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آرای مردم اهمّیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمّیت دادن؛ این است مردمی بودن. وقتی

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸

مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار میکنید، اعتزاز میکنید به مسلمانی خودتان، به ضد استکباری بودن خودتان، به ضد استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز میکنید به خدمتگزاری مردم؛ با مردم هستید، با مردم انس پیدا میکنید، به مردم محبت میکنید، از مردم کمک میخواهید در مسائل گوناگون، خب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می‌آید. ما وظیفه‌مان این است. ما حق نداریم از شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام عقب‌نشینی کنیم؛ این، یک بی‌صبری است. این بی‌صبری‌ای است که نباید این را قبول کرد. پایبندی به این شعارها برخلاف خواست دشمن، بر خلاف نظر دشمن، با حرکت کشور به سوی پیشرفت به معنای حقیقی کلمه، هیچ منافاتی هم ندارد که همیشه سعی میکردند اینجور القاء کنند که اگر اسلامی هستید، پس دیگر پیشرفت و دست یافتن به مراحل بالای رفاه مادی و پیشرفت علمی ممکن نیست؛ نخیر، درست بعکس است؛ درست بعکس است. ما پیشرفتهایمان زیاد بوده.<sup>۱</sup>

#### ۹- امنیت اجتماعی

هر کسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه‌ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هر که میخواهد باشد. هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه‌ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه‌ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه‌ی اینها مخدوش میشود. به هم زدن امنیت یک ملت بزرگ‌ترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمیکند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است.

۱. دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.<sup>۱</sup>

■ اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه‌ی رشته‌های یک مملکت بتدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است.<sup>۲</sup>

■ یک خواسته‌ی مهم بزرگ اساسی دیگر بشر، صلح و امنیت و آرامش است. انسانها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین‌الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته‌های اساسی بشر است. اسلام پیام آور امنیت و صلح و سلامت است. اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوییم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر می‌گذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای فطری انسان است. با این جامعیت، با این دقت، با این اهتمام، بعثت پیغمبر اکرم از سوی پروردگار عالم به وجود آمد و فلاح بشریت را به او وعده و مژده داد؛ «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا»<sup>۳</sup>. بشارت، در درجه‌ی اول، بشارت به همین زندگی آرام، زندگی همراه با عدالت، زندگی متناسب با ساخت بشر است. البته دنبال این هم بشارت ثواب الهی است که مربوط به زندگی دائم انسان است. لذا بعثت پیغمبر در واقع بعثت رحمت است. با این بعثت، رحمت الهی شامل حال بندگان خدا شد؛ این راه، جلوی انسانها باز شد؛ عدالت را مطرح کرد، امنیت و سلامت را مطرح کرد؛ «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ

۱. در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه‌السلام) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۹

رِضْوَانُهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ<sup>۱</sup>. با این دستورها، با این تعالیم، پیغمبر اکرم راه‌های سلامت را، راه‌های امنیّت را به انسانها نشان داد. این سبیل سلام - راه‌های امان، راه‌های آرامش، راه‌های امنیّت - مربوط به همه‌ی محیط‌هایی است که برای انسان اهمیّت دارد؛ از محیط درونی قلبی انسان بگیرد تا محیط جامعه، محیط خانواده، محیط کسب و کار، محیط زندگی جمعی تا محیط بین المللی. این آن چیزی است که اسلام به دنبال آن است.<sup>۲</sup>

#### ۱۰- اعتماد به نفس اجتماعی

هرجایی که این جرأت همراه با ایمان بود، ما پیشرفت داشته‌ایم. نهادهای انقلابی اینگونه بودند. نهادهای انقلابی به خاطر اتکای به نفس، به خاطر جرأت در اقدام، به خاطر توکل به خدا، به خاطر باور به نیروی ذاتی خود، در هرجا وارد شده‌اند، توانسته‌اند کار خوب انجام دهند. نیروهای مؤمنی که در میدان دفاع هشت ساله، آن همه ابتکار به خرج دادند - چه سپاه پاسداران، چه نیروهای مؤمن ارتش، چه این بسیج عظیم مردمی - کارهای معجزه‌آسایی کردند. جهاد سازندگی نیز همین‌طور است. البته جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی ادغام شده است؛ اما توقع و انتظار این است که همان خصوصیات مثبت و قوی، همان تکیه به نیروی ذاتی خود - که یقیناً نیروهای مؤمن و متعهد وزارت سابق کشاورزی هم از آن استقبال میکنند - همان روحیه‌ای که جهاد سازندگی را به وجود آورد، این وزارت جدید را - که وزارت جهاد کشاورزی است - شکل دهد تا بتواند مشکلات کشاورزی، مشکلات روستاها، مشکلات صنایع جنبی در روستاها و مشکل مهاجرت را حل کند. در همه‌ی بخشها - چه بخشهای اقتصادی، چه بخشهای فرهنگی - آن چیزی که میتواند گره‌ها را باز کند، حضور عناصر مؤمن، عازم، خودباور، متکی به خدا و معتقد به مردم در رأس کار است. همینها

۱. سوره‌ی مائده، آیات ۱۵-۱۶

۲. در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۸۹/۴/۱۹

میتوانند مشکلات اقتصادی را هم برطرف کنند. هر جا مشکلی برای ما باقی مانده، به خاطر این است که خودباوری و اتکای به خدا و باور ایمان و محبت مردم در آنجا ضعیف شده است. مسئولان - چه در مجلس و چه در دولت - نباید بگذارند این باورها در بخشهای فرهنگی و اقتصادی ضعیف شود.<sup>۱</sup>

### ۱۱- همبستگی و وحدت ملی

اگر ملتی با اتحاد کلمه در میدان اقتصاد وارد شود، پیشرفت میکند. جنگی برایش پیش آید و وارد شود، پیشرفت میکند. با وحدت ملی، آبروی ملت را بهتر میشود حفظ کرد. یک ملت، تمام آرمانهای بزرگ خودش را در سایه وحدت ملی میتواند به دست آورد. اختلاف، تفرق کلمه، جدایی دلها از یکدیگر، رودرو قرار دادن جناحها و گروهها و اشخاص و شخصیتها با یکدیگر، نمیتواند هیچ خدمتی بکند. بنابراین، این یک اصل است که امیدواریم همه رعایت کنند. این خواست و مطالبه‌ی ما از مسئولانی است که با افکار عمومی مردم سروکار دارند.<sup>۲</sup>

ملت ایران برای اینکه رشد و پیشرفت لازم را در همه‌ی صحنه‌ها - که شایسته‌ی آن است - به دست بیاورد، احتیاج دارد به تقویت همبستگی ملی و مشارکت عمومی در همه‌ی میدانهای طلب‌کننده‌ی حضور ملت. کشور متعلق به ملت ایران است؛ آینده هم متعلق به این ملت است؛ امروز و فردا را هم ملت ایران ساخته‌اند و می‌سازند؛ لذا نامگذاری امسال به «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» اشاره به نیاز بزرگ ملت در همه‌ی مسائل است؛ همکاری، همدلی، بازو به بازو دادن و دلها را به یکدیگر مرتبط کردن و به سمت هدفهای والای این ملت - که برای بهروزی و پیشرفت او و کشورش لازم است - پیش رفتن.<sup>۳</sup>

۱. در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۹/۱/۶

۳. در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱



برادران و خواهران! ای ملت بزرگ! - که این مبالغه نیست؛ شما حقیقتاً ملت بزرگ و عظیم الشان و بی نظیر و یا کم نظیری هستید - راه شما برای رسیدن به حیات طیبه - یعنی آنجایی که هم زندگی مادی تأمین است؛ آسایش تن و هم زندگی معنوی؛ آسایش روح و شادی دل و صفای معنا - راه روشنی است؛ اما تلاش و وحدت و ایمان و فعالیت و عمل لازم دارد، که بحمدالله دارید و باید افزایش بدهید.

■ کار کنید، وحدتتان را حفظ کنید، یاد خدا را در دلها نگه دارید، به هم برسید، دلهایتان را با هم صاف کنید، با هم مهربان باشید، از یکدیگر کینه به دل نگیرید، انگیزه‌های کوچک شما را از هم جدا نکند، که بحمدالله نکرده است و نخواهد کرد؛ اگرچه دشمن این را میخواهد. اگر با این روحیه، با این ایمان، با این قدم صادق حرکت کنید، جمهوری اسلامی به اوج قلّه‌ی حیات طیبه که خدا وعده داده است، خواهد رسید.<sup>۱</sup>

■ یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتّحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک میکنند، با آنها همراهی میکنند، بین خود مردم اتّحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزه روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایشهای سیاسی، به بهانه‌ی جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون. اتّحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همه‌ی کسانی که به کشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاری دینی - که مایه‌ی افتخار امروز ملت ایران است - علاقه‌مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند. مسئولین کشور هم همین‌جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند - که گاهی ممکن است این گله‌ها بحق هم باشد - این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه‌ی به اتّحاد ملی است؛ این را همه توجه

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۰/۱/۲۹

داشته باشند. من به مسئولین کشور به طور جد این را تذکر و هشدار میدهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده؛ از اول انقلاب که ما دست اندرکار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه‌ی مجریه از قوه‌ی مقننه، گاهی قوه‌ی مقننه از قوه‌ی قضائیه، گاهی قوه‌ی قضائیه از قوه‌ی مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه‌ی افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهمترین مسائل دنیا با مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد. پس انسجام قوا با یکدیگر، هماهنگی قوا با یکدیگر هم مهم است.<sup>۱</sup>

## ۱۲- احساس هویت جمعی

آنچه را که من امروز به عنوان یک تکلیف برای جامعه‌ی جوان کشور حس میکنم، این است که جوانان باید از سرمایه‌ی هویت ملی و جمعی کشور، با همه‌ی وجود و همت خود دفاع کنند. هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. در کشورهای دنیا معمولاً روی مفهوم ملیت تکیه میکنند. بعضی جاها هم روی قومیت تکیه میکنند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور میتواند از همه‌ی امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیتها برای آنها حاصل نخواهد شد؛ یعنی پاره‌ای از موفقیتها در یک کشور، جز با احساس هویت جمعی به دست نخواهد آمد. این هویت ملی و جمعی در کشور ما حتی از ملیت هم فراتر است. ما با اینکه ملیت را محترم و مقدس میشمریم و بسیار هم روی ملیت - به معنای مثبت آن، نه به معنای منفی آن؛ همان چیزی که در عرف سیاسی دنیا به آن «ناسیونالیسم» گفته میشود - تکیه میکنیم؛ اما

۱. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه‌ی تأثیر وسیعتری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیتها هیچکدام اینها را ندارند؛ یک چیز فراملی است. دایره بعضی از شعارهای فراملی، محدود است. مثلاً عربها به هویت عربی و ناسیونالیسم یا قومیت عربی تکیه میکنند؛ اما این هویت اولاً محدود در دایره‌ی عربهاست و فراتر از آنها را شامل نمیشود؛ ثانیاً چون عربیت یک واقعیت است، حاوی و متضمن یک آرمان فراملیتی نیست که برای دیگر ملتهای جهان جاذبه‌ای داشته باشد. لذا در یک کمربند، محصور میماند و حتی با افرادی که آن سوی مرز هستند، تعارض هم پیدا میکند - عرب و غیر عرب، عرب و فارس، عرب و ترک - چون آرمانی در آن نیست که بتواند یک دایره وسیعتر از این هویت را فرا بگیرد. اما نظام اسلامی اینگونه نیست. نظام اسلامی، هم دارای کاربرد ملی است، هم دارای کاربرد اسلامی است، هم دارای کاربرد جهانی است؛ یعنی فرااسلامی است.<sup>۱</sup>

### ۱۳- تراحم و تعاطف بین مؤمنین

در روایات ما وارد است که مؤمنین با یکدیگر تراحم و تعاطف دارند؛ یعنی به هم رحم میکنند و با یکدیگر عطف میورزند. این یک وظیفه‌ی اخلاقی است و این امر در پیشرفت و بنای اجتماعی ما تأثیر دارد. به هم رحم کنید. مردم به هم رحم کنند تا خدا هم به آنها رحم کند. وقتی که در دل مردم نسبت به یکدیگر ترحم و عطف و حسن ظن و محبت هست، فضای جامعه، فضای بهشت میشود. آنگاه که در دل افراد، با انگیزه‌های سیاسی یا شخصی، کینه، بددلی و سوءظن وجود داشته باشد، فضای جامعه فضایی تاریک و تلخ میشود. با هم همکاری کنیم، به هم کمک کنیم، نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشیم.

۱. در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

مجادلات سیاسی برای کشور زیانبار است. نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید میکند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه انداختن چرخهای اقتصادی مضر است. اگر بعضی‌ها هر روزی به نحوی مسئله‌ی جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجه به یک مسئله‌ی موهوم کنند، اینها به ضرر کشور است. امسال همه، به خصوص گویندگان، نویسندگان، سیاسیون، منبردارها و تریبون‌دارها، تصمیم بگیرند فضا را، فضای محبت و عطف قرار دهند؛ ذهنها و دلها را نسبت به یکدیگر تحریک نکنند؛ در این مملکت کار زیاد داریم. مسئولین کار دارند، دولت کار دارد، دستگاه قضائیه کار دارد، مجلس کار دارد؛ همه کارهای مهم و اساسی دارند؛ همه باید با همه‌ی توان و با همه‌ی وجود تلاش کنیم تا بتوانیم کشور را به سرمنزل امن و سعادت برسانیم و این کاری است ممکن؛ این کاری است ممکن. ما یک ملت بزرگ، دارای عناصر فراوان قدرت در میان خودمان هستیم، ما ایمان داریم، عزم و همت داریم؛ ملت ما اینگونه است و این را در میدانهای مختلف نشان داده است. جوانان ما هوش و استعداد و ابتکار دارند؛ مسئولین ما علاقه و اخلاص و کارایی دارند. ما باید خیلی زودتر از این و بهتر از این میتوانستیم کارهایمان را راه بیندازیم. آنچه به این امر کمک میکند عبارت است از آرامش فضای جامعه از لحاظ سیاسی و از لحاظ اجتماعی. این آرامش را حفظ کنیم، این کمک را به خودمان بکنیم، این کمک به خود است و این مصداقی از همان تقوایی است که در صدر عرایض عرض کردم تقوای الهی را پیشه کنیم؛ این مصداق آن تقواست. خدا را شکر میکنیم که دل ملت ما را با معرفت خود و با معرفت اولیای خود نورانی کرده است. خدا را شکر میکنیم که ملت ما را ملت آگاه و حساسی قرار داده است که مسائل مهم جهانی برای او مطرح است؛ مسائل را میفهمد و نسبت به حوادث جهانی بی تفاوت نیست. این، قدرت تصمیمگیری ملت را بالا میبرد. از این فرصتهای بزرگ بایستی استفاده کنیم.<sup>۱</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶

#### ۱۴- قدرت ملی

قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه‌ی کامیابی‌ها و وسیله‌ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیّبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده‌ی عمومی برخوردار باشد. درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده‌ی آنان را زایل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد - همانطور که امروز در کشورهایی همچون امریکا و غیره، نشانه‌های آن دیده می‌شود - ولی فقدان آن توانایی‌ها و اقتدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریعتر بر جان کشورها می‌اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملت‌ها می‌ستانند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقتدار و سیادت علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند و امروز همه‌ی رهبران هوشیار ملت‌های جهان درصددند که از هر امکان و ذخیره‌ای که می‌تواند آنان را قدرتمند کند، بهره گیرند.<sup>۱</sup>

#### ۱۵- همت مضاعف و کار مضاعف

این همت مردم است که می‌تواند کشور را بی‌نیاز کند. سرمایه‌گذاری‌هایی که مردم انجام می‌دهند در بخش‌های مختلف، بسیار ارزشمند است؛ به خصوص در بخش‌های تولیدی و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت‌رسانی به مردم علاقه‌مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه میدانم که در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخش‌های مهمی از کشور برطرف کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال

۱. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج ۱۳۷۶/۱/۲۱

آنهاست و آینده متعلق به آنهاست.<sup>۱</sup>

■ بعد در روایت دارد که «ثم استعبر باکیا و قام ثم استعبر باکیا و قام فلما ولی ناداه أبو طالب أقبِل یا ابن أخی فأقبِل راجعا فقال له اذهب یا ابن أخی فقل ما أحببت فوالله لا أسلمک لشیء أبدا»<sup>۲</sup>؛ چشم مبارک پیغمبر لبریز اشک شد و از جا بلند شد. ابوطالب این ایمان، این استقامت را وقتی که دید، متقلب شد و گفت: «اذهب یا ابن أخی و قل ما احببت»؛ برو هرکاری که میخواهی بکن؛ هدف را دنبال کن. «والله لا أسلمک بشیء»؛ سوگند به خدا من تو را با هیچ چیز عوض نمیکنم. این ایستادگی، ایستادگی می آفریند. این استقامت از پیغمبر، ریشه‌ی استقامت را در ابوطالب مستحکم میکند. این پابندی به هدف، نرسیدن از دشمن، طمع نورزیدن در آنچه در دست دشمن است، دل نبستن به امتیازی که دشمن می‌خواهد بدهد در مقابل متوقف کردن این راه، ایستادگی می آفریند، آرامش به وجود می آورد، اعتماد به راه و به هدف و به خدایی که این هدف متعلق به اوست، به وجود می آورد. لذا سی، چهل نفر بیشتر نبودند. همین سی، چهل نفر در مقابل آن همه مشکلات، آن همه دشواری‌ها ایستادند و روز به روز زیاد شدند. روز به روز در مکه میدیدند که با عمار چه میکنند، با بلال چه معامله‌ای میشود، سمیه و یاسر چه جور زیر شکنجه قرار میگیرند و شهید میشوند؛ اینها را میدیدند، در عین حال ایمان می آوردند. پیشرفت حق اینجوری است. صرفاً در حالت آسایش، در حالت امن و امان پرچم حق را بلند کردن و پای آن سینه زدن، حق پیش نمیرود. حق آن وقتی پیش میرود که صاحب حق، پیرو حق، در راه پیشرفت حق از خود استقامت و استحکام نشان بدهد.<sup>۳</sup>

■ این پیشرفت، ناشی از چیست؟ ناشی از تلاش عناصر مؤمن، با شوق و با همت است. عناصری که در هر جایی باشند، محیط خود را ماندگار

۱. در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

۲. شرح نهج البلاغه ابن حدید ج: ۱۴ ص: ۵۴

۳. در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۷/۵/۹

و مستحکم و غیر قابل تصرف و مایه‌ی افتخار برای ملت میسازند. بحمدالله چنین آدمهایی در نیروی هوایی بوده‌اند، الان هم هستند، کم هم نیستید و علی‌رغم تبلیغات و فعالیت‌های دشمنان، روزبه‌روز هم بیشتر شده‌اند. امروز جوانان مؤمن و فعال ما، دل‌های پرشوق ما، پیشرفتهای روزافزون ما، از ده سال و پانزده سال پیش، بیشتر است؛ چون عناصر بیشترند، کارآمدترند و بحمدالله کم و کیف پیشرفت کرده است. پس عنصر انسانی است که کارایی دارد.

از رأس نیرو که بحمدالله فرماندهی و مجموعه‌ی ستادی سطح بالای نیرو، عناصر مؤمن و مورد قبول و رضایت ما هستند تا عناصر مختلف از فرماندهی‌ها و مدیریتهای در هر نقطه‌ای که هستند، باید نسبت به کار خودشان، احساس وظیفه‌ی عمیق کنند. همه باید احساس وظیفه کنند. در همه‌ی بخشها، در تربیت نیروی انسانی، در سر پا نگه‌داشتن قدرت، به پرواز در آوردن ابزارها و وسایل پرنده و حفظ و حراست از آسمان کشور - که مهمترین بخش کار این است - در دفاع، در کارهای فنی، در سازندگی، در ابتکار و نوآوری، در کارهای سازماندهی، در آموزش و تربیت علمی، در انضباط نظامی و رعایت این جهات و کلاً در همه چیز باید احساس مسئولیت کنید و پیشرفت به وجود آورید.<sup>۱</sup>

امروز حرف اصلی من به شما عزیزان و همه‌ی ملت ایران این است که به هیچ فردی، به هیچ ملتی و به هیچ جمعیتی، از خزانه‌ی غیبت الهی هیچ چیز نمیدهند، مگر با تلاش و کوشش. ملتهای تنبل و بی‌حال، از افتخارات ملی نصیبی نخواهند برد. مجموعه‌های بی‌همت و بیکاره، به خدمات و به شایستگی‌های بزرگ دست نخواهند یافت. افرادی که نخواهند تلاش کنند و زحمت بکشند، در بازار معنویت و در سودای عشق و ایمان و تقوا و فضایل معنوی، چیزی گیرشان نخواهد آمد: «لیس للانسان الا ما سعی». هم در دنیای مادی اینطور است؛ یعنی ملتهایی که کار

۱. در دیدار با فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در آستانه‌ی

۱۹ بهمن سالروز نیروی هوایی ۱۳۷۵/۱۱/۱۸

کنند، فکر کنند، ابتکار کنند، سختی‌ها را تحمل کنند، به امکانات مادی و رفاه و پیشرفت خواهند رسید و هم در میدان معنویات اینگونه است: ملت‌هایی که تلاش کنند، مجاهدت کنند، ایثار کنند و از کار و فداکاری نترسند، خدای متعال به آنها همه چیز خواهد داد.<sup>۱</sup>

درسی که خود ما باید بگیریم این است که بدانیم علاج همه‌ی دردهای یک ملت، تلاش و کار است؛ کار مَنکی به ایمان و امید، علاج همه‌ی دردهای یک ملت است. ملت بیکار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید و ملتی که بگوید: «ای آقا! از دست ما چه کاری برمی‌آید، آنها هر کار که بخواهند، میتوانند بکنند»، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید. آنچه ما به دست آورده‌ایم، به خاطر این بوده است که ملت ما در این مدت، این روحیات را - که در طول دهها سال سعی کرده بودند در او تزریق کنند - بکلی دور ریخت. ملت ما ملتی است باامید و مؤمن. اینکه انسان احساس عجز بکند، غلط است؛ اینکه انسان حوصله‌ی کار کردن نداشته باشد، غلط است. جوان باید کار کند، محصل باید کار کند، دانشجو باید کار کند، روحانی باید کار کند، صاحب سرمایه باید کار کند، کارگر باید کار کند؛ هر کدام کار خودشان را بکنند. فعال صنعتی و فعال کشاورزی باید تلاش کنند؛ فعال سیاسی و اجتماعی باید تلاش کند؛ همه اینها به سمت هدف سربلندی و پیشرفت روزافزون این ملت و این کشور است. وقتی اینطور شد، همه چیز پیش خواهد رفت. من حالا - ان شاء الله - در این چند روزی که در این استان هستم، در ملاقات‌های مختلف، درباره‌ی جوانب این مسئله حرف‌های زیادی در ذهنم هست که هر چه فرصت کنم - به خصوص در ملاقات با جوانها - ان شاء الله آنها را عرض خواهم کرد.

امروز شما ملت ایران بافته‌ی نظری غرب را زیر سؤال برده‌اید؛ غربی‌ها پایه‌ی کار خودشان را بر دین‌زدایی قرار داده بودند و میگفتند با دین نمیشود جلو رفت؛ شما این را باطل کردید. معلوم شد دین نه فقط

۱. در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی ۱۳۷۶/۵/۲۹



مانع پیشرفت نیست، بلکه تشدیدکننده‌ی نیرو و تقویت‌کننده‌ی حرکت به سمت جلوسست؛ این را ملت ایران ثابت کردند. غریبها میگفتند کارها بایستی با نظر مردم انجام بگیرد؛ شعار دموکراسی میدادند؛ اما عملاً حزب‌بازی‌های غربی - که نمونه‌هایش را در خیلی از کشورهای دنیا؛ کشورهای معروف و بزرگ غرب مشاهده میکنید - نقش مردم را کم‌رنگ کرد. شما نشان دادید که دموکراسی واقعی، «مردم سالاری دینی» است؛ مردم می‌بینند، می‌شناسند، تشخیص میدهند، دوست میدارند و رأی میدهند؛ یعنی خود مردم هستند و احزاب، نقش ضعیفی دارند؛ نقش حقیقی مال خود مردم است؛ مردم هستند که اراده میکنند و تصمیم میگیرند. از اوّل انقلاب تا امروز، انتخاباتهای گوناگون، حضور مردم را نشان داده و نقش آن را مسجّل و مشخص کرده است. من در پایان، باز جمله‌ای را راجع به همین انتخاباتی که در پیش رو داریم، عرض خواهم کرد.

شما با عمل خودتان، عنصر دین، ایمان، عدالت و صدق را در معادلات جهانی وارد کردید، در حالی که صداقت و راستگویی در معادلات سیاسی دنیا گم‌شده است. هیچکس از یک سیاستمدار توقّع ندارد که راست بگوید؛ میگویند راست میگوییم، اما خودشان هم میدانند که همین حرف هم دروغ است. صدق و صفا و راستگویی، عدالت‌طلبی، شعار طرفداری از محرومان و مستضعفان، به عنوان ادبیات سیاسی و به وسیله‌ی مسلمانها و ملت مؤمن ایران در معارف جهانی وارد شد. آنها دعوی حقوق بشر کردند، دعوی مبارزه‌ی با تروریسم کردند؛ اما ملت ایران با ایستادگی‌های خود، با افشاگری خود و با حضور خود، بسیاری از این ادّعاها را باطل کرد و نشان داد که آنها دروغ میگویند.

این کارها را شما کردید. این فتوحات بزرگ را در میدانهای مختلف، شما ملت ایران به دست آوردید و باید ادامه بدهید و ادامه‌اش هم به همان شکلی خواهد بود که حرکت عظیم مردم ایران توانست بر آن سایه افکن باشد؛ یعنی کار و نشاط متکی به ایمان و امید و با روشن دیدن افق آینده. این، درسی است که ما باید بگیریم. ما باید اتحاد

خودمان را قدر بدانیم؛ وحدت ملی باید قدر دانسته بشود؛ این، خیلی نعمت بزرگی است. امروز ملت ایران متحدند. امروز پرچمهای گوناگون سیاسی و حزبی و خطی و فرقه‌ای و غیره، همه در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و پرچم عمومی ملت قرار دارند و اگر اهتزاز دارند، در زیر اهتزاز این پرچم اصلی است. این، خیلی نعمت بزرگی است. دینداری شما نعمتی است؛ نشاط شما نعمتی است؛ این طبقه‌ی جوان وسیع کشور بزرگ‌ترین نعمت است. این نعمتها را باید قدر دانست و توصیه‌هایی در زمینه‌ی کار و تلاش و تحصیل و پیگیری علم هست که عرض خواهیم کرد. به هر حال راه پیشرفت روزافزون ملت ایران و رسیدن به آن قله، همان راهی است که از پایینها تا اینجا ما را رسانده؛ ادامه‌ی راه هم همین‌طور است.<sup>۱</sup>

■ اگر ما دنبال توسعه‌ی اقتصادی هستیم، باید کار را تقویت کنیم؛ بدون کار نمیشود. مرتب صحبت از سرمایه‌گذاری است. بنده نقش سرمایه‌گذاری را قبول دارم؛ بدون سرمایه‌گذاری هم کاری صورت نمیگیرد؛ اما سرمایه‌گذاری یک رکن کار است؛ رکن اساسی، کار کارگر است. کاری که از روی دلسوزی، از روی کاردانی، با پیگیری و با قبول شرایط دشوار همراه نباشد، نمیتواند کشور را نجات دهد. کشور بدون چنین کاری، به آنجایی که باید برسد، نمیرسد.

ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز میخواهیم در وضع اقتصادی کشور ترتیبی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه‌ی نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی‌نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه‌ی کارگری، به مسئله‌ی کارگاه‌ها و به مسئله‌ی آموزش کارگران، اهتمام ویژه‌ای بشود؟ البته دولت بحمدالله در این کارها مشغول است. حقیقتاً برادران ما در دولت، کارهای با ارزشی انجام

۱. در دیدار با مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷

میدهند؛ اما میخواهم عرض کنم که یکی از اساسی‌ترین کارهای کشور این است. هم مجلس، هم دولت، هم مسئولان گوناگون، باید به مسئله‌ی کار و کارگر به چشم موضوعی که گاهی با آن مواجه میشوند و یک تنگنایی پیدا میشود، نگاه نکنند؛ به چشم یک مسئله‌ی اساسی و حقیقی کشور نگاه کنند. کارگران ما البته نجینند، مؤمنند، هوشیارند و متوجه توطئه‌های دشمن هستند. اگر این خیل عظیم کارگری ما، مردمان هوشیاری نبودند و به انقلاب و دین و دولت و نظامشان علاقه نداشتند، امروز دشمنان ما در محیطهای کارگری فاجعه می‌آفریدند. الان هم تلاش میکنند، اما اینها قویند. کارگران ما - این قشر نجیب، این قشر مؤمن، این قشر زحمتکش - بحمدالله هوشیار و متوجهند و زیربار توطئه‌های آنها نمیروند. باید این تلاشهایی که میشود، ادامه پیدا کند و تقویت شود. توسعه‌ی اقتصادی، بدون تقویت مسائل کار و نگاه به کار، امکانپذیر نیست. این انسانی که خودش را صرف این کار میکند، باید بداند که نظام پشتیبان اوست.

نبی مکرم (صلوات الله وسلامه علیه) به امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) فرمودند: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ»؛ از دو چیز پرهیز کن: یکی از ملالت و یکی از کسالت. ملالت، یعنی اینکه انسان حوصله‌ی کار نداشته باشد؛ کسالت هم یعنی تنبلی. همچنین از پیامبر اکرم نقل شده است: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَ عَمَلٍ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ»؛ رحمت خدا بر آن انسانی که کار خود را - هر کاری - محکم و متقن انجام دهد. بدانید که امروز دشمنان این کشور، که دیگر تبلیغاتشان علیه اسلام، علیه ارزشهای اسلامی، علیه انقلاب، علیه امام، علیه شخصیتها و علیه شهید مطهری برای همه آشکار شده است - حالا مگر کسی نابینا باشد که محیط فرهنگی را ببیند و این دشمنی‌ها را نبیند - امید بسته‌اند به اینکه جامعه‌ی معلّم، جامعه‌ی کارگری، جامعه‌ی دانشجویی، جامعه‌ی روحانی - این جوامع حسّاس و مؤثر جامعه - کار خودشان را انجام ندهند. اگر همه، کار خود را درست،

۱. الکافی ج: ۵ ص ۸۵

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج: ۱ ص: ۵

متقن، کامل و از روی علم و دانایی انجام دهند، بدانید که این کشور و نظام، متقن‌ترین و مستحکم‌ترین نظامی خواهد بود که در این قرنهایی که ما می‌شناسیم، در این کشور بر سر کار آمده است و خواهد توانست در مقابل بزرگ‌ترین توطئه‌ها مقابله کند. این حرفها، این گفتنها، این عملها، این تبلیغات، این محاصره‌ها و این توطئه‌ها، علیه ملّتی که با عزم راسخ ایستاده است و میدانند چه کار میکند و می‌فهمد چه کار می‌خواهد بکند و هوشیارانه و با ایمان در کار خود مشغول عمل است، نمیتوانند کاری بکنند.<sup>۱</sup>

کار بسیار مهم است. چقدر بیکاری به بشریت خسارت میزند؛ چه بیکاری بر اثر تنبلی و عدم همّت شخص باشد، چه بر اثر این باشد که او قادر به کار نیست؛ چون کار وجود ندارد. پس کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی است. عامل حقیقی و واقعی برای پیشرفت یک کشور، کار است؛ بنابراین، ما از کارگر تجلیل میکنیم تا از کار تجلیل شود.<sup>۲</sup>

#### ۱۶- رواج خلیات مثبت

بخش دوم از فرهنگ عمومی، آن است که مانند بخش اول در سرنوشت یک ملّت تأثیر دارد؛ اما تأثیراتش فوری و بسیار محسوس است. یعنی خود امور مربوط به این بخش از فرهنگ عمومی، چندان محسوس نیست؛ لکن تأثیراتش در جامعه و سرنوشت و مسیر آن، بسیار محسوس است. از جمله‌ی این امور و در واقع عمده‌ترین آنها، اخلاقیات است؛ اخلاق فردی و اجتماعی مردم یک جامعه. فرض بفرمایید افراد یک جامعه، وقت‌شناس نباشند. خب؛ وقتی که شما وارد آن جامعه میشوید، این وقت‌ناشناسی آنان را، از طریق تأثیرات منفی‌اش در سرنوشت خودتان و مردم درمی‌یابید؛ درحالی که خود آن، چندان واضح

۱. در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلّم

۱۳۷۸/۲/۱۵

۲. در دیدار کارگران و معلّمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری

۱۳۷۹/۲/۱۴

نیست.

وجدان کاری و وقت‌شناسی در یک جامعه، بسیار مهم است. مثلاً وقتی ساعت هشت با کسی قرار گذاشتیم، اینکه هشت و ده دقیقه یا هشت‌ونیم یا پیش از ظهر برویم، با اینکه سر ساعت هشت آنجا حاضر شویم، یکی و تأثیرش یکسان است؟ وجدان کاری هم جزئی از فرهنگ عمومی است که بسیار پسندیده است. وجدان کاری، یعنی افراد یک جامعه، خود را در قبال آن کاری که پذیرفته‌اند متعهد بدانند و نوعی احساس وجدان نسبت به آن داشته باشند و سرهم‌بندی و رفع تکلیف نکنند و آن کار را به صورت کامل انجام دهند. اینها از جمله‌ی خُلقیات یک ملت است که تأثیرش در زندگی و سرنوشت آنها خیلی زیاد است. از جمله مصادیق دیگر فرهنگ عمومی، این است که افراد یک ملت، مردمی باشند که خیلی عافیت‌طلب و به دنبال منافع شخصی خود نباشند؛ بلکه واقعاً حاضر باشند برای ملت و کشورشان وارد میدان شوند و خطرپذیری کنند. یعنی حسن منفعت‌جویی گروهی و جمعی یک ملت، باید بیش از حسن منفعت‌طلبی فردی آنان باشد.

از جمله نمونه‌های دیگر فرهنگ عمومی که به اخلاق شخصی و اجتماعی مربوط است، اینکه: افراد جامعه صبور باشند، مهمان‌دوست باشند، عادتشان این باشد که به بزرگ‌ترها و پدر و مادر خود احترام کنند. از این‌رو، اینگونه مسائل بسیار مهم است و میتواند سرنوشت یک ملت را تغییر دهد.

بنده وقتی که در معارف اسلامی دقت میکنم، برایم روشن است که عموم آن چیزهایی که ملل اروپایی به وسیله‌ی آنها توانسته‌اند در زندگی مادی خودشان پیشرفتی داشته باشند، در همین معارف اسلامی است؛ زیرا اینکه ملتی در گذشته‌ی خود در قعر ظلمات جهل و خرافه و عقب‌ماندگی باشد و کتاب و کتابخانه نداشته باشد و حتی اولیات علم و معرفت را هم نداند و ناگهان ظرف نیم یا یک قرن، از منجلاب آن عقب‌ماندگی بیرون بیاید، نمیتواند تصادفی باشد. اما متأسفیم که آن حرکت اروپا، با حرکتی که خودشان به غلط اسم آن را «حرکت

روشنفکری» یا «روشنگری» میگذارند، همراه شد؛ حرکتی که پیامش حذف دین و روی آوردن به - اصطلاحاً - اصالت انسان در تفکرات و فلسفه‌ها و روشهایشان بود. عیب کارشان، این بود و آلا اگر معنویت را کنار نمیگذاشتند، بی‌شک امروز زندگی‌شان به مراتب بهتر و نورانیت علم از آن ناحیه، صدها و هزارها برابر بود.

خب؛ به هر حال این اشتباه را مرتکب شدند و این حرکت را انجام دادند. البته عواملی هم داشت. در هر شکل، نقاط مثبتی که در زندگی‌شان وجود داشت و توانست آنها را از آن منجلاب عقب‌ماندگی و جهالت بیرون بیاورد - اگر دقت کنید - به وضوح در زندگی گذشته و تاریخ آنان نمودار است. اما افسوس که با کنار گذاشتن معنویت، این نقاط مثبت هم کم‌کم رنگ باخت و کاملاً محو شد.

عموم خُلُقِیات مثبتی که یک ملت را از حسیض بیکارگی و فقر و ذلت و عقب‌ماندگی بیرون میکشد و به اوج پیشرفت مادی میرساند، در اسلام مورد توصیه‌ی مؤکد قرار گرفته است و هرکس به مفاهیم اسلامی مراجعه کند، این را تصدیق خواهد کرد. در واقع، همین خصوصیات و خُلُقِیات مثبتی که امروز کمبودش را در میان ملت خودمان نیز احساس میکنیم، ناشی از همین بی‌توجهی به معارف اسلامی است؛ زیرا همان روزی که در داخل کشور ما حرکت روشنفکری به وجود آمد و عده‌ای احساس کردند باید به غریبان روکنند و از آنها یاد بگیرند - متأسفانه، با بی‌توجهی به معارف اسلامی - این نقاط مثبت را یاد نگرفتند. از این‌رو، بنده مکرر عرض کرده‌ام که روشنفکری در ایران از اوّل بیمار متولد شد و هنوز هم گریبان روشنفکران در چنگ همان بیماری است و آثار و تبعاتش همچنان باقی است؛ زیرا - همانطور که گفتیم - آنها به جای اینکه خُلُقِیات مثبت را یاد بگیرند و ترویج کنند، چیزهای ظاهری و کم‌ارزش یا مضر را آموختند و رواج دادند. از جمله، آزادی جنسی، اختلاط زن و مرد، بی‌اعتنایی به معنویت، حذف دین، بدگویی به روحانیان یا مواردی مانند نوع و شکل لباس و میز و صندلی و در کل، امور اینگونه را که یا خیلی کم اهمیت بودند، یا اصلاً اهمیت نداشتند یا

حتی مضر هم بودند.

البته این را هم بارها عرض کرده‌ایم که فرهنگها تبادل دارند. وقتی که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح و بر آن پافشاری میکنیم، به آن معنا نیست که یک فرهنگ نباید چیزی را از خارج خود، به خود بیفزاید. متأسفانه در ایران اواخر قاجار که به فرهنگ غرب توجه شد و به ویژه در دوران منحوس پهلوی که این توجه شدت گرفت، آنچه واقعاً تبادل، تلقی، تعاطی و تکامل فرهنگی بود، در ارتباط با غرب انجام نگرفت؛ بلکه نوعی تحمیل فرهنگی رخ داد.

گاهی انسانی هوشمند و عاقل، به اختیار خود، چیزی را گزینش میکند و میپذیرد و گاهی به عکس، به یک انسان مست و غافل و بیهوش، به‌زور، چیزی را تزریق و تحمیل میکنند. مسلماً این دو، یکسان نیستند. در کشور ما، تحمیل فرهنگی کردند؛ یعنی آمدند و بدون اینکه گزینش صحیحی در کار باشد، چیزی را در کالبد فرهنگ و ذهنیات این مردم تزریق کردند.

از این رو میتوان نتیجه گرفت که در اسلام، ریشه‌ی همه‌ی این معنویات وجود دارد؛ اما متأسفانه به آنها توجه نشده است؛ زیرا مدتی حکومت‌های استبدادی و سلاطین و به دنبال آنها، متولیان دین و آخوندهای درباری و روحانیان وابسته‌ای که طبق نظر آنها حرف می‌زدند یا مثل خود آنها و طبق الگوی آنها عمل میکردند، پایه‌های خلیفات خوب را در مردم ما ضعیف کردند. هرچند این مقدار باقی مانده هم (یعنی این انقلاب، این جنگ تحمیلی، این ایستادگی در مقابل تهدیدهای غرب و این احساس عزت و استقلال در برابر ابرقدرتهای عالم بسیار ارزشمند است) ناشی از آن بقایای فرهنگ اسلامی است که در این مردم رنگ ثابت گرفته است. خدا را شکر که دشمنان دین، فرصت نیافته‌اند که اینها را حذف، یا کمرنگ یا نابود کنند و از بین ببرند. همین مقدار است که این همه عزت، پیشرفت، حرکتهای عمومی، حضور مردم در صحنه‌ها و استقلال در برابر خودکامگی مستبدان را به بار آورده است و - ان شاء الله - در آینده هم ثمرات دیگری به بار خواهد آورد.

اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی کنیم، فرهنگ را اسلامی کنیم، مردم را با خُلقیات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی را که در صدر اسلام از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملتمان زنده کنیم، همینها بزرگ‌ترین دستاوردهاست. باید توجه داشت که آنچه در آغاز، از پیشرفت و ترقی برای انسانها به وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود: دنبال علم و کار رفتند، تلاش و سعی کردند، نوآوری کردند، به معرفت طبیعت، انسان، تاریخ و راه‌های زندگی پرداختند و تعامل خوب و برادرانه را پذیرفتند. اینها چیزهایی است که هیچ دستگاه قدرتمندی، بدون آنکه فرهنگ مردم و بینش آنها را اصلاح کند، نمیتواند در جامعه‌ای ایجاد کند. مثلاً آن عدالت اجتماعی‌ای که کمونیستها، بی‌توجه به اصلاح فرهنگ مردم و پذیرش اختیاری آنها بر آنها تحمیل کردند، همان چیز ناقص غلطِ معیوبی شد که در تاریخ ثبت شده است. یعنی به اسم عدالت اجتماعی، همه چیز را به هم ریختند و هیچ فایده‌ای به بار نیاوردند.<sup>۱</sup>

#### ۱۷- ضرورت تعلیم و تربیت

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ۚ وَ يُزَكِّيهِمْ»؛ یا در جای دیگر «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ۚ»<sup>۲</sup>. باید انسانها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند تا این کره‌ی خاکی و این جامعه‌ی بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده‌ی سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه‌ی نبوتها و بعثتها این است. هرکدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه میداد، پیش بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت

۱. در دیدار وزیر و مسئولان وزارت ارشاد و اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور

۱۳۷۴/۴/۱۹

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۹

۳. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴



عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره‌ی خاکی و در خانواده‌ی بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالاخره به آن برسد. چگونه میشود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه‌ی بشری را بتدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاری‌ها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادت‌مندانه‌ی همه‌ی انسانهاست - که ما آن دوره را، دوره‌ی حضرت ولی عصر ارواحناده میدانیم - برسد. دوره‌ی ولی عصر ارواحناده، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده‌ی عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده میکند، اما به یک چیز دیگر ضرر میزند. امروز نیروی اتم را کشف میکند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار میبرد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج میکند، اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کما اینکه در این صد سال اخیر اینگونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژی‌های پنهان و قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف میکند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاری‌های جسمانی از ناحیه‌ی این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده میکند. به بشر سرعت و سهولت داده میشود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته میشود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحناده قضیه اینگونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژی‌های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی

بی ضرر و بی خسارت میکند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است. همه‌ی پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع میشود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی درپی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «انک میت و انهم میتون» - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورد استفاده قرار دهد و او علی‌بن‌ابی‌طالب است. معنای نصب غدیر این است.

اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک میکرد و تحویل میگرفت و دنبال علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌السلام) راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا میکرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار میدادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای میرسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت میکرد؛ درجات روحی انسانها بالا میرفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار میشد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی عدالتی از بین مردم رخت برمیپشت. اینکه فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) - که در آن زمان عارف‌ترین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت میکرد و از چنین راهی میبرد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه میکند.<sup>۱</sup>

۱. در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۷۹/۱۲/۲۴

### ج) الزامات و شرایط اقتصادی پیشرفت

#### ۱- جذب مناسب سرمایه‌ی خارجی

امیدواریم دولتی که بر سر کار خواهد آمد، با همکاری مجلس، به اقتصاد سالم کشور، اهمیت حقیقی دهد. اینها به نشستن و بررسی علمی کردن و راهکارها را پیدا کردن احتیاج دارد. با گفتن نمیشود؛ باید اقدام و پیگیری کند و موانع تولید بهینه و تکمیل چرخه‌ی صنعتی و موانع صادرات و سرمایه‌گذاری‌های داخلی کشور را بشناسد و آنها را بر طرف کند. اگر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم میشود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. اینطور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفایی‌های بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم. نخست وزیر مالزی در تهران به من گفت که ما در مدت چند روز، از یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر تبدیل شدیم! این خوب است؟! یعنی سرنوشت اقتصاد کشور در دست یک تاجر فرنگی باشد که اگر اراده کرد، بتواند کشوری را با میلیاردها دلار گردش سرمایه‌ای، در ظرف چند روز به خاک سیاه بنشاند و فلج کند! او وقتی این مطلب را به من میگفت، چهره‌اش پُر از غم و افسردگی بود. ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمیدانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ اما نه آنگونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و - همانطور که گفتیم - ما میتوانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمیتوانیم

حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است؛ البته قضاوت‌های بدبینانه هم میشود کرد. مسئولان کشور و شما برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف مشغول هستید، با امید و توکل به پروردگار، با اعتماد به مبانی فکری و عملی اسلامی و با همت والا و عالی، تلاش خود را شروع کنید و - ان شاء الله - به فضل الهی این کشور شاهد رشد و شکوفایی در همه‌ی عرصه‌ها خواهد بود؛ مشروط بر اینکه مسئولان وظایف خود را انجام دهند.<sup>۱</sup>

## ۲- اجرای طرحهای مادر

طبیعی است که برای آبادی و توسعه‌ی اقتصادی کشور و نیز برای ریشه‌کن شدن فقر و بیکاری، اساس قضیه این است که طرحهای عمده و مادر، در کشور اجرا و راه‌اندازی شود.<sup>۲</sup>

## ۳- برخورد با خطاها و فسادهای مالی

بزرگ بودن خطا به دو چیز است: یکی اینکه خود خطا بزرگ باشد - مثلاً فسادهای مالی بزرگ، خیانت‌های بزرگ - یکی این است که خطاکننده، مسئول یا مؤتمن باشد. گاهی سر زدن خطاهای کوچک از انسانهایی که از آنها امانت انتظار میرود، ضررش بسیار بیشتر از خطاهای بزرگ دیگران است. امین بودن موجب میشود که خطای صادر شده، بزرگ باشد. باید با این خطاها برخورد شود؛ این در کارایی نظام تأثیر دارد. اگر مسئولان دولتی در جای خود و مسئولان قضائی در جای خود، هر کدام با این انحرافات و خطاها برخورد کنند، هم کارایی مسئولان دولت در زمینه‌های مختلف زیاد خواهد شد و هم این معضل اقتصادی - مشکل اشتغال، مشکل صادرات و واردات، مسائل مربوط به پول و غیره

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰

۲. پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۱ هجری شمسی ۱۳۷۱/۱/۱

- عمدتاً حل خواهد شد. یعنی برخورد با فساد، هم موجب میشود که افراد، دقت بیشتری بکنند، هم موجب میشود که دستهای خیانتکار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به وجود آید؛ بنابراین علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است؛ که اثبات کارآمدی هم اینگونه است.<sup>۱</sup>

#### ۴- تولید

تولید، چه در عرصه‌ی صنعت، چه در عرصه‌ی کشاورزی، از اهمیت درجه‌ی اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه‌ی نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاه‌های ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمیخورد؛ کمااینکه می‌بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذقیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت بار و فلاکت باری دارند. باید تولید در کشور - به خصوص تولید دانش بنیان، متکی به دانش و مهارتهای علمی و تجربی - پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند. این سیاستهای اصل ۴۴ که ما چند سال پیش به دستگاه‌های دولتی و قانونگذاری ابلاغ کردیم، میتواند نقش ایفاء کند؛ منتها بایستی همه‌ی دقت لازم را در اینجا بکنند.

بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم میشود وسیله‌ی نفوذ شیطان، وسیله‌ی فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب میخواند! همه‌ی ایده‌های خوب، همه‌ی فکرهای خوب و شریف میتواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از اینجا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سوءاستفاده‌چی، قانوندانهای قانون شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسئول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای اینکه به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین آلات فرسوده‌ی همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلف و الوف برسند؛ از این کارها شده است، میشود؛ باید همه حواسشان جمع باشد.<sup>۱</sup>

ما باید تولید ملی را افزایش بدهیم، تقویت کنیم؛ عادت کنیم به مصرف تولیدات داخلی؛ عادت کنیم به بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی، که البته در این مورد مسئولین دولتی و همچنین قانونگذاران وظایف سنگینی دارند. من نسبت به مسئله‌ی مدیریت واردات به دولتی‌ها سفارش کردم؛ الان هم تأکید میکنم. من نمیگویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام بگیرد؛ اما واردات باید مدیریت بشود. یک جایی واردات مطلقاً نباید بشود؛ یک جاهایی باید انجام بگیرد. با مدیریت، واردات انجام بگیرد. البته مسئولین محترم دولتی به من گفتند که قوانینی که مجلس تصویب کرده، به ما اجازه نمیدهد جلوی واردات را بگیریم؛ من خواش میکنم این قضیه را حل کنند. اگر واقعاً قانونی وجود دارد که دولت را ممنوع میکند از جلوگیری از واردات، این قانون را اصلاح کنند؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی بالا برود.

تدبیر خردمندانه باید در این زمینه‌ها گرفته بشود. خرد خیلی مهم است. عقل‌گرایی در تصمیمگیری‌ها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم، خردمندانه و شجاعانه. خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقب نشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت. انبیاء خردمندترین انسانها

۱. در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور ۱۳۸۹/۲/۸

بودند. در روایتی از پیغمبر اکرم است که: «ما بعث الله نبیا و لا رسولا حتی یستکمل العقل»؛<sup>۱</sup> هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن وقتی که عقل او کامل شده باشد. اما همین پیغمبر، بیشترین جهاد را، بیشترین مبارزه را، بیشترین خطرپذیری را میکند؛ یعنی شجاعت با عقل‌مداری باید همراه باشد؛ با عزم راسخ و بدون تزلزل، با نگاه به دوردستها و با حفظ اتحاد و همدلی.<sup>۲</sup>

### (د) الزامات و شرایط سیاسی پیشرفت

#### ۱- استقرار و استقلال حکومت

معنا و مفهوم شعار «آزادی» که ملت اسلام و ملت ایران سر میدهد چیست؟ آزادی از سلطه‌ی زورگویان، آزادی از دخالت و نفوذ بیگانگان، آزادی از دخالت‌های عناصری که هر جا دخالت کرده‌اند، شر و فساد و بدبختی و حتی فقر و نکبت به وجود آورده‌اند. شما نگاه کنید به کشورهایی که - به اصطلاح - به آنها کشورهای در حال توسعه، یا عقب‌افتاده، یا کشورهای جهان سوم میگویند. کدامیک از آنها توانستند از ناحیه‌ی دخالت امریکا، دخالت بانک جهانی، دخالت مراکز و اقطاب سیاسی عالم، طرفی ببندند و کاری بکنند و سعادت برای خودشان درست کنند؟! ملت مستقل و آزاد، آن ملتی است که بتواند روی پای خود بایستد، با امکانات خود کار کند، با اراده‌ی خود حرکت کند، با وحدت و با جهتگیری صحیح، با آنچه که به صلاح او، برای او و تأمین‌کننده‌ی آینده‌ی اوست، حرکت کند؛ این ملت به جایی خواهد رسید. همچنان که ملت ایران در این نوزده سال‌واندی که تا امروز از انقلاب عظیم و شکوهمند میگذرد، گامهای بلندی برداشته و کارهای بزرگی انجام داده است. البته ما تا هدف نهایی، خیلی فاصله داریم و خیلی باید تلاش کنیم؛ اما به برکت آزاد شدن از جاذبه‌ی مغناطیسی غلط

۱. مشکاة الأنوار ص: ۲۵۱

۲. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷

مضر بیمارگونه‌ی استکبار جهانی، توانستیم به خودمان پردازیم. چقدر آثار علمی، چقدر شکوفایی‌ها، چقدر حرکت‌های عظیم، چقدر حیثیت و چقدر امید در این ملت به وجود آمد! این ملت زنده شد. بایستی این راه همین‌طور ادامه پیدا کند.<sup>۱</sup>

## ۲- اعتماد به حکومت

وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان، نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همه‌ی کارها آسانتر و روانتر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود. ممکن است بدخواهانی برای جلوگیری از پیشرفت کارها، دست به شایعه‌پراکنی زده و دولت یا دستگاه قضائی را زیر سؤال ببرند. ملت عزیز باید بدانند اینگونه تلاشها، ناشی از حسن نیت نیست و انتقاد نابجا از مسئولان زحمتکش و مخلص و ناسپاسی در برابر تلاشهای توانفرسای آنان، هرگز کمکی به پیشرفت امور کشور نکرده و نخواهد کرد.<sup>۲</sup>

وحدت ملی چگونه تأمین میشود؟ یکی از عواملی که وحدت ملی را تأمین میکند، این است که آن کسانی که سخنان در میان مردم، حوزه‌ی تأثیری دارد - یا مسئولند، یا چهره‌ی موجه دینی‌اند؛ چهره‌ی روحانی‌اند، چهره‌ی سیاسی‌اند - در اظهارات خودشان کاری نکنند که یک گروه و جناح از مردم، دل‌هایشان نسبت به دیگران چرکین شود. فتنه‌انگیزی نکنند. البته فتنه‌انگیزان و بد دل کردن مردم نسبت به یکدیگر، یکی از مواد برنامه‌ای است که دشمنان نسبت به این ملت در نظر دارند. همین رادیوهای بیگانه و همین مراکز خبری، شاید بشود گفت نصف حرف‌هایشان طراحی شده است، برای اینکه بتوانند دل‌های گروهی از مردم را نسبت به گروه دیگری بدبین و مکدر کنند. اصلاً می‌نشینند طراحی میکنند که اینطور بگوییم که این اثر را بکند. کسانی که زبان و قلمشان

۱. در دیدار جمع کثیری از مردم آمل ۱۳۷۷/۳/۲۱

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰



کار میکند، در درجه‌ی اوّل باید این را رعایت کنند که آنچه میگویند، ایجاد بدبینی نکند. مردم نسبت به یکدیگر بدبین شوند، یا مردم نسبت به مسئولان بدبین شوند؛ این باز یک نوع فتنه‌سازی و گناه دیگری است. بعضی افراد همه‌ی هم‌تشان این است که با شایعه‌پردازی، با جعل خبر و با پرداختهای تقلب‌آمیز خبر - ممکن است یک خبر اصلش هم راست باشد، اما به نوعی آن را پردازش کنند تا مطلب دروغ و خلاف واقعی را در ذهن مخاطب القاء کند - دل‌های مردم، جوانان و خوانندگان و شنوندگان خودشان را نسبت به مسئولان نظام بدبین و آنها را دچار تردید کنند. این کار چه فایده‌ای دارد؟ جز کند کردن حرکت پیشرفت ملت و کشور، هیچ فایده‌ی دیگری ندارد. جز اینکه مسئولان را در این کار مردد کند، مردم را نسبت به آینده ناامید سازد و نیروی عظیم امید را از مردم بگیرد، هیچ فایده‌ای ندارد. بعضی کسان سعی میکنند افرادی را به همه‌ی نظام یا به برخی از مسئولان نظام بدبین کنند؛ در حالی که اگر حقیقتاً سخن حقی و وجود داشته باشد، آن سخن حق ممکن است از طریقی به گوش مسئول یا مسئول مافوق او منتقل شود که آثار بسیار بهتری هم داشته باشد. حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، تروری میشود، جنایتی در جایی انجام می‌گیرد؛ آن قدر حرف خلاف، توهم‌آمیز و حیرت‌آور برای خواننده از زبان کسانی که هیچ احساس مسئولیتی نمیکنند، شنیده میشود! آن کسانی که از واقعیتها خبر دارند، می‌بینند که چقدر اینها یا دورند، یا خودشان را عمداً از واقعیت دور نگه میدارند. اینها مسائلی است که وحدت ملی را خدشه‌دار میکنند؛ بنابراین، وحدت ملی یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های یک ملت است.<sup>۱</sup>

### ۳- جلب مشارکت سیاسی همگان

جریانهای مختلف سیاسی، باید در انتخابات و در همه‌ی قضایای کشور شرکت کنند. هیچ قضیه‌ای از قضایای کشور، در انحصار یک قشر

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۹/۱/۶

و یک فکر و یک سلیقه‌ی سیاسی نیست. همه باید شرکت کنند. این چیزی است که ما به تجربه دریافتیم که صلاح و پیشرفت کشور، بسته به این است. لذا در همین قضیه هم بود که ما در مقدمات کار، تشویق کردیم که جریانهای مختلف در امر انتخابات وارد شوند. همیشه همین‌طور است و در آینده هم جریانهای مختلف را برای ورود در میدانهای اجتماعی تشویق خواهیم کرد؛ اما ما وزرا را صریحاً نهی کردیم و گفتیم وزرا حق ندارند وارد شوند. یک علتش همین است که قوه‌ی مجریه با قوه‌ی مقننه نباید تداخل کند. هر دو به عنوان دو قوه، در یک جبهه هستند و برای کشور کار میکنند؛ اما دو کار میکنند. نمیشود یک نفر، هم بازیکن و هم داور باشد؛ هم خط معین‌کننده و هم اجراکننده باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴- امنیت سیاسی

اگر بخواهیم درست تشخیص دهیم که برای پیشرفت یک کشور، امنیت چقدر اهمیت دارد، از برخورد دشمن با مقوله‌ی امنیت، میشود این را فهمید. وقتی انقلاب پیروز شد، در واقع یک مانع بزرگ از مقابل ملت ایران برداشته شد که بتواند در میدانهایی که در طول صدسال، صدوپنجاه سال عقب مانده بود، جبران عقب ماندگی‌های گذشته را بکند. نظام اسلامی آماده بود که هدایت مردم را در پیشرفت در همه‌ی این میدانها بر عهده گیرد و ملت ایران در زمینه‌ی علم و صنعت و خودکفایی و در زمینه‌ی مسائل فکری و عملی و مادی و معنوی، به حرکت عظیمی دست بزند و آن را شروع کند. اولین کاری که دشمنان برای سنگ اندازی در این راه انجام دادند، ایجاد ناامنی بود؛ یعنی مرزهای ما را ناامن کردند. ببینید؛ این نکته‌ی خیلی اساسی و مهمی بود. همان دشمنانی که انقلاب علیه آنها بود؛ همان قدرتهایی که تا آنجا که توانسته بودند، سعی کرده بودند نگذارند این انقلاب پیروز شود، بعد از آنکه انقلاب پیروز شد،

۱. در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۵/۳/۲۹

برای مقابله با آن، از حربه‌ی ایجاد ناامنی علیه این ملت و این انقلاب استفاده می‌کردند. در درجه‌ی اوّل، در این منطقه‌ی نزدیک خراسان - حدود ترکمنستان - و در منطقه‌ی کردستان و غرب و شمال کشور و نیز مناطق دیگری در جنوب - منطقه‌ی خوزستان - با تحریک قومیتها، شروع به مفسده‌انگیزی و ایجاد ناامنی کردند؛ ولی نظام اسلامی بر اینها فائق آمد. آن روز همین بسیجیان و همین جوانان مؤمن مثل شما، به همین مناطق گوناگون - چه در خراسان و چه در مناطق دیگر - رفتند، سینه سپر کردند، فداکاری نمودند و توانستند امنیت را برگردانند؛ یعنی در واقع توانستند ریشه‌ی فتنه را در مناطقی خشک کنند. دشمنان قبلاً فکر می‌کردند که با ایجاد ناامنی خواهند توانست انقلاب را به زانو درآورند؛ اما دیدند که نشد. لذا جنگ را تحمیل کردند. ناامنی‌ای که از یک جنگ تمام‌عیار برای کشور به وجود می‌آید، خسارت‌بارترین و سخت‌ترین و سنگین‌ترین ناامنی‌هاست. اینها این کار را کردند. رژیم عراق را به جنگ، به آتش افروزی، به حمله‌ی به مرزها از طرف غرب کشور وادار کردند. مسئله هم به جنگ بین دو ملت و با امکانات دو کشور محدود نماند؛ بلکه تمام امکاناتی را که عراق توانایی جذب آن را در این جنگ داشت، به سمت عراق سرازیر کردند!<sup>۱</sup>

■ امنیت در کشور و در هر منطقه، اساس پیشرفت است. برخی از فرصت‌های کار در این استان و استانهای همجوار - در مناطق غرب و شمال غرب کشور - به خاطر ناامنی‌ای که عوامل و ایادی مزدور دشمن در طول سالهای اوّل بر این منطقه حاکم کردند، از دست رفت. درست است که مردم کرد جانانه دفاع کردند، لیکن این نیرویی که صرف دفاع نظامی در این منطقه شد، میتوانست صرف تلاش عمرانی شود. اگر این میبود، منطقه امروز جلوتر از این بود که هست.<sup>۲</sup>

■ اهمّیتی که برای نیروهای مسلّح و کسانی که در این کسوت انجام

۱. در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

۲. در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۴

وظیفه میکنند و به کشور خود و ملت خود خدمت میکنند و اهمیتی که برای این مجموعه قائلیم، اولاً از این جهت است که مجموعه‌ی نیروهای مسلح، برترین عامل در حفظ امنیت کشورند. نیروهای مسلح به گفته‌ی امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمینهای خود هستند و امنیت را اینها تأمین میکنند و ارزش امنیت و وزنش در هر مجموعه‌ی اجتماعی و برای هر ملتی، با چیز دیگری قابل مقایسه نیست. اگر امنیت بود، دانش و پیشرفت و عدالت و سرافرازی و عزت و دنیا و آخرت در آن جامعه میسر میشود. امنیت که نباشد، دستاوردهای بشری، دست نیافتنی میشود. این اولین دلیلی است که برای احترام به نیروهای مسلح و اهتمام به این مجموعه‌ها، انسان میتواند برای دل خود و رفتار خود اقدام کند.<sup>۱</sup>

### ۵- محیط آرام سیاسی

توصیه‌ی بعدی من، توصیه به مسئولان و آحاد مردم به‌طور برابر است. این توصیه این است که عزیزان من! اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد - پیشرفت کند، به محیط آرام و بی‌تشنج احتیاج دارد. کسانی که به پیروی از تبلیغات رادیوهای بیگانه سعی میکنند فضای سیاسی جامعه را متشنج کنند، به کشور خدمت نمیکند. کسانی که سعی میکنند با انتقادهای پوچ و عاری از حقیقت، نظام کاملاً مردم‌سالار اسلامی این کشور را به تهمتهایی متهم کنند که فرسنگها با این نظام فاصله دارد، آنها به مردم، به آینده‌ی کشور و به نسل جوان هیچ خدمتی نمیکند. زمانی این کشور خواهد توانست به آرزوهای بزرگ خود برسد که در مسائل گوناگون، همه - هم جوانان، هم آحاد مردم و هم مسئولان - به این دو خصوصیت عمل کنند؛ آن دو خصوصیت عبارت است از اینکه خردمندانه و مؤمنانه عمل کنند.<sup>۲</sup>

۱. در دانشکده علوم دریایی نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۴

۲. در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴

### ۶- انسجام سیاسی

مسئولان باید به سیاستها عمل کنند و منسجم باشند. انسجام، مهمترین شرط پیشرفت است. من به شما عرض کنم، اگر دشمن ملاحظه کند که در کشور ما یک گروه مؤمن، متعهد، منسجم، همدل و کارآمد بر سر کار هستند، ناامید میشود و انگیزه‌ی او برای دشمنی کم خواهد شد. کسانی که تفرقه‌ی بین مسئولان را تشویق میکنند، بفهمند چه کار میکنند. امروز سیاست دشمنان کشور این است که بین مسئولان اختلاف بیندازند. ما از گروه‌هایی که یک سرشان در داخل است، یک سرشان در خارج، خبرهای ویژه داریم. برنامه‌ی عمده‌ی اینها این است که بین مسئولان کشور، با عنوانهای چپ، راست و عناوین دیگر، اختلاف بیندازند. مردم وحدت مسئولان را میخواهند. مردم هرجا ببینند مسئولان با هم هستند و همدل و هم‌باند و یکدیگر را تخریب نمیکند، خوشحال و امیدوار میشوند؛ اما دشمن بعکس، ناامید میشود.

ان شاء الله مسئولان با همان اتحاد و انسجامی که گفته شد و با رعایت موازین اسلامی کار را پیش ببرند، که اسلام نجاتبخش است. عزیزان من! بدانید صلاح و پیشرفت دنیا و آخرت، عزت و استقلال، رفاه مادی، رفع ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض، همه و همه در کشور ما فقط زیر سایه‌ی اسلام و نظام جمهوری اسلامی فراهم شدنی است و بس. به اسلام تمسک کنید و اتحاد و روحیه‌ی خود را حفظ نمایید و بدانید به فضل پروردگار آینده متعلق به شما ملت ایران است و شما جوانان روزهای شکوفایی و عزتی را خواهید دید که برای نسلهای گذشته‌تان حتی در رؤیا هم قابل تصور نبود.<sup>۱</sup>

### ۷- پرهیز از مسائل حاشیه‌ای

بنده، هم به مسئولان اقتصادی دولت و هم به مجلس شورای اسلامی توصیه‌ی مؤکد میکنم که از مسائل حاشیه‌ای، درجه‌ی دو و غیرضروری

۱. در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

و غیرفوری کم کنند و به مسائل اصلی بپردازند. برای خود، سرگرمی و مشغولیت درست نکنند؛ به آن چیزی که امروز نیاز کشور و مردم است و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد، بپردازند. این وظیفه‌ی همه است و مطمئناً باید آن را دنبال کنند. ما هم وظیفه داریم که این را از مسئولان بخواهیم و خواهیم خواست. کسانی که در این راه بتوانند توفیق کسب کنند، پیش مردم روسفید خواهند بود؛ و آلا بدون تردید مردم از آنها مؤاخذه خواهند کرد.<sup>۱</sup>

یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله‌ی اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله‌ی اصلی بروند؛ باید مسئله‌ی کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند میشود، یک مسئله‌ی حاشیه‌ای درست میکنند، ذهنها متوجه آن میشود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت میکند، هدفش رسیدن به یک نقطه‌ی خاص است؛ ناگهان ذهنها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احیاناً امکان ادامه‌ی حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ میتوانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.<sup>۲</sup>

### اختلاف نظر مثبت

آنچه وظیفه‌ی امروز ماست، حفظ این هندسه‌ی عظیم است؛ این را باید حفظ کرد. باید در حفظ این هندسه، مرزبندی کرد. این مرزبندی‌ای که من عرض میکنم، اینجاست؛ و آلا در مسائل مادون این - حالا چه مسائلی که در درجه‌ی دوم اهمیت است، چه در مراتب پایین تر - ممکن

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰

۲. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

است اختلاف نظرهایی باشد؛ این اختلاف نظرها به جامعه ضربه نمیزند. اختلاف نظر موجب پیشرفت میشود. این اختلاف نظرها مهم نیست؛ اینها در رقابتهای انتخاباتی هم ممکن است تأثیر بگذارد، که اشکالی هم ندارد. آنچه مهم است، اساس نظام، هندسه‌ی کلی نظام، نقشه‌ی جامع نظام است؛ این را باید در نظر داشت و نسبت به این باید حساس بود. باید دید حرفی که زده میشود و کاری که دارد انجام میگیرد، در مقایسه‌ی با این نقشه‌ی کلی، در چه وضعیتی قرار دارد.<sup>۱</sup>

یکی از چیزهایی که خیلی مهم است - چون حالا تقریباً همه‌ی مسئولین قوا، از هر سه قوه اینجا تشریف دارید - یکپارچگی در حرکت است؛ ولو یکپارچگی در فکر و نظر و سلیقه نباشد، که نه ممکن است، نه آنقدر هم مطلوب است. اختلاف سلاطین و اختلاف نظرات به مباحثه می انجامد و مباحثه به کشف عرصه‌های جدید منتهی میشود؛ بنابراین ما هیچ توصیه نمیکنیم که حتماً همه در همه‌ی مسائل یکسان فکر کنند؛ نه اصلاً ممکن هم نیست و امکان ندارد. اختلاف در نظر و در سلیقه و در فکر و در فهم، خودش از اوّل خلقت بشر وسیله‌ای شده است برای پیشرفت انسان. اما با وجود آن اختلافاتی که وجود دارد، هماهنگی در حرکت لازم است. اگر کاروانی باشد، افراد کاروان بین خودشان اختلافاتی داشته باشند، بحثی داشته باشند، دعوایی داشته باشند، مباحثه‌ی علمی داشته باشند، مباحثه‌ی سیاسی داشته باشند، مباحثه‌ی در مسائل گوناگون و روزمره داشته باشند، با هم بحث کنند - این ایرادی ندارد - به نتیجه رسیدند، چه بهتر؛ به نتیجه هم نرسیدند، نرسیدند؛ ایرادی ندارد؛ اما این حرکتی که دارد انجام میگیرد، متوقف نشود. اینجور نباشد که این مباحثه موجب بشود که وسیله‌ی راهواری که زیر پایشان است، این را از کار بیندازند، مشغول مباحثه شوند؛ یا احیاناً بگویند حالا که در این مسئله علمی به نتیجه‌ی واحدی نرسیدیم، پس تو از آن راه برو، من از این راه؛ نه آقا، داریم میرویم؛ هدف مشخص است. سه قوه باید

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶

اینجوری حرکت کنند. دوستان عزیز! برادران و خواهران عزیز که در سه قوه تشریف دارید! مراقب باشید وحدت حرکت، یکپارچگی در حرکت و در تصمیمهای بزرگ، حفظ شود؛ اختلافات به اختلافات در کار اساسی نینجامد.<sup>۱</sup>

### ۸- عمل بر خلاف خواست دشمن

بدانید همه‌ی تلاش دشمنان جمهوری اسلامی این است که این کار اتفاق نیفتد؛ یعنی این سازندگی بر اساس نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند. این محاصره‌ی اقتصادی که میشنوید، برای این است. این کارشکنی‌های گوناگون در قضیه‌ی نفت و بقیه‌ی مسائل دیگری که از سوی دشمنان برای کشور ما پیش می‌آید، به خاطر این است. میخواهند نگذارند نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران در پرتو این نظام به نقطه‌ی مورد نظر خود از آبادانی و عمران و پیشرفت و ترقی و توسعه برسد تا برای کشورهای دیگر الگو نشود و نظریه‌ی سیاسی اسلام در دنیا رواج پیدا نکند.

وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی ما این است که درست نقطه‌ی مقابل خواست آنها عمل کنیم. مسئولان دولتی باید یک لحظه از کار برای مردم و تلاش پیگیر برای آبادسازی مملکت و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور غفلت نکنند. من همیشه هشدار داده‌ام که منازعات سیاسی نمیگذارد مسئولان کار کنند. آن مسئولی که سرگرم «آری» یا «نه»‌های حزبی و گروهی و جناحی و سیاسی است، فرصت ندارد وقت خود را صرف امور مردم کند. البته ما پیشرفتهای فراوانی داشته‌ایم. من مخالفم که کسی پیشرفت دولتهای متوالی جمهوری اسلامی را از اول انقلاب تا امروز ندیده بگیرد و تحقیر کند. خود کوچک‌بینی، درست مثل خود بزرگ‌بینی، یک بیماری ملی است. همواره دشمنان سعی کرده‌اند تا ما خود را تحقیر کنیم؛ پیشرفتهای خود را ندیده بگیریم و کارهایی را که شده است، با

۱. در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۹/۱/۱۶



چشم کم نگاه کنیم، یا اصلاً به حساب نیاوریم. این کشور بعد از انقلاب در همه‌ی شئون عمرانی و آبادانی و فرهنگی، آنچنان به جلو حرکت کرده است که اگر به سالهای متمادی عمر آن رژیمهای ظالم و سلطه‌گر نگاه کنید، بخشی از آنچه را که در این بیست سال اتفاق افتاده است، نمی‌بینید؛ بنابراین نباید اینها را ندیده گرفت.<sup>۱</sup>

#### ۹- اعتماد به نفس مدیران و مسئولان

آن چیزی که در زمینه‌ی این مسائل ارزشی، خوب است که عرض کنم و باید در همه‌ی بخشها مورد توجه قرار گیرد - که البته اینها چیزهایی است که شاید فراگیرنده‌ی همه‌ی آنچه لازم است در نظر باشد، نیست؛ لیکن بلاشک جزو مهمترین آنهاست - یکی مسئله‌ی اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسئولانی که در بخشهای مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حدّ اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود. بعضاً ممکن است برخی از مسئولان و بعضی از کسانی که در بخشهای مختلف مشغول کار هستند - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی و غیره - به تحلیلهایی دلبسته باشند که دیگران - حتی مثلاً یک فرد عالم یا نویسنده‌ای - در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آنچنان نظرها را به خودش جلب کند که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه‌ای که ناشی از دیدن واقعیتهای در کشور است - چون هر کشوری اقتضائات و واقعیاتی دارد - غافل کند و منصرف سازد!

باید سعی کنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه و دانشجویان ما و

۱. در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

کسانی که تازه وارد کار شدند، روح اعتماد به نفس را و اینکه میتوان با تحلیلها و انگیزه‌ها و فهم خودی از مسائل کشور، آن مسائل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند. نباید به آنچه فلان روزنامه‌نویس نوشته است و فلان تحلیلگر خارجی میگوید که ایران باید این راه را طی کند تا بتواند به سازندگی و رفع مشکل اقتصادی برسد، اعتنا کرد. البته مسائل علمی در هر جای دنیا، از هر زبانی که صادر شود، قابل اعتناست؛ منتها نه به صورت پذیرش بی‌قید و شرط، بلکه به صورت پذیرش تحلیلی که انسان حرفی را بگیرد، آن را با شرایط گوناگون کشور بسنجد و به مرحله‌ی عمل در آورد.

به‌هرحال، عدم دلبستگی به تحلیلها و نظرهای بیگانه، مهمترین چیزی است که در زمینه‌ی مسائل ارزشی، لازم است که در کلّ تشکیلات وجود داشته باشد. به اینکه دیگران درباره‌ی ما چه میگویند، اعتنای چندانی نکنید. شاید آنچه درباره‌ی ما میگویند، با آنچه درباره‌ی خودشان میگویند، متفاوت باشد. اگرچه آنچه درباره‌ی خودشان هم میگویند، به طور ضروری، درباره‌ی وضع زندگی ما صادق نیست. این طور نیست که حتماً منطبق با وضع ما هم باشد. ما مردم متدینی داریم که با ایمان مذهبی، با حرکت انقلابی و با توجه به ارزشهای معنوی زندگی میکنند، به این ارزشها هم اهمّیت میدهند و اهتمام میورزند. اینها را بایستی توجه کرد. نگاه نکنید که دیگران درباره‌ی شما و کشور و مسئولان و برنامه‌های کشور چه میگویند. نگاه کنید که چه چیزی مورد نیاز است و بایستی آن را انجام دهید.<sup>۱</sup>

#### ۱۰- به‌کارگیری مدیران متعهد

ایران اسلامی میتواند شکوفایی متناسب اقتصادی را به‌وجود آورد. ما به این کار قادریم؛ اما شرایطی دارد ... اینکه کسانی خیال کنند نمیشود کار کرد، نمیشود پیش رفت، نمیشود گره‌ها را باز کرد؛ این خطای در

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۷۵/۶/۸

دید و ضعف نفس است. ما با مدیریت دلسوز و کارآمد، با احساس تعهد و به کار گرفتن ابتکارها و استعدادهای انسانی، میتوانیم همه‌ی بن‌بستها را باز کنیم. ما در این زمینه چیزی کم نداریم. من مکرر عرض کرده‌ام که هر جا مدیریتهای متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم. شما به عرصه‌ی کشور نگاه کنید؛ ما در زمینه‌ی بخشی از پیچیده‌ترین صنایع - که یک روز صنعتگران این کشور حتی فکرش را نمیکردند - به خاطر مدیریتهای کارآمد، به حدّ مطلوب رسیدیم. بسیاری از بیگانگان، دشمنان و رقیبان حتی حاضر نیستند این واقعیت را باور کنند؛ ولی بالاخره باور میکنند؛ چون آثارش را در گوشه کنار می‌بینند. ما در بخشهای صنعت دفاعی از کجا به کجا رسیده‌ایم؟ در دوران جنگ، ما در تولید ساده‌ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده - که خیلی از کشورهایی که نسبت به ما سابقه‌ی بیشتری در صنعت دارند، از آن محرومند - به وسیله‌ی همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز، در بخشهای دفاعی ما ساخته میشود. توانایی صنعتی، قابل انحصار نیست. اگر در جایی استعداد و ظرفیتی وجود دارد، به کلّ بخش صنعت قابل تعمیم است. در بخشهای تولیدی دیگر نیز همین‌طور است. ما دهها سد در این کشور ساختیم. بنده به یاد می‌آورم که اوایل انقلاب در یکی از سدها نشت آب وجود داشت. آن روز بعضی افراد جمع شدند و گفتند: همان مهندسهایی که این سد را ساخته‌اند، باید بگوییم از فلان کشور اروپایی بیایند و جلو نشت آب را از این سد بگیرند. اما همین جوانان و نیروهای مؤمن و متعهد و همین مدیران دلسوز ما در این چند سال، دهها سد ساخته‌اند. امروز بزرگ‌ترین سدّ منطقه را - که سدّ کرخه است - بچه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته‌اند. چهار، پنج سال قبل از این، هنگامی که سدّ کرخه را می‌ساختند، من رفتم از آن بازدید کردم؛ دیدم روی کوه روبه‌روی سد با خط درشت - که از چند کیلومتری خوانده میشد - این فرمایش امام را نوشته‌اند که «ما میتوانیم». بله میتوانیم. هم در بخش بازرگانی و سایر

بخشهای خدمات، هم در بخش صنعت و معدن و هم در بخش کشاورزی، باید مدیریت دلسوز و متعهد زمام کار را در دست گیرد. سیاستهای کلی اعلام شده در این بخشها هیچ ابهامی ندارد. من میدانم مسئولان بخشهای گوناگون صنعت آیا این سیاستها را مورد توجه قرار داده‌اند و مطالعه میکنند یا نه؟ برنامه‌ها اگر طبق این سیاستها تدوین و با مدیریت اجرا شود، ما به طور محسوس شاهد گشایش کارها و راه‌ها خواهیم بود. در بخش کشاورزی و دامداری - که یکی از بخشهای مهم ماست - اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خودکفایی برسیم؛ همچنانی که در یک وقت این کار تجربه شد و جهاد سازندگی در چند سال گذشته، کشور را از واردات مواد لبنی بی‌نیاز کرد. مردم ما ناچار بودند پنیر و بقیه‌ی مواد لبنی وارد شده از خارج را مصرف کنند؛ اما امروز احتیاجی ندارند؛ چون خودکفایی پیدا شد و ما امروز صادر هم میکنیم. اخیراً مسئولان بخش کشاورزی به بنده اطلاع دادند که قادرند کشور را در زمینه‌ی موارد مصرفی اصلی کشور به خودکفایی برسانند؛ یعنی ما گندم و برنج و روغن نباتی و ذرت وارد نکنیم. ما این توانایی را داریم؛ اما همت و تعهد و ایمان و اعتقاد به نظام اسلامی و ترس از مؤاخذه‌ی الهی در مدیر لازم است تا این کارها بشود. اگر مدیران این چیزها را در خود رعایت کنند، آن موفقیت حاصل خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۱۱- نظارت و پیگیری

نظارت بر زیرمجموعه هم خیلی مهم است. من اصرار و تأکید دارم که شما دوستان عزیز - که مسئولان بالا و مدیران ارشد هستید - مسئله‌ی نظارت بر زیرمجموعه‌ی خودتان را بسیار اهمیت بدهید. چشمهای بینا و بصیر و باز شماست که وقتی در دایره‌ی مسئولیتتان میچرخد، میتواند صحت کار و پیشرفت کار را تضمین کند. اگر چنانچه

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰

شما غفلت کردید، ممکن است در همان بخشی که غفلت کرده‌اید نابسامانی انجام بگیرد. مجموعه‌های انسانی مثل ماشین نیستند که انسان یک دکمه‌ای را بزند و این ماشین به خودی خود شروع کند به کار کردن. مجموعه‌های انسانی مجموعه‌هایی از اراده‌ها، فکرها، نظرها، سلیقه‌ها و خواهشهای نفسانی صحیح و غلط هستند. خب، این چیزی را که شما تصمیم گرفتید، تدبیر کردید و بناست در مجموعه‌ی شما انجام بگیرد، ممکن است یک جا با یک مانعی از همین خواهشها و فکرها و سلیقه‌ها و اراده‌های گوناگون برخورد بکند و متوقف بشود. مثل یک جریان آبی که به یک سنگی برخورد میکند؛ یک جریان باریک، به یک ریگ هم برخورد کند برمیگردد. خب، باید این مانع را برطرف کنید. این نمیشود مگر با نظارت. نظارت، بسیار مهم است.

خود آقای رئیس‌جمهور هم همین جور. البته نظارت رئیس‌جمهور نسبت به وزرا، با استقلال وزرا در کارشان نباید تنافی پیدا کند. چون وزرا مسئولیت قانونی دارند و از مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند و باید استقلال داشته باشند. لیکن این نظارت حتی در مورد وزرا هم وجود دارد. استقلال عمل آنها محفوظ، اما نظارت رئیس‌جمهور هم با شدت تمام بایستی انجام بگیرد. یکی هم این است.

یکی مسئله‌ی پیگیری مصوبات است؛ به خصوص مصوبات سفرها و وعده‌هایی که داده میشود. شما به جایی مسافرت میکنید؛ مثلاً گفته میشود دولت صد یا دویست مصوبه برای آنجا داشت؛ باید به طور جدّ دنبال کنید که اینها تحقق پیدا بکند. خب، میدانید که بنده در زمینه‌ی آمارگیری و آماردهی زیرمجموعه‌ها به مسئولان بالا، تجربه‌ی طولانی‌ای دارم - هم در دوره‌ی ریاست جمهوری، هم بعد از آن - زیاد اتفاق افتاده که می‌آیند و گزارش میدهند که آقا! این کار شد، این کار شد، این کار شد! وقتی انسان نزدیک میرود، میبیند که گزارش دروغ نیست، اما درست هم نیست. یک نکته‌ای در این هست؛ به شما دروغ نگفته‌اند، اما آنی که شما میخواهید، اتفاق نیفتاده و انجام نگرفته است! پس مواظبت

کنید که آن چیزی که شما میخواهید، انجام بگیرد. گزارشهای مکتوبی که همراه با آمار و ارقام به ما میدهند، ممکن است در آنها چنین اختلالی وجود داشته باشد. لذا باید خیلی بادقت و احتیاط و وسواس، این مصوبات - به خصوص وعده‌هایی که به مردم داده میشود - تعقیب بشود و پیگیری بشود.

همانطور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را میشنوند، کأنه از جنس خودشان یک حرفی میشنوند؛ چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمیزنید؛ خب، طبعاً توقعاتشان زیاد میشود. پس این خوب است؛ اما توقعات را هم زیاد میکند. اگر چنانچه یک جایی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می‌آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد. آنچه وعده میدهید انجام بگیرد. اگر نمیشود، همان وعده‌ای که داده‌اید، صاف بیاید به مردم بگویید نمیشود.

در همان اوایل ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی‌نژاد، به ایشان گفتم که این مورد - یک مورد خاصی است که نمیخواهم اسم بیاورم و قبل از دولت ایشان تصمیمگیری شده بود - ممکن است برایتان مشکلات درست کند، بیاید صاف و روشن به مردم و به همان مسئولین بگویید آقا، این کار را ما نمیتوانیم انجام بدهیم! از شما قبول میکنند. البته ایشان مصلحت ندانستند و آن کار را نکردند؛ بنده هم الزامی و اجباری نگفته بودم، پیشنهاد کردم. من عقیده‌ام این است اگر چنانچه یک کاری را نمیتوانید انجام بدهید - مثلاً به فلان استان رفتید و فلان وعده را دادید؛ حالا می‌بینید مشکلات و تورم ایجاد میکند یا ممکن است کارهای دیگری را لنگ کند - خیلی خب، صاف بروید بگویید: آقا! ما این را تصمیم گرفتیم، حالا متأسفانه نمیشود انجام بدهیم. این بهتر است از اینکه کار انجام نگیرد. این هم یکی.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

## ۱۲- مبارزه با فساد

ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون - همانطور که اشاره کردند و درست هم هست - پیشقراول توسعه‌ی اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم - که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند - پیش برد. ما این را در سیاستها هم آورده‌ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده میکنند. ما قویاً معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسئولان موظف و در میان آنها، به بدنه‌ی اقتصادی کشور سرایت میکند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود. این مبارزه‌ای که ما در پیام اخیر، مسئولان قوای سه‌گانه را به آن دعوت کردیم، باید جدی گرفته شود. این وسیله‌ای برای احساس امنیت و اطمینان سرمایه‌گذار سالم است؛ سرمایه‌گذاری که قصد سوء استفاده ندارد؛ قصد استفاده دارد. البته هر کس که سرمایه‌گذاری میکند، برای سود سرمایه‌گذاری میکند؛ اشکالی هم ندارد؛ سود مشروع است. باید بین سود مشروع و نامشروع فاصله ایجاد کرد. باید جلو سودهای نامشروع - که عمدتاً به خاطر عدم تعهد و دلسوزی و همچنین لغزشهای گوناگون از سوی بعضی از مسئولان و مدیران است - گرفته شود و با پدیده‌ی قاچاق - به معنای حقیقی کلمه - مبارزه گردد. من اخیراً به مسئولان محترم این نکته را گفته‌ام، به رئیس جمهور محترم هم آن را مؤکداً گفتم که پدیده‌ی قاچاق و قاچاق‌فروشی، ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه‌ی برنامه‌ریزی‌هاست. این از لحاظ شرعی، یک عمل ممنوع و حرام قطعی است؛ چون موجب افساد است. جای مقابله با فساد قاچاق، فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد تا آنجایی که در معرض فروش قرار داده میشود. جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود میکند. بخش بازرگانی و بخش تولید و

صنعت میتوانند به هم کمک کنند.<sup>۱</sup>

### اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است

مبارزه‌ی با فساد، یک جنبه‌ی اخلاقی محض نیست؛ اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره‌ی مبارزه‌ی با فساد به مسئولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه‌ی وسیع و همه‌جانبه بود. از هر طرف می‌بینیم، اگر با فساد مبارزه نشود، همه‌ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می‌کند. استخری را در نظر بگیرید که از چند چاه عمیق با لوله‌های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته میشود، اما استخر پُر نمیشود. وقتی نگاه میکنید، می‌بینید بدنه‌ی استخر ترک خورده و ته آن سوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می‌ریزد، از آن طرف بیرون میرود؛ به کانالهایی که شما در نظر گرفته‌اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمیرسد. فساد در جامعه، اینطوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد. البته نباید بزرگنمایی کرد. بعضی‌ها جنجال و بزرگنمایی میکنند و طوری حرف می‌زنند که گانۀ این سرطان همه جا را گرفته؛ نخیر، اینطوری نیست. این همه ما دستهای پاکیزه، چهره‌های پاکیزه و انسانهای پاکیزه در دستگاه‌های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه‌ی فساد، همه‌ی بدن را آلوده میکند. وقتی یک جای بدن بیمار میشود و درد می‌گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد میشود - انسان شب خوابش نمیبرد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندان ناسالم خواب را از انسان می‌گیرد. فساد، اینطوری است؛ باید با فساد مبارزه‌ی جدی کرد. یک پایه‌ی مبارزه، شما باید. آن روزی که بنده مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰



احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه اینطور نشد. آنها نکردند، شما نکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته‌سنجمان، با دستمال کثیف نمیشود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه‌ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه‌ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند.

به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه‌ها بترسید. امام سجاد (علیه‌الصلاة والسلام) در دعای صحیفه‌ی سجّادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا میکنند، از جمله‌ی چیزهایی که روی آن تکیه میکنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه‌ی به «الْمَالِ الْفُتُونِ»<sup>۱</sup> - مال فتنه‌انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه‌انگیز است و خیلی‌ها را می‌لغزانند. ما آدمهای درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به اینجا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدّس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. اینکه در قرآن از اول تا آخر این همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده‌خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شماها تصمیم گرفته‌اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری‌های بیخودی تجدیدنظر کنید، حقیقتاً خوشحال شدم و به بانیان این کار دعا کردم. مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می‌خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می‌خواهد. واقعاً من تشکر میکنم از اینکه شما در این راه وارد شدید و همت گماشتید. این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفشیرید. هرچه میتوانید، منطقی و صحیح رفتار کنید. البته ما توصیه نمیکنیم و توقع هم نداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشنگی و تشنگی بکشند و زهد به خرج دهند - نه ما اینطوریم، نه شما اینگونه‌اید - ما میگوییم زیاده‌روی و اسراف نشود و کارهای بی‌قاعدّه و خرجهای بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سرجمع همه‌ی این خرجها

۱ الصحیفه السجّادیه (علیه‌السلام) دعای ۲۷

مبلغ خیلی کلانی هم در مجلس نشود؛ اما وقتی شما این راه را قطع کردید، دست مردم و دستگاه‌ها الگو می‌دهید و راه و جهت را مشخص می‌کنید. کار شما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنید.<sup>۱</sup>

تا آنجایی که می‌توانید از فساد پاک کنید. من روی مسئله‌ی فساد خیلی تکیه کرده‌ام و ممکن است بعضی به نظرشان بیاید که تکراری است و چرا؟ نه من اعتقاد راسخ دارم مادامی که ما مجموعه‌ی دستگاه اجرایی خودمان را - اعم از دستگاه‌های قوه‌ی مجریه و دستگاه‌های قوه‌ی قضائیه - از فساد مالی و انحراف از روشهای قانونی و صحیح خالی نکنیم، همه‌ی کارهای ما مثل همان آبی - گزارش دادند که ما از مصرف آب کشور درست استفاده نمی‌کنیم؛ مثل همین آبیاری‌های غرقابی، یا مثل همین یارانه‌هایی که دولت می‌دهد و بخش عمده‌ی آن هدر می‌رود و بخشی از آن به جایی که باید برسد، می‌رسد - که گزارش دادند، هدر خواهد رفت. من بارها این را گفته‌ام، مثال زده‌ام و تکرار کرده‌ام که فساد در دستگاه اجرایی مثل این است که ما چندین لوله‌ی قطور آب به استخری وارد می‌کنیم؛ اما استخر پُر نمیشود؛ این همه تلاش انجام می‌گیرد، درعین حال انسان زوایای خالی را مشاهده می‌کند، که بخش عمده‌ای از این، مربوط می‌شود به فساد مالی و به رخنه‌های اخلاقی که در مجموعه‌ی دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. باید با اینها مبارزه و مقابله کنید. تا یک عزم جدی و راسخ برای مقابله‌ی با اینها وجود نداشته باشد - که حالا بحمدالله این عزم هست و انسان آن را می‌بیند - و به دنبال آن عزم، عمل، تحرک، دنبالگیری و عدم اغماض نباشد، ریشه‌ی فساد بیرون نخواهد آمد و همین‌طور روی مجموعه‌ی فعالیتهای مخلصانه‌ای که در مجموعه‌ی دستگاه انجام می‌گیرد، تأثیر می‌گذارد.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۲۷

۲. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۶/۴

## ه) الزامات و شرایط معنوی و رفتاری

### ۱- توجه به الگوی شخصیتی ایده‌آل

امیرالمؤمنین در شخصیت خود، مظهر خصوصیات است که امروز اگر ما مردم و مسئولان این خصوصیات را در رفتار و گفتار خودمان منعکس کنیم، جامعه‌ی اسلامی مان اوج و اعتلاء پیدا خواهد کرد. راه تعالی و پیشرفت و اصلاح دنیا و آخرت یک ملت، یک راه پیمودنی است. در مقابل انسان مؤمن و معتقد به خدا و به رسالت انسان، بن‌بست وجود ندارد. یک ملت میتواند همه‌ی مشکلات و همه‌ی سنگ راه‌ها و خار راه‌ها در طریق کمال را از جلو پای خود بردارد؛ به شرط آنکه خصوصیات را که برای این حرکت عظیم و همه‌جانبه لازم است، در خود به‌وجود آورد و امیرالمؤمنین مظهر این خصوصیات بود. امیرالمؤمنین، هم مظهر تقوا و امانت و هم دارای صدق و صراحت بود. آن بزرگوار با اینکه یک سیاستمدار و رئیس دنیای اسلام بود و تدبیر امور یک جمعیت عظیم چند ده میلیونی آن زمان، با نبود وسایل امروزی برای ارتباط، بر دوش او بود و جامعه و امت اسلامی را اداره میکرد، اما سیاستمداری علی موجب این نمیشد که از جاده‌ی صداقت و صراحت کنار رود. علی، صادق و صریح بود؛ آنچه میگفت، به آن معتقد بود و برای او راهنمای عمل بود. برای این است که کلمه، کلمه‌ی گفتار امیرالمؤمنین در طول تاریخ مثل نورافکنی برای زبندگان و نخبگان فکری عالم درخشیده است.<sup>۱</sup>

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) ۱۳۸۰/۱/۱

## ۲- اصلاح درونی

عزیزان! روز ماه رمضان است؛ روزها و ساعات متبرکی است. همه باید از این ساعات و روزها استفاده کنند. استفاده‌ی حقیقی من و شما از این ساعات و از این روزها و شبها این است که از خدا بخواهیم و خودمان هم مجاهدت کنیم تا بتوانیم مانند یک کارگزار اسلامی واقعی، یک مسئول حقیقی مؤمن و اسلامی، در هر بخشی که هستیم، عمل کنیم. باید اینطور شود و چاره‌ای هم نیست؛ یعنی اصلاً نمیشود تحمل و قبول کرد که ما اجازه دهیم این فسادها در بین ما رواج پیدا کند؛ نه آن کارها باید بشود و همه هم مسئولند. باید تلاش شود، این مجاهدتها باید بشود، این اصلاحها باید صورت گیرد. اولین قدم اصلاح - که اصلاحات گفته میشود - اصلاح درونی خود ماست؛ یعنی این مجموعه‌ی مسئولان نظام بایستی خودشان را از این روشها و منشها و خلقیات و رفتارهای غیر اسلامی خلاص کنند و نجات دهند. اگر این کار صورت گرفت، آنگاه پیشرفت کارها ممکن خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۳- اخلاص

در جنگهای پیامبر، در احد آن وقتی که همه به جز اندکی رفتند و امیرالمؤمنین از پیامبر دفاع کرد، در خندق آن وقتی که همه از مبارزه‌ی با عمرو بن عبدود سرپیچیدند و آن حضرت مکرر داوطلب شد، در قضیه‌ی خیبر، در قضیه‌ی آیات برائت، بعد از رحلت پیامبر، در ماجرای انتخاب جانشین برای پیامبر در سقیفه، در شورای تشکیل‌شده‌ی بعد از درگذشت خلیفه‌ی دوم، در همه‌ی این موارد امیرالمؤمنین فقط و فقط رضای الهی را در نظر گرفت و خالصاً لله آن چیزی را که به نفع اسلام و مسلمین بود، انتخاب کرد و «خود» را دخالتی نداد. در وقتی که خلافت را قبول کرد، در بیست و پنج سالی که از خلافت دور ماند، در همکاریاش با خلفا، در کارش برای اسلام، در حضورش در میدان جهاد و کار و

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

مبارزه و خدمت به نظام اسلامی، در تعلیم مردم، در تربیت و تزکیه‌ی انسانهای جامعه و بعد در دوران خلافتش در برخورد با جناحهای مختلف، که هر کدام شعارهای داشتند و دارای خصوصیتی بودند و در همه‌ی موارد دیگر، علی‌بن‌ابی‌طالب، همان علی‌بن‌ابی‌طالبی است که خدا می‌پسندد و رسول خدا انتخاب میکند و برمی‌گزیند؛ بنده‌ی خالص خدا. این، آن چیزی است که من و شما باید رشحه‌ای از آن را در عمل و زندگی خود از علی‌بن‌ابی‌طالب بیاموزیم و عمل کنیم. در آن روز، این باعث پیشرفت اسلام شد و همین است که اگر یک قطره‌ی از آن در وجود انسانی باشد، او را به موجودی مفید برای اسلام و مسلمین تبدیل میکنند.<sup>۱</sup>

■ کار را با اخلاص و برای خدا انجام دهید؛ چون کار شما برای اداره‌ی یک کشور اسلامی است و این آن چیزی است که خداوند متعال بزرگ‌ترین عبادتها را در این حد نمیشناسد. واقعاً اگر شما عالیتین عبادات فردی را محاسبه کنید، در قبال این قرار نمیگیرد که انسان برای اداره‌ی یک کشور به شکل اسلامی تلاش کند. این از همه‌ی تلاشهای فردی - اگر با اخلاص انجام گیرد - بالاتر است. اگر اخلاص باشد و برای خدا باشد - همانطور که عرض کردیم - این کار فرصت بزرگی برای شماست و از همه‌ی کارهای فردی و عبادات فردی بالاتر است. البته اگر برای خدا نباشد و اخلاص در کار نباشد، این اجر را که ندارد هیچ، پیشرفت هم ایجاد نخواهد شد.<sup>۲</sup>

■ باید با همان نواخت اول، حرکت ادامه پیدا میکرد. وقتی که مجاهدان، در لحظه‌ای که باید بیش از همه، مخلصانه وارد عمل بشوند، با دید سیاسی مصلحت‌اندیشانه و سودجویانه به قضایا نگاه کردند؛ این گروه خواست آن گروه را پس بزنند؛ آن گروه خواست فلان قومه را تصرف کند، کار خراب شد. حالا هم راه همان چیزی است که در این

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰/۱/۱۶

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت ۱۳۷۷/۶/۲

ده، یازده سال، بلکه اگر یک مقدار از جلوتر ببینیم، در این پانزده، شانزده سالی که مبارزات شما برادران افغانی با دولتهای جائر حاکم بر افغانستان شروع شده؛ همانطور که حرکت میکردید، همانطور حرکت کنید؛ یعنی با نیت خالص برای خدا و عملی که در آن، هیچ اثر و نشانه‌ای از اهوای نفسانی نباشد. این، راه پیشرفت است.<sup>۱</sup>

#### ۴- اعتماد به خدا و احکام الهی

همیشه‌ی سالهای گذشته، وقتی مسئله‌ی مبعث و خاطره‌ی بزرگ بعثت مطرح میشده است، هم ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه‌ی آن بعثت عظیم نبوی دانسته، هم این سؤال لااقل در ذهنهای افرادی از مردم - از خواص و اهل نظر - پیش آمده است که راز پیشرفت اسلام در آن روزگار غربت معرفت و عمومیت جهل، که همه‌ی دنیا را پر کرده بود، چه بود. فقط در منطقه‌ی عربی نبود که جاهلیت حاکم بود. در دو امپراتوری عظیم آن روز - یعنی امپراتوری ایران ساسانی و امپراتوری روم - همین جاهلیت وجود داشت؛ در آن مناطق هم از عدالت خبری نبود؛ در آن مناطق هم تبعیض بود. در همین ایران، درس خواندن و معرفت آموختن، مخصوص به طبقاتی بود و عامه‌ی مردم حق نداشتند درس بخوانند. برده‌داری به بدترین شکلش، معامله‌ی با ضعفا به بدترین شکل، مسئله‌ی زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل. همه‌جا جاهلیت بود؛ همه‌جا معرفت غریب بود. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دلها و ذهنها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقی انسانی با سرعت پیش رفت. نیم قرن از دوران بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای آباد عالم، در حیطه‌ی تصرف اسلام قرار گرفت. این چیز کمی نیست. هر جا اسلام رفت، توده‌های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع

۱. در دیدار با اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان ۱۳۶۹/۱/۲۲

و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست اینطور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلامی را پایه‌گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تالولو و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ اینها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ این، موضوع یک بحث خیلی طولانی است. محققان و نویسندگان روی این مسئله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند. آنچه من امروز می‌خواهم در دو، سه جمله بیان کنم، بخشی از این حقیقت است.

یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتماد به خدا و احکام الهی بود: «أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ»<sup>۱</sup>. خود پیامبر و مؤمنین صدر اول، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان، عامل بسیار مهمی است. یک عامل دیگر، لااقل در رأس این حرکت این بود که به خود - آنچه به شخص و به بهره‌مندی‌های مادی برای خود انسان برمیگردد - بی‌اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج‌البلاغه، در کلمات نبی اکرم و ائمه علیهم‌السلام و بزرگان درباره‌ی بی‌رغبتی به دنیا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم، به‌خاطر تأثیر عظیم این عامل است. البته دشمنان اسلام و کجفهمان مسلمین، گمان کردند یا وانمود کردند که اگر در اسلام گفته شده است زهد؛ یعنی دنبال دنیا به معنای مظاهر عالم وجود و مظاهر زندگی نروید. در حالی که مسئله این نبود؛ بلکه دنیای بد و دنیای مذموم و اینکه من و شما، خود و منافع مادی خودمان را هدف قرار دهیم و دنبال آن باشیم، مورد نظر بود. این، آن چیزی است که بیچاره‌کننده و ویران‌کننده و اساس بدبختی‌هاست.<sup>۲</sup>

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵

۲. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۸/۱۵

■ آن قوانینی که در ساختن من و شما و در ساختن این طبیعتی که ما در آن زندگی میکنیم - آب، خاک، باد، زمین، صنعت، معدن، دریا، حیوانات و سایر موارد - به کار رفته، قوانینی است که اگر شما برطبق دستورالعمل شرع و دستورالعمل اسلام عمل کردید، این قوانین در خدمت شمايند؛ مثل همین که گفتم اگر شما کشتی را درست هدایت کنید، اتفاقاً باد موافق هم در سمت شماست. وقتی که شما با اسلام حرکت کنید، خلاف جریان حرکت طبیعی نیستید؛ زود پیشرفت میکنید؛ چیزی نمیگذرد که می بینید کشور آباد شد، اقتصاد رونق گرفت، مناطق کویری آباد شد، مناطق محروم آباد شد، کارخانجات به نفع مردم به راه افتاد و درخت زندگی مردم سرشار از رونق و حیات خواهد گردید.<sup>۱</sup>

### ۵- ایمان

جوانانی که اهل مقولات روشنفکریند، باید در میدان فعال شوند. جوانان! خودتان را بسازید. یک ملت اگر بخواهد راه رشد و کمال و پیشرفت را طی کند، باید از لحاظ ایمان فکری، به جای محکمی متکی باشد. آن ملتی، آن نسلی، آن جوانی که بخواهد به یک مجموعه ی هرهری مذهب، بی ایمان، بی اعتقاد به بنیانهای اخلاقی و دینی و معنوی دل بسپارد و با حرف آنها پیش برود، زیر پایش سست خواهد شد. نسل جوان، همانی خواهد شد که در دوران رژیم پهلوی بود؛ یأس آور، بی فایده، مایل به فساد، آماده برای کجروی. آن وقت برای آنکه کسی آنها را باز از آن راه، به راه راست حرکت دهد، معونه ی زیادی لازم است؛ حرکتی مثل انقلاب اسلامی لازم است که به آسانی در قرنی - بلکه قرنهایی - در این کشور پیش نمی آید.<sup>۲</sup>

■ امروز تلاش تبلیغی و فرهنگی گسترده ای از سوی دشمنان ایران و اسلام به کار میرود تا مایه ی اصلی استقلال و سربلندی و پیشرفت کشور

۱. در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

۲. در جمع دانشجویان دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۲/۲۲



را که همان ایمان و تعهد به اصول انقلاب است، از ذهن و عمل جوانان بزدايند. همه در جهان دانسته‌اند که شکست تاریخی جبهه‌ی استکبار در مقابل انقلاب اسلامی، بیش از همه از ایمان صادقانه‌ی جوانان نشأت گرفته است و دشمن با هزار زبان و هزار وسیله، به تهاجم بر این سنگر استوار دست زده است.<sup>۱</sup>

اگر ما می‌خواهیم این کشور پیشرفت صنعتی کند، پیشرفت مادی کند، پیشرفت فرهنگی کند، رتبه‌ی اول منطقه را - همانطور که در سند چشم‌انداز آمده - حائز شود، این در سایه‌ی انگیزش دینی و ایمان امکان‌پذیر است. وقتی ایمان بود، انسان دنبال ایمان حرکت میکند و با همه‌ی سختی‌ها هم می‌سازد.<sup>۲</sup>

#### ۶- رابطه با خدا و دعا و نیایش

همین رابطه‌ی با خداست که سینه‌ها و دل‌ها را منشرح میکند؛ راه را برای انسان باز میکند؛ عزم و اخلاص به انسان میدهد؛ به کارها برکت می‌بخشد؛ توفیق الهی را بر سر انسان سایه‌گستر میکند و نتیجه‌ی آن، پیشرفت در خط اصیل ارزش‌های اسلامی است. این روزها و این ساعات باارزش را هرگز از دست ندهید.<sup>۳</sup>

کسی خیال نکند در زندگی ملّتی که در حال سازندگی است، دعا و تضرّع نقش زیادی ندارد. به‌عکس، ملّتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می‌خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده‌ای برای دعا و توجه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد. شما در تاریخ اسلام مشاهده میکنید که معصومین علیهم‌السلام، از جمله خود نبی اکرم و امیرالمؤمنین علیهما‌الصلا والسلام، در میدانهای جنگ، در صحنه‌های پرخطر و در

۱. پیام به مناسبت گردهمایی مسئولان انجمنهای اسلامی دانشگاه‌ها ۱۳۷۷/۵/۱۰

۲. در دیدار فرهنگیان و معلمان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۲

۳. در دیدار عمومی مردم قم ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

هنگام کارهای بزرگ، دست توسل و دعا باز میکردند. کسی نمیتواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمیکردند. بالاتر از تلاش آنها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه‌ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالیانی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما درعین حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرع و انابه و استغفار و طلب و مسألت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت. یک ملت اگر بخواهد در راه خود توفیق یابد، باید رابطه‌ی خود را با خدا درست و اصلاح کند. اگر بخواهد کارهای بزرگ انجام دهد باید از خدا استمداد کند. انسان اگر بخواهد خوف از دشمنان را از دل خود زایل کند، نباید از قدرتهای بزرگ بترسد. چون بدبختی ملتها وقتی است که از قدرتها و قلدران و قداره‌بندان بین‌المللی بترسند. یک ملت، آن وقت رو سیاه میشود و در جاده‌ی سراشیب حضيض و بدبختی می‌افتد که از زورگویان عالم بترسد. اگر ملتها از زورگویان بترسند، بدبخت خواهند شد. همین‌طور اگر دولتها و رؤسا و مسئولین کشورهایی که امروز در دنیا هستند از قدرتهای مدعی و گستاخ بین‌المللی بترسند، دست و پایشان بسته خواهد شد. راه پیشرفت یک ملت؛ راه اینکه یک ملت بتواند از قدرت و امکانات خود درست استفاده کند، این است که از قلدران و زورگویان و قداره‌بندان و سرگردنه‌بگیران بین‌المللی بترسد.<sup>۱</sup>

## ۷- تقوا

سه چیز را به یاد داشته باشید: نخست، تداوم حرکت را هرگز متوقف نشوید و دائماً به پیش بروید. دوم، به کیفیت بسیار اهمیت دهید؛ حداقل به اندازه‌ی کمیت. سوم، پرداختن به تقوای خود و دانشجویانتان. این، پشتوانه‌ی حقیقی پیشرفت و راز پیروزی است.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار قشرهای گوناگون مردم از شهرهای مختلف ۱۳۷۳/۲/۲۸

۲. یادداشت در دفتر یادبود دانشگاه هوایی، به هنگام حضور در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان این دانشگاه ۱۳۶۹/۸/۲۸

■ «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>. عزیزان من! باید به خدا برگردید؛ خدا را فراموش نکنید. جوانان عزیز! مواظب اخلاق الهی و اسلامی که ودیعه‌ای است در میان این ملت، باشید. امروز یکی از هدفهای اساسی دشمنان شما این است که اخلاق جوانان این ملت را فاسد کنند. برای این کار تلاش و سرمایه‌گذاری میکنند. چه کسی باید مواظب باشد؟ همه؛ مخصوصاً جوانان؛ جوانان مؤمن.

آن ملتی که با خدا آشتی باشد؛ آن ملتی که تضرع و توسل به خدا را فراموش نکند، راه سازندگی‌اش هم هموارتر خواهد شد. «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً ۖ إِلَى قُوَّتِكُمْ»<sup>۲</sup>. قرآن اینگونه به ما یاد میدهد؛ یعنی استغفار، به خدا برگشتن، توجه و رعایت امر و نهی الهی، پاکدامنی، تقوا، راستگویی، روح برادری و برابری، احسان به زیردستان، تواضع در مقابل برادران و خواهران مسلمان، کمک به درماندگان، عبادت پروردگار، نوافل، تلاوت قرآن، دعا و توسل و تضرع.

وقتی این ارزشها در یک کشور و در میان ملتی وجود داشته باشد، اگر همراه با آن، عامل دیگر هم که تلاش باشد، بشود، هیچ چیز نخواهد توانست آن ملت را از پیمودن راه سعادت و صلاح باز بدارد. مراقب باشید دوران سازندگی، دوران جهاد اکبر هم هست: خودسازی، مبارزه با شیطان و مبارزه با نفس و توبه‌ی الی‌الله.<sup>۳</sup>

■ برادران و خواهران! تقواست که لطف و رحمت خدا را به شما متوجه میکند. تقوا و پرهیزکاری و جدیت در راه خداست که برکات الهی را جلب میکند؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۴</sup>. تقوا، شما را در مقابل استکبار و قدرتهای ظالم

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۱

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۵۲

۳. در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲

۴. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۶

پیروز میکند. تقوا، پیام شما را در ذائقه‌ی ملت‌های مظلوم شیرین میکند. تا حالا هم هرچه پیروزی و پیشرفت بوده است، ناشی از تقوای با تقواها و پرهیزگاران بوده است.<sup>۱</sup>

تقوا موجب رحمت الهی است. به خودمان مغرور نشویم. مغرور شدن ملت‌ها و مسئولان ملت‌ها همیشه مایه‌ی سرنگون شدن و سقوط آنها شده است. هیچکس نگوید «من» کردم. خدای متعال در قرآن با لحن استهزاء آمیز نافذ خود میگوید که قارون گفت: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي»<sup>۲</sup>؛ من خودم بودم که با توانایی خودم توانستم به این نقطه برسم! خدای متعال او را در اعماق زمین سرنگون کرد. ما باید تلاش کنیم؛ ما باید مجاهدت کنیم. هیچ ملت‌ی بدون مجاهدت، بدون تلاش، بدون ابتکار، بدون نوآوری، بدون فتح مراحل گوناگون پیشرفت، به جایی نمی‌رسد؛ اما برکت از خداست، توفیق از خداست و تقوا زاد راه است؛ لذا توصیه‌ی همه‌ی پیغمبران تقوا بوده است.<sup>۳</sup>

خیلی از کارهایی که ما می‌کنیم و لغزشهایی که از ما سر می‌زنند، بر اثر عدم مراقبت است. خیلی از گناهان را ما با قصد قبلی انجام نمی‌دهیم؛ از خود غفلت می‌کنیم، زبان ما به غیبت و تهمت و شایعه‌پراکنی و دروغ آلوده میشود؛ دست ما و چشم ما هم همین‌طور. بنابراین غفلت است که ما را در بلا می‌اندازد. اگر مراقب چشم و زبان و دست و امضاء و قضاوت و نوشتن و حرف زدنمان باشیم، بسیاری از خطاها و گناهان بزرگ و کوچک از ما سر نمی‌زنند. اگر مراقب دل خود باشیم، دچار حسد، بدخواهی، بددلی، کینه، بخل، ترسهای بی‌مورد، طمع به مال و منال دنیا و طمع به ناموس و مال دیگران در دل ما رسوخ نمی‌کند. این مراقبت در انسان، جاده‌ی نجات است. عاقبت نیک، در سایه‌ی این

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۲. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۸

۳. در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه‌ی هفتم تیر

۱۳۸۴/۴/۷

مراقبت به دست می‌آید؛ «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>. اگر این مراقبت در انسانی باشد، امکان گناه از او بسیار کم میشود. عدالت یک انسان هم از همین مراقبت سرچشمه میگیرد؛ استقامت یک انسان و یک ملت هم از همین مراقبت سرچشمه میگیرد؛ حق جویی و حق‌پویی هم از همین مراقبت سرچشمه میگیرد. این مراقبت و این تقوا مادر همه‌ی نیکی‌هاست؛ هدایت هم به خاطر این مراقبت ایجاد میشود؛ پیشرفت دنیا و آخرت هم ناشی از همین مراقبت است. وقتی مراقبت کنیم، فکر ما هم بیکار نمی‌ماند؛ دل ما هم به راه کج نمیرود؛ جوارح و اعضای ما هم خطا و لغزش پیدا نمیکنند یا کم پیدا میکنند. دنیا و آخرت زیر سایه‌ی تقواست؛ این درس امیرالمؤمنین است. امروز ما به این درس نیاز داریم؛ نه فقط امروز، بلکه همیشه نیازمندیم؛ اما این مقطع زمانی برای ما مهم است.<sup>۲</sup>

معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد؛ واجبات را بجا بیاورد و محرمات را ترک کند. این، اولین مرتبه‌ی تقواست. محرمات الهی را باید شناخت و دور و بر آن نچرخید و نگشت. شیطان وسوسه‌گر است. وقتی که روحیه‌ی تقوا و دل‌سپردن به خدا و معامله‌ی با خدا و یاد خدا و توجه و ذکر و دعا و توکل، در دل این جوان بسیجی مؤمن - چه دانشجو، چه طلبه، چه قشرهای دیگر، چه شهری، چه روستایی - جا گرفت و رشد کرد، آن‌وقت همان صف مستحکم مرصوصی است که هیچ قدرتی توانایی تکان دادن آن را ندارد. این، ضامن پیشرفت هدفهای اسلام و انقلاب است؛ قدر این را باید دانست.<sup>۳</sup>

ابتکار و کار خستگی‌ناپذیر هم یکی از کارهایی است که ما لازم

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۲۸

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸

۳. در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب

بسیجی ۱۳۷۰/۸/۳۰

داریم. مهار نفس هم مهم است. در جنگ اُحد میدانید چه اتفاقی افتاد. پیروزی پیش آمد، بعد این پیروزی تبدیل به شکست و خسارت شد؛ به خاطر اینکه جمعی نتوانستند نفس خود را مهار کنند. آیه‌ی قرآن میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»؛<sup>۱</sup> آنهایی که در جنگ اُحد نتوانستند خود را حفظ کنند و پایشان لغزید، شیطان به خاطر بعضی از کارهایی که خودشان بر سر خود آورده بودند - نانی که خودشان در سفره‌ی خود گذاشته بودند - آنها را به این بلا دچار کرد. خودشان برای خودشان مشکل ایجاد کرده بودند؛ این عدم مهار نفس است. ما باید نفس خود را مهار کنیم. ما در مسئولیتهایی که قرار گرفته‌ایم، باید به لذات و شهوات و جمع‌آوری ثروت دل نسیپاریم. مقطع ما، مقطع عظیمی است؛ در تاریخ، یکی از مقاطع بسیار حساس و برجسته است. بدانید همه‌ی ما زیر ذره‌بین قضاوت مردم در طول صدها سال آینده قرار خواهیم داشت؛ روی اعمال و کارهای ما قضاوت میکنند. اگر خطا کنیم، بلغزیم و دل به لذت و راحت و شهوت دنیا بدهیم - که این برای انقلاب گران تمام خواهد شد - در پرونده‌ی ما در تاریخ ثبت خواهد شد. پیش خدای متعال هم که معلوم است و عرض کردیم چقدر هم دشوار است.<sup>۲</sup>

خداوند در آیات آخر سوره‌ی مبارکه‌ی حشر میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»؛<sup>۳</sup> تقوا پیشه کنید - یعنی مراقب خودتان باشید - و حواستان باشد که لغزش و اشتباه و انحرافی پیش نیاید؛ و نتیجه‌ی این مواظبت - «و لْتَنْظُرُ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» - باید این باشد که ببینیم برای فردا چه فراهم کرده و از پیش فرستاده‌ایم. بعد بلافاصله میفرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛<sup>۴</sup> خدای متعال بینا و

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۵

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۳. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۸

۴. همان

دانااست. ما باید مراقب خود و بینای کار خود باشیم و حواسمان باشد؛ به نظر من، این خط و جهت اصلی است. اگر این رعایت شد و اهتمام به این گماشته شد، هم طرحهای خوب در مجلس مطرح خواهد شد؛ هم لوایح بموقع تصویب خواهد شد؛ هم وظیفه‌ی نظارتی، خوب انجام خواهد شد؛ هم ملاحظه‌ی حال مردم خواهد شد؛ هم ملاحظه‌ی توسعه‌ی کشور خواهد شد؛ هم ملاحظه‌ی عدالت خواهد شد؛ یک مقدارش را خود ما میفهمیم، یک مقدارش را هم خدا به ما کمک میکند و ما را هدایت و دستگیری میکند. اگر این قدم از اول در این جهت برداشته نشد، همه نوع احتمالی وجود دارد و واقعا انسان نمیتواند مطمئن باشد که چه خواهد کرد و چگونه خواهد شد؛ بنابراین عرض اصلی من این است که مراقب باشید این چهار سال میگذرد.<sup>۱</sup>

#### ۸- طهارت

جوانان عزیز من! پسران و دخترانی که دوران پاکیزگی و نورانیت دلتها و جانها را میگذرانید! شما بیش از دیگران باید قدردان این طهارت باشید و آن را حفظ کنید. کشور شما به فضل پروردگار و به برکت همین طهارت است که آباد و آزاد خواهد شد، توسعه پیدا خواهد کرد، ویرانی‌هایش از بین خواهد رفت و فقر و تبعیض و بدبختی و ناملایمهای گوناگون زندگی در آن، محو خواهد شد.<sup>۲</sup>

#### ۹- از خود گذشتگی

این محققان بزرگی که ما در دنیا می‌بینیم، اعم از آن کسانی که در قرنهای پیش، از میان خود ما برخاستند - مثل ابن‌سیناها، خوارزمی‌ها، خیام‌ها و دیگران - و چه آن کسانی که در قرون اخیر، از بین اروپایی‌ها برخاستند - از قبیل همین دانشمندان بزرگ شیمی و طبیعی و فلکیات و غیره - وقتی به زندگی اینها نگاه میکنیم، می‌بینیم که حقیقتاً خودشان را در زندگی فراموش کردند و زندگی شخصی و راحتی و پول و نفع برای

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۴/۳/۸

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

خودشان را اصلاً در درجه‌ی دوم قرار دادند؛ اقلاً محور قرار ندادند، اگر نگوئیم فراموش کردند. بعضیشان واقعاً آن موارد را فراموش کردند و به نفع تحقیق و علم و کار و پیشرفت، در فقر و مسکنت زندگی میکردند. بعضی دیگر هم اقلاً به تحقیق و علم و کار و پیشرفت اهمیّت دادند و زندگی شخصی را محور قرار ندادند؛ بلکه آن را در حاشیه گذاشتند.<sup>۱</sup>

یک ملت و یک گروه مبارز، اگر آماده باشند که در راه هدف فداکاری کنند، هیچ قدرتی بر آنان فائق نخواهد آمد. راز پیشرفت ملت ایران در این بود. همه‌ی ملتهای مبارز باید این را به یاد داشته باشند.<sup>۲</sup>

#### ۱۰- صبر

آنچه من احساس میکنم، این است که وعده‌ی الهی به ما تاکنون در تجربه‌ی شخصی و کوتاه‌بینانه‌ی ما هم وعده‌ی صادق و عملی بوده است؛ «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۳</sup>. هر جا ما تقوا پیشه کردیم، صبر کردیم و ایستادگی نشان دادیم، خدای متعال اجر ما را ضایع نکرد؛ اما هر جا وادادگی نشان دادیم، ضربه خوردیم و آنجا اختلال به وجود آمد؛ الان هم همین‌طور است. خدای متعال به پیغمبرش فرمود: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ»<sup>۴</sup>. استقامت، یعنی در همین خطّ مستقیم پایداری کردن و پافشاری کردن و زاویه‌ای ایجاد نکردن؛ علاج مشکلات کشور ایران همین است و من و شما باید به این نکته توجه کنیم.<sup>۵</sup>

#### ۱۱- بصیرت

این هوشیاری را هم در دانشگاه‌ها و هم در مدارس افزایش دهید و به دنبال فهم صحیح معارف اسلامی و پایبندی به تکالیف دینی و اخلاق

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۹/۹/۱۹

۲. در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴

۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۹۰

۴. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۲

۵. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵



نیک باشید. این کشوری را که بیست سال است برای بهروزی خود تلاش میکند و این همه قدمهای بلند در دوران خودتان برداشته است، به یک نقطه‌ای از همه جهت برجسته و پیشرفته تبدیل کنید. این کار شماسست و در دست شماسست و از امروز باید مقدماتش را در خودتان فراهم کنید. شرط اول هم این است که پارسا باشید، هوشمند باشید، فکر کنید، دوست را بشناسید، دشمن را بشناسید.<sup>۱</sup>

## ۱۲- امید

امید، بزرگ‌ترین قوه‌ی محرکه‌ی انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار میکند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را ناامید کنید. اگر ناامید کردید، دستهای فعال سست خواهد شد؛ زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد. میخواهند ملت ایران را ناامید کنند. چرا؟ چون می‌بینند که ملت ایران امروز به سوی یک آینده‌ی خوب و روشن که در آن، هم دنیای مادی او تأمین است و هم عزت و سربلندی و ایمان و نفوذ او در سطح دنیای اسلام تأمین میشود، حرکت میکند.<sup>۲</sup>

## ۱۳- تدبیر

یک عنصر دیگری که باز با جوانها باید در میان گذاشت، مسئله‌ی تدبیر است. جوانهای عزیز! تدبیر، رعایت دینی، در حدّ وسع و امکان، این مایه‌ی توجّهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست کم نگیرید. من میخواهم بگویم شما اگر فلان فرمول ریاضی، یا فلان عنصر شیمیایی، یا فلان اختراع را به وجود می‌آورید یا کشف میکنید و پیدا میکنید و حل میکنید، در همان حال

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۸/۸

۲. در اجتماع با شکوه مردم کرج ۱۳۷۶/۷/۲۴

توجه تان به خدا، به شما کمک خواهد کرد. اولاً خدای متعال مدد میکند شما را؛ کارها دست خداست. شاید گفته باشم من، آن روزی که همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال میکردند و کشف میکردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کاظمی، رئیس این مؤسسه‌ی رویان آمده بود با همان جمع پیش من گزارش میداد. گفت من تلفن کردم که بینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده - چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام میکنیم - خانمش بود، گوشی را برداشت و گفت آقای مهندس آن نقطه‌ی آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه میکند. وقتی مرحوم مهندس کاظمی این قضیه را میگفت، هم خودش گریه‌اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه‌اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.

با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایت الهی میتوان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. شماها جوانید. شما با ما فرق دارید؛ این را به شما بگویم. شما خیلی از این جهت جلوتر از ما هستید. دلهای شما پاک، نورانی، بی‌تعلق، بی‌آلایش، مثل یک آئینه‌ی روشن، بلافاصله نور را منعکس میکند؛ آلوده نشده‌اید؛ این را قدر بدانید. با خدای متعال رابطه برقرار کنید. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحیفه‌ی سجّادیه. این صحیفه‌ی سجّادیه پر از معارف دینی است. با این کار بنیه‌ی دینی و انقلابی خودتان را هم محکم میکنید. جوان ما اگر بنیه‌ی دینی‌اش مستحکم باشد، خیلی از این کسانی که در همین شهر شیراز شما و در استان فارس و سراسر کشور - اینجا هم من خبرهایم را دارم - مشغول تلاشند برای منحرف کردن ذهنها به سمتهای گوناگون، وقتی دیدند جوان ما محکم است، میکشند کنار. امروز در همین شهر شما و در جاهای دیگر که حالا نمیخواهم زیاد قضیه را باز کنم، شاید خود شماها خیلی خوب میدانید؛ از عرفانهای مادی پوچ بی‌محتوا گرفته تا ادیان منسوخ تا سازمانهایی که اسمش دین است، باطنش سازمان سیاسی است، مشغول تلاشند، مشغول کشمکشند برای اینکه از این

مجموعه‌ی انبوه نیروی اسلامی هرچه می‌توانند، بکنند؛ کم کنند. جوان ما وقتی بنیه‌ی فکری و اعتقادی‌اش محکم بود، او هم می‌فهمد که دیگر نباید دنبال جوان ما بیاید. این استحکام بنیه‌ی اعتقادی با همین توجه‌ها، با همین تصرُّع، توسُّل به پروردگار، در همین دعا‌های صحیفه سجادیه به دست می‌آید. این دعاها فقط یارب یارب گفتن نیست، لبریز از معارف اسلامی است که اعتقاد انسان را عمیق می‌کند. تلاوت قرآن هم همین‌طور، خود نماز هم همین‌طور. به‌هرحال، این توصیه‌ی من است به همه‌ی شما جوانان.<sup>۱</sup>

#### ۱۴- تعهّد

ملت ما در طول دوران جنگ و انقلاب، مسائل کشور و انقلاب را بر مسائل شخصی ترجیح داد. این فداکاری‌ها و ایثارها، بسیار مهم است. من، امروز هم به آحاد ملت عزیزمان می‌گویم که مسائل کشور و انقلاب را بر مسائل و نیازهای شخصی خود ترجیح بدهند. برای انقلاب و ایران و عظمت و پیشرفت و آبادی کشور کار کنید که در این صورت، منافع همه‌ی قشرها و آحاد کشور هم تأمین خواهد شد. البته، همیشه اقلیتی بودند و هستند که منافع خود را بر منافع کشور و ملت ترجیح می‌دادند و می‌دهند. اینها، کار و روششان مردود است.

برای بازسازی و آبادانی و عمران سرتاسر کشور، برای تقویت دولت و برای پیشرفت هدفها و برنامه‌های اقتصادی‌ای که مسئولان طرح می‌کنند، همه‌ی مردم خودشان را متعهّد بدانند. این، به آبادی کشور خواهد انجامید و همان چیزی است که همیشه چهره‌ی انقلابی ملت ما را در مقابل ملتهای دیگر، چهره‌ی باصلابت و قدرتمندی نشان خواهد داد و این رابطه‌ی معنوی حفظ خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار با ائمه‌ی جمعه، علما، مسئولان و اقشار مختلف مردم نیشابور، قصرشیرین، سرپل ذهاب، گیلانغرب، نفت‌شهر، سومار، رشت، خدابنده و قیدار و جمعی از روشنفکران و گروهی از زائران پاکستانی ۱۳۶۸/۸/۳

### و) اقامه‌ی دین؛ شرط اصلی و نهائی پیشرفت

اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده‌ی این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیم که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس، ایمان است. فرستادن پیامبران الهی برای هدایت انسانها و ایجاد جوامع دینی و الهی در طول تاریخ تا امروز، در درجه‌ی اول برای این مقصود است. لذا میفرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا (۸) لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يُعَزِّزُوهُ وَ يُوقِّرُوهُ وَ يُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا<sup>۱</sup>». یعنی هدف از فرستادن پیغمبران الهی، ایمان به خدا، دل بستن به ذات الهی و راه الهی و دل بستن به آن تعالیمی است که انبیاء الهی به انسان تعلیم داده اند. این در سوره‌ی مبارکه‌ی «آیه ی» است. در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب میفرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا (۴۵) وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ<sup>۲</sup>». رسالت پیغمبر، دعوت به خداست؛ این، اساس کار است. آن چیزی که به عنوان شاخص، میان نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و همه‌ی جوامع بشری وجود دارد، در درجه‌ی اول این نکته است؛ مسئله‌ی ایمان به خدا، ایمان به غیب، ایمان به راهی که خداوند متعال برای سعادت دنیوی و اخروی انسان در مقابل بشر قرار داده است. اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظامهای گوناگون عالم سخنی برای گفتن دارد، مطلبی برای تحدی در قبال نظامهای مادی در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، به خاطر همین است که شاخص عمده، ایمان است. امروز بشر به خاطر بی‌ایمانی،

۱. سوره‌ی فتح، آیات ۸ و ۹؛ ترجمه: «[ای پیامبر،] ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم. ( ۸ ) تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید».

۲. سوره‌ی احزاب، آیات ۴۵ و ۴۶؛ ترجمه: «ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم، ( ۴۵ ) و دعوت‌کننده به سوی خدا...»

دچار منجالبه‌های گوناگون زندگی است. بنابراین شاخص عمده، ایمان است. ایمان به خدا و راه خدا و راه انبیاء - که دنبال آن، عمل به این تعالیم است - فقط برای تعالی معنوی نیست؛ اگرچه عمده ترین ثمره‌ی آن، تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ چون دنیا مزرعه‌ی آخرت است. از حرکت در زندگی دنیا است که انسان میتواند مدارج و معارج را طی کند و پیش برود. لذا زندگی مادی هم در گروی ایمان به خداست. پس ایمان به خدای متعال نه فقط سعادت معنوی را تأمین میکند، بلکه سعادت مادی را هم تأمین میکند. ایمان به خدای متعال موجب میشود که بشر در زندگی مادی خود بتواند همه‌ی آن چیزهایی را که انسان به آن نیازمند است، به دست بیاورد. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»؛ اگر اقامه‌ی دین بشود، اگر تعالیم اسلامی در جامعه عمل بشود، انسانها از لحاظ رفاه به آن حدی میرسند که هیچ نیازی برای آنها باقی نماند که تأمین نشده باشد. از لحاظ آسایش معنوی و روانی انسان، احساس امنیّت و آرامش، باز نقش ایمان برجسته است. به گفته‌ی قرآن: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (۱۵) «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»؛ راه‌های سلامت را، راه‌های آرامش را، راه‌های امنیّت روانی را قرآن به انسان تعلیم میدهد؛ این راهی است که بشر را به آرامش روانی میرساند؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشرفت مادی هست، پیشرفت فناوری و علمی هست، ثروتهای کلان در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست، آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصر اساسی در زندگی انسان است، که عبارت است از ایمان. این یک

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۶؛ ترجمه: «و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند.»

۲. سوره‌ی مائده، آیات ۱۵-۱۶؛ ترجمه: «قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشنگر آمده است. (۱۵) خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود...»

مطلب اساسی با استفاده‌ی از قرآن کریم است که در جمهوری اسلامی، من و شما، همه‌ی آحادمان، همه‌ی جوانهایمان، همه‌ی نسلهای رو به جلو که می‌خواهند فردای سعادت‌مندی را برای کشورشان و برای خودشان و برای فرزندان‌شان تأمین کنند، باید به این توجه داشته باشند. اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه‌ریزی‌ها و در همه‌ی اقدامها.<sup>۱</sup>

■ من بارها گفته‌ام، روز جمعه هم تکرار کردم؛ امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه میکنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهایی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفایی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکاء به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، رأی مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پر مغز - جمهوری اسلامی - هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیتها روزبه روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همت بلند، همت مضاعف و کار مضاعف، که خوشبختانه امسال اثر همت مضاعف و کار مضاعف را انسان در دستگاه‌های مختلف

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

کشور مشاهده میکند. اگر این شد، ملت ایران خواهد شد الگو؛ جمهوری اسلامی خواهد شد الگو. لزومی ندارد ملتها بگویند ایران الگوی ماست - گفتن مهم نیست؛ بگویند یا نگویند - مهم این است که این نسیم جانبخش در محیطهای دیگر بوزد، آنها را متوجه کند و به حرکت در بیاورد؛ و این کار شده است.

اینکه شما می بینید امروز در بعضی از کشورها این حرکات عظیم وجود دارد، اینها که دفعتاً به وجود نمی آید؛ در طول زمان، انگیزه ها و خواستها و معرفتها متراکم میشود و در یک مقطع مناسب بروز میکند. امروز، روز بروز آنهاست. تراکم این انگیزه ها، پی در پی آمدن این معرفتها و خواستها، مربوط به سالهای گذشته است؛ و شما ملت ایران و شما مسئولان سازمانهای مسلح، نقش عمده ای داشتید. این را بایستی حتماً در نظر داشت.

ما امروز در میانه ی میدانیم؛ همچنان که در میانه ی راهیم. حالا تعبیر نمیکنیم در آغاز راه؛ که شاید به یک معنا، با نگاه به بلندمدت، در آغاز راهیم. بالاخره ما در راهیم. باید راه را ادامه داد. آن کسی که راهی را طی میکند، اما خود را به مقصد نمیرساند و برمیگردد، وسط راه یا متوقف میشود یا راهش را منحرف میکند، او تفاوت زیادی ندارد با آن کسی که از منزل خود بلند نشده و اصلاً به راه نیفتاده. در این نتیجه، هر دو مانند هم هستند که به مقصد نرسیده اند و به مطلوب دست نیافته اند؛ بنابراین تداوم حرکت و استمرار حرکت لازم است؛ و این متکی است به همتها، به ایمانها، به تلاشها، به حضور جوانان. امروز خوشبختانه شما جوانها در کارهای گوناگون نیروهای مسلح در رأس قرار دارید؛ کارها دست شماست، متوجه به شماست، نگاه ها به سوی شماست. اگر چنانچه جوان متکی به خدا باشد، توکل به خدا کند، اعتماد به نفس داشته باشد، معجزه می آفریند. همه ی امور زندگی ما و کارهای بزرگی که انجام میگیرد، معجزات الهی است؛ ما عادت کردیم، معجزه بودن آنها را نمیفهمیم. این معجزه ها متکی است به نیرو، به همت و شجاعت و کارامدی افراد. لذا

باید کار را دنبال کرد.<sup>۱</sup>

این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک میکند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر میکند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می افتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین‌جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

۲. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱



### نکاتی در مورد الزامات روش شناختی پیشرفت ضرورت استفاده از راههای میانبر

«آیا فاصله‌ی ما و کشورهای پیشرفته، پرشدنی است یا نه؟» من اعتقادم این است که بله؛ کاملاً پرشدنی است. البته ممکن است از همان راهی که آنها رفته‌اند، ما نتوانیم برویم؛ پرکنیم؛ اما راههای میانبر در دنیا الی ماشاءالله وجود دارد. این طبیعت آفرینش را که خدا به وجود آورده، ما درست نشناخته ایم. هزاران راه وجود دارد. یک راه، همان راهی است که این تملدن صنعتی کنونی دنبالش رفته و پس از هر قدمی، قدم بعدی را به دنبال آورده است. ما چرا ناامید باشیم از اینکه دریچه‌ی جدیدی بازگردد و یک کشف تازه در دنیا بشود؟ یک روز الکتریسته کشف نشده بود؛ یعنی در دنیا وجود داشت، اما آن را نمی‌شناختند؛ ناگهان شناختند و به دست آمد. بله نیروی بخار را شناختند. قبل از آن، آتش را نمی‌شناختند؛ اما بعد شناختند. چرا ما ناامید باشیم از اینکه میتوان در این دنیا چیز ناشناخته‌ای را مجدداً شناخت؛ کما اینکه هر روز چیزهای ناشناخته‌ای شناخته میشود. ما باید در این قسمت کار کنیم و به راهی برسیم که آن راه ما را به پیشرفتهای علمی سریع، کاملاً مجهز کند. علاجش هم فقط به این است که جوانان، به خصوص جوانانی که اهل علم و تحصیل و تحقیق هستند، به کار سخت بپردازند.<sup>۱</sup>

### هشدار در خصوص بیراهه‌ها

همانطور که عرض کردم، از بیراهه‌ها باید ترسید. گاهی اوقات یک چیزها و راه‌هایی را برای پیشرفت پیشنهاد میکنند که بیراهه است. یک نمونه اش را گفتم؛ مثل پیشرفتهای دوره‌ی پهلوی که حقیقتاً بعضی اش توقف و بعضی اش پسرفت و سقوط بود - که حالا جای تفصیلش در

۱. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۲/۷

این جلسه نیست؛ چون وقت نیست - آن یک الگو بود که واقعاً بیراهه بود؛ به ظواهر دلخوش کردن، غربی‌ها را معیار و ملاک قرار دادن و دنبال آنها حرکت کردن که نتیجه‌اش همین میشود که در آن پنجاه شصت سال شوم و سیاه در دوران پهلوی مشاهده شد.

یک نمونه‌ی دیگر از این بیراهه‌ها، نمونه‌هایی است که گاهی ممکن است در زمان ما هم پیدا بشود؛ باید توجه داشت. در این نمونه‌ی دوم، اسمی از ظواهر آورده نمیشود، هویت ایرانی و اسلامی هم مثل آنچه در آن شکل اول دیده میشد، نفی نمیشود؛ لیکن یک حالت نومیدی از تحرک و پیشرفت در این مسابقه در سیاست‌گذاران و سر رشته داران امور و سخنگویان جامعه مشاهده میشود. یعنی نگاهی که به غرب میکنند، یک نگاه به یک نقطه‌ی والا و دست نیافتنی است، اسمش را هم میگذارند واقع بینی! میگویند آقا واقع قضیه چیست؛ امروز اینها از لحاظ علمی اینقدر جلویند، در زمینه‌های گوناگون این همه پیشرفت کرده‌اند؛ این همه نظریات مختلف در علوم انسانی، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی؛ این همه نظر، این همه فکر، این همه نظریه‌ی نو، ابتکاری ارائه داده‌اند؛ ما کی میتوانیم به گرد اینها برسیم؟ یعنی یک چنین روحیه‌ای در آنها وجود دارد. بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزنیم؛ چرا بیخود زحمت میدهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است.

این معنایش این است که یک ملت - حالا ملت ما به عنوان یک نمونه - و ملت‌های گوناگون شرق و ملت‌های مسلمان از جمله، محکوم به این هستند که همیشه دنباله رو حرکت غرب و شاگرد دائمی آنها باشند و هیچ وقت از خودشان امید نداشته باشند که بتوانند در آن سطح قرار بگیرند، چه برسد که از آنها جلو بیفتند؛ هرگز چنین روحیه‌ای نداشته باشند. این، یک بیراهه‌ی بسیار خطرناک است که امروز متأسفانه از سوی

استاد دانشگاه، از سوی متفکر سیاسی، از سوی بعضی از گویندگان مذهبی ترویج میشود؛ این درست ضد تجربه‌ی طولانی‌مدت بشری است. چرا؟ مگر خدای متعال یک دسته از انسانها را اینجور آفریده که همیشه باید جلو باشند؟ کدام واقعیت تاریخی این را نشان میدهد؟ مگر همینایی که امروز در دنیا جلو هستند، در چند قرن قبل از این، ملت‌های عقب افتاده‌ی دنیا در همه‌ی مسائل گوناگون نبودند؟ دوران قرون وسطای اروپا مگر از یاد تاریخ رفته؟ دوران قرون وسطی - من بارها گفته‌ام - دوران تاریکی است، دوران جهل و ظلمت است برای اروپا؛ نه برای کشورهای مسلمان، نه برای ایران. همان دورانی که آنها اسمش را گذاشتند دوران جهل و بی خبری و ظلمت و خواب، همان دوران در کشور ما و در کشورهای اسلامی، دوران عظمت و پیشرفت علم و فلسفه است و پیشرفت سیاسی و اقتدار سیاسی.

این نگاه، خیلی نگاه خطرناکی است. در همین زمینه‌هایی هم که امروز شما مشاهده میکنید که در زمینه‌های علمی در کشورتان پیشرفت وجود دارد، در همین زمینه‌ها هم بالخصوص بعضی‌ها می‌آمدند و میگفتند آقا فایده ندارد! ولی جوان مسلمان، جوان ایرانی، با همت، با انگیزه وارد شد و به سطح دیگران رسید و یک جاهایی هم از دیگران حتی جلوتر هم رفت؛ یعنی به نسبت زمانی که صرف کرده اگر ملاحظه کنید، جلوتر هم رفته؛ بنابراین، این تفکر یکی از آن تفکرات بیراهه است. مطلقاً نگاه نومیدانه نباید داشت. نگاه دین، نگاه اسلام، نگاه قرآنی به انسان این است که: انسان باید تلاش کند؛ تلاش با نظم، با برنامه‌ریزی و بی‌وقفه تا بتواند به نتایج برسد.

### نفی تقلید

یکی از کارها، مشخص کردن اصول است. ما اصولی داریم که باید از این اصول تخطی نشود؛ یعنی به نام فکرپردازی و اندیشه پردازی، از اصول انحراف پیدا نشود. اصول، شاخصهای راه صحیح و صراط مستقیم است. خطاست اگر اصول را به دیواره‌هایی تشبیه بکنیم که انسان از

وسط این دیواره‌ها باید حرکت کند؛ نه اصول شاخصند. یک راه مستقیمی وجود دارد، یک صراط مستقیمی هست که این، انسان را به هدف می‌رساند. این صراط مستقیم را باید شناخت، باید کشف کرد. هیچکس در محدوده‌ی صراط مستقیم زندانی نشده. اجبار به پیمودن صراط مستقیم در هیچکس نیست. این اصول کسی را اجبار نمی‌کند، الزام نمی‌کند، محدود نمی‌کند، بلکه این اصول انسان را هدایت می‌کند و به او می‌گوید که اگر چنانچه بر طبق این اصول حرکت کردی، به آن نتیجه‌ی مطلوب خواهی رسید؛ اگر از این اصول تخطی کردی، به هدف نخواهی رسید. آخر، اشکال بیراهه همین است. بیراهه، دو اشکال دارد: یک اشکال این است که انسان به سرمنزل مقصود نرسد؛ اشکال دیگر این است که وقت انسان تلف می‌شود؛ فرصتها از دست می‌رود.

این کسانی که در طول این صد سال، صد و پنجاه سال اخیر در کشور ما داعیه‌ی اصلاح و پیشرفت و ترقی سر دادند و ما را حقاً و انصافاً به بیراهه کشاندند، این گناه بزرگ را انجام دادند؛ هم ما در طول این صد و پنجاه سال به مقصد نرسیدیم و عقب ماندیم، هم وقتمان تلف شد. چند نسل پی‌درپی باید بیایند، ضایع شوند، در این تیه سرگردانی بروند و به نتیجه نرسند تا یک وقت یک نسل متوجه بشود که اشتباه کرده اند؛ راه را برگردد، شروع کند از نو حرکت کردن. گناه آن کسانی که جوامع بشری را به بیراهه میکشانند، این است که وقت آنها و عمر آنها و فرصتهای آنها را ضایع می‌کنند.

یک روز به جامعه‌ی ما اینجور تفهیم کرده بودند که راه پیشرفت این است که ما از غربی‌ها تقلید کنیم؛ آن هم نه تقلید در دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی، تقلید در ظواهر؛ زنهایمان بی‌حجاب بشوند؛ مردهایمان کلاه فلان جور و لباس فلان جور بپوشند. میدانید در کشور ما، دوره‌ای بر مردم ما گذشت که گذاشتن یک کلاه مخصوص به نام کلاه پهلوی اجباری شد و اگر کسی این کلاه را بر سر نمی‌گذاشت، مجرم شمرده میشد! بعد یک قدم جلوتر رفتند، گفتند یا کلاه پهلوی یا شاپو؛ چون غربی‌ها - اروپایی‌ها - این لباس را میپوشند. انواع و اقسام لباسهایی که

در داخل کشور - لباسهای محلی - پوشیده میشد، همه منسوخ و ممنوع شد؛ برای اینکه لباس متحد الشکل از غرب آمده، پوشانده بشود. برای چی؟ برای پیشرفت! پیشرفت کشور را در این دانستند که مردم ما کت و شلوار بپوشند، کراوات ببندند، زنهای ما بی حجاب حرکت بکنند؛ رسوم و عادات غربی را یاد بگیرند. ببینید چقدر خسارتبار است برای یک کشور؛ چقدر مایه‌ی شرمندگی است، وقتی انسان فکر بکند. آن روز نه فقط شرمنده نمیشدند، افتخار هم میکردند، با صدای بلند هم این را فریاد میکردند. این، بیراهه است. نسخه‌ی پیشرفت، نسخه‌ی غلط؛ بیراهه. اصول برای این است که این اشتباهات پیش نیاید.<sup>۱</sup>

### تأکید بر استفاده از شیوه‌های علمی

استفاده‌ی از شیوه‌های علمی، کار لازمی است. البته علم نباید اشتباه بشود با نسخه‌های وارداتی که اغلب آنها منسوخ است؛ چه در زمینه‌ی اقتصاد، چه در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون. بعضی‌ها دوست دارند امروز ما نسخه‌های منسوخ و از دور خارج شده‌ی غربی‌ها را بار دیگر در اینجا برای خودمان دستورالعمل علاج به حساب بیاوریم. نه شیوه‌های پیشرفته، شیوه‌های نو و با تکیه‌ی به فهم و درک و نیاز ایرانی، استفاده‌ی از علم و توجه به نیاز داخل و اقتضائات کشور میتواند راه درست را به ما نشان دهد و ما را پیش ببرد. ما در زمینه‌ی علم باید حرکت خود را جلّی کنیم؛ در پیوند علم و صنعت و فناوری کار کنیم؛ در پیدا کردن شیوه‌های توزیع عادلانه‌ی امکانات تلاش و فکر کنیم؛ بهترین و آسان‌ترین و عملی‌ترین شیوه‌ها را انتخاب کنیم و به‌طور جدّی وارد شویم.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار دانشجویان سراسر کشور ۱۳۸۷/۷/۷

۲. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۵/۱۲

## نقش و اهمیت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در پیشرفت

### چند نکته‌ی مقدماتی

کار متعلق به اشخاص و مقامات نیست، کار متعلق به بنده نیست؛ این کار همه است. همه‌ی ما در زمینه‌ی این کاری که دارد انجام میگیرد، مسئولیت داریم. هر کدام به قدر توانایی‌های خودمان، ظرفیتهای خودمان، سعه و شعاع قدرتی که در اختیار ما هست، در این زمینه مسئولیم، که باید - ان شاء الله - دنبال کنیم.

این کار، کار یک مجموعه‌ی خاص و محدود نیست؛ کاری است که باید همه‌ی ظرفیت نخبگانی کشور به میدان بیاید. همانطور که عرض کردیم، کار کوتاه‌مدت و از آن پروژه‌های زودبازده هم نیست؛ این کار بلندمدتی است، باید انجام بگیرد، عجله‌ای هم نداریم. ما پیش خواهیم رفت. این چیزی هم نیست که دولتها یا مجالس بتوانند آن را تصویب کنند؛ این - همانجور که گفتیم - نسبت به همه‌ی اسناد مهم سازنده‌ی فعال در کشور، جایگاه بالادستی دارد؛ باید خیلی مراحل را طی کند و به یک قوام لازم برسد. این فکرها باید کاملاً ورز بخورد تا اینکه بتواند به یک نقطه‌ی اساسی برسد.

محصول این کار، زودبازده نیست. ما با توجه به این نکته، وارد این قضیه شدیم. البته بعضی از آقایان طرحها و پیشنهادهایی برای محصول زود هم مطرح کردند، ایرادی هم ندارد؛ لیکن آن چیزی که مورد نظر ماست، جز در بلندمدت و با یک نگاه خوشبینانه در میانمدت، به دست نخواهد آمد؛ این یک کار طولانی است.

ممکن است درباره‌ی همین مسئله‌ی الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، ده و شاید ده‌ها گردهمایی و نشست لازم باشد. ممکن است

ده‌ها حلقه‌ی علمی لازم باشد که در دانشگاه‌های مختلف تشکیل شود. ممکن است صدها نفر از فرزندان و نخبگان و دانشمندان ما که ترجیح می‌دهند کار شخصی بکنند - اهل کار جمعی نیستند - آماده باشند در خانه‌های خودشان مطالعه کنند؛ از اینها بایستی استفاده شود. حلقه‌های فکری تشکیل شود، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها با این مسئله درگیر شوند تا اینکه بتوانیم - ان شاء الله - این را به نقطه‌ی مطلوب خودش برسانیم. ■

یک مرکزی هم برای این کار لازم است که این مسئله را دنبال کند؛ این مرکز را - ان شاء الله - تشکیل خواهیم داد. باید جایی باشد که این حرکت را در انحصار نگیرد. ما از آن مرکز توقع نخواهیم کرد که این کار را او انجام دهد؛ بلکه توقع خواهیم کرد که او این حرکت عظیم نخبگانی در کشور را زیر نظر بگیرد، از آنها خبر بگیرد، به آنها کمک کند، پشتیبانی‌های گوناگون بکند؛ جوری باشد که این حرکت متوقف نشود. البته عرض کردیم؛ لازم است یک کانون مرکزی و ستادی به وجود بیاید و ان شاء الله به وجود خواهد آمد.<sup>۱</sup>

### اهمیت برنامه‌ریزی

من به مسئولین کشور و به دولتی که تشکیل خواهد شد، توصیه می‌کنم برنامه‌ریزی را در کار مورد اهتمام قرار بدهند. برنامه‌ریزی کمک خواهد کرد که مردم بتوانند به آنچه در پیش روی آنهاست، اعتماد کنند؛ بتوانند در مورد پیشرفت کشور قضاوت کنند. تکیه‌ی بر برنامه، تکیه‌ی بر قانون، همکاری قوای سه‌گانه با یکدیگر، جزو وظایف اصلی است و جزو عناصر شکرگزاری است؛ جزو اجزای آن شکر عظیمی است که بر عهده‌ی همه‌ی ماست. خدای متعال را باید شاکر باشیم.<sup>۲</sup> ■

کمیت جوانان و نسبت جمعیتی آنها با کل کشور، یک پدیده‌ی شگفت‌آور است. امروز بیش از نیمی از جمعیت کشور ما کسانی هستند

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۵/۱۲

که کمتر از سی سال دارند. اتفاق کم‌نظیری که افتاده، این است، کشوری که از جوانترین کشورهاست، یکی از بزرگ‌ترین انقلابهای تاریخ و جوانترین انقلاب موجود جهان و مستقل‌ترین نظام سیاسی در همه‌ی دنیا را تجربه می‌کند. این تقارن، تقارن شگفت‌آوری است. این جمعیت عظیم جوان در کشوری زندگی نمی‌کند که نظام سیاسی آن تابع امریکا و کمپانی‌های مالی بزرگ جهان و شرکتهای چند ملتیی یا تابع فلان کشور و فلان سیاست است؛ بلکه در کشوری زندگی میکند که نظام سیاسی‌اش جوان‌پسند است. جوان‌مایل به استقلال است. جوان طبیعتاً سرش را بالا می‌گیرد و مایل نیست که اسیر و دنباله‌رو باشد. نظام سیاسی امروز کشور شما، نظامی است که سرش را بالا گرفته، در مقابل هیچکس آن را خم نکرده و از توپ و تشر امریکایی‌ها و تهدیدهای گوناگون هم در طول این بیست و دو سال لحظه‌ای بیم به دل راه نداده است. کشور ما با یک انقلاب نو و جوان مواجه است؛ لذا به یک سرعت عمل همراه با برنامه‌ریزی صحیح در جهت خودسازی و پیشرفت احتیاج دارد تا بتواند زبان دشمنان را کوتاه کند و حضور خود را - چه از جنبه‌ی علمی و چه از جنبه‌ی عملی - بر همه‌ی آنها تحمیل نماید. با یک مشت انسان از کار افتاده‌ی بالای پنجاه، شصت سال، چنین چیزی در ردیف محالات است؛ اما جمعیتی که نیمی از آن جوانند و قافله‌ی جوانان همین‌طور با سرعت وارد میدان میشوند، این ممکن خواهد بود و افق و چشم‌انداز در این زمینه کاملاً روشن است.<sup>۱</sup>

### الزامات برنامه

برنامه خصوصیات دارد؛ باید منطبق بر خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور باشد. از برنامه‌ی کشورهای دیگر نمی‌شود تقلید کرد؛ برنامه یک چیز تقلیدی نیست. اینکه فلان کشور از این راه به توسعه رسید، پس ما هم از این راه برویم، غلط است. باید امکانات و

۱. در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲



موجودی و توانایی‌ها و زمینه‌های کشور محاسبه و راه انتخاب شود. برنامه، فقط اقتصادی محض نباشد. در برنامه، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق باید حتماً دیده شود. فقط رشد اقتصادی مورد تکیه نباشد؛ در چارچوب سیاستهای کلانی باشد که عرض شد.

در برنامه، هضم نشدن در اقتصاد جهانی رعایت شود؛ این را توجه داشته باشید. من یکی دو بار دیگر هم تکرار کردم: پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساختهای لازم را برای این کار داشته باشیم، که الان این را نداریم. الان برداشتن تعرفه‌ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن. بله؛ سازمان تجارت جهانی میدان گسترده‌ای برای فعالیت است؛ اما باید قدرت شنا داشته باشیم. آن روز من گفتم این کار مثل این است که ما یک تیم فوتبال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم؛ در حالی که اعضای آن هیچ تمرینی نکرده باشند. نتیجه‌ی این کار این است که ما بیست تا گل میخوریم و برمیگردیم! ما باید آمادگی را فراهم کنیم و عجله هم نداشته باشیم. پنج سال دیگر شد، ده سال دیگر شد، دیر نمیشود. اول باید زیرساختهای اقتصادی مستحکم شود و ما خاطر جمع شویم، بعد با خیال راحت و با میل وارد صحنه شویم. الان توصیه‌ی هضم شدن در اقتصاد جهانی، برای اقتصاد ملی و مستقل ما سم مهلکی خواهد بود.

چیزهای دیگری هم در کنار برنامه وجود دارد. اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم. اینکه امام فرمودند «ما میتوانیم»، جمله‌ی بسیار مهم و پرمعنایی است. باور کنیم که میتوانیم. با این همه دشمنی، شما توانستید کار کنید. حتی اگر هیچ کار مثبتی هم نکرده بودید و توانسته بودید بمانید، هنر بود. این همه کارهای مثبت و ارزشمند صورت گرفته؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که میتوانید و میتوانیم. اگر انسان بخواهد نمونه‌های این توانستن را بگوید، خیلی زیاد است. از همین توانستهای

ماست که ناراحتند. صریحاً اعلام کرده‌اند که ما نمیتوانیم ببینیم جمهوری اسلامی به فناوری برتر هسته‌ای و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد، برسد. در زمینه‌های گوناگون، در زمینه‌های گیاهی و غیره هم انصافاً کارهای خیلی خوبی در کشور شده است؛ بنابراین ما میتوانیم این اعتماد به نفس را حفظ کنیم.<sup>۱</sup>

مسئله‌ی بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده‌ام و می‌دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سالهاست سروکار داریم. مصالح منطقه‌ای را بر مصالح کلی ترجیح ندهید. من باب مثال عرض بکنم: به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، به دولتها و به رئیس‌جمهور، از جمله‌ی توصیه‌هایی که سالهاست بنده دارم و الان هم توصیه میکنم و همین اواخر هم که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمده بود، باز به ایشان هم توصیه کردم، این است که طرحهای نیمه‌تمام را در کشور زودتر جمع‌وجور کنید. ما چند هزار طرح نیمه‌تمام داریم؛ طرحهایی که باید سه سال یا چهار سال تمام میشده، اما ده سال یا گاهی بیشتر طول کشیده. چرا؟ یک مقدار از آن مربوط به ضعف مدیریتهاست، بخشی از آن هم مربوط به کمبود منابع است. اگر بخواهیم طرحهای نیمه‌تمام را تمام کنیم، باید مجدداً طرح اضافه نکنیم؛ و آلا اینها هم نیمه‌تمام خواهد ماند. بدیهی است که اگر بتوانیم پولمان را صرف کنیم و یک مدرسه بسازیم تا دانش‌آموزان بتوانند در کلاس سر میز بنشینند، این بهتر از این است که ساخت دو مدرسه را شروع کنیم و هر دو در مرحله‌ی سفت‌کاری بماند و تمام نشود؛ در نتیجه، یک دانش‌آموز هم سر کلاس نخواهد رفت. همت را بالا میگیریم و ساخت دو مدرسه را شروع میکنیم؛ اما یکی هم تمام نمیشود. این بهتر است، یا اینکه بیاایم همان پول را صرف کنیم، یک مدرسه بسازیم و تمام کنیم تا دانش‌آموزان بروند سر کلاس بنشینند؟

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

طرحهای منطقه‌ای: فلان‌جا فرودگاه، فلان‌جا جاده، فلان‌جا اتوبان و... توقعاتی وجود دارد؛ نماینده هم اینها را به مجلس منتقل میکند و از آنجا به دولت منتقل میشود و در نتیجه، فشار. دولتی‌ها هم بالاخره به هر دلیلی تسلیم میشوند و زیر بار میروند؛ اما نتیجه چیست؟ نتیجه این است که طرحهای نیمه‌تمام ما اگر در حدود چهار هزار طرح است، میشود پنج هزار، میشود ده هزار. کار سختی است، اما باید آن را تحمل کرد.<sup>۱</sup>

### سند چشم انداز

جهتگیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم‌انداز بسنجید. این سند چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دست‌کم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است. سند چشم‌انداز مهم است. نگاه کنید ببینید الان چهار سال از سند چشم‌انداز گذشته، یعنی ما شانزده سال به پایان این چشم‌انداز داریم. چقدر پیش رفته‌ایم؟ یک ادعا این است که از چهار سال بیشتر پیش رفته‌ایم؛ یک ادعا این است که نه کمتر پیش رفته‌ایم؛ نصف این چهار سال پیش رفته‌ایم. اینها باید درست سنجیده بشود؛ درست باید ملاحظه بشود. در این سند چشم‌انداز، آینده‌ای در نظر گرفته شده که برای ملت ایران این آینده لازم و شایسته است. اگر به آن آینده نرسیم، عقب میمانیم. آن وقت باید هم بدانیم که همین‌طور که ما داریم به سمت آن هدف حرکت میکنیم، اطراف ما هم همه ثوابت نیستند؛ آنها هم دارند حرکت میکنند. باید سرعت را تنظیم کنیم، زمان‌بندی‌های برنامه‌ها را تنظیم کنیم؛ جوری این سرعت را تنظیم کنیم که بتوانیم واقعاً به هدف چشم‌انداز برسیم؛ یعنی این دولت در سهم خود کار درست خودش را انجام داده باشد.<sup>۲</sup>

روی این برنامه‌ی چشم‌انداز بیست ساله خیلی کار شد که - ان شاء الله

۱. در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۲۷

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

- در جلسه‌ی مسئولان اجمالاً در اینباره خواهم گفت - جای بحثش اینجا نیست - اما این برنامه‌ی چشم‌انداز برنامه‌ای واقعی است؛ یعنی کاملاً حساب شده تعیین و ابلاغ شده است و در تنظیم آن هم همان دستگاه‌های عظیم دولتی و مجمع تشخیص و... به ما کمک کردند. به‌مجردی که ما این برنامه را اعلام کردیم، دستگاه‌های رسانه‌ای موزی دنیا که آن را نمی‌پسندیدند، شروع کردند به دست‌اندازی کردن؛ چون این برنامه به معنای امید و نشاط و عزم و اراده برای پیشرفت است و معلوم است که این برنامه را نسبت به کشورهای که تحت اختیار آنها نیستند، نمی‌پسندند و این نپسندیدن هم بیش از همه از طرف رادیوهای وابسته به امریکا و صهیونیستها بود. البته این کوچک‌ابدالها و بچه‌درویشهای آنها هم در داخل جنجالهایی کردند! نمیدانم حالا این معرکه‌های درویشی هست یا نه. سابقها درویش می‌ایستاد، یک بچه درویش هم بغل دستش بود. او میگفت، این تصدیق میکرد؛ این میگفت، او تأیید میکرد؛ حرف به دهان همدیگر می‌گذاشتند! واقعاً انسان رنج میبرد که عده‌ای در داخل کشور و زیر سایه‌ی نظام جمهوری اسلامی و به برکت حرکت عظیم مردمی و فداکاری‌های آنها توانسته‌اند از شر نظام طاغوت آزادی پیدا کنند و حرف بزنند؛ اما حرفی که میزنند، عبارت است از تکرار وقیحانه‌ی همان چیزی که دشمنان این ملت میگویند. انسان از این قدر نادانی رنج می‌برد.<sup>۱</sup>

■ آنچه مردم عزیز ما خوب است مطلع باشند و بدانند، این است که چشم‌انداز بیست ساله‌ی ابلاغ شده به مسئولان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم‌انداز بیست‌ساله پشت سر هم نوشته میشود، صرفاً یک آرزوست و بدون محاسبه‌ی عملی است. به فضل پروردگار، ملت ایران و کشور عزیز ما میتواند در طول بیست سال به این آینده برسد. این یک آینده‌ی مطلوب و یک گام بلند در راه رسیدن به آرمانهای والای

۱. در دیدار استادان و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶

اسلامی است که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد. امروز نظام جمهوری اسلامی در سایه‌ی کار و تلاشی که در سالهای گذشته شده است، به عنوان یک چشم‌انداز روشن برای آینده، میتواند این را مشخص و ترسیم کند. خود این یک پیشرفت است که جمهوری اسلامی بتواند با توجه به واقعیات کشور و واقعیات جهانی، آینده‌ی بیست ساله را به شکل منطقی و محاسبه شده ترسیم کند. به فضل پروردگار این آینده محقق خواهد شد. تصمیم داریم با همکاری مسئولان دلسوز، این آینده تحقق پیدا کند و - ان شاء الله - تحقق پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

اینها یک مختصاتی از جمله‌ی مختصات پیشرفت مورد نظر ما بود که عرض کردیم. همانطور که گفتیم با این حرفها تمام نمیشود: باید دقت کرد، باید تعقیب کرد، باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاه‌ها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدل‌سازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ده سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند.<sup>۲</sup>

### شاخصهایی در زمینه‌ی چشم انداز و سیاستهای کلی ۱- چشم انداز اقتصادی

در زمینه‌ی اقتصادی، چیزهایی که ما به آنها اهمیت میدهم، رونق اقتصادی و اشتغال و کاهش تورم و خودکفایی در مواد اساسی کشاورزی است؛ یعنی امنیت غذایی کشور. اینها مسائل بسیار مهم و اساسی است و باید در این دوره، ما به حد مطلوب به این اهداف نایل شویم. ما باید تورم را یک‌رقمی کنیم. البته در بعضی از کشورهایی که اسم بردند، آنطور که آمار نشان میدهد، تورم خیلی بالاست. البته پیشرفته‌ها و

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳

۲. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

رشته‌هایی داشته‌اند، اما سطح تورّم خیلی بالاست؛ اصلاً غیرقابل تحمّل است و زندگی خیلی سخت است، که من نمی‌خواهم اسم این کشورها را بیاورم.

## ۲- چشم انداز اجتماعی

در عرصه‌ی اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخصهای اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمیتواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه‌ی مطلوب ما نیست. چون برادران سازمان مدیریت و کارشناسان و برنامه‌ریزان اینجا هستند، این مطلب را می‌گوییم: توجه کنید حتماً عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - اینکه مورد بحث نیست - اما نمیتوانیم از عنصر عدالت که یکی از اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتماً رعایت شود.

## ۳- رفع فقر و ایجاد امنیت مدنی و قضایی

رفع فقر و ایجاد امنیت مدنی و قضایی هم بسیار مهم است و باید حتماً ملاحظه شود. آزادی باید به شکل منطقی و صحیح در جامعه تأمین شود؛ همان آزادی‌ای که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پرچمش را در دنیای اسلام بلند کرد؛ نه آزادی به شکل افراطی، تقلیدی و من‌درآوردی. کجا بحث آزادی در این منطقه از دنیا مطرح بود؟ در دنیای اسلام، پرچم آزادی را نظام جمهوری اسلامی بلند کرد؛ در شعارهایش «استقلال» و «آزادی» طنین‌انداز بود. البته خیلی از کشورها ادّعای آزادی دارند و شعارش را هم میدهند؛ اما آزادی مدنی در بخشهایی به شدّت نقض میشود. هم در اروپا و هم در خود ایالات متّحده‌ی امریکا اینگونه است. در امریکا آزادی تا آنجایی است که به منافع اساسی سرمایه‌داران - که صحنه‌گردانهای پشت صحنه‌ی نظام امریکایند - لطمه نخورد. هر جا مختصر خدشه‌ای وارد آید، آزادی به شدّت سرکوب میشود؛ از هیچکس

هم ملاحظه و تقیه نمیکنند. ما به آزادی معتقدیم. اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم ریشه‌دار و دارای مبنای دینی است. ■

#### ۴- چشم انداز دیپلماسی

در زمینه دیپلماسی، کارآمدی، تحرک بی‌وقفه، جهتدار بودن و حضور فعال در معاهدات و مجموعه‌ها و هسته‌های منطقه‌ای و جهانی مورد نظر است. در زمینه علمی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - که ما دو سه سال است مرتب آن را مطرح کرده‌ایم - باید تحقق پیدا کند. این شعار نیست. من دنبال این قضیه را گرفته‌ام و به همه‌ی مراکزی که ممکن بوده، توصیه کرده‌ام. منتها من کار اجرایی نمیکنم؛ کار اجرایی را باید دستگاه‌های اجرایی بکنند. بحمدالله این کار شروع شده؛ اما باید مسئله‌ی تولید علم جدی شود. ما باید در همه‌ی زمینه‌ها - چه علوم طبیعی و چه علوم انسانی - علم تولید کنیم. اتصال علم و صنعت - که من بارها روی آن تأکید کرده‌ام - باید تحقق پیدا کند. همه‌ی اینها ساز و کار دارد و میتواند در برنامه گنجانده شود. ■

#### ۵- چشم انداز فرهنگی

در زمینه فرهنگی، باید به تقویت روحیه‌ی ایمان توجه شود. آقای رئیس‌جمهور در زمینه‌ی جامعه‌ی اخلاقی مطالب بسیار خوبی بیان کردند. منطق ایشان، کاملاً صحیح و درست است. ما باید روحیه‌ی ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه‌ی اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم. این هم باید در برنامه‌ها گنجانده و دیده شود. بخش مهمی که قدرت ملی ما را تشکیل داد، همین روحیه‌ی ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت‌طلبی ظاهر شد. در میدانی هم که امروز در مقابل خود داریم - که یقیناً از میدان جنگ پیچیده‌تر و دشوارتر است - نیروی ایثار و فداکاری که همه‌ی معادلات را به هم میریزد، باید مطرح شود. اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم، همه‌ی معادلات قدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت.

## ۶- چشم انداز ارزشی

تبیین مبانی ارزشی و تقویت قانون اساسی هم مهم است. قانون اساسی مثل ستونها و پی‌های یک بناست. اگر ما بخواهیم عمارت بزرگ و رفیعی بسازیم، پی و ستون لازم دارد تا بتواند به ساختمان شکل کلی دهد. این پی‌ها و ستونها، همان قانون اساسی است. قوانین عادی عبارت است از کاری که در داخل بنا انجام میگیرد؛ تقسیم‌بندی‌ها، دیوارکشی‌ها و آرایشها. ارزشها به مثابه‌ی مصالح ساختمانی‌اند. همه‌ی ستونهایی که ایجاد میشود و همه‌ی کارهایی که در این عمارت انجام میگیرد - چه در بخش قانون اساسی، چه در بخش قانون عادی - مصالحش همان ارزشهای ماست؛ از ارزشهای ما تشکیل و ترکیب میشود. ما این قانون اساسی و این چارچوب مستحکم را داریم. در این بیست و چهار پنج سال، برای آراستن داخل این بنای رفیع و فخیم سعی زیادی هم شده است. ما میتوانیم یک بنای مستحکم و زیبا به دنیا ارائه دهیم. همه‌ی تلاش دشمن این است که این نمونه ارائه نشود؛ لذا به ستونها و پی‌ها حمله میکند، برای اینکه آنها را فرو ریزد. البته قوانین عادی منعطف است. برای تغییر و بروز کردن قوانین عادی، عاقلانه و مدبرانه نیست که پی‌ها را به هم بریزیم. برای تغییر یک دکور، هیچ‌وقت ستونها را خراب نمیکند. برای عوض کردن تقسیم‌بندی‌ها، پی را خراب نمیکنند. پی را باید محکم نگه داریم؛ این پی، خوب ریخته شده است.

ببینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی میکنند، قانون اساسی دویست سیصد ساله‌ی خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزشهای کهنه‌ی دویست سیصد ساله، بلکه بیشتر را محکم و دو دستی نگه میدارند و نمیگذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عده‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران امریکا برای توجیه جنگ طلبی رئیس جمهور امریکا و دار و دسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای امریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزشهای «جورج واشنگتن» است که دویست سال از عمر آن میگذرد. ارزشهای امریکایی برای آنها



اصل شد، که بر اساس آن ارزشها حتی جنگ‌طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. همان روزها «بوش» تهدید کرد که من چند کشور را با بمب اتم میزنم! این کار توجیه می‌گردد و جایز شمرده میشود. روی ارزشهای خودشان اینطور تکیه میکنند؛ اما وقتی نوبت به ما و قانون اساسی و ارزشهای ما میرسد، ما می‌شویم اصولگرا به معنای متحجر! اصولگرایی امریکایی میشود مثبت؛ اما اصولگرایی اسلامی متکی به منطق و عقل و استدلال و تجربه و شوق آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی یک ملت میشود یک چیز محکوم، میشود فحش: اصولگراها! البته مدتی است تعبیر «اصولگراها» را عوض کرده‌اند و می‌گویند «محافظه‌کارها»؛ غافل از اینکه در کشور ما جناحهای مختلف همه‌شان اصولگرایند. البته ممکن است تعدادی تندرو در هر گوشه‌ای وجود داشته باشند، اما جُلّ عناصر کشور ما که در دستگاه‌ها هستند، اصولگرایند و همه‌شان به این اصل معتقدند. این اصول باید در این چشم‌اندازها کاملاً دیده و رعایت شود. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که میتوانیم و باید این بنا را بر اساس این اصول حفظ کنیم و پیش برویم.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵



## فصل سوّم: آفات و موانع پیشرفت



## مقدمه

### ضرورت پیش‌بینی راه و آفات

در همه‌ی حرکت‌های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقص‌ها و آفت‌زدایی‌ها و شناخت آسیب‌ها، برای اینکه ضعف‌ها برطرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.<sup>۱</sup>

### الف) موانع و آفات درونی پیشرفت

#### ضعف‌های درونی

موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسان‌ها - چه تصمیم‌گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعف‌هاست؛ ضعف‌های فکری است، ضعف‌های عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لااقل نزدیک به واقع باشد. آسان‌پنداری هم مثل آسان‌گیری و سهل‌انگاری است؛ آن هم یکی از

---

۱. در دیدار جمع‌کنی از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست. به گریز از چالش، بغلط میگویند عافیت طلبی. عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگ ترین نعمتهای الهی است؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ عَافِيَةً تَتَّبِعُهَا عَافِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۱</sup>. عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است. عافیت از بلا، مثل این است که بگوئیم عافیت از گناه؛ بنابراین عافیت طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بغلط به گریز از چالش میگویند عافیت طلبی؛ یعنی در واقع همان راحت طلبی، مواجهه‌ی با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن، آماده نبودن برای مواجهه‌ی با مشکلات. اینها ضعفهای درونی ماست.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از ضعفهای درونی عبارت است از تربیتهای اجتماعی موجود و عاداتهای تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود. شما جوانها شاید از حالات روانی و تربیتهای تاریخی ما در هنگامی که انقلاب پیروز شد، تصویر درستی نداشته باشید. امروز ما می بینیم که عنوان «ما میتوانیم» در همه هست. واقعاً هم اگر بگویند آقا شما میتوانید بزنی روی دست صنعتگران پیشرو دقیق ترین و ظریف ترین صنایع دنیا، شما میگویید بله؛ اگر همت کنیم، تلاش کنیم، میتوانیم. واقعاً جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میداند؛ این در اول انقلاب اینجور نبود. تربیتهای قبلی درست عکس این بود. هر کاری که مطرح میشد، میگفتند آقا ما که نمیتوانیم! آقا فلان چیز را بسازید، میگفتند ما که نمیتوانیم! با فلان شعار غلط در دنیا مقابله کنیم، میگفتند آقا ما که زورمان نمیرسد، ما که نمیتوانیم! «ما میتوانیم» امروز، آن روز «ما نمیتوانیم» بود. این، آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده‌ی از دوران گذشته است.

توسری خوری، شنیدن زور، دیدن فسق در کسانی که از آنها جامعه

۱. الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثه) ج: ۳ ص ۳۹

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

توقع عدالت و انصاف و طهارت و پاکیزه دامن‌ی دارد، عادت شده بود. یعنی اگر در دوران پیش از انقلاب می آمدند به مردم میگفتند آقا فلان مسئول عالی کشور - حالا شخص اول که خود شاه بود - یا وزرا یا مسئولین فلان عیاشی را کردند، فلان فسق را کردند، فلان عمل زشت و ناهنجار را انجام دادند، مردم تعجب نمیکردند؛ میگفتند خب، هست دیگر؛ معلوم است! یعنی عادت کرده بودند به اینکه مسئولانی را که باید پاک باشند و پاکدامن باشند، آلوده دامن و ناپاک ببینند.

ما تعجب میکردیم از اینکه در صدر اسلام چطور یک خلیفه مست رفت برای مردم نماز صبح خواند! هم درباره‌ی خلیفه هست، هم درباره‌ی یکی از امرای منصوب از قبل یک خلیفه. این در تاریخ اسلام هست و معروف و مسلم هم هست. نماز صبح دو رکعت است؛ اما او چون سرکیف بود، شش رکعت خواند. گفتند آقا نماز صبح را زیادی خواندی؛ گفت بله حالم خوش است؛ اگر بخواهی، بیشتر هم میخوانم! این در تاریخ بود. در آن زمان مردم میدیدند که خلیفه یک چنین فسقی را دارد انجام میدهد، اما تحمل میکردند و بیتفاوت از مقابل این قضیه میگذشتند. زمان ما هم همین جور بود. در دوره‌ی طاغوت - که ماها تا قبل از پیروزی انقلاب با طاغوت مواجه بودیم - قضیه همین جور بود. مردم تعجب نمیکردند از اینکه پادشاه کشور اسلامی فسق کند، فجور کند، باده‌گساری کند، کارهای هرزه انجام دهد. شاید من قبلاً گفته باشم که یکی از علمای بزرگ تبریز که مرد بسیار دانشمند و عالمی بود و بنده هم او را دیده بودم - استاد پدر ما بود - پیرمردی بود بسیار عالم، اما بسیار ساده! من یک وقتی رفته بودم تبریز، شاگردان و دوستان علاقه مند خود ایشان نقل میکردند؛ میگفتند یک وقتی محمدرضا در دوره‌ی جوانی اش آمده بود تبریز، رفته بود سراغ این آقا. احترام کرده بود از این آقا، رفته بود توی آن مدرسه‌ای که این آقا تدریس میکرد. بعد که محمدرضا رفته بود، این آقای عالم - که عالم هم بود، متقی هم بود، متنها ساده بود - مجذوب شاه شده بود و از او تعریف میکرد. دوستان گفته بودند آقا شما که از این شخص تعریف میکنید، این مرد این

کارهای خلاف را انجام می‌دهد - حالا کارهایی که در نظر آن عالم، خیلی بزرگ باید مینمود؛ مثلاً او شراب می‌خورد - گفته بود خب، شاه است دیگر؛ می‌خواهی شراب نخورد؟! گفته بودند آقا مثلاً قماربازی میکند، گفته بود شاه است دیگر؛ پس می‌خواهی مثلاً چه بازی کنی؟! عرف این بود که چون شاه است، چون وزیر است، پس باید بتواند فسق کند، فجور کند، ناپاکی از خودش نشان بدهد. این جزو عاداتی بود که در جامعه‌ی ما وجود داشت. اینها همان موانع درونی است؛ اینها آن چیزهایی است که در مقابل رسیدن به یک هدف و مقصود والا عایق ایجاد میکند. خشم و شهوت‌های بی‌مهار و تربیت نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمی‌فهمیدند. مبارزه می‌کردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. می‌گفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) می‌خواهید مبارزه شروع کنید؟ خب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی‌فهمیدند. یک عدّه‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه (علیهم السّلام) که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادّعای مهدی‌گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشته بود. بعد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادّعای مهدوئیت بود، هم در بنی‌عباس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی‌عباس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادّعای مهدوئیت وجود داشت. بله این پرچم مهدوئیت را کسی بلند کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه‌ی الهی و جامعه‌ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است. می‌بینید اینها همه موانع درونی‌ای بود که بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، ما ملّت ایران با این زمینه‌ها می‌خواستیم کشور را به سمت آن اهداف ببریم. خب، اینها هر کدامش یک مانع بود. البته اینها برطرف شدنی بود، نه اینکه برطرف شدنی نبود؛ خیلی‌اش هم



با تبیین برطرف شد. لذا در مبارزات اسلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت میکنید، توی پراکنش عرض میکنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین - بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ - خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رایج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ میگفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگویید، چه نگویید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهودی بود، با ما هم آشنا بود، وابسته‌ی به یکی از همین گروه‌های بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند - گروه جنگل و امثال اینها - یک جایی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که میخواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه‌ی اجتماعی که نمیشود؛ یک قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه کار میخواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنایی گفت: آن روش اسلامی است! بله روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد - مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها که حالا گفتند - این جزو میراثهای ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامه‌ی ناساز بی‌اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد. خب، اینها عوامل درونی بود.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

### ۱- فساد، تبعیض و رانت خواری

این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهیم، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته‌ی اساسی که در اینجا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده‌ی دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسئله‌ی اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه‌ی قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الان در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه‌ی خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائشان را با مردم، هماهنگ و متوازن میکنند؛ لیکن حتماً باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه‌ی مردم است - اینطور نشود که ثروتهای بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه‌ی وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند.

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که میتوانند از موجودی‌های کشور، سودها و بهره‌های بی حساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورتهای قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری میکنند - یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگرچه ممکن است باطنش هم بی قانونی باشد - بدون شک، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه‌ی مردم قرار گیرد. همین تورمی هم که همیشه از آن مینالید و همه مینالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاه‌های مختلف دولت، توجه دقیقی شود که جلو استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیح منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی

غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را میبخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج شود و مجلس شورای اسلامی و هیئت دولت و بقیه‌ی بخشهای گوناگون، توجه کنند که این را طوری علاج نمایند و نگذارند آن زمینه را فراهم کند.

تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نایستی طوری باشد که فاصله‌ها روزبه‌روز زیادتر شود و عده‌ای آنطور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم وزارت اقتصاد و دارایی و بخش مربوط به مالیات، میتواند تأمین کند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا از کسانی که سودها و استفاده‌هایی میبرند. این هم یک معنای دیگر است.

در همین زمینه، توصیه‌ی دیگری به برادران عزیز دارم که این را حتماً در برنامه باید بگنجانید؛ چون در دوره‌ی سازندگی، بخشی از معایب اقتصادی به طور طبیعی هست. در همه جا هم همین طور بوده است. تورم زیاد میشود و قدرت خرید، در بسیاری از مردم کم میگردد. باید - ان شاء الله - برای حل این مشکلات اقتصادی به معنای خاص در کشور، تلاش مضاعفی در دولت انجام شود. مسئله‌ی تورم، باید به شکلی حل شود. قدرت پول ملی، بایستی به تدبیر هر چه تمامتر، با دنبال‌گیری و تلاش هر چه بیشتر، تأمین شود. البته امیدوار هستیم که ان شاء الله آن روزی که نتایج کارهای شما بیشتر ظاهر شود و این کارهای زیربنایی به نتایج برسد، همین طور هم شود، در دراز مدت، اینطور خواهد شد؛ لیکن نمیشود منتظر ماند و از راههای علاجی که در کوتاه مدت و میان مدت میتواند دنبال شود، نباید غافل شد. همین ارزش پول ملی، کلید حل بسیاری از مشکلات کشور است و این ضعف قدرت خرید در طبقات پایین مردم و عدم توانایی آنها بر تأمین نیازهای زندگیشان، ناشی از این قضیه است، که - ان شاء الله - باید تلاش مضاعفی برای اینها انجام گیرد.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۷۵/۶/۸

«أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةٍ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ»<sup>۱</sup>؛ یعنی درباره‌ی خودت، درباره‌ی دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا بکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آنها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی مآب ما به آن «رانت خواری» میگویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت اینکه اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضد مردم سالاری است. هر کس که این کارها را بکند، همان فساد ایجاد خواهد شد که الان آقای رئیس جمهور به آن اشاره کردند. بله باید با این فسادها مبارزه شود. برادران و خواهران عزیز! تا این فسادها در مجموعه‌ی کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد؛ هر کار هم بکنید، امکان نخواهد داشت. اینها شکافها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به وجود آمد، هرچه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را پر نمیکند؛ دستاورد هم از بین میرود. لذا اول باید اینها را علاج کرد. این فرمایش امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) است: «مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ»؛ به رفقا و نزدیکان و آدمهایی که دوستشان داری، نباید امتیاز ویژه بدهی؛ همه باید یکسان امتیاز ببرند. امتیازی که هست، باید در اختیار همه قرار گیرد. اگر بناست قرعه کشی شود، اگر بناست سقف باشد، درعین حال نباید برای کسی امتیازی وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

### گلوگاه‌های فساد

فساد انواع و اقسامی دارد که فسادهای مالی و اقتصادی از جمله‌ی آنهاست. یکی از بزرگ‌ترین مسئولیتهای مسئولان کشور - از جمله رئیس جمهوری محترم - تعقیب مفاسد مالی و اقتصادی است که باید در برنامه‌ی دولت قرار گیرد. البته قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مقننه هم در این

۱. نهج البلاغه ص: ۴۲۶

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

زمینه مسئولند و خوشبختانه همکاری‌هایی هم میکنند. این مبارزه باید جدی شود و خود را در مرحله‌ی عمل نشان دهد. مبارزه با مفسده‌ی اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد. یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. البته کار سختی هم هست. من در جریان آن نامه‌ی هشت ماده‌ای که نوشتم، هم به رئیس جمهور محترم، هم به رئیس محترم قوه‌ی قضائیه و هم به رئیس محترم مجلس گفتم که بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه‌ی جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.<sup>۱</sup>

از همه‌ی خدمتگزاران این ملت عزیز می‌خواهم که با تلاش مضاعف و پرهیز از تفرقه، شکرگزار این مردم باشند و با قدرت و همدلی و سرعت و همکاری و شجاعت، موانع پیشرفت و ترقی این ملت و خصوصاً مفسد مالی و اقتصادی و اداری را مرتفع نمایند.<sup>۲</sup>

### اهمیت مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

در مورد مبارزه با فساد مالی و اقتصادی هم گزارشهای خوبی از طرف رئیس جمهور محترم و رئیس محترم قوه‌ی قضائیه به من ارائه شد. مبارزه‌ی با فساد، موضوعی اصلی و اساسی است. فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی موجب میشود که سود همه‌ی تلاشهای انجام شده در راستای پیشرفت و تولید ثروت عمومی برای رفاه مردم، به جیب عدّه‌ای مفت‌خور و سوءاستفاده‌چی سرازیر شود؛ لذا مبارزه‌ی با فساد، جدی‌ست. متأسفانه بعضی از عناصر سیاسی و غیرسیاسی نه تنها با این حرکت همراهی نکردند بلکه بر آن برچسب یک تسویه حساب سیاسی

۱. پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

۲. پیام در تجلیل از راهپیمایی ۲۸ تیر ۱۳۸۱ ۱۳۸۱/۴/۲۹

و خصوصی زدند. این غلط، خلاف واقع و دروغ است. مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدی ست و ادامه دارد. البته من به مسئولین قوه قضائیه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسئله میشود. باید با آن مبارزه کرد. این مبارزه در قوه مجریه به معنای پیشگیری و جلوگیری از رشد فساد مالی از طریق دهانه‌ها و دروازه‌های آن است، در قوه قضائیه مبارزه به نحوی دیگر است و تعقیب مجرمین و فسادانگیزان و مجازات آنها را شامل میشود. ■

## ۲- بیکاری

این امر، مسئله ای بسیار اساسی و کلیدی است. بیکاری منشأ مفساد بزرگ دیگری ست. بعلاوه اینکه بیکاری جوانها و خانواده‌های ما با توسعه و پیشرفت عمومی کشور تضاد جدی خواهد داشت؛ لذا فعالیت برای ایجاد شغل و اشتغال باید به طور جدی دنبال شود. در این رابطه مسئولین اجرایی به من قول داده‌اند که مشکلات را برطرف کنند و من هم موضوع را تعقیب و از آنها مطالبه خواهم کرد.<sup>۱</sup>

## ۳- تشخیص نادرست مشکلات مردم

مسئله‌ی اساسی ای که امروز کشور و ملت ما به آن احتیاج دارد، این است که مسئولان کشور در یک جبهه‌ی واحد، تلاش متحد و هماهنگی را برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم شروع کنند. البته گفتن این مطلب به این معنا نیست که این کار شروع نشده است؛ نخیر، مسئولان دولتی و قوای مختلف تلاش میکنند و حقاً زحمت میکشند؛ اما باید موانع پیشرفت کارها را شناخت و آنها را از سر راه برداشت.

یکی از مهمترین موانع پیشرفت این است که مسئولان و نخبگان و قشرهایی که میتوانند روی ذهنهای دیگران اثر بگذارند، در شناخت مشکلات مردم اشتباه کنند و خواسته‌های مردم را درست نفهمند یا

۱. در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس ۱۳۸۲/۱/۱

خواسته‌های مردم را به نقاط کم‌ارزش و بی‌ارتباط با زندگی واقعی مردم ربط دهند؛ این چیز بسیار بدی است. باید نخبگان، مسئولان، برجستگان و کسانی که میتوانند روی افکار مردم به‌راحتی اثر بگذارند، به این نکته توجه کنند.<sup>۱</sup>

#### ۴- بطالت

حضور جوانها - چه دانش‌آموز، چه دانشجو، چه طلاب علوم دینی - در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فکر کردن آنها و زمینه‌چینی‌های فکری آنها برای آینده - که من نشانه‌های آن را مشاهده میکنم - همه دلیل بر این است که جوانهای امروز ما خوب کار میکنند؛ منتها باید بیدار باشند. با وضع کنونی ما، رسیدن به آن قله، مستلزم طی کردن یک فاصله است؛ این فاصله را باید طی کرد. با نشستن، تن آسانی، راحت‌طلبی و سرگرم شدن و مشغول شدن به هوسها و بازیچه‌هایی که دشمن سر راه ما و جوانهای ما قرار میدهد، این راه طی نخواهد شد. این نسل باید کار گذشتگان را به اکمال برساند و تمام کند. باید خوب درس بخوانید و به طور دقیق انضباط و نظم اجتماعی را رعایت کنید. محیط هرج و مرج و محیطی که در آن امید وجود نداشته باشد، ضد پیشرفت است. شما ببینید امروز دشمنان ما که از برخورد چهره‌به‌چهره با این ملت مأیوس‌اند و از طرق گوناگون میخواهند روی این ملت اثر بگذارند، از همین وسایل استفاده میکنند؛ یعنی سعی میکنند افق را تیره و تاریک نشان دهند؛ جوان را ناامید کنند؛ جوان را به بازیچه‌ها و سرگرمی‌های گوناگون مشغول کنند؛ جوان را از تحصیل علم باز دارند و او را تحریک به هرج و مرج کنند؛ لذا باید بیدار بود. با وجدان کاری، با همبستگی، با تلاش امیدوارانه و گرم و گیرا، با کار مدبرانه و برنامه‌ریزی شده و درعین حال با توکل به خدا و استمداد از پروردگار، باید این فاصله را طی کرد. جوان باید همه‌ی اینها را با هم مدنظر داشته باشد.

۱. در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۱

درس خواندن، پاکدامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاطل و باطل، جزو وظایف جوانهاست. البته من با سرگرمی و تفریح و شادی جوانها خیلی موافقم؛ اما بعضی از سرگرمی‌ها و تفریجهای منحرف را دشمن به قصد غافل کردن ما و جوانان عمداً وارد جامعه‌ی ما میکنند. این، مخصوص جامعه‌ی ما نیست؛ در خیلی جاهای دیگر هم این کار را میکنند. در یکی دو سال گذشته خبرهای متعددی داشتیم که در کشورهای مختلف آسیایی - مثل مالزی و چین و ... - و حتی کشورهای اروپایی، سیدی‌هایی که به صورت قاچاق وارد کشورشان شده بود و آنها برای جوانها گمراه کننده و مضر تشخیص داده بودند، جمع‌آوری و منهدم کردند. در واقع با این سیدی‌ها مثل مواد مخدر - که دوروبر اینها گشتن، برای جوانها گناه است - برخورد کردند. کسانی هم که این محصولات را قاچاق میکنند، غالباً صهیونیستهای خبیث هستند؛ اینها عامل گمراهی و فساد جوانها در خیلی از کشورها، به خصوص در کشورهای اسلامی و به‌طور ویژه در ایران هستند. چرا؟ چون از آینده‌ی ایران می‌ترسند. نمی‌خواهند ملت ایران به پیشرفت علمی و پیشرفت مدنی و پیشرفت اجتماعی‌ای برسد که برای بقیه‌ی کشورهای اسلامی الگو شود؛ کمااینکه حرکت‌های اسلامی در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ملت ایران تا الان هم الگو شده؛ منتها روزی که شما بتوانید قلّه‌های علم و ایمان و همزیستی‌های انسانی و اخلاقی را فتح کنید و جامعه‌ی پیشرفته‌ی عادلانه‌ی معنوی برخوردار از ماده و معنا را به وجود آورید و ارزشهای انقلاب را نهادینه کنید، اسلحه‌ی دشمن به کلی از کار می‌افتد. می‌خواهند نگذارند شما به آنجا برسید.<sup>۱</sup>

## ۵- اسراف

شاخصی به نام شاخص شدّت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف میشود، با کالایی که تولید میشود؛ که هرچه

۱. در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴



انرژی ای که مصرف میشود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام میگیرد.<sup>۱</sup>

## ۶- شکاف سیاسی

بدانید که اگر در حاکمیت شکاف افتاد، هیچ کار اساسی ای پیش نخواهد رفت؛ هر کاری که جمعی انجام دهند، یک جمع دیگر روی آن علامت سؤال میگذارند و مانع از پیشرفت کار میشوند، که شما در موارد متعددی نمونه هایش را ملاحظه کرده اید. دستگاہی اقدام مثبت خوبی را انجام میدهد؛ ولی هنوز هیچ چیز معلوم نشده، ناگهان می بینید که عدّه ای در مقابل آن موضعگیری و علیه آن انتقاد و به آن حمله میکنند! اینطوری، کاری پیش نمیروند. وقتی یک شعار و یک حرف خوب از دهانی خارج میشود، یک عدّه ی دیگر از آن طرف به او حمله میکنند و نمیگذارند این شعار به نتیجه برسد. دو دستگی در مراکز اصلی حاکمیت، این اشکالات بزرگ را دارد؛ وّالّا اختلاف فکری اشکالی ندارد. شکاف و دویت و دشمنی و تخاصم به نفع دشمن است که اشکال دارد. من گاهی از بعضی موضعگیری هایی که بعضی از اشخاص - چه در قوه ی مقننه و چه در بعضی جاهای دیگر - میکنند، گله مند. نباید به گونه ای موضعگیری کرد که دشمن آن را به نفع خود و در جهت اهداف و مقاصدش مشاهده کند. باید بگذاریم دستگاه های کشور - چه قوه ی مجریه، چه قوه ی قضائیه و چه قوه ی مقننه - با قدرت و جسارت لازم و اعتماد به نفس، کارهایشان را انجام دهند.

## ۷- اختلاف و تفرقه

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه

۱. دراجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

#### ۸- بی‌قیدی و بی‌مبالاتی نسبت به ارزشها

نگاه کنیم ببینیم چه چیزهایی مزاحم پیشرفت است. یقیناً یکی از چیزهایی که مزاحم پیشرفت است، بی‌قیدی و بی‌مبالاتی نسبت به ارزشهاست. ارزشها را نباید از نظر دور داشت.<sup>۱</sup>

#### ۹- تکبر و خودبزرگ‌بینی

یکی از صفاتی که مانع راه کمال انسانی است و در قرآن، به عبارات گوناگون و در جاهای فراوان و همچنین در روایات و فرمایشهای ائمه (علیهم‌السلام)، نسبت به آن صفت پرهیز داده شده‌ایم و بر حذر داشته شده‌ایم، صفت تکبر و خودبزرگ‌بینی است. این صفت، برای پیشرفت انسان در مدارج معنوی، چیز بسیار خطرناکی است. هدف نهایی از این همه جنگ‌هایی که از اوّل تاریخ بوده است - یعنی آمدن پیامبران، مبارزات فراوان، دو صف شدن حق و باطل، جنگ‌ها، نبردها، درگیری‌ها، صبرها بر مشکلات، تلاش عظیم اهل حق، حتی تشکیل حکومت اسلامی و استقرار عدل اسلامی - تکامل و کمال انسان و نزدیک شدن او به خداست. همه چیز، مقدمه‌ی این است؛ ولی تکبر حالتی است که اگر

۱. در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

در کسی وجود داشت، او دچار خودشگفتی می‌شود و وقتی خودش، کارش، معلوماتش و خصوصیات فردیش را مورد توجه قرار می‌دهد، حس اعجاب به او دست می‌دهد و به نظرش بزرگ و زیبا و مطلوب می‌آید. شاید بشود گفت که بزرگ‌ترین مانع و بدترین درد و بیماری در راه تکامل بشری، عبارت از خود را بزرگ دیدن، خود را پاک و بی‌غش دیدن، خود را قدرتمند و توانا دیدن و خود را برتر از دیگران مشاهده کردن است.

شب قدر را کسی به دعا و مناجات و گریه و توجه به خدا و نماز و استغفار و امثال اینها بگذراند، بعد فردای آن روز، وقتی که در بین جمع می‌آید و مردم را در خیابانها مشغول کار خودشان می‌بیند، در دل خود بگوید: ای بیچاره‌ها! شما دیشب در چه حالی بودید، ما چه حالی داشتیم؛ شما غافل بودید! یعنی خود را از دیگران بالاتر حساب کند و این چنین پندارد. هر کدام از اینها باشد، برای پیشرفت تکاملی انسان، سمّ قاتل است.<sup>۱</sup>

#### ۱۰- غفلت از توحید ناب اسلامی

در دوران سلطه‌ی استکبار، غفلت از توحید ناب اسلامی و مفهوم زندگی شمول آن بود که صحنه را برای بتهای استعمار باز گذارد و به خداوندان زر و زور، فرصت تاخت و تاز داد. دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه‌ی زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقّق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب بتواند این کشورها را یکباره به صورت تابعی از کشورهای صنعتی درآورد و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن را برای مدتهای طولانی و جبران‌ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۱/۳۰

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

### ۱۱- فسادهای شخصی

برای نیروهای شرّ آفرین، همه چیز براساس شرّ مطلوب و پسندیده است. اگر بخواهیم این حرفها را در محیط کار و درس شما و در این دانشگاه - که از افتخارات نیروی هوایی است - تصدیق کنیم، باید بگوییم: هر چه زمان پیش میرود و هر دوره که از دوره‌های تحصیلی شما میگذرد، اگر شما دانشجویان این دانشگاه و سایر مراکز علمی نیروهای مسلّح، در راه صلاح و نیکی پیشرفت کنید، در این چالش با نیروهای باطل، یک سنگر به جلو رفته و یک خاکریز دشمن را در هم نوردیده اید. این را به یقین بدانید که یکی از ابزارهای قدرت استکباری قدرتمندان زورگوی امروز دنیا، فسادهای شخصی است و هر یک نفر انسان که فاسد شود، قدرت استکباری در سطح جهان، یک قدم به جلو رفته است.<sup>۱</sup>

### ب) موانع و آفات بیرونی پیشرفت

#### نظام سلطه؛ مانع اصلی

امروز هرکس به جغرافیای سیاسی و فرهنگی عالم نگاهی بیندازد، حقیقتی را مشاهده میکند. آن حقیقت این است که امروز جهان از قطبهای سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه‌ی جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم میکنند. کشورهای شمال یعنی کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای مثلاً فقیر یا کشورهای توسعه یافته و کشورهای رو به توسعه. در دوره‌های قبل هم تقسیمات دیگری میکردند. من در آن زمان که شوروی سابق هنوز بود و

۱. در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی هوایی ۱۳۷۳/۳/۱

دنيا را به بخشهای سه گانه تقسیم میکردند، در یک مجمع جهانی این حرف را زد؛ امروز هم که شوروی ای وجود ندارد و قطبهای دوگانه‌ی متضاد قدرت در دنیا به آن صورت نیست، همان عقیده را دارم. هر چه زمان میگذرد، این حرف بیشتر تأیید میشود؛ و آن حرف این است که جهان دو بخش دارد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر. بخش سلطه‌گر لزوماً کشورهای نیستند که از ثروتهای طبیعی برخوردار باشند؛ بخش سلطه‌پذیر هم لزوماً کشورهای نیستند که همه فقیر باشند. کشورهای آفریقایی بر روی دریاهایی از منابع طبیعی بسیار لازم برای مردمانشان زندگی میکنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیاری هست که بشر به آن احتیاج یا اشتیاق دارد. این ثروت طبیعی مال آنهاست؛ بنابراین فقیر نیستند؛ اما ابزار سلطه از این جادوگری‌ها بسیار میکند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل میکند؛ اما ملتهایی را که از ثروتهای بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهای که به نان شبشان محتاجند، تبدیل مینماید! امروز در آفریقا، در بسیاری از مناطق آسیا، در بسیاری از مناطق امریکای لاتین، در خود اروپا، از اینگونه ملتها هستند. این تقسیم دوگانه است؛ یک بخش، قدرتهای سلطه‌گرند که در کشورهای حکومت میکنند؛ یک بخش، سلطه‌پذیرند. من نمیخواهم بگویم همه‌ی کسانی که سلطه‌گر نیستند، سلطه‌پذیرند؛ نه کشورهای هستند که سعیشان بر این است که سلطه‌پذیری نکنند و سلطه‌ی سلطه‌گران را نپذیرند؛ اما اگر بتوانند، بیشتر در جنبه‌ی اقتصادی از تسلط بیگانه فرار میکنند؛ یا اگر بتوانند، در جنبه‌ی سیاسی از تسلط بیگانگان میگریزند؛ اما در جنبه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی سلطه‌گران را پذیرفته‌اند. این واقعیتی است که باید انسان آن را درست درک کند. با انکار واقعیتها هیچکس نمیتواند به نتیجه برسد.<sup>۱</sup>

■  
امروز در دنیا لازمی این طلب استکباری - که واقعاً جای کلمه‌ی استکبار همین جاست - این شده است که حرکت تند پرشتابی برای

۱. در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴

تسخیر زمینه‌های متعدد - که عمده‌اش سه زمینه است: اقتصاد، سیاست و فرهنگ - از بالا آغاز شود؛ مثل سیل بنیان کنی که به سمت دامنه می‌آید. این سیل سرازیر شده؛ مربوط به امسال و پارسال هم نیست. منتها بر حسب شرایط گوناگون عالم تشدید میشود. بعضی معتقدند در مقابل این سیل چاره‌ای جز تسلیم نیست! امروز انسان این را مشاهده میکند. بعضی‌ها در سطح کشورهای در حال توسعه یا به تعبیر دیگر جهان سوم - کشورهای که در قله قرار ندارند، در دامنه‌های پایین قرار دارند - صریحاً میگویند چاره‌ای نیست، باید غرق و هضم و همشکل شد. بعضی‌ها هم صریحاً این را نمیگویند، اما عملاً اینطور رفتار میکنند. آیا واقعاً واقعیت همین طور است؟ یعنی امروز در مقابل سیلی که برای قبضه کردن همه‌ی منابع و تلاشهای اقتصادی عالم از یک نقطه‌ی خاص شروع شده است، هیچ مقاومتی نمیشود کرد؟ آیا در مقابل سیلی که سرازیر شده و همتش این است که هویت سیاسی کشورها را به یک هویت جمعی - که در رأس آن، مراکز اقتدار بین المللی هستند - تبدیل کند، واقعاً نمیشود مقاومت کرد؟ آیا باید در هاضمه‌ی افزون طلب و قناعت‌ناپذیر فرهنگ سلطه‌گر هضم شد؟ آیا واقعاً سرنوشت بشریت این است؟ بعضی اینطور تصوّر میکنند.<sup>۱</sup>

چرا ایران باید در ردیف کشورهای به اصطلاح در حال توسعه - یعنی توسعه نیافته - قرار بگیرد؟ «در حال توسعه» یک تعبیر تعارف آمیز است؛ یعنی عقب مانده و توسعه نیافته. مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیای علم پیشتازند، کمتر است؟ می‌بینید که کمتر نیست. آنها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند؛ این گناه پادشاهان است؛ گناه نظام دیکتاتوری است؛ گناه خاندانهای پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند؛ گناه خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم میبود، یک روز آن را کوبیدند و خفه کردند. چرا خفه کردند؟ چون

۱. در دیدار هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱/۳/۷

رؤسای این کشور، دست‌نشانده‌های همان قدرتهایی بودند که نمیخواستند این کشور اینطور حرکت و رشد کند؛ نمیخواستند این منبع ثروت مفت و مجانی را از دست بدهند. اگر صاحبخانه بیدار باشد، دزد نمیتواند وسایل خانه را جلوی چشم او جمع کند و ببرد. یا باید صاحبخانه را خواب کنند، یا باید دست و پایش را ببندند؛ و آلا اگر بیدار باشد، دست و پایش باز باشد و قدرت هم داشته باشد، مگر به دزد اجازه میدهد؟ کسانی که میخواستند ایرانی خواب باشد، دست و پایش بسته باشد و حرکتی در راه مالک شدن موجودی و ثروت طبیعی خود نکنند، آمدند کسانی را در رأس این مملکت گذاشتند. رضاخان را انگلیسی‌ها گذاشتند؛ محمدرضا را اتحادی میان انگلیس و امریکا بر این مملکت گذاشت. پنجاه و چند سال اینها این مملکت را در درخشان‌ترین فرصتهای جهانی معطل و معوق گذاشتند. نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز ما را عقب نگه داشتند. من که میگویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال میکنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا بلند کند. خیال میکنند بنده با موی بلند تا این جا مخالفم. مسئله‌ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمیتوانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمیگذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه‌ی علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده‌ی دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و میگویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه‌ی فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه‌ی فلانی است. یعنی آنطوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجاست که آن نظریات کهنه و منسوخ میشود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین

در دست میگیرند! ده‌ها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و ده‌ها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی میخواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه‌ی قدیمی نگاه میکنند! اینها دو عیب دارند: یکی اینکه تقلیدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه‌ی خود نگه داشته‌اند و امروز به جوانهای ما میدهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه میکنند!<sup>۱</sup>

### استعمارگران

اگر این ملت را به حال خود هم وا می‌گذاشتند، در علوم جلو می‌افتاد و در بیشتر دانشهایی که در ابتدا از قلب و درون خود جوامع جوشیده و سر کشیده و شکفته است، پیشرفت میکرد و پایه‌پای دنیا پیش میرفت و این قدر عقب نمی‌ماند.

بعد از آنکه راه معلومات و علوم روز غربی در ایران باز شد، دستهای خیانتکار و غافل، کاری کردند که این ملت عقب بماند و پیشرفت نکند. سالها و بلکه قرنهای متمادی، ملت ما در اوج قلّه‌ی علم بود و در هیچ جای دنیا در آن دوران، این قدر علوم درخشش نداشت. شما شنیده اید که قرون وسطی، قرون تاریکی و ظلمات است. امروز هم اروپایی‌ها وقتی میخواهند مردمی را تخطئه کنند، میگویند اینها قرون وسطایی هستند! قرون وسطی، یعنی قرنهای جهالت و ظلمات ملت‌های اروپایی. درست همزمان با این قرون، قرون درخشش دانش در ایران و کشورهای اسلامی است. ابن سینا و ابوریحان بیرونی و محمدبن زکریای رازی و

۱. در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷



عمر خیام - منجم و ریاضیدان بزرگ - و بزرگ‌ترین ادبا و بزرگ‌ترین علمای ما در علوم طبیعی و بزرگ‌ترین ریاضیدانها و منجمان و پزشکهای ما که امروز آثار علمی آنها در دنیا مطرح است، همزمان با قرون وسطی زندگی میکرده‌اند. بله قرون وسطی، قرون ظلمات و تاریکی برای اروپایی‌هاست و قرون درخشش دانش برای ما مسلمانها میباشد. اروپایی‌ها، این حقیقت را کتمان میکنند و مورخان غربی، آن را به زبان نمی‌آورند و ما هم عادت و باور کرده‌ایم!

ملّتی با این سابقه‌ی درخشان تاریخی، در دوران ستم فراگیر حکومت پادشاهی در این کشور - و بدتر از همه در این دویست یا صد و پنجاه سال اخیر، یعنی اواخر قاجاریّه و همه‌ی دوران پهلوی - از لحاظ پیشرفت علمی، در این حد از تنزل قرار گرفت. این، کاری است که انجام دادند و علّت عمده‌ی این مسئله، جدایی دین از علم در کشور ما بود. علما و دانشمندان و محققان علوم طبیعی در کشور ما، از دین جدا ماندند و در نتیجه به درد مردم و کشور و ملتشان نخوردند. خوبترها و بهترینهایشان رفتند و برای بیگانگان مفید واقع شدند. عدّه‌ای هم در همین جا بودند و برای بیگانه‌ها کار کردند. روشنفکرانی که در همین دانشگاه‌ها درس خواندند، همانها بودند که در طول حکومت پهلوی، اداره‌ی این کشور را به خائنانه‌ترین وجهی بر عهده داشتند و به این ملّت خیانت کردند. اینها، متخرجان همین دانشگاه‌ها بودند و خدا رحم کرد که انقلاب اسلامی پدید آمد. آن نسلی که بتدریج از روشنفکران متأخر این جامعه فارغ‌التحصیل شده بودند و به سمت کارهای سیاسی می‌رفتند، به قدری نسل بی‌ریشه و بی‌اعتقاد و بی‌پیوندی بودند که خدا میداند اگر آنها بر سر کار می‌آمدند، با این ملّت و این کشور چه میکردند. هست و نیست و بود و نبود این ملّت را می‌سوزانند و از بین می‌بردند! خدا را شکر که آنها مهلت پیدا نکردند و انقلاب اسلامی آمد و آن سلسله و طومار را درهم درید.

■  
امروز، یکی از حساسیتهای استعمار و استکبار و امریکا و

صهیونیستهای طراح فساد در عالم عبارت است از اینکه نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی، از لحاظ علمی پیشرفت کنند. این حساسیت، نسبت به کشور ما مضاعف است؛ چون حساسیتی که آنها نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی دارند، نسبت به هیچ انقلاب دیگری نداشته و ندارند و نخواهند داشت. البته اگر در آینده، انقلاب غیر اسلامی ای تحقق پیدا کند، این حساسیت را نخواهند داشت. امروز، کسانی که میتوانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه مضاعف کنند؛ چون دشمن نمیخواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استعدادهای خوب و برجسته، دانش آموزان تیزهوش و کسانی که میتوانند برای آیندهی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسئولیت کنند. البته خیلی هم باید خوشحال باشند که علی رغم میل دشمنان، میتوانند برای کشور و ملتشان مفید و مؤثر باشند.<sup>۱</sup>

ملت ما ده ها سال از مسیری که باید پیش میرفت، عقب نگه داشته شد؛ ما باید این عقب ماندگی را جبران کنیم. اینها واقعیت است؛ اینها عینیات تاریخ ماست. با ملت ما، یعنی همان ملتی که امروز در میدان علم که وارد میشود، در دنیا شگفتی می آفریند؛ در برخورد نظامی که وارد میشود، دشمنان مجهز را دچار حیرت میکند؛ در زورآزمایی های سیاسی که وارد میشود، حریفان قدر را حریف میشود - ما ملتی اینگونه داریم. این ملت با این سرمایه های استعداد انسانی و با این سرزمین پهناور و حاصلخیز و زرخیز و سرشار از منابع طبیعی، میتوانست در اوج قلعهی علم و تمدن و پیشرفت مادی و معنوی قرار بگیرد - کاری کردند که شد جزو کشورهای جهان سوم؛ آن هم در آن ردیفهای آخر آخر! اینکه اینقدر دانایان این کشور به رژیم طاغوت لعن و طعن میکنند، بیهوده نیست. این جنایت بر کشور ما وارد آمده و بر ملت ما تحمیل شد. ملتی

۱. در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه ۱۳۷۸/۹/۲۹

را که می‌توانسته به اوج بینهایت پرواز کند، بالهایش را بریدند، پاهایش را بستند و زخمی‌اش کردند؛ ملت ما را به یک ملت بدبین به خود، ناامید از آینده‌ی خود، بی‌تحرك برای رسیدن به افقهای دوردست، مجذوب و واله در مقابل دیگران، تبدیل کرده بودند؛ اما انقلاب آمد و یک تکان سخت و یک تغییر نگرش عمیق به این ملت داد، که ملت ما بیدار شد، حرکت کرد، راه افتاد، خودش را شناخت و گفت «میتوانیم»؛ و توانست، حالا هم پیش رفته است. موتور حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه‌ی ما، به راهنمایی‌ها و هدایت‌های الهی است، که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد؛ حرکت ما هم حرکت خوبی بوده و دشمن هم اتفاقاً همین نقطه‌ی اساسی، نقطه‌ی ایمان را بمباران میکند. الان در بین جامعه‌ی ما یک مجموعه‌ای افتخار میکنند و با حماسه، از ایمان خودشان یاد میکنند. این، خیلی باارزش است. این، بسیج است.<sup>۱</sup>

#### چالش‌ها؛ عاملی برای پیشرفت

آن کسانی که برای جامعه کار میکنند، آن کسانی که برای استحکام نظام کار میکنند، آن کسانی که برای پیشبرد کلمه‌ی این نظام و این کشور و اعلامی کلمه‌ی این نظام کار میکنند، برای خدا دارند کار میکنند. خدایی است. این خیلی ارزش دارد، این یک نسخه‌ی جدید است؛ این نسخه‌ی جدیدی است که دنیا این را بعد از زمان پیامبران و بعد از صدر اسلام تا امروز، دیگر ندیده. این، چیز کمی نیست. این، دشمن دارد. دیکتاتورهای عالم هم دشمن این نظامند؛ سلطه‌گران و متجاوزان به حقوق ملتها هم دشمن این نظامند؛ باید منتظر دشمنی بود. منتها این ملت نشان داده است که این دشمنی‌ها در ایستادگی او اثری ندارد. سی سال است دشمنها، دشمنی میکنند و ملت ایران ایستادگی میکند و نتیجه‌ی این چالش، پیشرفت شگفت‌انگیز ملت ایران شده و این پیشرفت بعد از این هم ادامه خواهد داشت.<sup>۲</sup>



۱. در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۸۴/۹/۷

۲. در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵

سی سال دولت امریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید یک کاری بود که امریکایی‌ها می‌توانستند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هر کار ممکن بوده، کرده‌اند. خب، شما می‌بینید که نتیجه‌ی این رویارویی، بالندگی هرچه بیشتر ملت ایران، پیشرفت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی، قوت روزافزون این کشور و این نظام بوده. آنی که ضرر کرده است، آنهاست.<sup>۱</sup>

---

۱. در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸/۸/۱۲

بخش پنجم: جایگاه عدالت در مدل اسلامی پیشرفت



## اهمّیت عدالت

مهمترین وظیفه‌ی مسئولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه‌ی افراد به امکانات کشور. کشور ما امکانات زیادی دارد؛ این امکانات میتواند یک جامعه‌ی مرفّه و پیشرفته و توسعه‌یافته را برای ملت ایران ایجاد کند؛ منتها شرط اصلی این است که در استفاده‌ی از این منابع، عدالت رعایت شود. نظام جمهوری اسلامی پرچم عدالت را بلند کرده است؛ مردم هم مجذوب همین شعار بسیار مهم و اساسی هستند. نظام جمهوری اسلامی موظّف است در همه‌ی مراحل عدالت را تأمین کند و مردم نقاط مختلف کشور و قشرهای گوناگون جامعه را از منابع حیاتی کشور برخوردار سازد. این، وظیفه‌ی اساسی است.<sup>۱</sup>

نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویّت در آخرالزمان هستید و الان حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»<sup>۲</sup>. نمیگویید که «یملأ الله به الارض دینا». این، نکته‌ی خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمیکنیم؟ اگر چه قسط و عدل متعلّق به دین است، اما هزار سال است

۱. در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۲/۱۸

۲. بحارالانوار ج: ۳۸ ص: ۱۲۶

که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا میکند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون - مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه - را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمه‌ی واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور میشود به این قضیه بی‌اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی‌اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنه‌اییم. به این شعارهایی که در دنیا میدهند، نگاه کنید! اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفا و محرومان نیست. شما ببینید امروز جنایات رژیم صهیونیستی با مسلمانان چه میکند؛ با اسلام و مقدسات اسلامی چه میکند! ببینید امریکا - که گناه بزرگ این قضایا به گردن رژیم شیطان بزرگ امریکاست - چگونه از اینها حمایت میکند! حادثه‌ی مهمی پیش می‌آید، وجدان دنیای اسلام به هیجان می‌آید، به عزیزترین مقدسات اسلام اهانت میشود، از اطراف دنیای اسلام سر و صدا بلند میشود؛ اما امریکایی‌ها دو کلمه اظهار تأسف می‌کنند! عجب! اظهار تأسف خشک و خالی بی‌ارزش در مقابل یک حرکت عظیم اسلامی به این صورت! علمای بلاد اسلام، روشنفکران و توده‌های مردم در مقابل این اهانت صهیونیستها به هیجان آمدند - کار به ماهیت قضایا ندارم؛ حرکت دنیای اسلام حادثه‌ی مهمی است - آن وقت آنها در مقابل این حرکت عظیم مردم، فقط اظهار تأسف میکنند؛ عوض اینکه در رفتار و حمایت خود از صهیونیستهای ظالم و سفاک و قانون‌شکن، اندکی تجدیدنظر کنند! این، بی‌اعتنایی به انسانیت و ارزشهای انسانی و خواست مجموعه‌ی عظیم انسانی نیست؟! ادعای طرفداری از انسان هم میکنند! امروز شعار عدالت اجتماعی، شعار غریب



و مظلومی در دنیا است. این پرچم هم در دست شماست؛ همچنان که امروز پرچم دفاع از ارزشهای معنوی در دست ملت ایران است. البته در میان ملتها خیلی طرفدار دارید؛ به خصوص در میان ملتهای اسلامی، خیلی‌ها دلشان برای این شعارها و این حرکت عمومی ملت ایران می‌تپد؛ ولی دولتها و حکومتها حکم دیگری دارند.<sup>۱</sup>

آنچه در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله‌ی «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی اینطور تصور میکردند - شاید حالا هم تصور کنند - که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه‌ی مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی میپردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه‌ی عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله‌ی طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمیتوانند. خرابی‌ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیقتر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، و الا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم. برنامه‌ی دوم بحمدالله خوب انجام شد و حالا هم با خوبی پیش میرود. در برنامه‌ریزی‌های بعدی مسئله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه‌ی اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه‌ی بخشها و برنامه‌ریزی‌هایتان دخالت دهید. در سیاستهایی هم که برای برنامه‌ی دوم ابلاغ و اعلام شد، این نکته جزو اقلام مهم آن سیاستگذاری بود.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۴/۲۵

۲. در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت ۱۳۷۴/۶/۸

نظام اسلامی میفرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»<sup>۱</sup> اصل، عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، یک جامعه‌ی فقیر نمیخواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمیخواهد. از ثروتها استفاده میکند؛ علم را پیشرفت میدهد، منابع زیرزمینی را استخراج میکند، انسانها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت میکند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره‌ی طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است. اما جهت همه‌ی اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامه‌ی قسط آمدند؛ «لِيُقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۲</sup>. اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج‌البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه هم هست.<sup>۳</sup>

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیمگیری‌های اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخشهای مختلف اجرایی، به خصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه‌ی مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه‌ی برنامه‌ریزی‌های کشور و محور کلّیه‌ی تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه‌ی اقتصادی، با چگونگی و اندازه‌ی پیشرفت

۱. عوالی اللّٰهلی ج: ۴ ص: ۱۰۲

۲. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵؛ ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند.»

۳. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.<sup>۱</sup>

هدف ما، استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه‌ی کارها برای اقامه‌ی عدل، ارزش پیدا می‌کند. در جامعه‌ی نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است. البته عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان و آدم‌های کم عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه‌ی جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی برطبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن. این معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. هدف این است که عدالت حاکم شود. آن وقت اگر جامعه ثروتمند هم بشود، این ثروت درست تقسیم خواهد شد. مقصود حرکت اسلامی همین است.<sup>۲</sup>

آنچه من به برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه‌ی آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه‌ی این سازندگی یا نتیجه‌ی رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود

۱. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳

۲. در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه‌ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله‌ی بین فقیر و غنی، روزبه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهتگیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمامتر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند.<sup>۱</sup>

پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالایی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری

۱. پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی ۱۳۷۲/۱/۱

کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.<sup>۱</sup>

■  
نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهایشان رفتند؛ بدون اینکه به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل‌اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملّتی، چنانچه بطور جدّی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که بطور جدّی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتّی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاری‌ها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر میشود و بعضی بعد از مدتی ظاهر میگردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاری‌های آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش اینطور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاری‌های زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجّه نکرده است.<sup>۲</sup>

۱. دراجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در دیدار کارگزاران، در روز عید مبعث ۱۳۷۴/۹/۲۹

در نظامها و کشورهایی که زندگی را با ابزارهای پیشرفته و با علم مادی میگذرانند، آسایش زندگی متعلق به همه‌ی مردم نیست؛ به یک‌عده از مردم اختصاص دارد. امروز در کشور آمریکا، در کشورهای پیشرفته‌ی اروپا، گرسنگی، فقر، مردن از کمبود مواد غذایی، نداشتن سرپناه و مسکن، ناامنی حتی برای یک زندگی حیوانی، فراوان است. آن کسانی که از تکنولوژی و دانش جدید در این کشورها استفاده میکنند، طبقه‌ی خاصی از مردمند. آنهایی که برای یک شکم غذا مجبورند شرف و ناموس و شخصیت خودشان را بفروشند و انواع اهانتها را تحمل کنند، توده‌ی عظیمی از مردمند. این، واقعیت قضیه است. ظواهر، پرزرق‌وبرق و پر جلوه است. دوربین تلویزیونها و خبر خبرگزاری‌ها چیزهایی را به عنوان تبلیغات به مردم دنیا ارائه می‌دهد که پرزرق‌وبرق و چشمگیر است.

اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، با پیمودن فضا، با ثروتهای عظیم مادی‌ای که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوم و فقیر دزدی و غارت کرده است، ادعا بکند که فقر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمیتواند به همه‌ی انسانها بدهد.<sup>۱</sup>

یک جمله هم می‌خواهم به بعضی از مسئولان عرض کنم. امروز کشور ما در حال گذر از یک دوران سخت اقتصادی است تا - ان شاء الله - به یک دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفاه برسد که مردم بتوانند از منافع و عطایا و هبات این طبیعت عظیم و این امکانات فراوانی که در کشور ما هست، استفاده کنند. ما تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشد و توسعه‌ی عمومی کشور است، این است که به وسیله‌ی سوءسیاستها در کشور، شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده‌ای فقط به خود فکر میکنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (علیه‌السلام) ۱۳۷۰/۱/۲۹

فقرا و نه به آینده‌ی کشور فکر نمیکنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می‌اندیشند. دستگاه‌های مسئول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه میکنید که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید میشود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی و غربی. آنچه از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان میدهند، جاهای خوش است. محلات فقیرنشین و زندگی‌های تلخ و گرسنگی‌ها و محرومیت‌ها و حسرتها را که نشان نمیدهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان میدهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، میشود همین وضعیت و وضعیتی بعضی از کشورهایی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمیخواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمیخواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را میخواهیم. البته نمیگوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آنجایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمیشود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.<sup>۱</sup>

■  
امروز کشور ما در حال گذر از یک دوران سخت اقتصادی است تا - ان شاء الله - به یک دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفاه برسد که مردم بتوانند از منافع و عطایا و هبات این طبیعت عظیم و این امکانات

۱. در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری

فراوانی که در کشور ما هست، استفاده کنند. ما تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشد و توسعه‌ی عمومی کشور است، این است که به‌وسیله‌ی سوءسیاستها در کشور، شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده‌ای فقط به خود فکر میکنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده‌ی کشور فکر نمیکنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می‌اندیشند. دستگاه‌های مسئول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه میکنید که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید میشود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی و غربی. آنچه از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان میدهند، جاهای خوبش است. محلات فقیرنشین و زندگی‌های تلخ و گرسنگی‌ها و محرومیتها و حسرتها را که نشان نمیدهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان میدهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، میشود همین وضعیّت و وضعیّت بعضی از کشورهایی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمیخواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمیخواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را میخواهیم. البته نمیگوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آنجایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد،



جامعه شکوفا خواهد شد. نمیشود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.<sup>۱</sup>

هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه‌ی مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه میکنیم. فلسفه‌ی نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند همچنان که اسلام از مسئولان، انسانها و ملت‌ها خواسته است، در میان مردم، هم عدالت، هم اخلاق، هم معنویت و هم رفاه مادی را به وجود آورد. این کار، مقدس و بسیار بزرگ و البته دشوار است. همه‌ی تلاش جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته برای این بوده است که به این مقصود دست پیدا کند.

کسانی که راه را عوضی بروند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که شایسته‌سالاری را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که مردمی بودن مسئولان را فراموش کنند، اشتباه میکنند. راه از این جهت دشوار است و حرکت در این راه از این جهت با موانع بزرگ مواجه است که در آن باید همه‌ی این معیارها رعایت شود.

ما نمیتوانیم دل خود را خوش کنیم به اینکه چیزی بگوییم و چند صباحی را در مسند مسئولیت - یا به تعبیر رایج، در مسند قدرت - باقی بمانیم؛ اما فکر حال و آینده‌ی کشور و فکر رشد مادی و معنوی ملت را نکنیم؛ این نمیشود. نظام اسلامی از مسئول میخواهد خود را در مقابل خدا ببیند. اینکه مردم خدمت او را بفهمند یا نفهمند، از او تشکر بکنند یا نکنند، در درجه‌ی بعد باشد. در درجه‌ی اول، مسئول باید احساس کند در مقابل خدای متعال برای خدمت به مردم و استقرار عدالت در میان

۱. در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری

آنها مسئول است. محاسبه‌ی ما اینطور نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته در این راه پیشرفت‌های زیادی کرده است. نمی‌گوییم تماماً به هدف‌های خود رسیده‌ایم؛ نه. باز هم باید حرکت و تلاش کنیم؛ اما می‌گوییم و ادعا می‌کنیم که در این راه، نظام جمهوری اسلامی پیشرفت کرده است.<sup>۱</sup>

■ آنچه مورد توجه مسئولان کشور است، سرعت بخشیدن به سازندگی همه‌جانبه‌ی کشور است؛ اما در کنار این معنا، محور اصلی شعارهای نظام اسلامی، استقرار عدالت، رسیدگی به مشکلات مردم، تسهیل زمینه‌های رشد و پیشرفت ملت ایران و ساختن کشور آنچنان که مناسب حاکمیت اسلام و شعارهای اسلامی است، می‌باشد. این، آن چیزی است که مسئولان در پی آن هستند؛ این هدف بزرگی است و تلاش زیادی لازم دارد.<sup>۲</sup>

■ موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود. من می‌خواهم یک قدری راجع به این مسئله‌ی پیشرفت صحبت کنم. مسئله‌ی عدالت هم باز یک باب واسع و طولانی دیگری است.<sup>۳</sup>

۱. در اجتماع بزرگ مردم قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۵

۲. در دیدار با مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷

۳. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

عدالت را اولاً باید تعریف کنید - به نظرم من این را جداگانه هم اینجا نوشته باشم - و مشخص کنید که این عدالتی که میخواهیم به آن برسیم، چیست. اولاً عدالت فقط عدالت در مسائل اقتصادی نیست، یک بخش عمده اش مسئله‌ی اقتصاد است. در قضاوتها، در داوریه‌ها، در نگاه‌ها، در نظرها، در اظهارات، در موضعگیری‌ها، همه بایستی شاخص عدالت را در نظر داشته باشیم. از همه مبتلابه تر، همین مسئله‌ی عدالت اقتصادی و عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت عمومی و درآمد عمومی ملی بین آحاد جامعه است که نمونه‌های فراوانی دارد که زیاد است و یکی اش همین یارانه هاست که ما خودمان یارانه میدهم؛ به فقیر کمتر میدهم، به غنی بیشتر میدهم! الان اینجور است دیگر. الان یارانه‌هایی که دولت دارد میدهد، بیت‌المال دارد میدهد، به فقرا داریم کمتر یارانه میدهم، به اغنیاء بیشتر داریم میدهم. این هدفمند کردن یارانه‌ها که مطرح شده، واقعاً یک امر مهمی است. سالهاست که این جزو آرزوهاست، جزو کارهاست. بنده در دولتهای قبل دو سه مرتبه کتباً و شفاهاً به دولتها گفته‌ام، منتها دنبال این نمیرفتند؛ کار سختی است، کار پردردسری است. همین‌طور ترجیح میدادند که بماند. خوب، حالا این دولت دنبال این کار رفته. بالاخره باید این را دنبال کنید، که کار ظریفی هم هست. در اینباره، توصیه‌هایی داریم، که بعد شاید اگر وقت شد، عرض میکنم.

غرض، در باب عدالت، یکی این جهت مورد نظر باشد، یکی هم اینکه در عدالت، هم عقلانیت بایستی مورد توجه باشد، هم معنویت. این را ما قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت میشود یک شعار تو خالی. خیلی‌ها حرف عدالت را میزنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه‌ی سیاسی و شکلی پیدا میکند. دوّم، عقلانیت. اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضدّ خودش تبدیل میشود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد. خیلی از کارها را گاهی بعضی از این گروه‌های تند و افراطی توی این کشور به عنوان عدالت کرده‌اند، که ضد عدالت شده. اتفاقاً حالا همان تندی‌های آن حضرات موجب شده که خود آنها صد و هشتاد

درجه گرایشهایشان عوض بشود! جور دیگری حرف بزنند، جور دیگری فکر کنند، جور دیگری عمل بکنند؛ بنابراین در عدالت، عقلانیت شرط اول است.

■ عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکان با عدالت رفتار کند؛ با زن و فرزندان با عدالت رفتار کند. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار میشوند که یادشان می‌رود از وجود همسرانشان و فرزندان‌شان؛ و این ضایعاتی را درست میکند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوییم: آقا! خواهش میکنم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگویید نه اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندان‌ش، خانواده‌اش و قانون خانوادگی را حفاظت بکند. «فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ خودتان و اهلتان را حفظ کنید. یعنی در کنار خود انسان ذکر شده. خدای متعال به پیغمبرش فرمود که: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»؛ نه دستهایت را به گردن خودت غل و زنجیر کن - یعنی امساک بیش از حد. معنایش امساک بیش از حد است - نه این کار را بکن؛ و نه «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»؛ بکلی باز باز کن. یک وقت انسان دستش را جمع جمع میکند، یک وقت باز باز؛ نه هیچکدام از اینها نباشد. منظور این است که در امور مادی و مالی و اقتصادی، نه مشت بسته داشته باش، نه ولخرجی داشته باش. به پیغمبرش خدای متعال اینجوری سفارش میکند. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامٌ»<sup>۶</sup> - آخر سوره‌ی فرقان - یعنی میانه‌رو در همه‌ی امور. انسان از افراط و تفریط باید پرهیزد.<sup>۷</sup>

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶

۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۹

۳. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۹

۴. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۷

۵. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

### عدالت و پیشرفت توأمان

بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند؛ این را قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد؛ بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است.

اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد.<sup>۱</sup>

### ما هم توسعه محوریم، هم عدالت‌محور

دوستان به مسئله‌ی کوچک کردن، خصوصی‌سازی و حجم زیاد و فربه‌ی دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تأیید است. من این نکته را عرض کنم: ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمیسازند یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

ما منابع مالی کشور را کجا بیشتر مصرف میکنیم؟ البته این یکی از نقاط درست است؛ اینکه دوستان تکیه کردید که ما این مقدار را به بخش خصوصی از حساب ذخیره‌ی ارزی یا از منابع دولتی تزریق کردیم؛ این فلسفه‌ی درست و سیاست درستی است؛ متنها در کنار این، توجه کنید که ما با این کار عقب‌افتادگی‌هایمان را جبران کنیم و نباید به سمت افراط در این زمینه برویم. بخش تعاونی را تقویت کنیم، اموال دولت و دارایی‌ها و موجودی‌های دولت را برای رعایت مصلحت عموم حفظ کنیم و مواظب باشیم که اموال دولت و دارایی‌های دولت در زیر این قالب و چارچوب از بین نرود و نابود نشود.<sup>۱</sup>

اسلام به ملّتها استقلال و آزادی میدهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصّبات جاهلانه و کجفکری‌ها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملّتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم میدهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله‌ی بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه‌ی اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا میپيچند و ارائه میدهند که طبقاتی را مرفّه میکند و رونق اقتصادی را بالا میبرد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام میشود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه‌ی اسلام به‌دست می‌آید. امروز گرفتاری‌های ملّتهای مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرتهای مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملّتهای مسلمان حکم میرانند؛ در زندگی آنها دخالت میکنند؛ آنها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه میدارند؛ از ثروتهای آنها به شکل نامشروعی استفاده میکنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۶/۴

حیثیت انسانی، عقب‌ماندگی علمی و عقب‌ماندگی در شئون زندگی، از دیگر گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان است. همه‌ی این گرفتاری‌ها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود.<sup>۱</sup>

ما پیشرفت را با عدالت با هم آوردیم؛ یعنی درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که در دنیای مادی امروز مطرح است. آنها می‌گویند ما اگر بخواهیم در پیشرفت، رعایت این مسائل عدالتی را بکنیم، آن پیشرفت به دست نخواهد آمد، بنابراین عدالت را می‌گذاریم بعد از آنکه پیشرفت را حاصل کردیم. آن وقت با راه‌های جبرانی مثل همین بیمه‌ها و کمک‌ها تا آن حدی که بشود - که غالباً هم نمیشود - جبران می‌کنیم. ما می‌گوییم نه پیشرفت همراه با عدالت. در ذات این پیشرفت، عدالت بایستی ملحوظ شده باشد. خب، این الگو لازم دارد؛ بنشینید الگوش را ترسیم کنید. این، نگاه کلانی خواهد بود به آینده‌ی کشور؛ و شما چهار سال فرصت دارید؛ این چهار سال می‌تواند یک پایه‌گذاری باشد که هر کسی هم بعد از شما آمد، این پایه‌گذاری شما راهنمای او باشد.<sup>۲</sup>

شعار پیشرفت و عدالت، یک شعار محوری است؛ یک مطلب اساسی است؛ یک نیاز است. در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسئولان باید پیشرفت و عدالت باشد. «پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته‌ای است که انسان‌ها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسان‌ها تبعیض وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزو خواسته‌های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است، که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته‌ی اصلی انسان‌ها بوده است: پیشرفت و عدالت. این شعارها را

۱. در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۱۳۷۸/۳/۱۲

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

میشود داد؛ مهم این است که کی میشود به این شعارها عمل کرد. ما در نظام جمهوری اسلامی، این دهه‌ی چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را میشود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عدالت را هم با رشدی که در جامعه‌ی ما هست، با آگاهی و بصیرتی که مردم ما بحمدالله پیدا کرده‌اند، موانع را شناخته‌اند، اهداف را تشخیص داده‌اند، دوست و دشمن را امروز جوانهای ما تشخیص میدهند، اگر مسئولی در پی عدالت باشد، میتواند در جامعه‌ی ما مقدمات استقرار عدالت کامل را فراهم کند. البته این کار کوتاه‌مدت نیست، کار بلندمدت است؛ بنابراین این دهه را، دهه‌ی پیشرفت و عدالت در نظر میگیریم. هر اقدامی که میشود، هر برنامه‌ریزی‌ای که میشود، باید این دو عنصر در آن ملحوظ باشد؛ هم در جهت پیشرفت جامعه باشد، هم در جهت عدالت باشد.<sup>۱</sup>

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱



بخش ششم: ارزیابی وضعیت پیشرفت در کشور



### ضرورت و اهمیت ارزیابی

یکی از مواردی که به نظر ما باید در جهتگیری‌های کلی دولت مورد توجه قرار بگیرد، مسئله‌ی سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز یک کار اساسی بود که در کشور انجام گرفت؛ بررسی شد، مطالعه شد، جوانبش سنجیده شد. آنچه در این سند هم آمده، شعار نیست. با توجه به امکانات و واقعیات، این سند تنظیم شده. این سند در واقع نقشه‌ی راه بیست ساله‌ی ماست. خب، از این بیست سال، پنج سالش گذشت. یک وقت می‌بینیم این بیست سال با یک چشم به هم زدنی تمام شد. باید ببینیم چقدر جلو رفتیم. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، همین است؛ باید ببینیم چقدر ما توانستیم از این نقشه را به سمت آن هدفها طی کنیم. و الا اگر چنانچه این توجه و این ذکر را نداشته باشیم، یک وقت چشم باز میکنیم، می‌بینیم فرضاً ده سال یا دوازده سال از این زمان گذشت، ما هنوز آن راهی را که باید در این مدت طی کنیم، طی نکردیم؛ در بقیه‌ی این مدت هم طی کردن آن راه امکان ندارد. بنابراین بایستی یک تقسیم‌بندی صحیحی انجام بگیرد بین تلاشها و فعالیت‌هایی که باید بشود و بین این مسیری که ما تا آن اهداف داریم تا در هر برهه‌ای از زمان، به تناسب امکان آن برهه، پیشرفت کرده باشیم. به نظر من بایستی این را یک جا بررسی کرد. این کار هم برعهده‌ی دولت است؛ این را بررسی کنید.

اگر چنانچه شما دیدید که ما در طول مثلاً پنج سال به قدر متناسب،

به آن هدفها نزدیک نشدیم، این را حاکی بگیریم از اینکه برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ما برنامه‌ی کافی‌ای نبوده که نتوانسته ما را به قدر پنج سال جلو بیاورد. به نظر من کسانی را مأمور کنید که بنشینند عاقلانه و با تدبیر و تدبّر و با ملاحظه‌ی واقعیتها بررسی کنند، ببینند پیشرفت ما متناسب بوده یا نه. البته شاید در اینطور چیزها خیلی دقیق نشود محاسبه کرد، اما اجمالاً میشود فهمید که ما پیشرفت کرده‌ایم یا نه.

یکی از چیزهای دیگری که در مورد جهتگیری‌ها مهم است، همین مسئله‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت است که ما گفتیم این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. خوب، تلقی به قبول شد و دستگاه‌های گوناگون کشور گفتند بله این دهه را دهه‌ی پیشرفت و عدالت قرار بدهیم. از این دهه هم تقریباً دو سالش سپری شده. البته انسان مصادیق پیشرفت را در همین کارهای گوناگون ملاحظه میکند؛ همین گزارشهایی که دادند، گزارشهای خوبی است؛ نشان‌دهنده‌ی پیشرفتهایی در بخشهای مختلف است؛ لیکن عدالت چه جوری تأمین میشود؟ یعنی واقعاً یک مقیاسی لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخشهای مختلف - بخشهای فرهنگی، بخشهای آموزشی، بخشهای اقتصادی - مراعات شده یا نه؟ فرض کنید در بخش آموزش و پرورش یا در بخش آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین میشود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجرا، به آن عدالت مورد نظر برسیم. تا ندانیم، تعریف نکنیم، نمیشود. بنابراین تعیین کردن شاخص و معیار برای عدالت در بخشهای مختلف، خودش یک چیز مهمی است. فرض کنید در صرف بودجه‌های گوناگون - که حالا در بخش فرهنگ من اشاره میکنم - رعایت عدالت به چیست؟ چگونه میشود انسان خاطر جمع شود که در صرف این بودجه‌ها رعایت عدالت شد یا نشد؟ اینها معیار و شاخص لازم دارد.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

### بررسی اجمالی وضعیت پیشرفت کشور در دوران قاجار و پهلوی

اولاً این سؤال را باید از خودمان بکنیم: پیشرفت چیست؟ اگر سؤال نکنیم که پیشرفت چیست، پیداست به فکر پیشرفت نیستیم؛ بنابراین، باید اول این سؤال را از خودمان بکنیم و به دنبال پاسخش حرکت بکنیم تا آن را پیدا بکنیم. اینکه «پیشرفت چیست؟» حرفهای گوناگونی در سطح دنیا مطرح است. همه‌جور حرفی هست؛ نسخه‌های قلابی، توصیه‌های متناقض، عجیب و غریب و بعضاً خائنانه، که این بلایی بود که در آغاز شروع مدرن‌سازی کشور به جان ما ایرانی‌ها افتاد.

اول که نشانه‌های پیشرفت اروپایی برای ایرانی‌ها معلوم شد، کم کم به فکر افتادند که ببینند در اروپا، در آن طرف دنیا، چه خبر است؛ قبل از آن، اصلاً خبر نداشتند که در دنیا چه خبر است! سلاطین قاجاری آنقدر گرفتار حرمسراها و سفره‌خانه‌ها و گرفتاری‌های شخصی و مسائل بی‌ارزش خودشان بودند که اصلاً از اینکه در دنیا چه دارد می‌گذرد، خبر نداشتند. رنسانس چه بود؟ چطور به وجود آمد؟ چرا به وجود آمد؟ نتیجه‌اش چه شد؟ اصلاً این قضایا را تا دوران فتحعلی شاه و بعد از آن ملتفت نبودند!

بعد که جنگ ایران و روس شد و دستگاه قاجاری به واسطه‌ی سلاحهای پیشرفته‌ی روسها - که آن روز از امکانات جدید و سلاحهایی که برای خودشان ساخته بودند، بهره بردند - تو دهنی محکمی خورد، تازه کسانی را به اروپا فرستادند و سفرای اروپایی هم که در ایران زندگی میکردند، دست و پای باز کردند. پیغام‌آورها و مأموران ویژه‌ای هم برای زمینه‌سازی نفوذ سیاسی به ایران گسیل شدند و با روشهای خودشان به ایران آمدند.

اولین کسانی که با موج به اصطلاح مدرنیته مواجه شدند، چه کسانی بودند؟ شاهزاده‌ها، رجال دربار قاجاری و شخصیت‌های متنفذ سیاسی آن روز. عامه‌ی مردم که خبری نداشتند، علما که اطلاعی نداشتند و دیگران که چیزی نمیدانستند. اینها هم به جز خیلی افراد معدود، عموماً - تقریباً میشود گفت بدون استثنا - در مواجهه‌ی با این فرهنگ و پیشرفتهای

غربی مات و مبهوت شدند؛ دست و پای خودشان را گم کردند و نتوانستند ذهن و عقل خودشان را به کار بگیرند و از پیشرفت طرف مقابل، به فکر پیشرفت خود بیفتند.

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در دوران مشروطیت و بعد از استقرار آن، روشنفکرهای درجه‌ی اول ما عقیده‌شان این شد که اگر ایران بخواهد پیشرفت کند، باید از فرق سر تا پا غربی کامل بشود! این، یعنی تقلید محض؛ و همین‌طور هم عمل کردند و این روند تا حکومت پهلوی ادامه داشت.

حکومت پهلوی آمد این را برنامه‌ریزی کرد تا با سرعت بیشتری این کار انجام بگیرد. به آن مقداری که در دوره‌ی قاجار بود، قانع نبودند. پهلوی را برای این سر کار آوردند؛ چند تا روشنفکر دست‌نشانده‌ی مورد اعتماد خودشان از ایرانی‌های تحت تأثیر غرب را هم به عنوان عناصر فرهنگی، دور و بر آن گذاشتند تا همین کار را بکنند. مسئله‌ی کشف حجاب، مسئله‌ی تغییر لباس و مسئله‌ی حذف کردن نشانه‌های ایرانی اسم: میرزا، سید، خان، آقا، دادن امتیازات فراوان در زمینه‌های نفت و آوردن مستشارهای خارجی - که روز به روز هم بیشتر شد - از این قبیل است. بعد هم که - انگلیسی‌ها رضاخان را کنار گذاشتند، در دوره‌ی بعد، امریکایی‌ها از سال ۱۳۳۲ همه کاره‌ی کشور شدند؛ این سرگذشت تحولات ما در دوران طاغوت است که با همان مدیریت خطرناک که گفتم، به سمت نابود کردن اصالتها رفت.

ای کاش در مقابل چیزی می‌گرفتند! نه هیچ چیز هم نگرفتند. یعنی ایرانی‌ها در طول سالهای متمادی - بیش از شصت، هفتاد سال - که در اختیار انگلیسی‌ها و غربی‌ها بودند، این قدرت را پیدا نکردند که مثلاً یک مرکز تحقیقات علمی در کشور به وجود آورند که ظرف پنجاه سال دو تا اختراع درست کند؛ دانشمندی را تربیت کنند که دو، سه تا کشف جدید علمی بکنند؛ یعنی اینها این اندازه از غرب استفاده نکردند. آنها چه می‌خواستند؟ مصرف‌کننده می‌خواستند. مصرف‌کننده‌ی اقتصادی‌ای که به طور طبیعی با خودش مصرف فرهنگی و تسلیم سیاسی را هم همراه

دارد. آنها این را می‌خواستند؛ اینها هم راحت تسلیم شدند و دادند. همه‌ی این تشنجه‌ها، درگیری‌ها و چالش‌هایی که شما در دوران حکومت قاجاریه از زمان تنباکو تا دوران رضا خان و تا بعد از آن می‌بینید که بین جبهه‌ای از مؤمنین به رهبری علما از یک طرف و حکام جائز از یک طرف انجام گرفت، نشئت گرفته از این قضیه است. در قضیه امتیاز «رژی»، میرزای شیرازی در مقابل دادن امتیاز مفت و مجانی یک منبع درآمد بزرگ در کشور به غربی‌ها و خارجی‌ها، مخالفت کرد. در قضیه امتیاز «رویترا» همین‌طور و در قضیه قرارداد ۹۹ - قرارداد معروف به «قرارداد وثوق الدوله» که در واقع طبق آن، همه‌ی کشور را به دست انگلیسها میدادند - هم همین‌طور بود، که مدرّس، آن روحانی برجسته، مخالفت کرد. در قضیه ملی شدن صنعت نفت هم که مرحوم آقای کاشانی (رضوان‌الله علیه) دخالت کرد، همین‌طور بود. این چالش‌هایی که علما با حکام دورانهای مختلف داشتند - که مردم و بسیاری از روشنفکرها هم با اینها همراهی کردند - همه در این مرز است؛ مرز منافع ملی و آن طرف هم که تحوّل ناشی از اراده و تصمیم‌گیری قدرتهای بیگانه‌است. پس نسخه‌های پیشرفت و نسخه‌های غربی و بیگانه، بعضاً حتّی خائنانه است.<sup>۱</sup>

در این دو، سه قرن اخیر، متأسفانه ما از لحاظ علمی خیلی عقب بوده‌ایم. در این دو، سه قرن اخیر، بزرگ‌ترین گناه و تقصیر را حکام کردند که استعدادها را از بین بردند. ما نمونه‌هایش را سراغ داریم. البته تا اواخر صفویه خوب بود؛ شاید مقداری بعد از صفویه هم نمونه‌هایی پیدا میشد که از لحاظ پیشرفت علمی و پرورش افکار بزرگ، دانشمندان بزرگی پیدا شدند؛ اما بعد دیگر بتدریج همین‌طور از بین رفت. اولاً مشوّق وجود نداشت؛ نه به آن صورت مشوّق تحصیل علم وجود داشت؛ نه مشوّق به معنای استفاده‌کننده وجود داشت. در این زمینه‌ها، نمونه‌های زیادی هست که می‌توان تک‌تک و مورد به مورد در بخشهای

۱. در دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۸/۱۸

مختلف مطرح کرد؛ مثلاً در زمینه‌ی ساخت سلاح، در همان دوران اوّل قاجاریّه، یک صنعتگر، سلاح پیشرفته درست کرد - سلاحی که آن روز در دنیا پیشرفته‌تر از آن هم دیگر نبود؛ مثل همان سلاحهای آن روز دنیا بود - اما با تدابیری او را نابود کردند؛ سلاحش را هم از بین بردند! در یک مورد دیگر، یک جغرافیادان و آگاه به مسائل جغرافیایی در زمان قاجاریه بود که به منطقه‌ی خوزستان رفت و متناسب با آن زمان، نقشه‌برداری بسیار دقیقی کرد و همه‌ی امکانات و کارهایی را که شده بود و کارهایی را که نشده بود و کارهایی را که باید میشد، در یک گزارش فراهم نمود - این گزارش هم امروز موجود است - اما اصلاً مورد اعتنا قرار نگرفت! من به مناسبت جنگ و بعد از جنگ، با مسائل خوزستان مقداری آشنا هستم. این نوشته را که دیدم با خودم فکر کردم اگر این نوشته همان وقت عملی میشد، خوزستان ما، خوزستان بسیار پیشرفته‌ای بود. او درست روی نیازها تکیه کرده بود؛ آب خوزستان و زمینهای خوزستان را مورد بررسی قرار داده بود. اصلاً این چیزها مورد اعتنا قرار نگرفته بود. در بخشهای مختلف، افراد با استعدادی وجود داشتند. در زمینه‌ی صنعت - البته در زمینه‌ی علم جداسازی - افراد پیشرفته‌ای داشتند؛ اما مورد اعتنا قرار نمیگرفتند؛ مورد بی‌احترامی و قدرناشناسی و احیاناً دخالت بعضی از این سوداگران خارجی قرار میگرفتند که با خود می‌اندیشیدند اگر چنین متاعی در اینجا ساخته شود، باب تجارتشان بسته خواهد شد! همه‌ی این عوامل کمک کرده و این کشور در ظرف این دو، سه قرن، از لحاظ علمی و از لحاظ صنعتی، به این وضعی رسیده که مشاهده میکنید.<sup>۱</sup>

### وضعیت کنونی در مقایسه با قبل از انقلاب

چهار خصوصیت اصلی انقلاب که عبارت است از استقلال، آزادی، خودباوری و پیشرفت، پایه‌های مستحکمی است که علی‌رغم همه‌ی

۱. در دیدار نخبگان علمی سراسر کشور ۱۳۷۸/۷/۱۹



مخالفتها و دشمنی‌ها، انقلاب در این مملکت پایه‌گذاری کرد.

استقلال یعنی اینکه ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرتهای بیگانه را قبول کنند. بیگانگان هرچه خواستند، بر طبق میل آنها انجام شود؛ اگر آنها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند؛ اگر ملت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جان خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. مسئولان کشور نگاه میکنند و هر کاری را که مصلحت تشخیص دادند، انجام میدهند. ملت، تماشاگر و قضاوت‌کننده‌ی کارهای مسئولان است؛ اگر آنها را پسندید، پشت سر مسئولان می‌ایستد؛ اگر پسندید، آنها را عوض میکند؛ اختیار دست ملت است.

آزادی یعنی ملت ما در چارچوب قانون خود - و نه قانون تحمیلی دیگران - مسئولان کشور را انتخاب میکنند. اگر از عملکرد آنها راضی بود، این انتخاب را ادامه میدهد؛ اگر راضی نبود، آنها را کنار میگذارد و دیگران را انتخاب میکند. این مهمترین شاخه‌ی آزادی در کشور ماست. امروز در کشور ما آزادی فکر و آزادی بیان به‌طور کامل وجود دارد؛ حالا رادیوهای بیگانه برخلاف این بگویند؛ خودِ ملت می‌بیند. کسانی هستند که نه نظام را قبول دارند، نه دولت را قبول دارند، نه رهبری را قبول دارند؛ اما صحبت میکنند و نظرات خود را می‌گویند؛ کسی هم به کار آنها کاری ندارد. امروز هیچکس به‌خاطر اینکه طبق عقیده‌ی خود حرف زده است، مورد مؤاخذه‌ی دستگاه نیست. البته آنها باز هم ناراضی‌اند و نارضایتی‌شان به‌خاطر این است که مردم به حرف آنها گوش نمیدهند. این تقصیر کسی نیست؛ مردم آنها را دوست ندارند و از آنها خاطره‌ی خوشی در ذهنشان نیست. مردم اشیاء و نظایر آنها را در گذشته‌ی نزدیک از اول انقلاب تا الان دیده‌اند؛ لذا به آنها اطمینان ندارند؛ این تقصیر کسی نیست؛ بنابراین آزادی وجود دارد.

سوّم، خودباوری. این ملّت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت - یعنی باور کرد که میتواند - این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده‌ی ما باور دارد که میتواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم؛ اما هنوز عقبیم. هیچکس خیال نکند که چون در میدان علم پیشرفت کرده‌ایم، به مقصد رسیده‌ایم و دیگر بس است؛ نه ما را خیلی عقب نگه داشته‌اند؛ ولی ما پیشرفت کرده‌ایم و در این بیست‌وپنج سال خیلی جلو آمده‌ایم. طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه‌ی دنیا بالاتر و بیشتر بوده است! چند روز قبل که جوانان نخبه پیش من آمده بودند، این نکته را به آنها هم گفتم. خودباوری در علم، سیاست و در دفاع از کشور به ما کمک کرد. در دوران جنگ هشت ساله اگر خودباوری نداشتیم، پدر این ملّت درآمده بود و این کشور پامال شده بود. همین بود که جوان بیست‌وپنج ساله به خودش باور و اعتقاد و اتّکاء داشت. یک لشکر را به یک جوان بیست‌وپنج ساله میسپردند؛ میرفت میساخت، میپرداخت، آماده میکرد، حرکت میکرد، اقدام میکرد و کارهای بزرگ انجام میداد. امروز این خودباوری وجود دارد. دانشگاه‌های ما امروز کار علمی میکنند؛ جوانان ما پیشرفتهای علمی میکنند؛ در بخشهایی پیشرفتهای علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملّت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور میگویند. کشور ژاپن که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربی‌ها که هیچ مایل نیستند به منطقه‌ی شرق نگاهی بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجّهی نکنند، به‌خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدّی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی - علمی امریکا گفته‌اند ما نمی‌خواهیم یک ژاپن اسلامی به‌وجود آید! ژاپن اسلامی یعنی شما. گفته‌اند

نمیخواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. اینها حرکت ملت ایران را می‌بینند؛ این خودباوری را می‌بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود.

چهارم، پیشرفت است. علی‌رغم آنچه دشمنان ما میخواستند و امروز تبلیغ میکنند، ما پیشرفت کرده‌ایم. معنای این پیشرفتها این نیست که ما به هدفهای خود رسیده‌ایم. من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم: بنده به عنوان یک طلبه‌ی انقلابی معتقد به اسلام و انقلاب، اعتقاد این است که در بسیاری از اهداف خود هنوز در نیمه‌ی راه هستیم. ما عدالت اجتماعی و بنیان‌کنی فقر و آبادسازی همه‌جانبه‌ی کشور را می‌خواستیم؛ اما هنوز به آن مقاصد نرسیده‌ایم و در وسط راه هستیم؛ درعین حال حرکت کرده‌ایم و جلو آمده‌ایم و بخش مهمی از راه را پیش رفته‌ایم. این کارها را انقلاب و نظام اسلامی کرد.

این چهار رکن اساسی انقلاب به برکت اسلام و زیر پرچم اسلام بوده است. اگر اسلام نبود، استقلال و آزادی و خودباوری و پیشرفت به دست نمی‌آمد؛ اینها را اسلام به ما داد؛ اینها موهبت اسلام است. یک عده با نام اسلام، یک عده با احکام اسلام، یک عده با روح اسلام مخالفت میکنند؛ اینها نمیفهمند چه ضربه‌ای به کشور و آینده‌ی کشورشان میزنند. «یکی بر سر شاخ و بُن می‌بُرید». اینها می‌خواهند بُن حرکت ملت ایران را بپُرند. البته خوشبختانه قدرت این شجره‌ی طیّبه و استقامت آن بیش از این حرف‌هاست. علی‌ای حال، عده‌ای زخم می‌زنند؛ اما اشتباه میکنند.<sup>۱</sup>

■  
امروز کشور عزیز ما از لحاظ پیشرفت با بیست و بیست‌وپنج سال قبل قابل مقایسه نیست و این در حالی است که در این بیست‌وپنج سال همه‌ی دستگاه‌های قدرتمند دنیا از لحاظ سیاسی، فناوری، علمی و تجاری با ما سر‌ناسازگاری داشته‌اند. این یک واقعیت است. ما البته تلاش کردیم که روابطمان را با دنیا عادی کنیم و به میزان زیادی هم

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

موفق شده‌ایم؛ اما اینطور نبوده که در یک بخش از دنیا انگیزه‌ی فراوان و عمیقی برای کمک به ما وجود داشته باشد. البته عکسش چرا؛ مراکز وجود داشته‌اند که خواسته‌اند کارشکنی کنند. این توفیقاتی که امروز چه در زمینه‌ی فناوری، چه در زمینه‌ی ساختهای زیربنایی و اساسی برای آینده‌ی کشور و چه در زمینه‌ی رشد علمی در زمینه‌های گوناگون ملاحظه می‌کنید، در سایه‌ی تلاش هویت ملی و اسلامی خودمان توانسته‌ایم به دست آوریم. این را باید ادامه داد.<sup>۱</sup>

### پیشرفت سیاسی

شرایط ما از یک سو عبارت است از اینکه ملت ما، ملتی است بزرگ، باهوش، با استعداد و جوان - که اکثریت این ملت را جوانان تشکیل می‌دهند - از یک سو وجود منابع غنی زیرزمینی که در کشورهای گوناگونی که صاحب منابع هستند، کم نظیر است و از سوی دیگر، وجود نظامی است که به مردم امکان حضور، بروز استعدادها، فعالیت، تلاش، رشد و تکامل علمی و فکری می‌دهد. یک روز بود که بر این کشور - بر همین زمین و بر همین منابع - حکومتی حاکم بودند که استعدادها را میکشند. دلیل بر اینکه استعدادها را میکشند، این بود که در طول صدسال از ورود اروپایی‌ها به این کشور تا سال شروع انقلاب - مثلاً از حدود سالهای ۱۲۵۷ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی - یعنی اوّل در نیمه‌ی دوّم دوران قاجار، بعد هم در دوران پهلوی‌ها، در این کشور، علم، پیشرفت علمی، مغز متفکر علمی و پدیده‌های گوناگون علمی دیده نشد؛ یعنی نگذاشتند. اگر آدم برجسته‌ای هم پیدا شد، جذب کردند، دزدیدند، جای دیگر بردند و از او استفاده کردند. در آن دورانی که همه‌ی دنیا چهار اسبه به سمت پیروزی و به سمت پیشرفت و تمدّن و نوسازی مادی میرفت، کشور ما را در حال بدبختی نگه‌داشتند و به چیزهایی که برای یک ملت سمّ است، سرگرم کردند. البته در دوره‌ای، به اصطلاح دانشگاه و مطبوعات و مجلس شورا هم داشتیم؛ اما در اختیار دستگاه

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۲/۶/۵

جباری بود که برای آن در درجه‌ی اوّل، منافع بیگانگان و منافع مسئولان آن روز کشور مطرح بود و منافع مردم و آینده اصلاً مطرح نبود.

امروز بحمدالله یکی از خصوصیات بسیار بزرگ این کشور و این ملت این است که نظامی بر سر کار است که امکان رشد به ملت می‌دهد. جوان می‌تواند رشد کند، می‌تواند درس بخواند، می‌تواند پیشرفت کند، می‌تواند اختراع کند، می‌تواند بسازد، می‌تواند به‌خود اعتماد کند. وجود همین نظام موجب شده است که مسئولان کشور از خود مردم باشند؛ دردهای مردم را بفهمند و مشکلات مردم را درک کنند. دولت، مردمی است. رئیس‌جمهور، مردمی است. مجلس شورای اسلامی، مردمی است. آحاد مسئولان کشور، قوه‌ی قضائیه، دیگران و دیگران، هیچکدام از اشراف‌زاده‌ها و اعیان زاده‌ها نیستند؛ کسانی نیستند که درد مردم را نفهمند، گرانی را نفهمند، گرسنگی را نفهمند و نشناسند. از همه‌ی اینها بالاتر، در این کشور خط روشنی وجود دارد و آن، خط پیروی از اسلام است - که پیروی از اسلام، برای یک ملت و یک کشور، مایه‌ی عزّت دنیا و آخرت است - خط عدم قبول نوکری بیگانه و عدم قبول تسلیم در مقابل بیگانه است. کشور ما، کشوری است با ملت بیدار و زنده، حسّاس نسبت به مسائل گوناگون، دارای مسئولان خوب و دولت مردمی. کسانی که در رأس کار هستند، افراد متدّین و متعبدی هستند. رئیس‌جمهور، روحانی است. بسیاری از مسئولان، حتّی آنهایی که در لباس روحانی نیستند، عمیقاً پایبند به دین هستند. این برای یک کشور مایه‌ی رشد و پیشرفت و برای دشمنان دین نگران‌کننده است.

آنچه در این دوران بیست ساله اتّفاق افتاده است - حتّی در دوران جنگ و در دوران دفاع مقدّس با آن همه گرفتاری - از لحاظ سازندگی و آبادی و عمران و پیشرفت مادی و پیشرفت علمی و توسعه‌ی دانشگاه‌ها و توسعه‌ی مراکز تحقیقاتی و غیره - یعنی همه‌ی این شاخصهایی که برای یک ملت و برای آینده‌ی آن مهم است - از تمام دوران صد ساله به مراتب بیشتر و پر حجم‌تر و پر کیفیت‌تر است. آیا این برای آن دستگاه استکباری که با نهضت جهانی اسلام و با بیداری

مسلمین مبارزه میکند، خطرناک نیست؟ البتّه که خطرناک است؛ البتّه که باید در مقابلش موضع بگیرند؛ البتّه که باید برای مبارزه با آن، در مجلس خودشان بودجه معین کنند! امریکا برای مبارزه با جمهوری اسلامی، بودجه معین کرد! این، آن چیزی است که ظاهر و آشکار است؛ اما آنچه در دل‌های آنهاست، آنچه در پشت پرده‌ی کارهای امنیتی و سازمان «سیا» آنهاست، به مراتب بیشتر است! این برای چیست؟ برای این است که از این نظام و از این مردم و از این کشور میترسند و میدانند که این کشور اگر با همین آهنگ پیشرفت کند - که ان شاء الله به فضل پروردگار آهنگ پیشرفت تندتر هم خواهد شد - ملّتهای مسلمان یک الگوی زنده به دست خواهند آورد.<sup>۱</sup>

### پیشرفت علمی

ملّت ما روزبه‌روز پیشرفت کرده است. ملّت ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی عمران، در زمینه‌ی سیاست بین‌الملل، در زمینه‌ی ارتقای آگاهی‌های گوناگون، در زمینه‌ی ساخت زیربنای عظیم کشور، در زمینه‌ی به دست آوردن قدرت فناوری و احیای استعدادهای مردمی و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، پیشرفتی داشته است که در گذشته حتی تصوّر آن را هم نمیکرده؛ این به برکت اسلام است. ما هرگز ادّعا نمیکنیم که در برنامه‌های انقلاب، بهنگام و به‌روز پیش رفته‌ایم و در آنجایی که باید باشیم، هستیم؛ نه اما این کم‌کاری ماست. ما مسئولان در رده‌های مختلف اگر بیشتر و بهتر کار کنیم، بدون شک موفّقیتها بیشتر خواهد شد. امروز هم موفّقیتهای بسیاری داریم. امروز ملّت ما قوی است؛ دولت ما قوی است؛ زیربنای کشور آماده است و پیشرفت علمی و استخراج استعدادهای جوانان ما محیرالعقول است. ما میتوانیم حرکت خود را شتاب دهیم؛ و این کار را هم ملّت ما خواهد کرد و به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی پیشرفت میکنیم. امروز پرچم اسلام، پرچم

۱. در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۷/۹/۲۳

دینداری، پرچم شجاعت و پرچم نوآوری در زمینه‌ی سیاست در دست ملت ماست. دشمنها در تبلیغات خود سعی میکنند این دستاوردها را کوچک نشان دهند و آنچه را این ملت به دست آورده، از قلم بیندازند؛ اما نمیتوانند. انواع تلاشها را برای مقابله کرده‌اند. حتی کار دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت امریکا به اینجا رسید که سعی کردند نسخه‌ی بدل سر تا پا غلط از نظام اسلامی را در افغانستان به وجود آورند، که شد حکومت طالبان؛ تبدیل شد به یک کاریکاتور خنده‌آور مسخره؛ همان هم شد آفت جانسان. شاید به خیال خودشان میخواستند پرچم اسلامخواهی و احیای اسلام سیاسی را از دست این ملت بگیرند و دست کسانی بدهند که دست‌آموز خودشان بوده‌اند؛ اما نتوانستند و نخواهند توانست. خدا را شکر میکنیم که اراده‌ی ما محکم است؛ راهمان روشن است؛ مردمان مؤمن‌اند و مکتب سیاسی امام، زنده و درخشنده است. دشمنان ما هم قدرت ملت را فهمیده‌اند و به آن اعتراف کرده‌اند. در زمینه‌ی مسائل گوناگون جهانی و بین‌المللی، مواضع ما مستقل است. ما تحت تأثیر کسی قرار نمیگیریم و به سراغ جنجال و تنش‌آفرینی نمیرویم؛ اما ظلم را محکوم میکنیم؛ با ظالم اعلام مخالفت میکنیم و از مظلوم اعلام حمایت میکنیم. ما جنایت صهیونیستها در فلسطین را محکوم میکنیم. ما ددمنشی و جنایات فجیع و بی‌نظیر دولت غاصب صهیونیست را در کشور فلسطین نسبت به مردم - ویران کردن خانه‌ها، کشتن کودکان، کشتن پیرمرد مریض معلولی مثل شیخ احمد یاسین، آواره کردن هزاران فلسطینی از خانه‌ی خود - زشت می‌شماریم و محکوم میکنیم و بر مرتکبان این جنایت و بر امریکا - که از این مرتکبان حمایت میکند - لعنت می‌فرستیم.<sup>۱</sup>

ما از لحاظ علمی و سازندگی پیشرفت کردیم و آنچه در این کشور در بخشهای مختلف انجام شده، حقیقتاً میتواند الگو باشد. کار زیادی در همه‌ی بخشها در زمینه‌ی ترویج دین، در زمینه‌ی رشد، گسترش و ترویج

۱. در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۳/۱۴

علم، در زمینه‌ی شکوفایی استعدادها، در زمینه‌ی زیرساخت‌های عظیمی که برای اداره‌ی کشور و برای رفاه عمومی لازم بوده و در زمینه‌های گوناگون، انجام شده است. در همین زمینه‌های فرهنگی و اخلاقی و در قبال ریزش‌های آن، که آقایان دغدغه‌اش را دارند و بحق هم است، شما رویش‌های عجیبی را هم مشاهده می‌کنید. امروز نسل جوان محقق و عالم و فاضل و اهل تلاش علمی که بطور گسترش‌یافته‌ای در کشور وجود دارد؛ هم در دانشگاه‌ها، هم در حوزه‌ها، به‌وجود آمده‌اند؛ اینها حقایق و واقعیات است. این نشان‌دهنده‌ی این است که این موجود، قابل دوام، باثبات، قابل گسترش و قابل ریشه‌یافتن بود؛ دنیا این را می‌بیند.<sup>۱</sup>

ما در این سالها پیشرفت خوبی داشته‌ایم. در طول بیست‌ودو سال، از وقتی که جمهوری اسلامی خودش را یافت و وارد میدان‌های گوناگون سازندگی شد - از سالهای دوّم، سوّم انقلاب تا امروز - پیشرفت ما خوب بوده است. ما همان کشوری هستیم که سیم خاردار را هم باید وارد می‌کردیم؛ اما الان می‌توانیم موشکمان را هم صادر کنیم. آن روز ما در زمینه‌های گوناگون علمی، همه‌جا توی کوچه‌های بن‌بست بودیم؛ اما امروز در اغلب زمینه‌های علمی، راه را باز، میدان را وسیع و روندگان را پرنشاط مشاهده می‌کنیم. حرکت علمی در کشور راه افتاده است. پیشرفتهای زیادی هم وجود داشته که بعضی را در آمارها امروز آقای رئیس‌جمهور بیان کردند و بسیاری دیگر هم پیشرفتهای نظام اسلامی است. این تجربه‌ی ملت ایران است؛ تجربه‌ی پیشرفت، تجربه‌ی موفقیت، توکل به خدا، تصمیم بر تحقق بخشیدن به ارزش‌های الهی و اسلامی و کوتاه نیامدن در این میدان - که جای کوتاه آمدن نیست - و برنامه‌ریزی برای پیاده کردن این ارزشها و این اهداف در بخش‌های گوناگون نظام اسلامی؛ این جزو وظایف حتمی و قطعی ماست و امیدواریم - ان‌شاءالله - خدای متعال مقدر فرموده باشد که مسئولان کشور و قوای سه‌گانه بتوانند در این زمینه گام‌های موفق بردارند و کار اساسی‌ای نکنند. هم

۱. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱



قوهی مجریه، هم قوهی مقننه، هم قوهی قضائیه توجّه داشته باشند که امروز کشور تشنه‌ی کار کردن آنهاست. باید کار و تلاش کرد و ظرفیت توانایی‌ها و کارکرد کشور را بالا برد.<sup>۱</sup>

### پیشرفت فرهنگی

در زمینه‌ی صنایع نظامی، در زمینه‌ی صنایع گوناگون، در زمینه‌ی تولید کارهای زیربنایی، در زمینه‌ی تولید فرهنگ، از این قبیل فراوان است. علی‌رغم اینکه در داخل موریانه‌هایی را می‌خواهند به‌پایه‌های مستحکم بنای فرهنگی ما بیندازند که عملاً هم کارهای زشتی را در زمینه‌ی فرهنگی انجام می‌دهند - این گفته شده باشد؛ معلوم باشد - امروز فرهنگ اصیل و فلسفه‌ی اسلامی و دانشهای فرهنگی اسلامی در سطح دنیا بمرور در حال پیشرفت است؛ چشمهایی را خیره کرده. امروز فلسفه‌ی صدرایی ما چشمهایی را در دنیا به خودش خیره کرده؛ آنها اظهار اعجاب میکنند؛ تحسین میکنند.

می‌بینند که جمهوری اسلامی از زیر این آوارها سربلند کرده و آنچه توقع داشتند تا در زیر این آوارها خفه‌اش کنند، حالا با سینه‌ی سپر، با یک ملت زنده و با این همه جوان ایستاده و تهدیدها را به چیزی نمیگیرد. دشمن از این جهت عصبانی است، بنابراین تهمت می‌زنند که می‌خواهند سلاح اتمی درست کنند! نه ما به فکر سلاح اتمی نیستیم. من بارها گفته‌ام سلاح اتمی ما این ملتند؛ سلاح اتمی ما این جوانهایند. ما سلاح اتمی نمیخواهیم. آن نظامی که این همه جوان مؤمن و این ملت یکپارچه را دارد، احتیاج به سلاح اتمی ندارد. سلاح اتمی، تولیدش، نگه داشتنش و به‌کار بردنش، هر کدامی یک اشکالی دارد؛ ما نظر شرعی خودمان را هم گفته‌ایم؛ روشن است و همه میدانند. دعوا سر این نیست؛ بی‌خود میگویند؛ خودشان هم میدانند. از اینکه جمهوری اسلامی این پیشرفت را پیدا کرده، ناراضی‌اند؛ مسئله این است.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۸/۶

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۸/۱۵

■ جمع بسیجیان عزیز، دل‌های گرم، بامعرفت، اراده‌های استوار و عزم‌های راسخ در این مرکز مقدس، در حضور روح مطهر بانوی بزرگوار و معصوم - دختر موسی بن جعفر - خود یک شاخص، یک علامت و یک پرچم برای نشان دادن عظمت و رو به پیشرفت بودن نظام اسلامی است.

اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بااراده بودن، هدف‌دار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نداشتیم جز حضور میلیون‌ها جوان پرشور مؤمن صادق بابصیرت در سراسر کشور زیر عنوان بسیج، همین کافی بود برای اینکه نشان بدهد این نظام و این حرکت عظیم ملت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناک‌ترین حرکت‌های دشمن آسیب‌ناپذیر است. البته این شعار نیست؛ یک حرف متکی به استدلال منطقی است.<sup>۱</sup>

### پیشرفت اقتصادی

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم کارهای خوبی انجام گرفته، که آقای رئیس‌جمهور هم در گزارش خود به آن اشاره کردند. خوب است که این گزارش را در معرض اطلاع عموم بگذارید؛ یعنی چیزی باشد که همه این گزارش دولت را در زمینه‌ی کارهایی که انجام گرفته، بشنوند. آنچه من رویش تکیه می‌کنم، همین طرح تحول اقتصادی است که در دولت نهم مطرح شد. خب، الان هدفمند کردن یارانه‌ها که یک بخشی از آن طرح تحول بود، مورد بحث و بررسی و نزدیک به اجراست؛ همه هم متفق‌القولند - اگرچه حالا در کیفیت اجرا ممکن است اختلاف نظرهایی باشد - لیکن بخش‌های دیگر طرح تحول اقتصادی که درباره‌ی نظام‌های پولی و بازرگانی و گمرکی و امثال اینها بود، نباید مغفول‌عنه قرار بگیرد؛ آنها هم بایستی حتماً دنبال شود. طرح تحول اقتصادی، کار مهم و بزرگی بود. ما توصیه می‌کنیم؛ از جمله‌ی چیزهایی که از بین راه برنگردید، همین

۱. در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲

طرح تحول اقتصادی است؛ آن را واقعاً دنبال کنید.

یک چیز دیگری که ما در زمینه‌ی اقتصادی حتماً رویش تکیه میکنیم، مسئله‌ی توجه به شاخصهای کلان اقتصادی است. البته در گزارش آقای رئیس‌جمهور نکاتی در این زمینه بود، لیکن ما هم تأکید میکنیم. روی مسئله‌ی نرخ رشد واقعاً کار بشود. آن چیزی که به عنوان نرخ رشد در برنامه یا در چشم‌انداز دیده شده، با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، خیلی فاصله دارد. البته از عوامل رکود اقتصادی جهانی و مشکلات اقتصادی جهانی غافل نیستیم - اینها مسلماً تأثیر دارد - لیکن بالاخره باید تلاش کرد تا به آن چیزی که به عنوان شاخص معین شده و ذکر شده، نزدیک شویم. مسئله‌ی سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی هم همین‌طور. آمارهایی که میدهند، آمارهای خوب و امیدوارکننده‌ای است. به هر حال مسئله‌ی سرمایه‌گذاری خیلی اهمیت دارد. آینده، وابسته به سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف است؛ چه در بخش انرژی، چه در بخشهای دیگر. در بخشهای گوناگون، سرمایه‌گذاری لازم است.<sup>۱</sup>

در طول این سی و یکی دو سال، ملت ایران با این تجربه توانسته است کارهای بزرگی بکند؛ هم توانسته خود را از لحاظ معیارهای مادی بالا بکشد - همین پیشرفتهای علمی، همین پیشرفتهای فناوری، همین اشتغال دائم به کار در سرتاسر کشور، نشانه‌های پیشرفت مادی است - هم از لحاظ معنوی توانسته است خود را به یک سطح عالی و راقی برساند. ما آیات الهی را دیدیم، نشانه‌های کمک خدا را دیدیم. قبلها کمک الهی و پشتیبانی دست قدرت خداوند را فقط در کتابها میخواندیم؛ امروز در صحنه حس میکنیم، لمس میکنیم؛ همانطور که امام بزرگوار ما این را لمس کرده بود و به من فرمود. دل او قرص بود، چون دست قدرت الهی را میدید.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

۲. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

### ۱- هدفمند کردن یارانه‌ها

زمینه‌ی دیگری که در آن، همّت مضاعف را انسان مشاهده میکند و به دنبال خود، دریایی از کار به وجود می‌آید، مسئله‌ی عرصه‌های اقتصادی است که یک نمونه‌ی آن، گام بلند هدفمند کردن یارانه‌هاست. خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه‌ی صاحب‌نظران اقتصادی - چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاه‌های اقتصادی با دولت فعلی موافقت و چه آن کسانی که دیدگاه‌های اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است - متفقند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو آرزوهایی بود که سالهای گذشته از دولتها مطالبه میشد. ورود در این میدان، کار دشوار و سختی است؛ زمینه‌ها هم آماده نبود. بحمدالله اکنون این کار شروع شده است. همکاری ملت و دولت در این زمینه هم انصافاً عالی بود. حرکت مردم در جهت هدفمند کردن یارانه‌ها، حرکت عالی‌ای بود. آثار این کار در آینده بتدریج آشکار میشود؛ اگرچه تا امروز هم بعضی از آثار مثبت آن آشکار شده است. اهداف مهم این کار، در درجه‌ی اول، توزیع عادلانه‌ی یارانه‌هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه‌هایی را بین مردم تقسیم میکند. با شکل قبلی، این یارانه‌ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف میکردند، بیشتر میرسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف میکردند، این یارانه‌ها کمتر میرسید. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام میگردد؛ یعنی به همه، به نسبت واحدی میرسد. این، یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی است.

### ۲- مدیریت مصرف منابع عمومی کشور

یک هدف دیگر، مدیریت مصرف منابع عمومی کشور است؛ از جمله آب، از جمله انرژی. در دو سال قبل از این، ما شعار سال را «اصلاح الگوی مصرف» قرار دادیم؛ صرفه جویی، دوری از اسراف. این، یکی از راه‌هایی است که میتواند الگوی مصرف را به معنای واقعی کلمه اصلاح کند؛ کمالینکه تاکنون هم آثاری از آن دیده شده است. در همین چند

ماهی که هدفمندی یارانه ها دارد اجرا میشود، مصرف انرژی پایین آمده است؛ که این به نفع کشور است. اسراف در نان و دور ریختن نان و ضایع شدن گندم - که نعمت بزرگ خداست و با چه زحمتی به دست می آید - کم شده است، مصرفها تعادل پیدا کرده است. این از جملهی فوایدی است که تاکنون حاصل شده و البته فواید بسیاری - ان شاء الله - در آینده خواهد داشت. اصلاح ساختار اقتصاد هم از این قبیل است.

### ۳- افزایش صادرات غیرنفتی

از جملهی کارهایی که باز همت مضاعف را در زمینهی اقتصاد نشان میداد، افزایش صادرات غیرنفتی است. بودجهی کشور ما متأسفانه از ده ها سال پیش به این طرف، وابستهی به نفت است. این روش را همهی اقتصاددانهای دلسوز رد میکنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوهی غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب میشود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام میگیرد. سال ۸۹ گام بلندی در این راه برداشته شد.

### ۴- مواجههی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریمها

از جملهی چیزهایی که همت مضاعف را در زمینهی اقتصادی نشان میدهد، مواجههی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریمهایی است که غرب به سرمداری امریکا و متأسفانه پیروی کورکورانهی بعضی از دولتهای اروپایی از امریکا علیه ایران اعمال کرد. از اوّل سال ۸۹ اینها به خیال خودشان حرکت تحریم ایران را تشدید کرده‌اند. خودشان در محاسباتشان - که خبرهایش به ما میرسید - صحبت میکردند، میگفتند که این تحریمها پنج شش ماهه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو

درمی آورد؛ تصوّرشان این بود. آنها به فکر بودند که به وسیله‌ی تحریمها کار را آنچنان بر ملت ایران دشوار کنند و دایره را آنچنان بر ملت ایران تنگ کنند که ملت ایران به نظام خودشان، به جمهوری اسلامی معترض شوند؛ هدفشان این بود. یک برخورد هوشمندانه و قدرتمندانه‌ای با این تحریمها انجام گرفت و تیغ دشمن گُند شد. دشمن نتوانست با این تحریمها به هدفهای خود دست پیدا کند. خوشبختانه با تلاش زیاد، با کار متراکم شبانه‌روزی، مسئولان در بخشهای مختلف توانستند از این عقبه عبور کنند. امروز خود غربی‌ها اعتراف میکنند، میگویند تحریم ایران دیگر فایده‌ای ندارد.

گفتند بنزین را تحریم میکنیم. یکی از مشکلات کار ما در طول زمان همین بوده است؛ ما کشور تولیدکننده‌ی نفت، مبالغ زیادی فرآورده‌ی نفت را که بنزین است، از خارج وارد میکردیم. اینها گفتند این نقطه ضعف جمهوری اسلامی است، نمیگذاریم بنزین وارد شود. مسئولین کشور ما، قبل از آنکه آنها دست به کار شوند، مشغول تهیّه‌ی مقدمات شدند. کار به جایی رسید که در تولید بنزین، کشور عزیز ما خودکفا شد؛ این به برکت تحریم آنها بود. «إِنَّ اللَّهَ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِأَقْوَامٍ لَا خَلَقَ لَهُمْ»<sup>۱</sup>. به وسیله‌ی تحریم آنها، مسئولین ما به فکر افتادند؛ تلاش کردند، ما از وارد کردن بنزین بی‌نیاز شدیم. من این را در همین نمایشگاهی هم که آخر اسفند رفتیم، از زبان چند نفر از این دانشمندان جوان شنیدم. به من گفتند که ما میخواستیم این دستگاه را تولید کنیم، رفتیم ابزارش را از خارج تهیه کنیم، به ما گفتند شما تحریمید، به شما نمیدهیم؛ فهمیدیم خودمان باید درست کنیم. آمدیم داخل فکر کردیم، زحمت کشیدیم، تلاش کردیم، بدون احتیاج به بیگانه این را ساختیم. این، برخورد هوشمندانه است. هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم، با تحریمهای دشمن اینجور برخورد کردند؛ یعنی دشمن را از بُرنده ترین ابزارهایی که

<sup>۱</sup> بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۴، ص ۳۶۱؛ الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ج ۵، ص ۱۳؛ منیه المریّد، شهید ثانی، ص ۱۴۴؛ ترجمه: «خداوند این دین را تأیید می‌کند، به وسیله اقوامی که بهره‌ای برای ایشان نیست.»

در اختیار داشت، محروم کردند. مثل این است که در یک جنگی، شما اسلحه را از دست دشمن بگیرید؛ و گرفتید. این هم یکی دیگر از همتهای مضاعف.

#### ۵- اشتغال

در زمینه‌ی اشتغال، کارهای خوبی انجام گرفته است. گزارش دولت میگوید که در سال ۸۹ یک میلیون و ششصد هزار شغل ایجاد شده است؛ که اگر این گزارش دقیق باشد، معنایش این است که پانصد هزار شغل بیش از پیش بینی فراهم شده است. در ایجاد مسکن روستایی، در ایجاد مسکن شهری، در ایجاد بزرگراه‌ها و خطوط مواصلاتی، در ایجاد ارتباطات الکترونیک و و - که همه‌ی اینها برای کشور کارهای زیرساختی و زیربنایی است - کارهای خوبی صورت گرفته است. این، عرصه‌ی اقتصاد<sup>۱</sup>.

#### ۶- پیشرفت هسته‌ای

به امید خدا در همه‌ی میدانها پیش رفتیم. ما امروز در میدان علم هم پیشرفت کرده‌ایم. اشاره کردند به مسئله‌ی هسته‌ای ما. ما به توفیق الهی و به قدرت الهی توانستیم مسئله‌ی هسته‌ای را حل کنیم و پیش برویم. امروز هم غربی‌ها جنجال میکنند، اما از ماجرا عقب‌بند. تهمت میزنند، حرف میزنند، تبلیغات میکنند، فشار می‌آورند، اما کاری نمیتوانند بکنند. گذشت زمان به سود ماست. ما داریم همین‌طور هی پیش میرویم، آنها هم دارند توی سر خودشان میزنند و جنجال میکنند. وقتی با توکل به خدا وارد شویم، این جوری است.<sup>۲</sup>

#### وضعیت ما در مقایسه با همسایگان

امروز در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فناوری و فعالیتهای

۱. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در بیست و چهارمین دوره کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۹/۱۲/۱

بین‌الملل، کشور ایران پیشرفتهای بسیار زیادی کرده. این را به شما عرض کنم؛ پیشرفت ما نسبت به همسانان ما بسیار بیشتر و جلوتر است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفتها مرهون آن دفاعها و مجاهدتهاست.<sup>۱</sup>

■ به هر حال کشور دارد پیش میرود. این را بدون تردید بدانید؛ کشور دارد پیش میرود. برنامه‌ریزی‌های گذشته هم البته بلاشک عیوبی داشته، اما برآیند همه‌ی نقاط مثبت و منفی، همین است که امروز شما دارید مشاهده میکنید. جوانهای ما از لحاظ علمی پیش رفتند، از لحاظ بینش سیاسی پیش رفتند، از لحاظ رسوخ و نفوذ تفکر دینی در عمق اندیشه‌ها پیش رفتند. این حرفهایی که امروز جوانهای ما اینجا راجع به معنویت و راجع به دین و راجع به دل‌نستن به پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های غربی و استقلال گفتند - این حرفهایی که امروز جزو حرفهای رایج شما شده - اندکی پیش از دوران شماها، جزو حرفهای برجسته‌ی روشنفکرانی بود که فکر میکردند این حرفها را باید بزنند یا بفهمند! اما امروز جزو فرهنگ رایج جامعه‌ی ماست. این پیشرفت نیست؟ ما داریم پیش میرویم. البته دشمن هم زیاد داریم، مانع هم خیلی داریم. اگر مانع نبود، ما اینجور ورزیده نمیشدیم؛ جامعه‌ی اسلامی و جمهوری اسلامی اینجور ورزیده نمیشد. مانع وجود دارد؛ والا تو زمین صاف راه رفتن که تقویت عضلانی نمی‌آورد. باید کوهنوردی کرد، باید از موانع بالا رفت. جامعه‌ی ما این کار را کرده، این راه را پیش رفته، باز هم خواهد رفت، بعد از این هم خواهد رفت. شما بدانید! نسل جوان امروز، نسلی که بتوان متوقفش کرد، نیست.<sup>۲</sup>

### وضعیت ما در مقایسه با کشورهای صنعتی

امریکای امروز را مقایسه کنید با امریکای دوران ریگان در اوایل

۱. در دیدار خانواده‌های شهدای کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۲

۲. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶



انقلاب؛ آن اعتماد به نفسی که آن روز آنها داشتند، اینها ندارند؛ آن توانایی‌هایی که آن روز داشتند، اینها ندارند؛ آن نفوذی که آن روز آنها داشتند، اینها ندارند. پس دشمن در خط نزولی است و امروز در موضع ضعف است.

این طرف قضیه، این پدیده‌ی دوّم، عکس است. جمهوری اسلامی و نظام اسلامی در یک حرکت صعودی دارد حرکت میکند. منحنی به سمت بالاست؛ در همه‌ی قسمت‌ها همین‌جور است. ما از لحاظ پیشرفت‌ها وضع بسیار خوبی داریم. من چندی پیش در یک جلسه‌ی آماری را نقل کردم - البته آمار فرنگی‌هاست - گفتم رشد پیشرفت علمی در ایران، یازده برابر متوسط جهان است؛ این خیلی چیز مهمی است. البته این معنایش این نیست که ما در پیشرفت علمی به سطح کشورهای پیشرفته‌ی علمی رسیده‌ایم؛ نه این معنایش این است که حرکت ما به سمت جلو، یک حرکت شتابنده‌ای است؛ این برای یک ملت خیلی چیز بزرگ و خبر باارزشی است. اگر همین پیشرفت را ادامه بدهند، طولی نمیکشد که ملت ما و جوانان ما به سطوحی که باید برسیم، خواهند رسید. در زمینه‌های علمی این‌جور است، در زمینه‌های فناوری هم همین‌جور است، در زمینه‌ی ساخت و سازهای در کشور هم همین‌جور است. رئیس‌جمهور محترم الان آمارهایی دادند؛ این آمارها درست است. در زمینه‌ی ساخت و سازها، در بخش صنعت، در بخش انرژی، در بخش راه و ترابری، در بخشهای گوناگون، کارهای برجسته‌ای دارد میشود. نسبت به سی سال قبل از اینکه ما شروع کردیم، حتی نسبت به بیست سال قبل از این، امروز خیلی پیشرفته‌تریم. لیکن پیشرفت‌ها فقط در این زمینه‌های مادی نیست؛ در زمینه‌های اجتماعی و معنوی هم همین‌جور است. امروز روحیه‌ی ما خیلی خوب است. در کشور ما روحیه بالاست. جوانهای ما باانگیزه‌اند. میدان سیاسی، میدان پرشور و نشاطی است. وقتی انتخابات راه می‌افتد، چهل میلیون شرکت میکنند، بیست و پنج میلیون انتخاب میکنند؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است، اینها پدیده‌های مهمی است. بله به دنبال انتخابات، عوارض تلخی پیش آمد؛ روی عوامل

خودش. هرکدام از این حوادث، یک عاملی دارد؛ لیکن اصل این حضور مردمی خیلی چیز بزرگی است، خیلی پیشرفت مهمی است. مخالفین ما توقع داشتند که بعد از اینکه سی سال از شروع انقلاب میگذرد و ما حدود سی تا انتخابات داشتیم، یواش یواش انتخابات در کشور ما، برای ملت ما از دهن بیفتد، از چشم مردم بیفتد؛ دیگر خیلی شور و شوقی به انتخابات نباشد؛ لیکن نخیر، انتخابات جدی بود؛ حرکت، حرکت عمومی بود؛ اینها پیشرفت است.<sup>۱</sup>

بدانید عزیزان من! خوشبختانه روند پیشرفت در کشور، در زمینه‌های مختلف، روند خوب و مطلوبی است. روند عدالت هم خوب است. خوب، این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامیده شده است. پیشرفت که گفتیم، پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، پیشرفت سیاسی است، پیشرفت اخلاقی است؛ همه‌ی اینها مورد نظر است. خب، یک کارهای خوبی دارد انجام میگیرد؛ لااقل زیرساختهایی برای کارهای بزرگ و جهشها دارد فراهم میشود. در مورد عدالت هم حداقل این است که این تفکر دارد همه‌گیر میشود؛ یعنی همه معتقد میشوند به اینکه باید دنبال عدالت رفت، باید عدالت را اجرایی کرد، باید این آرزوها را اجرایی کرد، در محیط اجرا وارد کرد - که توی صحبت‌های دوستان هم بود - این خودش پیشرفت است. البته این معنایش این نیست که ما به این مقدار پیشرفت در زمینه‌ی عدالت قانع هستیم؛ نه آرزو و همت خیلی بالاست؛ آرزوها بالاست، همتها هم بالاست؛ اما میخواهم به شما عرض کنم که ما داریم جلو میرویم، داریم پیشرفت میکنیم. دشمنان ما منحنی‌شان به طرف ضعف است، منحنی ما به طرف قوت است. نظام طاغوتی، نظام سرمایه‌داری متجاوز و ظالم در دنیا - که مظهرش رژیم ایالات متحده‌ی امریکا است - امروز از ده سال پیش و از بیست سال پیش، بسیار ضعیف‌تر است. در نقطه‌ی مقابل، تفکر اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، امروز از ده سال پیش، از بیست سال پیش، بسیار

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷

قوی‌تر و بسیار پیشرفته‌تر و بسیار آماده‌تر است. جوانهای ما امروز از ده سال پیش خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند. جوانهای مؤمن ده سال پیش هم امروز در بسیاری از عرصه‌های زندگی فعالند. شما هم ان‌شاءالله در آینده باید در بخشهای مختلف از فعالان کشور باشید. خودتان را برای امتحانهای دشوار آماده کنید. ما داریم پیش می‌رویم. این سی و یکی دو سالی که از عمر نظام جمهوری اسلامی گذشته است، سی و یکی دو سال حرکت رو به جلو بوده؛ علی‌رغم دشمنی‌هایی که دشمنان کردند. دشمنان ما امروز به قدر سی سال پیش قوی نیستند. امروز امریکا به قدر سی سال پیش قوی نیست. آن روز من توی جمع مسئولین گفتم، اعتقاد من هم همین است، همه‌ی دلایل و شواهد هم همین را اثبات میکند؛ امریکای دولت ریگان بمراتب قوی‌تر بود از امریکای دولت اوپاما و قبل از اوپاما، بوش کوچک! واقعاً همین جور است؛ آنها رو به ضعف رفتند. هیچ نشانه‌ای هم وجود ندارد که مجدداً این منحنی از طرف آنها به طرف صعود حرکت کند؛ بعکس، نشانه‌های زیادی وجود دارد که منحنی رو به صعود ملت ایران و نظام ایران همچنان با شیب تندتری - ان‌شاءالله - رو به صعود خواهد رفت.<sup>۱</sup>

### مقایسه با آرمانها، توقعات و ظرفیت ملت

آنچه ما انجام داده‌ایم، آنچه مسئولین و مردم انجام داده‌اند، در مقابل آنچه ظرفیت عظیم این کشور برای پیشرفت و رسیدن به عدالت است، کار بزرگی نیست

بر همه‌ی ناظران منصف فرض است که از این تلاشها، از این زحمات و کار و کوششی که برای عمران و آبادانی و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف انجام گرفت، قدردانی کنند. در عرصه‌ی علمی، در عرصه‌ی صنعتی، در فعالیتهای اجتماعی، در سیاست خارجی، در بخشهای مختلف، مسئولین کشور کارهای بزرگی را انجام داده‌اند.

۱. در دیدار صمیمانه و پرشور هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱

خداوند به همه‌ی آنها اجر عنایت کند و توفیق پیشرفت مرحمت بفرماید.

آنچه از ملاحظه‌ی وضعیت موجود کشور و ظرفیتهای عظیمی که در دل این کشور و ملت بزرگ نهفته است، میشود به دست آورد، این است که آنچه ما انجام داده‌ایم، آنچه مسئولین و مردم انجام داده‌اند، در مقابل آنچه ظرفیت عظیم این کشور برای پیشرفت و رسیدن به عدالت است، کار بزرگی نیست. باید تلاشها را بیش از آنچه در گذشته انجام داده‌ایم، همه انجام بدهند و خود را موظف بدانند.

در این دعایی که در آغاز هر سال، در هنگام تحویل، همه میخوانیم، این فقره جالب توجه است که میفرماید: «أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِلْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي عَلَيْهَا عَلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»<sup>۱</sup>. نمیفرماید ما را به روز نیکی، حال نیکی برسان؛ به پروردگار عرض میکند ما را به بهترین حالها، به بهترین روزها، به بهترین وضعیتهای برسان. همت والای انسان مسلمان همین است که در همه‌ی عرصه‌ها به بهترینها دست پیدا کند.<sup>۲</sup>

ما عقیم عزیزان! البته اگر با دوران طاغوت مقایسه کنیم، خیلی جلویم. در دوران طاغوت، برای کوچکترین بخش و عنصر از مجموعه‌ی تولید و ماشین و کارخانه و صنعت، ما محتاج بیگانه بودیم. کارخانه‌هایی هم که تولید میشد، کارخانه‌های مونتاژ و صددرد و وابسته‌ی به بیگانه‌ها بود. نه طراحی بلد بودیم، نه ساخت بلد بودیم، نه شناخت عناصر لازم بلد بودیم. همه چیز را باید از دیگران می‌گرفتیم، می‌خواستیم، التماس میکردیم، نفت میدادیم، پول میدادیم، آبرو میدادیم، قدرت سیاسی میدادیم، زیر بار سلطه‌ی آنها میرفتیم تا به دست بیاوریم. امروز ملت ایران خدمات فنی را صادر میکند. امروز کشور شما یکی از برجسته‌ترین و در طراز بالای سدسازی و نیروگاه‌سازی در همه‌ی دنیاست. این کجا، آن کجا؟ امروز کارهائی را که شما دارید انجام میدهید

۱. بحارالانوار: ج: ۹۴ ص: ۱۶۳

۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۹ / سال همت مضاعف و کار مضاعف ۱۳۸۹/۱/۱

- کارهای صنعتی، خدمات صنعتی، خدمات فنی - در بسیاری از کشورها مشتری دارد. در خیلی از کشورهای دنیا خطوط تولید دارید راه می‌اندازید. اصلاً این حرفها در دوران طاغوت معنی نداشت. ما برویم برای یک کشوری، یک کشور پرجمعیت، احیاناً دارای نفت، دارای ثروت، خطوط تولید راه بیندازیم؟! تولید صنعتی؟! این حرفها اصلاً معنی نداشت؛ اما امروز تحقق پیدا کرده است؛ بنابراین نسبت به گذشته، ما خیلی جلویم؛ اما نسبت به آنچه شأن ملّت ایران است، نسبت به آنچه لازمی میراث تاریخی ماست، نسبت به آنچه باید ایران در مجموعه‌ی کشورهای دنیا باشد، ما عقبیم؛ باید جلو برویم. خیلی کار لازم داریم. من که عرض میکنم «همت مضاعف»، برای این است. همتان فقط این نباشد که حالا این سنگ را از جلوی پایمان برداریم - اینکه چیزی نیست - همتان باید رسیدن به سر قلّه باشد. همت مضاعف یعنی این. خوب، این مفت به دست نمی‌آید؛ این با حرف زدن و گفتن و به‌به و چه‌چه کردن به دست نمی‌آید؛ این با ورود - به معنای حقیقی کلمه - توی میدان کار و ابتکار به دست می‌آید.

همت کارگر، همت مهندس، همت طراح، همت پژوهشگر مرکز پژوهشی و تحقیقی - که دارد از این کار پشتیبانی علمی میکند - همت کارفرما و پشتیبانی کننده‌ی مالی، همت مسئول دولتی، همه‌ی اینها باید مضاعف بشود، چند برابر بشود و میشود و میتواند بشود. ظرفیت من و شما خیلی بیش از اینهاست عزیزان من! یک وقت هست انسان یک کاری که برخلاف ظرفیت کسی است، به او پیشنهاد میکند؛ خوب، این عقلایی نیست؛ اما شما یک وقت به یک جوانی که وقتی به اندام او نگاه میکنید، وقتی به عضلات او نگاه میکنید، میبیند او میتواند یک کشتی گیر درجه‌ی یک باشد، میتواند یک ژیمناست درجه‌ی یک باشد، میتواند در فلان رشته‌ی ورزشی بشود درجه‌ی یک، میتواند ستاره‌ی این کار بشود؛ میگویید: آقا برو تلاش کن. این فرق میکند با آن آدم ضعیفی که بیست سال هم ورزش بکند، نمیتواند یک کشتی گیر خوب بشود. ملّت ایران مثل همان جوان با استعداد خوش اندام دارای ظرفیتی است که اگر چنانچه

تلاش لازم را بکند، میرسد به آن قله، میشود ستاره. ملت ایران اینجوری است؛ این را نشان هم داده. اینها ادعا نیست، شعار نیست؛ اینها واقعیهایی است که از لحاظ مطالعات برای ما روشن بود، تجربه‌ی این سی سال هم برای ما آن را مثل روز واضح کرد.

ملتی که هیچکس به او کمک نمیکند، درهای محصولات صنعتی و پیشرفتهای فناوری را به روی او میبندند، بعد نسل دوم و سوم و چهارم سانتریفیوژ را خودش تولید میکند! همه‌ی دارندگان قوای هسته‌ای و صنعت هسته‌ای در دنیا مبهوت میمانند. خب، اینها از کی یاد گرفتند؟ ملتی که از لحاظ علوم زیستی هیچکس به او کمک نکرده، ناگهان نگاه میکنند می بینند از سلولهای بنیادی، حیوان تولیدی به وجود می آورد. در دنیا چند تا کشور این را دارند؟ هفت تا هشت تا نه تا کشور. در بین این همه کشورها، این همه مدعیان، ناگهان از ردیف دویستم - مثلاً فرض کنید - می آید به ردیف هشتم قرار میگیرد. این حاکی از چیست؟ حاکی از استعداد فوق العاده نیست؟ در اوّل جنگ، ما نمیدانستیم آر. پی. جی چیست - آر. پی. جی یک موشک کوچک است؛ آنهایی که توی جنگ بودند، آن را دیدند و بارها تجربه کردند - نه داشتیم، نه بلد بودیم، نه جزو سلاحهای سازمانی ما بود؛ حالا بعد از گذشت چند سال، با تحریم، کشور ما موشک سجیل میسازد، موشک ماهواره بر میسازد؛ دنیا هم همین طور و می ایستد، با تعجب نگاه میکند. اوّل هم انکار کردند؛ گفتند بیخود میگویند، دروغ میگویند، نمیتوانند؛ بعد دیدند نخیر، هست. در همه‌ی بخشها همین جور است. خب، اینها معنایش چیست؟ معنایش این است که این جوان خیلی بااستعداد است؛ این ملت خیلی پرفریت است؛ این نیروی انسانی خیلی باارزش و نازنین است. از این باید استفاده کرد. پس ما میتوانیم. همّت مضاعف معنایش این است که این ظرفیت را به فعلیت برسانیم.<sup>۱</sup>

■ شما نگاه کنید امروز بسیاری از حسادتها و رقابتها و حسرتها و

۱. در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور ۱۳۸۹/۲/۸

احساس عقب ماندگی های دشمنان بین المللی ما به خاطر پیشرفت علمی شماس. آنهایی که امروز ملت ایران را تحسین میکنند، به خاطر علمش او را تحسین میکنند؛ آنهایی که دشمنی میورزند به خاطر علم اوست که دشمنی میورزند. پیشرفت علمی شما یک چنین اثری دارد.

این تازه در قدم اول است. ما هنوز کاری نکردیم. بله در نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، بحثهای هسته ای، بحثهای هوا - فضا و رشته های گوناگون علمی پیشرفتهایی شده که مهم و بزرگ است؛ اما اینها در مقیاس و معیار حرکت علمی یک کشور چیزی نیست. یکی از دوستان گفتند و بنده هم این آمار را دارم، که سرعت پیشرفت علمی و تولید علم در کشور ما یازده برابر متوسط دنیاست. این را یک مرکز تحقیقاتی غربی - مستقر در کانادا - با جزئیاتش ذکر کرده است. البته این یازده، متوسطش است؛ در بعضی از قسمتها سی و پنج برابر سرعت رشد دنیاست؛ در بعضی جاها هم کمتر است؛ متوسطش میشود یازده برابر. یعنی سرعت پیشرفت علمی ما در طول این ده سال پانزده سال اخیر یازده برابر سرعتی است که دنیا داشته؛ این خیلی چیز مهمی است. لکن این آن چیزی نیست که ما توقع داریم و دنبالش هستیم؛ این خیلی کمتر از آن است. این سرعت بایستی با همین شدت ادامه داشته باشد تا ما به تراز مورد نظر برسیم؛ این در دانشگاه لازم است.

در دانشگاه پرورش انسان در تراز شهید چمران لازم است؛ این را لازم داریم. خب پس استاد بسیجی میدانند در دانشگاه بایست چه کار کند؛ این حضور دائم، این حضور بجا و بهنگام، این حضور مخلصانه و مجاهدانه برای استاد بسیجی به این معناهاست که گفته شد؛ و استاد خیلی نقش دارد. نقش استاد در محیطهای آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد میتواند مربی باشد؛ استاد، تربیت کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد، علی الظاهر از تأثیر بقیه ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد میتواند یک کلاس را، یک مجموعه ی دانشجو یا دانش آموز را با

یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسانهای متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه شما گاهی یک جا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - میتوانید یک کلمه بر زبانتان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان میماند و او را تبدیل میکند به یک انسان مؤمن. استاد اینجوری است.<sup>۱</sup>

ما هنوز اوّل راهیم؛ نمیشود گفت وسط راه. ما خواسته‌ایم کشور و جامعه‌ی خود را طبق نظر اسلام بسازیم. طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ای را باید ساخت؟ جامعه‌ای که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسانها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ای را میخواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه‌ی علم، همه‌ی بنیانهای اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ای را میخواهد که در آن، افراد و مجموعه‌ی یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه‌ی ملتها؛ «تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ».<sup>۲</sup>

البته ما وارد این راه شدیم و قدری هم پیش رفتیم و نتایج آن مقدار پیشرفت را هم داریم مشاهده میکنیم. چقدر در این مملکت کار شده است؛ چقدر از لحاظ علمی و فناوری این کشور پیشرفت کرده است؛ چقدر اعتماد به نفس جوانان در میدانهای مختلف علمی، فناوری و فعالیتهای گوناگون بالا رفته است. ملتی که به او تفهیم کرده بودند هیچ کاری نمیتواند بکند و همه چیز را باید دیگران بکنند و او باید بنشیند و تماشا کند و از آنها گدایی کند، در حال حاضر به احساس استغناء و

۱. در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۸



توانایی رسیده و افقهای جدیدی را در مقابل خود ترسیم کرده است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما هنوز در اوایل راه قرار داریم و خیلی بیش از این باید پیشرفت کنیم.<sup>۱</sup>

■  
حیات اسلامی، حیات طیبه است. حیات طیبه، یعنی زندگی‌ای که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی، احساس آرامش و آسایش نماید. ما در تشکیل نظام اسلامی و دولت و حاکمیت اسلامی، به اسلام نزدیک شده‌ایم و ارزشها را - تا آن حدی که برای ما مقدور بود - در حکام و زمامداران رعایت کرده‌ایم. در این بخش، به همین اندازه زندگی شیرین شد.

در گذشته و امروز، در همه جای دنیا، حکام متکبر و مستکبر و از مردم جدایند و برای خود کار میکنند و دنبال منافع شخصی خویش هستند. ما در دوران رژیم سابق، این واقعیت را در کشورمان دیده بودیم. امروز هم در بسیاری از جاهای دنیا - اگر نگوییم در همه جا - این واقعیت را می‌بینیم. امروز، این پدیده در ایران نیست. امروز، زمامداران و مسئولان امور کشور ما - آنهایی که دستشان مسئولیتهای عمده است - پاک و از مردم و با مردم و پارسا و با تقوایند. در همین قسمت، به همان اندازه که ما به اسلام نزدیک شدیم، مردم احساس آرامش و آسایش میکنند.

ما در زمینه‌ی دور کردن مردم از فحشا و فساد، اندکی به اسلام نزدیک شده‌ایم. جوانان ما، به سلامت و عافیت معنوی و روحی نایل شده‌اند و از پوچی و فساد اخلاقی و تردیها و دلزدگی‌های زندگی، آسوده و رها گردیده‌اند. ما در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، در آن بخشهایی که سیاستهای اسلامی عمل شد، به اسلام نزدیک شده‌ایم و در همان بخشها مردم احساس آرامش و آسایش میکنند. در هر جا هم که وارد مرحله‌ی اسلام و مقوله‌ی اسلامی نشدیم، مردم در آنجا همان زندگی دشوار و وضعیت ناخوشایند را دارند. کسانی که اهل تحلیل و

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۳/۳

استدلال و بحث هستند، بردارند فهرست کنند تا برای مردم روشن بشود. ما باید خود را به سرچشمه‌ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی شیرین شود.<sup>۱</sup>

ملت ایران در این راه حرکت کرده‌اند، پیشرفت کرده‌اند و کارهای بزرگی انجام داده‌اند. آنچه امروز در وضع کنونی ما مشاهده میکنید - این پیشرفتهای، این توانایی‌ها، این امکانات فراوان، این مسجّل شدن و حتمی شدن شعارهای اصلی انقلاب - اینها آسان به دست نیامده است؛ ملت ایران اینها را با توانایی‌های خودشان، با بصیرت خودشان به دست آوردند و به توفیق الهی این راه را ملت ایران ادامه خواهند داد. آینده متعلّق به ملت ایران است. کید دشمنان و مکر بدخواهان نخواهد توانست این ملت را از این راهی که در آن حرکت میکند، منحرف و منحرف کند. جوانهای ما امروز بصیرتشان بحمدالله بصیرت بسیار خوبی است. در عرصه‌های مختلف، جوانهای ما کارهای بزرگی را دارند انجام میدهند؛ این را بایستی روزبه‌روز بیشتر کرد. این ثبات قدم را، این ایستادگی را، این الثّام و همبستگی ملّی را بایستی روزبه‌روز بیشتر کرد. تمسّک به شعارهای اسلام و تمسّک به قرآن و تمسّک به سیره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) و به کلمات امیرالمؤمنین روزبه‌روز باید بیشتر شود.<sup>۲</sup>

### ارزیابی و توقّع پیشرفت در عرصه‌های علمی

شما این را بدانید - شاید هم میدانید؛ البتّه من آمارهای بیشتری دارم، اطلاعات وسیع‌تر و جزئی‌تری دارم - که در هفت هشت ده سال اخیر، کشور یک حرکت عظیمی در این زمینه انجام داده و کارهای بزرگی انجام گرفته. البتّه بعضی گوشه کنار، توی دانشگاه و بیرون دانشگاه،

۱. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه سالروز

قیام مردم قم ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲. در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (علیه‌السلام) ۱۳۸۹/۴/۵

یأس آفرینی و منفی‌بافی میکنند؛ اما بیخود میگویند، دروغ میگویند. بعضی از اینها غافلند، بعضی هم بدتر از غافل. حرکت، انصافاً حرکت موفقیتی بوده است. در این سالها کارهای بزرگی انجام گرفته. ملت، جوانان، مجموعه‌ی علمی، دانشگاه‌ها، مدیران علمی نشان دادند که استعداد خوبی وجود دارد برای این حرکتی که مورد نظر ماست؛ بنابراین ما پیشرفت کرده‌ایم.

این پیشرفت اقتضا میکند که ما امیدوارانه‌تر پیش برویم. نظر تعداد قابل توجهی از کارشناسان ایرانی و غیر ایرانی این است که کشور ما قبل از موعد معین، یعنی ۱۴۰۴ - که پایان دوره‌ی برنامه‌ی چشم‌انداز بیست ساله است - به آن چیزی که در چشم‌انداز وعده داده شده، خواهد رسید؛ یعنی رتبه‌ی اول علمی در میان کشورهای اسلامی. برآوردها این است؛ این به خاطر شتابی است که وجود دارد. پس امیدوار باشیم، لحظه‌ها را از دست ندهیم، به نیروی خودمان اتکاء کنیم و حرکت را با جدیت، با صمیمیت و با شرایط لازم ادامه دهیم. این یک نکته.<sup>۱</sup>

ارتباط داشته‌ام. میدانید من هر سالی چند بار به مناسبت‌های مختلف با جوانها مینشینم و از اینجور جلسات داریم؛ صحبت میکنند، حرف میزنند، نظرات را بیان میکنند. من در نفس خودم ارزیابی‌ای فارغ از برنامه‌ریزی‌های کلان یا غیر کلان که در کشور هست، دارم. در این ارزیابی من فاصله‌ی محسوسی مشاهده میکنم بین آنچه امروز ما داریم و آنچه ده سال قبل داشتیم؛ یعنی پیشرفت به طور واضح خودش را نشان میدهد. مسئولین محترم با توجه به این واقعیت برای آینده برنامه‌ریزی کنند. این نکاتی که این جوانان عزیز اینجا گفتند، دقیقاً همان نکاتی است که در ذهن انسانی که فکر میکند روی مسئله‌ی حرکت علمی کشور و آینده‌ی کشور و پیشرفت کشور، وجود دارد. پیداست جوانها عمیقاً به مسائل اساسی توجه دارند.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴

۲. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

از این کارهای علمی ای که دارد میشود، هم من و هم هر فردی از افراد کشور که مطلع باشد، افتخار میکند. به پیشرفت علمی در مسئله‌ی هسته‌ای، همه افتخار میکنیم؛ به پیشرفتهای بسیار حائز اهمیت در زمینه سلولهای بنیادی - که گفته شد - و کارهای عظیمی که در این زمینه انجام گرفته، همه افتخار میکنیم؛ در بخش نانو، در بخش فناوری زیستی و غیرذلک پیشرفتهای خوبی صورت گرفته و همه افتخار میکنیم؛ اینها چیزهای کوچکی نیست، چیزهای بزرگی است؛ لیکن اینها چیزهایی نیست که بتواند به ما بگوید کشور از لحاظ علمی، یک پیشرفت مطلوب و کاملی کرده است. با اینکه در بعضی از این رشته‌ها تازه وارد شده‌ایم، در عین حال جزو ده کشور اول دنیا هستیم که این فناوری‌ها یا این دانش را داریم؛ لیکن این کافی نیست.

چی لازم است؟ آنچه در کشور لازم است و میتواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخارانگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه‌ی علمی کامل است. در همه‌ی بخشها یک چرخه‌ی به هم پیوسته‌ی مهمی از انواع دانشهایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا اینها هم افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه‌ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه‌ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازه‌ی علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤالها پاسخ داده شود؛ اینها همه‌اش لازم است.<sup>۱</sup>

زنجیره‌ی علم، فناوری، تولید محصول و تجاری سازی - که این زنجیره‌ی بسیار مهمی است - در حال شکل گیری است؛ یعنی دانش را تولید میکنند، آن را تبدیل به فناوری میکنند، محصول را تولید میکنند،

۱. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴

محصول را به بازار تجارت جهانی می آورند و برای کشور تولید ثروت میکنند. این دانش فقط دل خوشکنک نیست، که ما بدانیم حالا در این زمینه پیشرفت کردیم؛ نه این دانش کشور را ثروتمند میکند، سودش به همه‌ی مردم میرسد. این، کشاندن مسیر تولید علم به ثروت ملی کشور است و پاسخگویی به نیازهای ملت. این در زمینه‌ی علم، که حقاً و انصافاً همت مضاعف و کار مضاعف در آن مشهود است.<sup>۱</sup>

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفتهای مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخشها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عام تمامی‌ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم. این کار، تلاش لازم دارد؛ این همانی است که من در یک جلسه‌ای با جمعی از فرزندگان و دانشگاهیان - که به نظرم ماه رمضان بود - گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد.

خب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ای به دانشگاه‌ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست. اینجا، هم بنیاد ملی نخبگان وظایفی دارد، هم مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها و وزارت‌های دانشگاهی مسئولیت دارند. نگاه بنیاد ملی نخبگان بر روی نخبگان نباید این بنیاد را از نگاه به دانشگاه‌ها غافل کند؛ یعنی باید یک نگاه ستادی به دانشگاه‌ها داشته باشد و ارتباط بین مجموعه‌ی بنیاد ملی نخبگان و دانشگاه‌ها باید مستحکم شود. از آن طرف هم در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتماً بایستی در مجموعه‌ی کارهای دانشجویی وجود داشته باشد؛ که البته در بخشهای تحصیلات تکمیلی، این معنا بیشتر خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

۲. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴

باید روی علم تکیه کرد. این پیشرفتهایی که ذکر کردند، اینها پیشرفتهای بسیار مهمی است؛ در سایه‌ی آزادی و آزادفکری ناشی از انقلاب اسلامی هم به وجود آمده؛ والا اگر در نظام دیکتاتوری وابسته‌ی دوران طاغوت زندگی میکردیم، قطعاً این برای ما پیش نمی‌آمد؛ یعنی گذشت زمان این پیشرفت را به ما نمیداد. دیکتاتوری بود و وابستگی هم بود. حالا یک وقت دیکتاتوری هست، پیشرفت هم هست؛ مثلاً در رأس، یکی مثل ناپلئون است، که در دوره‌ی خودش دیکتاتور است، اما فرهنگستان درست میکند. پیشرفتهای بزرگ علمی‌ای در همان چهارده پانزده سال حکومت ناپلئون در فرانسه به وجود آمد که شاید تا هفتاد هشتاد سال بعد از ناپلئون هم این مقدار پیشرفت برای آنها پیش نیامد. این پیشرفتهای هنوز هم مایه‌ی افتخار فرانسوی‌هاست. ناپلئون بالاخره یک آدم هوشمندی بود، علاقه‌مند بود، پرکار بود، فهمیده بود و آدم‌های فهمیده‌ای هم همراهش بودند. لیکن یک وقت همان دیکتاتوری هست، همراه با وابستگی، همراه با نوک‌رصفی؛ این چیزی بود که ما در سالهای متمادی دچارش بودیم؛ در دوران پهلوی‌ها یک جور، در دوران قاجار یک جور دیگر. در دوران قاجار هم ما به نحو دیگری وابسته بودیم. یعنی قبل از دوران شکوفایی استعمار که امثال ناصرالدین شاه حکومت میکردند، در همان وقت هم متأسفانه ما زیر سلطه بودیم. خب، این حالت استبداد و دیکتاتوری که آزادی را از مردم میگیرد؛ بعد آن وقت وابستگی است که سیاستهای بیگانه را بر کشور تحمیل میکند. اگر آن استبداد و وابستگی بود، ما پیشرفت نمیکردیم؛ پیشرفت کنونی که آغاز شده، ناشی از انقلاب اسلامی است. اگر ما بخواهیم این پیشرفت ادامه پیدا کند، کار لازم است، تلاش لازم است؛ لذا خیلی باید تلاش کرد. دانشگاه در این زمینه نقش عمده‌ای دارد.<sup>۱</sup>

۱. در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳/۱۱/۱۳۸۸

## فصل، فصل جهش است

ما در یک برهه‌ای هستیم که آماده‌ی جهشیم؛ ما امروز آماده‌ی جهش در پیشرفتیم. مسئله‌ی ما امروز فقط مسئله‌ی حرکت به جلو نیست. شرایط کشور به گونه‌ای شده که این ملت می‌تواند یک حرکت عظیم، یک جهش در پیشرفت برای خودش به وجود بیاورد. چرا؟ اولاً زیرساختهای زیادی آماده شده؛ علم در کشور بالا رفته؛ مدیریتهای قوی به وجود آمده است. یکی از مشکلات ما در گذشته‌ها، نبودن مدیریتهای قوی و سالم در کشورمان بوده. امروز ما تجربه‌ی یک مدیریت انقلابی قوی سی ساله داریم. پس این یک زیرساخت است. زمینه‌های کار فراهم شده است؛ امید به پیشرفت زیاد شده است. وقتی می‌آیند میگویند ما دارویی را در کشور ساختیم که همه‌ی دنیا به آن احتیاج دارند، همه‌ی دنیا هم به آن مبتلا هستند، هیچ کدام از مراکز علمی دنیا هم هنوز آن دارو را نتوانستند بسازند، ما توانستیم بسازیم، این خوب، امید میدهد به جوان ما. وقتی که ملت مشاهده میکند که ما بدون اینکه یک کشور پشتیبانی داشته باشیم، توانسته‌ایم از درون خودمان دانش هسته‌ای را رشد بدهیم، فوران بدهیم، به پیشرفت برسایم، خوب جوان امیدوار میشود.

در دنیا چند تا از کشورهای دارنده‌ی دانش هسته‌ای این را بطور بومی توانسته‌اند در خودشان به وجود بیاورند؟ بسیار کم. هستند، اما بسیار بسیار نادر؛ از دیگران گرفته‌اند. بسیاری از همین‌هایی که الان - ما این را اطلاع داریم، بنده میدانم؛ از روی اطلاع دارم عرض میکنم - دانش هسته‌ای دارند، کشورهای پشتیبان به آنها بسته‌ی دانش را اهدا کردند؛ روی دلایل ایدئولوژیکی و سیاسی و بقیه‌ی چیزها. ما نه؛ ما توانستیم خودمان این کار را انجام بدهیم. همانطور که گزارش دادند، کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفته. در زمینه‌ی سلولهای بنیادی، جوانهای ما توانستند با پیگیری، با پشتکار، با فراگیری، کارهای بزرگی را انجام بدهند. خوب، اینها خیلی امیدبخش است.

پس امروز ما تجربه‌مان بیشتر است، امیدمان بیشتر است، زیرساختهایمان زیادتر است و فصل توانایی و فصل جهش فرا رسیده.

ملت خود را شناخته؛ جوان خود را شناخته؛ ضریب بالای هوشی کشور شناخته شده است؛ پس فصل جهش است. وقتی فصل جهش است، پس کار اهمّیت مضاعف پیدا میکند؛ کارآفرینی هم به همین نسبت اهمّیت مضاعف پیدا میکند. این یک دلیل<sup>۱</sup>.

### پیشرفتهای ناقص یا ضعیف

تحوّل نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحوّل آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاه ها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است؛ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، مسائل مربوط به اخلاق جامعه، این کارها همه اش کارهای مهمّی است؛ لیکن به نظر صاحب نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ی انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزّت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملّتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.<sup>۲</sup>

### ۱- عدم توفیق در ایجاد نظام اداری متناسب با هدفهای جمهوری

#### اسلامی

از جمله زمینه‌هایی که بعد از انقلاب تا امروز، با همه‌ی تلاشی که شده است، نتوانسته‌ایم در آن پیشرفت شایسته‌ای را به دست آوریم، زمینه‌ی نظام اداری متناسب با هدفهای جمهوری اسلامی است.

۱. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

۲. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱



جمهوری اسلامی می‌خواهد انسان ایرانی، حداقل در درجه‌ی اوّل رستگار شود - رستگاری معنوی، رستگاری اجتماعی، رستگاری فردی، رستگاری سیاسی - و از اسارت‌ها و بندها خارج گردد؛ بندهایی که او را از سیر باز میدارد؛ بعکس، در مقابل حدود و قوانین و قیودی که در این حرکت و سیر، به او کمک میکند، تعبد و پایبندی داشته باشد. نماز هم یک قید است؛ اما «معراج المؤمن» است. این تقید و این پایبندی، انسان را به معراج میرساند و از گناهان و آلودگی‌ها پاک میکند. این رستگاری چه موقع حاصل خواهد شد؟ نظام اداری متصدی امور کشور، چقدر میتواند نقش داشته باشد؟ خیلی. ما نمیتوانیم بگوییم در این زمینه کم‌کاری داشته‌ایم - شاید هم خیلی کار کرده‌اند - اما به‌هرحال کم پیشرفت داشته‌ایم. الان هم با اینکه مکرر گفته میشود و همه هم می‌گویند، اما انسان عمل و تلاش بایسته را مشاهده نمی‌کند. این از نقایص ماست؛ مسئولان ذی‌ربط باید در این زمینه کار کنند. آن مقداری که به نصیحت و تذکر ارتباط پیدا میکند، این چیزی است که من حالا عرض میکنم؛ که البته این کافی هم نیست؛ این فقط نصیحت و تذکر به خودم و به شماست.<sup>۱</sup>

## ۲- مسئله ارتقای بهره‌وری و شکاف درآمدها

آنچه در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده‌ی در برنامه‌ی پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم. من دو سال قبل در زمینه‌ی مسئله‌ی صرفه‌جویی و مشکلاتی که در باب بهره‌وری وجود دارد، در همین سخنرانی اوّل سال مطالبی عرض کردم. مردم باید اینها را بدانند. من به مسئولان کشور توصیه میکنم که در زمینه‌ی اهمیت ارتقای سهم بهره‌وری در رشد

۱. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴

اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله‌ی درآمدی دهکهای بالا و پایین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمیپسندد. تا حدی که در برنامه‌ی پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد.

### ۳- مسئله صرفه‌جویی در مواد اساسی

صرفه‌جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه‌جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف میکنیم، در بخش کشاورزی مصرف میشود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه‌ی بخشهای دیگر - بخش خانگی، بخش صنعتی و بخشهایی که احتیاج به آب دارد - ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده میکنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه‌جویی کنیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. در واقع امکانات بهره‌برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر میشود؛ که این بسیار چیز مهم و باارزشی است.

### ۴- مسئله‌ی جلب مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم - ان شاء الله - این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتواند - ان شاء الله - مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند.<sup>۱</sup>

۱. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

### ۵- مسئله‌ی خصوصی سازی

باز از جمله‌ی چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه میکنیم و به عنوان توصیه‌ی جزمی مطرح میکنیم، مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ است. خیلی بایستی به این سیاستها اهتمام ورزید. خب، حالا در مقایسه‌ی خصوصی سازی در سالهای طولانی گذشته با این چند سال، آماری ذکر میشود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاستهای اصل ۴۴ ابلاغ نشده بود. یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاستهای اصل ۴۴ نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاستها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله‌ی اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد. لذا مقایسه‌ی با قبل از آن دوران، مقایسه‌ی تعیین کننده‌ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل ۴۴ چه کار کردیم؛ این مهم است. ببینید، روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ و الا اگر مدیریتها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاستها اجازه میدهند و با همان رعایتی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید.

البته در برخی از سرمایه‌گذاریها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه‌گذاری ندارد. خب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین‌طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاستها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاریهای بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاستها. البته دولت وقتی که شانه‌ی خودش را از فعالیت‌های اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره میگیرد؛ نه سیاستگذاریها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند.

در آن سالهای دهه‌ی ۶۰ که آقایان همین‌طور به سمت روزه‌روز

غلیظتر کردن اقتصاد دولتی می‌رفتند، من مثال می‌زدم و می‌گفتم فرض کنید یک موتور است که می‌تواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان مینشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هِن و هِن دارید جلو می‌روید؛ هم نمی‌رسید، هم خسته می‌شوید، هم همه‌ی بار حمل نمی‌شود، هم این موتور اینجا بیکار می‌ماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها می‌گفتم، اثر هم نمی‌کرد. امام هم هرچه می‌گفتند به مردم بدهید، اینها می‌گفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه می‌کردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه جوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا می‌کردند! خب، این توجیه، غلط بود.

الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف می‌زدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط میکنند. بالاخره یک خط متعادل وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه - ان شاء الله - این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمی‌گیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد - واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد.<sup>۱</sup>

### شرایط کلی پیشرفت کشور

آنچه من از مجموع احساس میکنم، این است که کشور ما بحمدالله در جاده‌ی پیشرفت و تعالی حرکت خوبی را آغاز کرده است. البته این

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

حرکت که روزبه‌روز هم شتاب بیشتری گرفته است، ناشی از زحمات و تلاشهای مسئولان و ملت در طول سالیان متمادی است؛ اما خوشبختانه این حرکت هرچه گذشته است، شتاب بیشتری پیدا کرده است. مثلاً در عرصه‌ی تولید علم، طبق آمارهایی که مراکز متخصص جهانی و مراکز بین‌المللی اعلام میکنند، مشارکت کشور ما در پیشرفت علمی و تولید علم در دنیا بیش از یازده درصد است؛ در حالی که ما یک درصد مردم دنیا هستیم و کشوری که بعد از ما در این منطقه بیشترین نصیب را داشته است، کمتر از شش درصد پیشرفت داشته است؛ بنابراین پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف بحمدالله خیلی خوب بوده است. این حرکت شتاب‌آلود و همراه با جدّیت و همّت، ان‌شاءالله بایستی ادامه پیدا کند.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۰/۱/۱